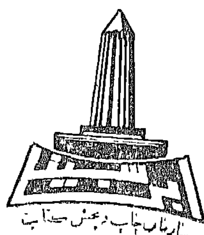
دکتر زهرای خانلری (کیا)

دانشیار دانشکدهٔ ادبیات

راهنمای ادبیات فارسی

(فرهنگ اعلام و اصطلاحات)



از این کتاب دوهزار و دویست و پنجاه نسخه در اردیبهشت ۱۳۴۱
در چاپخانهٔ دانشگاه طبع شد

از همین مؤلف

پروین و پرویز (رمان)

ژاله (رمان)

داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی — برندهٔ جایزهٔ یونسکو

ترجمه

رنجهای جوانی ورتر	اثر	آندره‌موروا نویسندهٔ فرانسوی
شبهای روشن	«	داستایوسکی نویسندهٔ روسی
بیست داستان	«	پیراندلو نویسندهٔ ایتالیائی

ناشر : کتابخانهٔ ابن سینا

چاپ اول

به یاد

« آرمان »

پسرک عزیز ناکامم که در هشت سالگی
درگذشت و من ، پس ازدوسال ، هنوز مرگ
او را باور ندارم .

شوق او به کتاب خواندن و آموختن
نکته‌های ادبی مرا به این کار برانگیخت .

افسوس که کتاب را با امیدی فراوان
آغاز کردم وباغم و دردی بی پایان به انجام
رسانیدم .

زهرای خانلری (کیا)
بهمن‌ماه ۱۳۴۰

مقدمه

این کتاب به منظور آن فراهم شده است تا همهٔ کسانی را که با ادبیات فارسی سروکار دارند ، راهنمائی باشد و هرکس بتواند برای رفع مشکلی یارد شبهه‌ای در هرمورد به آن مراجعه کند وازآن به‌عنوان مددی برای حافظه بهره‌ور گردد .

ب درادبیات فارسی خاصه‌درشعر غالبا به نکته هائی برمی‌خوریم که اشاره به واقعه‌ای تاریخی یا داستانی است وشاعر ازآن واقعه یا اشارهٔ به شخص یا داستان به تمثیل واستعاره یاد کرده است . دریافتن لطف شعر وغرض شاعر جز بادانستن آن داستان وشناختن آن اشخاص میسر نیست . گذشته ازاین درشعر فارسی همیشه به علوم مختلف از نجوم و منطق والهیات و عرفان و اصطلاحات ادبی اشاره شده است و درک مفهوم شعر محتاج آشنائی بااین اصطلاحات واشارات است .

موضوع کتابهای مهم علمی وادبی فارسی از تاریخ وفلسفه‌وشعر وعرفان وهیئت ونجوم وریاضی وهندسه ورشته‌های مختلف ادبیات نیز غالبا مورد اشکال است ونام مؤلف وتاریخ تألیف ومطالبی که آن کتابها متضمن است در خاطرها نمی‌ماند و همه برای رفع شبهه محتاج‌اند که به مأخذی رجوع کنند .

این کتاب برای رفع این گونه نیازمندیها تألیف شده است تا هر خواننده‌ای به‌آسانی بتواند موضوع اشکال یاابهام را در آن بیابد و به

مختصرترین عبارتی از نکتهٔ مقصود مطلع شود .

مطالبی که دراین کتاب جمع آوری شده از قرار ذیل است :

۱ــ ترجمهٔ حال بزرگان علم و ادب ایران که به زبان فارسی شاعری آثار برجسته‌ای دارند .

۲ــ نام بزرگان تاریخی که به طریقی درنظم‌ونثر ادبیات‌فارسی به آنها وسوانح زندگیشان اشارة شده است .

۳ــ نام و احوال اشخاص بزرگ داستانی که در ادبیات فارسی مورد تمثیل واستعاره واشاره واقع شده اند .

٤ــ نام و احوال پیغمبران وبزرگان دین و داستانهای مربوط به ایشان که درادبیات فارسی به آنان اشاره شده است .

٥ــ نام‌وعنوان وموضوع کتابهای‌مهمی که‌دانشمندان و ادیبان ایرانی به‌زبان‌فارسی‌یاعربی تألیف کرده‌اند باذکرآخرین ومتداول‌ترین چاپ آنها .

٦ــ اصطلاحات مهم‌علم هیئت‌ونجوم که‌درشعرفارسی‌آمده‌است .

۷ــ اصطلاحات معروف منطق و الهیات که در شعر فارسی به آنها برمی‌خوریم .

۸ــ نکته های اصلی ومهم علم عروض .

۹ــ اصطلاحات وتعریفات علم قافیه .

۱۰ــ اصطلاحات وتعریفات مهم علم بیان وصنایع بدیع

شک نیست که در این زمینه کتابی چندین برابر کتاب فعلی می‌توان تألیف کرد که شامل چندین جلد باشد ونگارنده خود زمینهٔ چنین تألیفی‌را فراهم آورده است وامیدواراست که توفیق بیابد وآن‌رابزودی

به پایان برساند، اما آن تألیف هدف وغرض دیگری دارد ومؤلف در این کتاب بیشتر جنبهٔ تربیتی را درنظر گرفته است تا جنبهٔ تحقیقی. یعنی نخواسته است کتابی بسازد که مورد مراجعهٔ محققان باشد، بلکه بیشتر قصد آن بوده است که از اطلاعات و معلومات مربوط به ادبیات فارسی آنچه مورد احتیاج واستفادهٔ علاقه‌مندان به شعروادب وتاریخ ادبیات ایران است وخاصه دانش‌آموزان ودبیران ودانشجویان را به کار می‌آید در اینجا فراهم بیاورد و این نکات را به شیوه‌ای مرتب کند که در هرمورد یافتن آنها بامراجعه به این کتاب هرچه آسانتر انجام بگیرد وبه این سبب چه در مواد مندرج در کتاب وچه درتوضیح وبیان هرماده تاتوانست به اختصار کوشید و گمان می‌کند که برای منظوری که درپیش داشته است ازاین مقدار تجاوز بسیار جایز نیست.

دراین کتاب ممکن است نقصها وخطاهائی راه یافته باشد که مؤلف امیدواراست با یادآوری خوانندگان دانشمند ومطالعاتی که خود به عمل خواهد آورد درچاپهای آینده برطرف شود. همچنین غلطهائی درچاپخانه بوجود آمده است مانند شکستگی حروف یا جابجا شدن عنوانها که بیشتر آنها درغلطنامه یادآوری شده است.

حروف راهنما دربالای صفحه‌ها برحسب حروف اول آخرین ماده درصفحه تنظیم شده است وبرای هرنوع مطلب و هریک از رشته‌های علمی وادبی دربرابر هرماده علامتی اختصاری قرارگرفته که خوانندگان فهرست آنهارا درصفحهٔ جداگانه ملاحظه خواهند کرد.

زهرای خانلری (کیا)

بهمن ماه ۱۳۴۰

نشانه‌های اختصاری

ن	بزرگان علم وادب
ك	کتاب
ش ــ ت	اشخاص تاریخی شاهنامه
ش ــ د	اشخاص داستانی شاهنامه
د	اشخاص داستانی
تن	تاریخ انبیاء
ب	علم بدیع وبیان
ع	علم عروض
ق	علم قافیه
ط	منطق والهیات
نج	هیئت و نجوم

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	درست
۷	۱۰	رجوع به	رجوع شود به
۸	بالای صفحه	ا ب ن	ا ب ل
۱۲	۲۱	سمر الملوك داسمره ملوك الفرس	(سیر الملوك یاسمره ملوك الفرس)
۲۰	بالای صفحه	ا و ب	ا ب و
۲۳	۱۳	لباب الالبات	لباب الالباب
۲۷	۳	بوده است	بوده اند
۲۷	۱۵	فاضلای	فاضلان
۲۹	۷	دادانسته	داشته
۳۸	۱۵	است	اند
٤۱	بالای صفحهٔ	ا س م	ا س ك
٤۲	»	ا ش ب	ا ش ب
٥٦	۳	ازار	از
٦۰	۱	بهسی رود	بهشمار می رود
٦۱	۱۹	دورا	دوررا
٦٥	۱۲	لعل	نعل
٦۸	۱۹	اطعمد	اطعمه
٦۹	۱٦	قسمنس	قسمی
۷۰	بالای صفحه	ب و ر	ب و ز
۱۰۲	۸	فخر الزمان	فخر الزمانی
۱۰٥	۷	اماو	اما
۱۱۳	بالای صفحه	ت ی ه	ب و س
۱۱٤	»	ب ح ا	ت ی ه
۱۱٦	۸	دوازد	دوازده
۱٦۳	٤	متبهه	مشتبهه
۱۷۰	۱	ملل	علل

صفحه	سطر	غلط	درست
۱۷۲	۷	شعر بیت	بیت
۱۷۲	۹	فر نظام	فرو نظام
۱۷۶	۹	رشمد	رشیدی
۱۷۶	آخر	دیگر	دیگر از آثار او
۱۷۸	۱۰	رما	رمل
۱۸۹	آخر	ریاصی	ریاض
۱۹٤	۱۲	داری	بازی
۲۰٤	۱۱	بزغله	بزغاله
۲۰۶	۱۰	سر	سفر
۲۰۸	بالای صفحه	س ا م	س ل م
۲۰۸	ماقبل آخر	سام	سلم
۲۲۹	۱۰	نویسندگان	نویسندگان بر
۲۳۵	۳	رضوان	رضوی
۲۶۲	۸	مگوی و	مگوی
۲۹۳	۱	فصا	فصل
۳۰۲	۱۷	قس	قبس
۳۱۰	۵	ویس او رمن	ویس و رامین
۳۱٤	آخر	ووعده الابرار	وعده الابرار
۳٤۵	۲۰	مجمع النواریخ	مجمل النواریخ
۳٤۸	۱۷	محمد بن غاز	محمد بن غازی
۳۵۲	۱۰	جله	جلد
۳۵۲	۱۸	فکیه	تکیه
۳۷۹	۱۹	به حسام الدین چلبی	به حسام الدین چلبی ارادت می ورزید
۳۸۲	۱	تألیفاب	تألیفات
٤۲٤	۷	حارم	چهارم

آ

آباء علوی (نج) کنایه ازهفت کوکب که به عقیدهٔ قدما درسرنوشت انسان تأثیر دارند .

نه من ناسزافرزند آباء علوی

چو عیسی زبان ابا کردم ز آبا

«خاقانی»

آب حیات (س) آبی که خضر درطلب آن به ظلمات رفت و ازآن نوشید وعمرجاودان یافت .

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

«حافظ»

آب حیوان رجوع شود به آب حیات .

آب حیوان تیره گون شد خضر فرخ پی کجاست

گل بگشت ازرنگ خود باد بهاران راحه شد

«حافظ»

آب خضر (دن) رجوع شود به آب حیات .

آبی که خضر حیات ازو یافت

در میکده جو که جام دارد

«حافظ»

آب زندگی (تن) رجوع شود به‌آب حیات

معنیّ آب زندگی و روضهٔ ارم

جزطرف‌جوببارومی خوشگوارچیست

«حافظ»

آتش خلیل (تن) آتشی که به‌فرمان نمرود برای سوزاندن ابراهیم خلیل‌الله افروخته شد ، ولی به امر خداآتش برابراهیم گلستان شد .

یارب این آتش که برجان من‌است

سرد کن زانسان که کردی برخلیل

«حافظ»

آتش طور (تن) آتشی که بر کوه‌طوربرموسی‌ظاهرشدوآن تجلی نورالهی بود و کوه ازآن پاره‌پاره گشت .

مددی گر به‌چراغی نکندآتش طور

چارهٔ تیره شب‌وادی ایمن چه کنم

«حافظ»

آتشکدهٔ آذر (ك) از تذکره های معروف. تألیف لطفعلی بیک آذر بیکدلی متخلص به«آذر»؛ که درسال ۱۱۷٤ تألیف یافته است. دراین تذکره ، شرح حال شاعران هند و ایران تا آخر قرن دوازدهم هجری ونمونه‌ای ازاشعارشان ضبط شده است . چنانکه خود مؤلف می‌گوید شاعران را برحسب بلادشان تقسیم کرده است،بدون رعایت سبقت‌زمان و تقدیم‌مرتبه . این ترتیب برحسب حرف اول‌نام‌شهر و حرف اول تخلص شاعراست . آتشکده شامل دومجمره است : مجمرهٔ اول درذکراحوال و اشعار شاعران متقدم است؛مشتمل بریک شعله درذکراحوال واشعار شاهزادگان وشاهان وامیران هردیار ازترك وتاجیك؛وسه‌اخگردرذکر

شاعران ایران‌وتوران وهند؛ وهراخگر شامل چند شراره است؛ شامل اسم ولایتها؛ ویک فروغ دراحوال زنان هرولایت.

مجمرهٔ دوم دربیان حالات شاعران معاصرمؤلف، مشتمل بردوپرتو: پرتو اول درذکرافکار شاعران معاصر، وپرتو دوم درذکر اشعارواحوال مؤلف کتاب. (چاپ تهران)

آتشکدهٔ برزین یا آذر برزین مهر یکی از سه آتشکدهٔ بزرگ زرتشتیان دردورهٔ ساسانی که درخراسان واقع بود وآتشکدهٔ خاص کشاورزان وبرزیگران بوده است.

گرد بستان زفروغ لاله گوئی آتشکدهٔ برزین است

«ابوالفرج رونی»

آتش وادی ایمن (بن) نوری که در وادی ایمن برموسی ظاهر شد وخطاب آمد: انی انا الله.

زآتش وادی ایمن نه منم خرم وبس
موسی اینجا به امید قبسی می‌آید

«حافظ».

آثار الباقیه عن القرون الخالیه (ک) تألیف دانشمند بزرگ ایرانی، ابوریحان بیرونی، که آن را درسال ۳۹۱ هجری به نام قابوس بن وشمگیر نگاشته است. کتاب به زبان عربی است و موضوع آن تواریخ مختلف ملل واعیاد آنهاست. مؤلف مبدأ تواریخ ملل وادیان مختلف را شرح می‌دهد؛ واز اختلاف سنوات، ایجاد شب وروز، ایام کبیسه، درنزد ملل مختلف گفتگو می‌کند؛ واز پیغمبران تا زمان بنی‌اسرائیل وملوک آسور و بابل جدولهائی ترتیب داده است. تاریخ ایران را به قتل یزدجردبن شهریار وزوال آل ساسان ختم می‌کند. پس از آن به‌شاهان

بعد از اسلام می‌پردازد .

ابوریحان در شرح مباحث مختلف از منابع استفاده‌اش نام می‌برد . همه‌جا از حمزهٔ اصفهانی ، طبری ، ابن خرداذبه ، و از منجمان بزرک مانند ابومعشر بلخی مطالبی نقل می‌کند . ابوریحان در ضبط اخبار حقیقی دقت بسیار مبذول می‌دارد و در جائی که به چند قول مختلف برمی‌خورد ، آنها را با هم مقابله کرده موثق‌ترین آنها را انتخاب می‌کند .

در هیچ تاریخی نمی‌توان اعیاد و روزها و عقاید ملل را مبسوط‌تر از این کتاب یافت . (چاپ اروپا)

آدم (ابو البشر) (تن) انسان نخستین ، که خداوند او را از خاک آفرید و برطبق آیات قرآن ، پس از چهل روز ، روح به کالبد او دمیده شد . همهٔ ملائکه به‌فرمان خدا آدم را سجده کردند جز ابلیس . خدای تعالی آدم را در بهشت جای داد و حوا را از پهلوی چپ او آفرید ؛ وایشان را از خوردن گندم ، وبه روایت توراه ازخوردن سیب منع کرد . ابلیس به کمک مار به بهشت رفت و آدم و حوا را فریفت تا گندم خوردند . حق تعالی برایشان خشم گرفت و درخت طوبی را فرمود تا شاخه‌های خود را به هم آورد وآدم وحوا را برگرفت واز بهشت بیرون انداخت . آدم به هندوستان برکوه سراندیب فرود آمد و چهل سال در آنجا طاعت کرد وگریست تا توبهٔ او قبول شد .

من ملک بودم وفردوس برین جایم بود
آدم آورد در این دیر خراب آبادم
«حافظ»

آذر بیگدلی (ت) لطفعلی بیک ، متوفی ۱۱۹۵ - از شاعران قرن

دوازدهم هجری. در اصفهان متولد شد و مقارن فتنهٔ افغان با خانوادهٔ خود به قم هجرت کرد وچهارده سال درآنجااقامت جست. پس از پایان تحصیلات به شیرازومکه‌سفر کرد ودربازگشت به خراسان رفت‌وهنگامی که قشون نادر ازهند برگشت، آذر بیکدلی باسپاه اوبه مازندران رفت وسپس به‌اصفهان‌بازگشت. پس از قتل‌نادر درخدمت علیشاه‌وابراهیم شاه وشاه سلیمان دوم وشاه اسمعیل‌سوم بسر بردوپس‌ازآن‌عزلت اختیار کرد وبه سرودن‌شعر پرداخت‌وفنون شعررا نزد سیدعلی مشتاق‌اصفهانی آموخت ودرقصیده وغزل ازمتقدمان پیروی کرد. از آثاراومثنوی«یوسف و زلیخا»ست. دیگرتذکرهٔ آتشکده که ازتذکره‌های معروف‌فارسی‌است.

آذرگشسب (ت) آتشگاهی بوده‌است‌درشهرشیزآذربایجان که در دورهٔ ساسانیان عبادتگاه خاص شاهان وسپهبدان بوده است.

همیدون گله هرچه داری ز اسب

ببر سوی گنجور آذر گشسب

«فردوسی»

آرش کمانگیر (ش-د) نام پهلوان ایرانی که برطبق روایات باستانی درلشکر منوچهربود وبرای تعیین مرز ایران‌وتوران،تیری ازآمل باساری انداخت که درکنار «جیحون» فرود آمد.

اگر خوانند آرش را کمانگیر

که‌ازساری به‌مروانداخت‌یک‌تیر

تواندازی به جان من زگوراب

همی هرساعتی صد تیر پرتاب

«ازویس ورامین»

آزر (تن) پدر ابراهیم پیغمبر، که پیشهٔ بت‌تراشی داشت.

بود با نو هدر وسواس شیطان
چنان چون با پسر تعلیم آزر
«انوری»

آزری (تن) منسوب به آزر بت‌تراش پدر ابراهیم خلیل.

دگر به روی کسم دیده برنمی‌باشد
خلیل من همه بتهای آزری بشکست
«سعدی»

آفتاب (نج) در اصطلاح نجومی گاهی خورشید را «آفتاب» می‌خوانند.
آفتاب در فلک چهارم قرار گرفته است.

آغاجی (ب) «ابوالحسن علی بن الیاس آغاجی بخارائی» از امیران معروف دربار سامانی و معاصر نوح بن منصور پادشاه سامانی (۳۶۶-۳۸۷) ودقیقی شاعراست. آغاجی در شعر فارسی و عربی دست داشته است. ازآثارش تنها بعضی ابیات وقطعات پراکنده باقی است.

آملی (ت) علامه شمس‌الدین محمد بن محمود آملی وفات ۷۵۳ - ازعالمان قرن هشتم هجری که در زمان الجایتو سلطان محمد خدابنده، مدرس سلطانیه بوده و با قاضی عضدالدین ایجی مناظره داشته‌است. علامه آملی شیعی مذهب بود وسفری به بیت‌الحرام کرد وگویا پس ازمرگ سلطان ابوسعید درهرج ومرجی که رخ داد ازسلطانیه به شیراز مهاجرت کرد ودرهمانجا وفات یافت.

ازآثار معروف او کتاب «نفایس‌الفنون» است که گویا در اواخر عمر تألیف کرده وبه نام ابواسحق اینجو ساخته است. دیگر ازآثار او «شرح کلیات قانون ابوعلی سینا» و«شرح کلیات کتاب طب سید شرف‌الدین»

ایلاقی و«شرح مختصرالاصول ابن حاجب» و«تهذیب الاصول علامه حلی»
علامهٔ آملی درفنون وعلوم مختلف استاد بود .

آیین اکبری (ك) تألیف شیخ ابوالفضل دکنی وزیر وپیشکار اکبرشاه (رجوع شود به اکبرنامه) .

آیینهٔ اسکندر (ش—د) یا آئینهٔ سکندر . آیینه‌ای بود که دربالای منار اسکندریه، که ازبناهای اسکندر برکنار دریای روم بود، نصب شده اوضاع فرنگ و کشتیها را ازصدمیل نشان می‌داد . شبی برادر غفلت پاسبانان فرنگیان آن را درآب انداختند و اسکندریه را برهم زدند .

در شعر فارسی گاهی «آئینهٔسکندر» مرادف با «جام جم» آمده‌است .
(رجوع به این کلمه)

آیینهٔ سکندر جام می است بنگر
تا برتو عرضه دارد احوال ملک دارا
«حافظ»

آیینهٔ اسکندری (ك) ازجملهٔ پنج مثنوی امیرخسرو دهلوی که آن را درسال ۶۹۹ به تقلید اسکندرنامهٔ نظامی ساخته است .

ابجد - رجوع شود به حساب ابجد -

ابراهیم (ن) ابراهیم خلیل‌الله : از پیغمبران وپسرآزر بت‌تراش بود . ابراهیم نمرود ومردم را ازبت پرستی باز می‌داشت وبه پرستش خدای یگانه دعوت می‌کرد ، ولی نمرود دعوت اورانپذیرفت وسرانجام به راهنمائی ابلیس دستورداد که ابراهیم راگرفتند ودرآتش انداختند . به‌فرمان خدای تعالی آتش سردشد وگلستان گشت وابراهیم نجات یافت . ابراهیم خانهٔ کعبه را ساخت و حجرالاسود به‌فرمان خدا درآن خانه گذاشته‌شد وازآن ببعد حج فرض شد . ابراهیم ازهاجر کنیزخود پسری

یافت به‌نام اسمعیل ' وچون نذر کرده‌بود که‌اگر پسری یابد قربان کند، به هنگام چهارسالگی اسمعیل ، ازخداوندفرمان رسید که باید به‌عهدش وفا کند . ابراهیم واسمعیل از این کار کراهت نشان ندادند، اما به‌فرمان خدا به موقع گوسفندی رسید تا بجای اسمعیل قربان شود · از آن پس قربانی کردن در کعبه فرض شد ·

بمان زآتش غوغای حادثات مصون

چنان کز آتش نمرود بود ابراهیم

«انوری»

کلکش ازبهر شرف تسلیم تیغ آمد بلی

مرتبت بفزود اسماعیل را تسلیم او

(خاقانی)

ابراهیم موصلی (ن)ابواسحق ابراهیم بن ماهان معروف به‌ندیم موصلی (که بعدها خود او نام پدرش را به میمون بدل کرده است) از خاندانهای محترم ارجان فارس بود . پدرابراهیم به کوفه مهاجرت کرد . ابراهیم درکوفه متولد شد وپس ازآن به موصل رفت ودرآنجا اقامت گزید وبه موصلی شهرت یافت . علم وفن موسیقی را در موصل وسپس درری نزد جوانوبه نام زردشتی آموخت ودختر او شاهک را به ازدواج خود درآورد . وی در دربار هارون الرشید، خلیفهٔ عباسی، مقامی عالی داشت و از پیشوایان و واضعان موسیقی اسلامی به شمار می‌رود .وفات ۱۸۸ -

ابلیس (دن) از ملائک مقرب که چون از امرخدا سرپیچید وآدم را مانند دیگران سجده نکرد ، ازدرگاه خدا رانده شد و پس ازآن آدم وحوا را فریب داد وبه خوردن گندم واداشت و موجب بیرون افتادن

ایشان از بهشت گردید .

گفتهٔ بدسگال چون ابلیس   دور کردم ازآن چو خلد جناب

«مسعود سعد»

ابن اثیر (ت) ابوالحسن عزالدین علی بن محمد وفات ۶۳۰ - ازمورخان بزرگ که دوران جوانی را در موصل وبغداد وشام به تحصیل فنون وادب گذراند و پس ازآن در موصل انزوا اختیار کرد . ابن اثیر معاصر با استیلای مغول بود ووقایع زمان قراختائیان و خوارزمشاهیان را تا اواخر ایام سلطان جلال الدین مینکربی ضبط کرده است ، از آثار معروف او کتاب «کامل التواریخ» است .

ابن اسفندیار کاتب (ت) بهاءالدین محمدبن حسن بن اسفندیار کاتب . ازکاتبان مشهور ایرانی دراواخر قرن ششم واوایل قرن هفتم . روزگار جوانی را در خدمت ملوك آل باوند گذرانده است . مدتی دربغداد بود ، پس ازآن به ری آمد ، درمدت توقف درری به کتاب امام ابوالحسن یزدادی دانشمند مشهور برخورد وآن را ازعربی به پارسی ترجمه کرد ومبنای تاریخ طبرستان قرارداد . پس از آن به آمل وازآنجا به خوارزم رفت وچندسال درآنجا بسر برد ویکی از ترجمه های ابن مقفع را دید که ازنامهٔ تنسر به گشنسب شاه بود وآن را به فارسی ترجمه کرد . ابن اسفندیار کتاب تاریخ طبرستان را درسال ۶۱۳ تألیف کرد وازاین سال ببعد اطلاعی از او دردست نیست .

ابن بابویه (ت) شیخ ابوجعفر محمدبن علی قمی معروف به شیخ صدوق . وفات ۳۸۱ - از فقیهان بزرگ شیعه ومحدثان معروف که دارای تألیفات بسیار می باشد . وی به قوت حافظه معروف و درنقل احادیث مورد اعتماد بوده است . ازتألیفات مشهوراو کتاب «من لا یحضره الفقیه»

است که مرجع علمای شیعه است. مقبرهٔ ابن بابویه درشهرری واقع است.

ابن البلخی (ت) صاحب کتاب فارسنامه. درزمان سلطنت محمدبن ملکشاه سلجوقی درخدمت رکن الدوله خمارتکین، والی پارس، به شغل استیفا مشغول شد وبه کسب اطلاع از تواریخ شاهان همت گماشت، کتابهای بسیار مطالعه کرد ومدارك قابل اعتماد فراهم آورد و کتاب فارسنامه رادرتاریخ وجغرافیای فارس تألیف کردوبه نام سلطان محمدساخت.

ابن حسام (ت) مولانامحمدبن حسام الدین خوسفی قهستانی. وفات ۸۷۵—از شاعران قرن نهم. قصایدی درمنقبت خاندان پیغمبردارد اثر معروف اوحماسهٔ دینی «خاورنامه» یا «خاوران نامه» است که موضوع آن داستانی است درشرح احوال وسفرها وحمله های حضرت علی بن ابیطالب به سرزمین خاوران به همراهی مالك اشتروجنگ با قبادشاه خاورزمین. شاعراین منظومه را درسال ۸۳۰ به پایان رسانیده است.

ابن خرداذبه (ت) ابوالقاسم محمد. از جغرافی نویسان مشهور اسلامی و کتاب مشهورش «المسالك والممالك» است که درحدودسال ۲۳۲ هجری تألیف یافته است.

ابن سینا (ت) رجوع شود به ابوعلی سینا.

ابن طیب (ت) ابوالفرج عبداله بن الطیب الجاثلیق. وفات ٤۳۵ - ازحکیمان مشهورقرن پنجم. برکتابهای ارسطو و جالینوس شروحی نوشته است. از کتب او «تفسیرمقولات ارسطاطالیس» وچند رساله درمباحث کلام مسیحیان است. آثار اوهمه به زبان عربی است.

ابن عربشاه (ت) ابوالعباس احمدبن محمدبن عبداله بن عربشاه. وفات ۸۵٤-ابن عربشاه باخانوادهٔ خودبه اسراسیرتیموردرسال ۸۰۳ ازدمشق به سمرقند کوچ کرد. درسمرقندنزد میرسید شریف جرجانی به کسب علم

پرداخت و کتاب مرزبان‌نامهٔ سعدالدین وراوینی را از فارسی به عربی ترجمه کرد. پس از آن به مملکت خوارزم واسترخان و ادرنه سفر کرد. مدتی منشی سلطان محمد اول پادشاه عثمانی گردید، بعد به دمشق بازگشت و از آنجا به زیارت مکه رفت وآخر در شهر قاهره ساکن شد.

از آثار او کتابی است به نام «عجایب المقدور فی نوائب تیمور» در تاریخ امیر تیمور. دیگر از تألیفات او «فاکهة الخلفا» ست به زبان عربی در حکم وآداب وپند واندرز به سبک کلیله ودمنه وشامل ده باب است. (چاپ مصر ۱۳۰۲ قمری)

ابن العمید (ت) ابن العمید ابوالفضل محمد بن حسین قمی. وفات ۳۶۰ — از وزیران وادیبان معروف آل بویه. پدرش دبیر ماکان کاکی بود که پس از کشته شدن ماکان به اسارت افتاد وبعد صاحب دیوان رسائل نوح بن نصر شد. ابن العمید بعداز پدر به وزارت رکن الدوله دیلمی رسید وتا پایان زندگی در وزارت آل بویه باقی ماند.

ابن العمید در بلاغت شهرت داشته ودر نوشته‌هایش معانی دقیق وصنایع لفظی را باهم جمع کرده است.

ابن فارس (ت) ابوالحسین احمد بن فارس الرازی. وفات ۳۹۰— از فاضلان وعالمان بزرگ لغت واستاد بدیع الزمان همدانی. از آثار او کتاب «المجمل» در لغت و کتاب «الصاحبی» که آن را به نام صاحب بن عباد تألیف کرده است. این کتاب شامل بحثهائی در زبان عربی واختلاف لهجه‌های عربی است.

ابن فقیه همدانی (ت) ابوبکر احمد بن محمد بن اسحق بن ابراهیم همدانی، از محدثان وجغرافی دانان مشهور قرن سوم. از معروفترین آثار او «کتاب البلدان» است در جغرافی که آن را به سال ۲۹۰ به زبان عربی

تألیف کرده و علی بن حسن شیرازی در حدود سال ۳۰٤ آن را خلاصه کرده است .

ابن فندق (ت) رجوع شود به بیهقی «ابوالحسن»

ابن قتیبه (ن) ابوعبداله محمدبن مسلم الکوفی المروزی الدینوری. وفات ۲۷٦— ازدانشمندان بزرگ قرن‌سوم که خوداودرکوفه متولد شده وپدرش درمرو . علت انتساب اوبه دینور اقامت اودراین شهر وداشتن سمت قضا درآنجاست . ابن قتیبه درعلوم ادبی و تاریخی شهرت بسیار داشته است و ازمهمترین آثارش کتاب «ادب الکاتب» و«کتاب‌المعارف» و «عیون‌الاخبار» است . ابن قتیبه درعلوم حدیث وقرآن وکلام هم آثاری دارد .

ابن مسکویه (ن) رجوع شود به ابوعلی مسکویه

ابن مقفع (ن) روزبه بسر دادویه معروف به عبداله بن مقفع. وفات ۱٤۲— روزبه‌معروف به عبداله‌بن‌مقفع ازدانشمندان مشهورایرانی که دربصره تربیت شد. چندی کاتب داوودبن یوسف ازحکام بنی امیه بود وپس‌ازانقراض دولت‌اموی به‌خدمت عیسی‌بن علی رسید وبه دست او اسلام‌آورد وبه‌عبدالله موسوم شد و درسال ۱٤۲ به دست‌سفیان بن معاویه، عامل بنی‌عباس، دربصره کشته شد .

ابن مقفع از بزرگان ادب است که به زبان پهلوی وعربی‌آشنائی کامل داشته و بسیاری از کتابهای ادبی را از زبان پهلوی به عربی ترجمه کرده‌است. ازکتابهای مشهوری که‌اوبه عربی‌ترجمه کرده است: کلیله‌ودمنه ، خداینامه ، سیرالملوك یا سیرة ملوك‌الفرس، آئین نامه ، گاهنامه ، کتاب مزدك ، کتاب التاج است .

ازآثارمهم ابن مقفع کتاب «ادب الکبیر» و«ادب الصغیر» را نیز نام باید برد .

ابن الندیم (ت) ابوالفرج محمدبن اسحق الندیم. وفات ۳۸۵ ه — ازدانشمندان معروف زبان عربی وسازه‌شناس العزیزبالله خلیفهٔ فاطمی. ابن الندیم احاطهٔ کاملی بر کتابهای مختلف داشته است. از آثاراو «کتاب الفهرست» است که دربارهٔ جمیع علوم اسلامی وعلماء و کتب مشهور نوشته شده است .

ابن هندو (ت) ابوالفرج علی بن حسین بن هندو. وفات ۴۲۰ — از حکیمان معروف قرن چهارم واوایل قرن پنجم . بعضی او را اهل ری و بعضی اهل طبرستان می‌دانند . ابن هندو مدتی را دربغداد گذراند وبعد به گرگان رفت و چندی درخدمت شمس المعالی قابوس و شمگیر وپسرش فلک المعالی سر برد و پس ازآن به نیشابور رفت .

از آثاراو درحکمت «الکلم الروحانیه» «الرسالة المشوقه فی المدخل الی علم الفلسفه» و«کتاب النفس» است .

ابن یامین (تن) برادر یوسف که پس از او نزد یعقوب از همهٔ برادران عزیزتر بود وبرطبق روایات ، هنگامی که یوسف عزیزمصر شد وبرادران یوسف برای خرید غله به مصرآمدند، یوسف دستورداد که رطل طلارا درانبان ابن یامین بگذارند تا به این بهانه اورا نزد خود نگهدارد ودرنتیجه یعقوب را به مصربکشاند .

چو یوسف نیست کزقحطم رهاند

مرا چه ابن یامین چه یهودا

«خاقانی»

ابن یمین فریومدی (ب) امیرمحمودبن امیریمین الدوله طغرائی:

وفات ۷۶۹ — از شاعران قرن هشتم هجری . پدرش شاعر بود و در خدمت خواجه علاءالدین محمد که از طرف سلطان ابوسعید بهادر درخراسان مستوفی بود ، شغل دیوانی داشت . ابن یمین هم مدتی به این شغل مشغول بود . وی دراوایل ، خواجه علاءالدین وبعد برادرش خواجه غیاث‌الدین هندو را مدح کرد ؛ وباعلاءالدین محمد به گرگان رفت وطغا تیمورحکمران گرگان را مدح گفت وبه خراسان و هرات رفت و به مدح امرای سربداران وآل کرت پرداخت .

از حوادث زندگی شاعران است که در جنگ زاوه که میان وجیه‌الدین مسعود سربداری و ملک معز الدین حسین کرت واقع شد ، به اسارت افتاد .

ابن یمین مذهب شیعه وذوق عرفانی داشته وبراثر تجربه های گوناگون قطعه های سودمند اخلاقی واجتماعی ساخته است . مجموع اشعارش به پانزده هزاربیت می‌رسد . بیشترشهرت‌اودر قطعات اخلاقی است . (دیوان ابن یمین - چاپ‌تهران - ۱۳۱۸ شمسی)

الابنیه عن حقایق الادویه (ك) کتابی به‌زبان فارسی درخاصیت دواها . تألیف ابومنصور موفق بن علی هروی که درآن نام ۵۸۰ دارو به ترتیب حروف تهجی ذکر شده است . نسخهٔ منحصر این کتاب در کتابخانهٔ وین به خط اسدی طوسی شاعر است که آن را درسال ۴۴۷ هـ اتمام رسانده است و این نسخه قدیمترین نمونهٔ خط فارسی است .

ابواب‌الجنان (ك) کتابی اخلاقی و دینی به فارسی تألیف رفیع‌الدین محمد واعظ قزوینی . متوفی ۱۰۸۹ هـ - که در دورهٔ صفویان تألیف یافته است . (چاپ تهران)

ابواسحق اطعمه (ت) شیخ ابواسحق شیرازی معروف به بسحق از شاعران قرن نهم هجری . قسمت عمدهٔ عمر خودرا در شیراز گذراند ومورد لطف اسکندربن عمرشیخ میرزا نوادهٔ امیرتیمور قرار گرفت . حرفهٔ ابواسحق حلاجی و از مریدان شاه نعمةالله ولی بوده است . ابواسحق شاعراطعمه واغذیه است . دیوانش شامل مقدمه‌ای است که نثروقصائد وغزلیات و رباعیات ومثنوی و ترجیعات که همه را به تقلید و استقبال شاعرانی مانند ظهیر، خواجو ، حافظ ،عراقی ، عبید ، سعدی ودیگران سروده است . همچنین رساله‌ای ازنظم‌ونثرآمیخته‌به نام «ماجرای برنج وبغرا»و«داستان مزعفروبغرا» دارد .

اشعار ابواسحق که شامل اصطلاحات کهنه ومتروك طباخی است ازنظر لغت مهم است . دیگررسالهٔ منظومی دارد به‌اسم «کنزالاشتها» که شامل ۱۰۸ بیت است . (دیوان بسحق اطعمه — چاپ اسلامبول و تهران) .

ابوالبشر (نن) رجوع شود به آدم

ابوجعفر محمد بن جریر طبری (ت) رجوع شود به طبری

ابوحفص سغدی (ت) ابوحفص حکیم بن احوص سغدی سمرقندی . ابوحفص را برخی اولین شاعر فارسی گوی دانسته‌اند . وی از موسیقی دانهای اوائل قرن چهارم است و شهرود از اختراعات اوست . شعری که به وی نسبت می‌دهند این است :

آهوی کوهی دردشت چگونه دودا
چوندارد یاری یار چگونه رودا

ابوحنیفهٔ اسکافی (ت) ازشاعران قرن پنجم . بیهقی دراواخرسلطنت فرخزاد غزنوی با او دوستی یافته و اورا جوانی فاضل وفقیهی دانشمند

خوانده است . ابوحنیفهٔ اسکافی در دربارسلطان ابراهیم غزنوی می‌زیست. بعضی از اشعار او درتاریخ بیهقی و لباب الالباب‌عوفی نقل شده است .

ابوحنیفهٔ دینوری (ت) ابوحنیفه احمدبن داد وند دینوری . وفات ۲۸۱—از دانشمندان بزرك قرن سوم هجری. تحصیلات خود را درمدارس بصره وکوفه‌انجام داد وزبان عربی را بخوبی آموخت. پس ازآن دراصفهان به‌تحصیل علم‌نجوم‌پرداخت ودرادب وهندسه وحساب ونجوم استاد گشت. ابوحنیفه درمسائل مختلف تألیفاتی به زبان‌عربی دارد که مهمترین آنها کتاب «اخبارالطوال» درتاریخ وکتاب«النبات» درعلم طبیعی وکتاب«الشعر والشعراء» و«کتاب الوصایا»ست.

ابوحیان توحیدی (ت)علی‌بن محمدبن‌العباس . وفات ۴۰۰— از معتزله و فیلسوف و نویسندهٔ مشهور ایران درقرن چهارم . ابوحیان مدتی درخدمت ابن‌العمیدوصاحب‌بن عباد بسربرده وبا ابوعلی مسکویه نویسندهٔ بزرك رابطه داشته است . ابوحیان از دانشمندان بزرگ بود و درنثر روان عربی استادی داشت . چنانکه اورا «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند . ازآثار معروف اوکتاب «المقابسات» است‌که آراء فلاسفهٔ بزرك‌آن‌عهدرا درباب‌مسائل مختلف‌وبحث‌های فلسفی ذکرکرده‌است.

دیگرکتاب «الامتاع والموآنسه» وکتاب «الهوامل والشوامل» است.

ابوریحان بیرونی (ت) رجوع شود به بیرونی

ابوزیدالبلخی (ت) ابوزید احمدبن سهل‌البلخی. وفات ۳۲۲— ازنویسندگان وفیلسوفان بزرك ایرانی که‌درفلسفه وکلام وتفسیر استاد بوده است. وی درتفسیر به‌ظواهرآیات اکتفا می‌کرد. کتابهای‌معروف

او «حدودالفلسفه» و کتاب «اخلاق الامم» و کتاب «صورالاقالیم» است درجغرافیا . اخیراً ترجمهٔ قسمتی ازاین کتاب بهفارسی بهدستآمدهاست که چند نقشه جغرافیائی نیز دارد .

ابوسعیدابی الخیر (ت) فضل الدین ابی الخیر محمد بن احمد مهنی،وفات ۴۴۰ هـ ـ از عارفان بزرگ و محدثان معروف قرن پنجم . در قریهٔ مهنه ازقراء خاوران خراسان متولد شد . پس از تحصیلات مقدماتی در علوم دینیه و ادبیات به سرخس رفت و به خدمت شیخ ابوالفضل محمدبن حسن سرخسی رسید و بعد در نیشابور به خدمت ابوعبدالرحمن سلمی نائل شد . ابوسعید در عرفان به مقام ارشاد رسید وبیان مردم نفوذ بسیاری بدست آورد . در مجالس وعظی که ترتیب می داد، اشعارفارسی،می خواند؛ومی توان گفت کهوی اولین سخنگوئی است که افکار عارفانه را باشعر بیان کرده است . در تفسیر و حدیث وفقه وادبیات نیز اطلاع کامل داشت . دوتن ازنوادگان شیخ دربارهٔاو کتابهائی نوشتهاند . یکی محمدبن منور که کتاب «اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابی سعید» رادرشرح حال او تألیف کردهودیگر کمال الدین محمد که درکتاب «حالات و سخنان شیخ ابوسعید ابوالخیر» شرح حال و گفتار او را بیان کرده است .

ابوسلیک گرگانی (ت) ازشاعران قرن سوم و معاصر عمر ولیث صفاری. منوچهری او را در شمار استادان بزرگ خوانده است . ابیاتی از او درتذکرهها ضبط است .

ابوالشرف ناصح گلپایگانی (ب) ابوالشرف ناصح بن ظفر بن المنشی الجرفادقانی . ازشاعران و دبیران فاضل دربار الغ بیک که به وصایت ابوالقاسم علیبن حسن وزیر الغ بیک به ترجمهٔ تاریخ یمینی

پرداخت واین کتاب را درسال ۳۰۶ به پایان رسانید .

ابوشکور بلخی (ت) از شاعران معروف قرن چهارم هجری که دردربار نوح بن نصرسامانی می‌زیسته است. اولین شاعری است که مثنوی ساخت ، منظومه‌ای به ابوشکورنسبت داده‌اند به نام «آفرین نامه» که درحدودسال ۳۳۶ سروده شده وابیات متفرقی ازآن باقی است .

ابوطاهر خاتونی (ب) وفات ۵۳۲ ه-علت‌شهرت او به‌خاتونی آن است که وی متصدی امور ومستوفی گوهر خاتون زوجهٔ محمدبن ملکشاه بوده است. ابوطاهراز فاضلان واعیان دولت سلجوقیان بوده ودرشاعری ونویسندگی فصاحت وظرافت داشته‌است. ازآثار او «مناقب‌الشعرا» بوده است که اکنون دردست نیست ولی دولتشاه ازآن نام برده است .

دیگر «تاریخ آل سلجوق» که آنهم موجود نیست .

ابوطیب‌مصعبی (ت) ابوطیب محمدبن حاتم‌المصعبی. ازکاتبان نصربن احمد که گویا بعد از عزل ابوالفضل بلعمی چندی منصب وزارت یافت ومطابق نقل ثعالبی در«یتیمة‌الدهر» به فرمان آن پادشاه کشته شد . ابوطیب ازشاعران زبردست درزبان فارسی وعربی بود .

ابو العتاهیه (ت) اسمعیل بن قاسم. وفات ۲۱۱ ه‍ ازایرانیانی که به‌عربی‌شعرسروده‌اند. این‌شاعر درادبیات عرب مقام مهمی‌داردودرمدح وغزل استاد بوده است .

ابوالعلاء شوشتری (ت) از شاعران و ادیبان قرن چهارم. وی کتابی درعروض به پارسی نوشته که ازقدیمترین کتابها در علوم ادبی پارسی‌است. اشعاری از او درترجمان البلاغه وحدائق السحر به‌عنوان شاهد آورده شده است .

ابوعلی بلخی (ت) ابوعلی‌محمدبن احمدالبلخی. از نویسندگان

نیمهٔ دوم قرن چهارم وازقدیمترین کسانی است که به نوشتن شاهنامهٔ منثور برداختند و بنا بـه گفتهٔ ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه، شاهنامه‌اش بسیار معتبر و مورد اطمینان و بیشترمستند به روایات کتبی بوده است تا شفاهی .

ابوعلی بلعمی (ن) رجوع شود به بلعمی

ابوعلی سینا (ت) شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبداله سینا . وفات ۴۲۸-ابوعلی‌سینا پزشک و فیلسوف و نویسندهٔ ایرانی که مقام وزارت داشت‌وازبزرگترین‌حکیمان وعالمان جهان بشمار می‌آید. بدرش اهل بلخ بود . ابوعلی ابتدا دربخارا برورش یافت ودرده‌سالگی قرآن وبسیاری ازعلوم ادب را آموخت ومنطق و اقلیدس والمجسطی را نزد ابوعبداله‌الناتلی که ازرجال مشهورقرن چهارم بود ، آموخت. پس‌ازآن به مطالعهٔ علم الهی وطبیعی وطب‌وریاضی برداخت ودر۱۸ سالگی از تحصیل علوم فارغ شد وبراثر معالجهٔ نوح‌بن‌منصورشاه سامانی، به‌دربار سامانیان‌راه یافت وچون کارسامانیان‌براثرغلبهٔ آل افراسیاب آشفته شد، به گرگانج پایتخت امراء مأمونیهٔ خوارزم رفت و به خدمت خوارزمشاه علی‌بن‌مأمون محمدرسید ونزد اوتقرب یافت. بس‌ازگرگان‌به‌ری‌وهمدان رفت و در حدود نه سال در همدان ماند و بر اثر معالجهٔ مرض قولنج شمس‌الدولهٔ دیلمی، بسر فخرالدولهٔ‌دیلمی، به دربار اوراه یافت وپس‌از چندی به مقام وزارت رسید . بعد از شمس‌الدوله در زمان بسرش به اتهام مکاتبه با علاءالدولهٔ کاکویه به زندان افتاد . بس از رهائی از زندان به‌اصفهان رفت وبه خدمت علاءالدوله کاکویه درآمد. وهمه جا درسفر وحضر وحتی درسفرهای جنگی با او بود، تا درسال ۴۲۸ که باعلاءالدوله به‌همدان‌رفت، درآنجا درگذشت و همانجا مدفون گردید .

ابوعلی‌سینا مردی نیرومند بود و به سبب همین نیروی جسمانی می‌توانست باشغل وزارت و کارهای سیاسی ورنج سفر، پیوسته به‌مطالعه وتحقیق وتألیف و تصنیف بپردازد . ابوعلی در علوم حکمت و فلسفه وطب وریاضی استادی داشت ودرهمهٔ رشته ها تألیفات فراوان از او در دست است .

آثار ابوعلی‌سینا بسیار متعدد است ودرحدود ۲۴۰ کتاب ورساله ازاو نام می‌برند که بسیاری‌ازآنها به زبانهای مختلف ترجمه شده است . ازمعروفترین‌آثار ابوعلی‌سینا کتاب شفا ، قانون ، اشارات، نجات، دانشنامهٔ علائی است .

شیخ علاوه برمقام شامخی که در علوم مختلف داشت ، دارای مقام ادبی قابل توجهی بوده است .

از جملهٔ‌رسالات‌ادبی‌او کتاب «اسباب‌حدوث‌الحروف»،یا «مخارج الحروف»است که به وسیلهٔ دکتر پرویزخانلری استاد دانشگاه به‌فارسی ترجمه شده ودرچاپخانه دانشگاه به چاپ رسیده است .

اشعار فارسی که به‌ابن‌سینامنسوب است بیست ودوقطعه می‌باشد که درتذکره‌ها ضبط است . اشعارعربی اوبیش از فارسی‌است وقصاید معروفی دارد ازقبیل قصیدهٔ عینیه وقصیدهٔ شکوائیه وجز اینها

ابوعلی‌مروزی (ب) ابوعلی بن الحسین المروزی از شاعران اواخرقرن ششم‌وآغاز قرن هفتم . ابوعلی مروزی‌مداح علاءالدین‌اسکندر ثانی محمدبن‌علاءالدین تکش خوارزمشاه (۵۹۷—۶۱۷) بوده است . عوفی دو قصیده از او درلباب الالباب آورده . رباعیاتی هم به نام او ثبت است .

ابوعلی‌مسکویه (ن) ابوعلی الخازن احمدبن محمدبن یعقوب

معروف به ابن‌مسکویه. وفات ۴۲۱ ه - ابوعلی‌مسکویه ازنویسندگان بزرگ وازمورخان مشهور اسلامی است. وی در خدمت عضدالدوله دیلمی می‌زیست وچندی خازن کتابخانه ابن‌العمید بود؛ به همین جهت خازن لقب گرفت.

ابوعلی به طب وفلسفه وکیمیا بسیار علاقه داشت وآثارفراوانی دراین علوم ازاو باقی است. ازجمله: الطهاره فی‌علم الاخلاق، کتاب فی‌جواب المسائل الثلث، آداب العرب و الفرس، جاویدان‌خرد، و از مهمترین آثارش «تجارب‌الامم» درتاریخ است.

ابوالفتح بستی (ت) نظام الدین عمیدابوالفتح علی بن محمد. وفات میان ۴۰۱ و۴۰۳- ابوالفتح ازشاعران عهد غزنوی و اواخر قرن چهارم، مدتی دربست سمت دبیری بایتوز، امیر بست، را داشت. چون ناصرالدین سبکتکین برباتیوز غلبه کرد، ابوالفتح را به دبیری خود خواند وابوالفتح تا پایان عمر سبکتکین صاحب دیوان رسائل او بود ودرابتدای سلطنت محمود نیز درشغل خود باقی ماند، سپس مغضوب سلطان قرار گرفت و از دربار او رفت. ابوالفتح درشعر و نثر عربی استاد بود ودو دیوان پارسی وتازی به او نسبت داده‌اند که در دست نیست. بعضی ازاشعارفارسی اودرلباب‌الالباب ومجمع‌الفصحاء نقل شده‌است

ابوالفتوح رازی (ت) جمال‌الدین حسین بن علی بن محمد بن احمدالخزاعی. وفات درحدود ۵۵۲- از عالمان بزرگ شیعه واز مفسران مشهور. وی از اولاد بدیل‌بن ورقاء خزاعی است که از بزرگان صحابهٔ حضرت رسول ص بوده است. اجداد ابوالفتوح درایران سکونت‌اختیار کردند و ایرانی‌شدند وعده‌ای ازآنان درنشابور و عده‌ای‌در ری اقامت کردند. ابوالفتوح درری به وعظ اشتغال داشت وهمانجا وفات کرد.

از آثار معروف او «روح الجنان» است که تفسیر معتبری از قرآن کریم است. دیگر «شرح الشهاب». و «رسالهٔ حسینیه» است در مسئله امامت.

ابوالفرج اصفهانی (ت) ابوالفرج علی بن الحسین الاصفهانی. وفات ۳۵۶ - از ادیبان بزرگ عرب در قرن چهارم و معاصر آل بویه. از آثار معروفش کتاب «الاغانی» است که مورد توجه صاحب بن عباد و عضدالدوله دیلمی قرار گرفت. این کتاب اطلاعات دقیق و سودمندی دربارهٔ شاعران عربی زبان و موسیقی دانان و اشعاری که به الحان موسیقی خوانده می‌شده و همچنین داستانها و روایاتی دربارهٔ رجال و امیران آن روزگار دربردارد

ابوالفرج رونی (ت) ابوالفرج بن مسعود رونی. از شاعران دورهٔ دوم غزنوی که در دربار سلطان ابراهیم بن مسعود (۴۵۱—۴۹۲) و پسرش مسعود بن ابراهیم (۴۹۲—۵۰۸) بسر می‌برده و ایشان را مدح کرده است. با مسعود سعد دوستی داشته و یکدیگر را در شعر ستوده‌اند.

ابوالفرج در شعر شیوهٔ نوی پدید آورد و سبک دورهٔ اول غزنوی را کنار گذاشت. قصایدش با تغزل شروع می‌شود و جز در چند مورد از ابتدا به مدح ممدوح می‌پردازد. در اشعارش لغات عربی و افکار علمی و استعارات و تشبیهات فراوان دیده می‌شود و به اوزان دشوار و ردیفهای دشوار می‌پردازد. سبک ابوالفرج مورد توجه شعرای بعد، خاصه انوری قرار گرفته است.　(دیوان ابوالفرج رونی چاپ تهران)

ابوالفضل بیهقی (ت) رجوع شود به بیهقی

ابوالفضل دکنی (ب) ابوالفضل بن مبارک. وفات ۱۰۱۳ - شیخ ابوالفضل پسر شیخ مبارک و برادر شیخ فیضی دکنی. پدرش اهل یمن بود و خود در سال ۹۵۸ در دکن متولد شد و سمت وزارت و پیشکاری

اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴) را یافت .

شیخ ابوالفضل با آنکه دراصل عرب بودو درهندزاده شده بود، به اصلاح زبان فارسی علاقهٔ بسیاری داشت وبسیار کوشید که نثرفارسی را ازلغات عربی منزه کند ولغات دری بجای آنها بگذارد . ازینرو سبک نثررا تغییرداد ، نامه‌هائی را که از دربار دهلی به اطراف می‌فرستاد به سبک تازه‌ای نوشت . یعنی درآنها لغات عربی بسیار کم و گاهی سراسر، لغات فارسی خالص بکار می‌برد .

ازآثار شیخ ابوالفضل «اکبرنامه» است درتاریخ شاهی اکبرشاه وخانوادهٔ او و«آیین اکبری» در روش حکومت اکبرشاه . دیگرتلخیص وتهذیبی ازکلیله ودمنه است به نام «بهاردانش» . ابوالفضل در سال ۱۰۱۳ کشته شد .

ابو الليث طبری (ن) ازشاعران ابتدای عهد غزنوی . ازحال اواطلاعی دردست نیست . ابیاتی ازاودرلباب الالباب ومجمع الفصحاء و ترجمان البلاغه ضبط است .

ابو المعالی رازی (ن) وفات ۵۴۱-ازشاعران معروف قرن ششم ودورهٔ سلجوقی . قصائدی درمدح ابوالفتح مظفر دارد که وزارت برکیارق وسنجر را داشت و بدست باطنیان به قتل رسید . درلباب الالباب ومونس الاحرار اشعاری از او باقی است . وی مذهب شیعه داشت وحضرت علی وآل اورا مدح کرده است .

ابو المعالی نصر الله بن محمد بن عبد الحمید منشی (ن) وفات درنیمهٔ دوم قرن ششم-ازمنشیان دربارغزنوی . ابوالمعالی موردلطف بهرامشاه غزنوی(۵۱۲-۵۴۷)بوده وسمت دبیری اوراداشته است وپس ازاودردربار خسروملک سمت وزارت یافته است ولی سرانجام بر اثر سعایت دشمنان

مغضوب گشته وبه حبس افتاده است .

ازآثار او ترجمهٔ کلیله ودمنه به زبان فارسی است که انشاء استادانه اش مورد توجه مترسلان قرن ششم به بعد قرار گرفته است .

ابومعشر بلخی (ت) جعفربن محمد عمر معروف به ابومعشر وفات ۲۷۲- از ریاضی دانان ومنجمان قرن سوم واز شاگردان یعقوب بن اسحق کندی، فیلسوف مشهور عرب، ابومعشر ابتدا فلسفه آموخت وبعد به علم نجوم برداخت . منجمان معروف به اقوال وآراء وی متمسک می شدند . ابومعشر صاحب تألیفات بسیار است . از آن جمله کتابی از او باقی است به نام «رساله در اتصال کواکب وقرانات». دیگر کتاب «المواليد والادوار والالوف»

ابومنصور محمد بن عبدالرزاق (ت) وفات ۳۵۰ — از بزرگزادگان طوس که در حدود سال ۳۳۰ از جانب ابوعلی احمدبن محمد بن مظفربن محتاج چغانی، سپهسالار خراسان، حاکم طوس شد. هنگامی که بوعلی بر پادشاه سامانیان طغیان کرد، ابومنصور جزو شورشیان درآمد، پس ازآن بجای بوعلی سپهسالار خراسان شد . چندی بعد، از عمال سامانی شکست خورد وبه ری وآذربایجان گریخت. سرانجام با پادشاه سامانی صلح کرد وبه طوس بازگشت وباز به سپهسالاری خراسان رسید سپس وقتی به خیال اتحاد با رکن الدوله دیلمی افتاد وبه گرگان خوانده شد . وشمگیر بن زیار از این حال آگاه شد و او را بوسیلهٔ یوحنا طبیب مسموم کرد .

ابومنصور بنابر علاقهٔ مفرط به ایران وتاریخ ایران ابومنصور المعمری را مأمور تدوین شاهنامه کرد وهمین کتاب که به نثر فراهم آمده بود، مأخذ مهم شاهنامهٔ فردوسی ودقیقی گشت .

ابومنصور موفق بن علی هروی(ب) ازنویسندگان قرن پنجم . ازآثار معروف او کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» است که آن را درسال ٤٤٧ به زبان فارسی تألیف کرده ونام ٥٨٥ دارو را در آن ذکر کرده است . نثر کتاب بسیار روان وساده است .

ابوالمؤید بلخی (ت) ازشاعران دورهٔ سامانی و نیمهٔ اول قرن چهارم . مولدش بلخ است و ازکسانی است که پیش از فردوسی به تصنیف شاهنامه پرداختند . ابوالمؤید بلخی اولین کسی است که قصهٔ یوسف وزلیخا را به پارسی منظوم ساخته، ولی ازآن چیزی دردست نیست . کتاب دیگری نیز به او منسوب است که صاحب تاریخ سیستان به آن اشاره کرده است وآن «عجایب البلدان» در عجایب دنیاست .

شاهنامهٔ ابوالمؤید کتاب بزرگی به نثر بوده است، شامل بسیاری ازروایات وداستانهای ایرانی که اغلب آنها درشاهنامهٔ فردوسی وسایر منظومه‌های حماسی ذکر شده است . این کتاب بزرگ ومفصل ازمیان رفته وتنهاقسمتی که از آن در دست مانده قطعه‌ای از کتاب گرشاسب است که صاحب تاریخ سیستان درکتاب خود آن را نقل کرده است . این قسمت ازقدیمترین قطعه‌های منثور زبان فارسی است که ازقرن چهارم مانده است .

ابوالهیثم (ت) خواجه ابوالهیثم احمد بن حسن جرجانی . از شاعران وفاضلان اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم . وی از معتقدان مذهب اسمعیلی بوده و ناصرخسرو در «جامع الحکمتین» از او یاد کرده است . ازاشعار ابوالهیثم تنها قصیده‌ای باقی است که حاوی پرسشهائی در بارهٔ مسائل فلسفی بدون جواب است که بعدها ناصر خسرو شاعر و نویسندهٔ اسمعیلی آن را شرح کرده است . همچنین ابوسعید محمدبن سرخ نیشابوری ، شاگرد ابوالهیثم ، کتابی مفصل درشرح عده‌ای از

ابیات آن نوشته است .

این شرح که درنیمهٔ اول قرن پنجم تألیف یافته وجواب پرسشهای فلسفی ابوالهیثم است، ازنظر فلسفه و کلام وازحیث انشاء پارسی درشمار کتابهای خوب قرن پنجم است .

ابو الفداء (ت) اسمعیل بن علی بن محمود ملقب به الملک المؤید والملک الصالح صاحب حماة . وفات ۷۷٤-ازامیران فاضل که دردمشق متولد شد وپس ازکسب دانش در جنگهای صلیبی شرکت کرد و به خدمت الملک الناصر پیوست وازجانب او به امارت حماة رسید وبه لقب الملک الصالح والملک المؤید ملقب گشت .

ابوالفداء درفقه وطب وحکمت وهیئت خاصه درتاریخ وجغرافی استادی داشت . ازآثار معروفش درجغرافی کتاب «تقویم البلدان» ودر تاریخ «المختصرفی اخبار البشر» ودرفقه «کتاب الحاوی» است . دیگر کتاب «الکناش» و«الموازین» را نام برده‌اند .

اتصال (نج) رجوع شود به اجتماع .

انصال نجوم خاطر او فیض طبع مرا نوید گراست

«خاقانی»

اثیر (نج) طبقه‌ای ازآسمان بالای کرهٔ هوا که آن را کرهٔ آتش نیز گویند

برشوند ازپل آتش که اثیرش خوانند

پس سر مائدهٔ جنت ماوی بینند

«خاقانی»

اثیر اخسیکتی (ت) اثیرالدین . وفات ۶۰۸-ازشاعران مدیحه سرای قرن ششم که از ریاضی وفلسفه هم بااطلاع بوده است . وی معاصر ومداح رکن الدین ارسلان بن طغرل (۵۵۵—۵۷۱) بوده است . دیگر

از ممدوحان او شمس الدین اتابک اعظم ایلدگز واتابک جهان پهلوان نصرة الدین محمد بن ایلدگز ومظفرالدین اتابک قزل ارسلان بن ایلدگز فرمانروای آذربایجان بوده است. اثیر درشیوهٔ سخن‌سرائی ازانوری وسنائی پیروی کرده وچند قصیده به سبک خاقانی سروده است و بامجیر بیلقانی رقابت داشته ویکدیگر را به تعریض یاتصریح هجا گفته‌اند. اثیربه‌آوردن ردیفهای دشوار ومعانی صعب علاقه داشته‌است.

(دیوان اثیر — چاپ تهران)

اجتماع (نج) حالت ماه است هنگام «محاق» که درآن حال کرهٔ ماه از همه وقت به خورشید نزدیکتر می‌شود و درست درمقابل او قرار می‌گیرد. این حال را «اتصال» نیز گویند.

ماه را نیکوئی همی گفتیم — که دریغی به‌اجتماع ومحاق

«انوری»

احتراق (نج) اجتماع سیارات را باآفتاب احتراق گویند مگراجتماع ماه را که «محاق» خوانند

بیرون شد از احتراق بهرام — واورد به ماه ماه پیغام

احسن التواریخ (ك) تألیف حسن بیک روملو از فاضلای زمان شاه طهماسب. این کتاب در اواخر قرن دهم هجری تألیف یافته و در آن، وقایع سالهای ۹۰۰ تا ۹۸٤ و سلطنت شاه‌طهماسب شرح داده شده است. (چاپ کلکته)

احیاءالعلوم (ك) از آثار معروف امام محمد غزالی به زبان عربی. موضوع کتاب مسائل اخلاقی و دینی است وغزالی خلاصهٔ آن را به زبان فارسی نیز نوشته و آن را «کیمیای سعادت» نامیده است.

اخبارالطوال (ك) كتابی در تاریخ عمومی به زبان عربی، تألیف ابوحنیفه احمدبن داودنندینوری. دراین کتاب تاریخ از زمان آدم شروع می‌شود و به قتل افشین ومرگ معتصم درسال ۲۲۷ پایان می‌پذیرد.

ابوحنیفه وقایع را ازهم‌جدا نمی کند ورشتهٔ مطلب رانمی گسلد، بلکه تاریخ را مانند حکایت و داستان شروع می کند و بدون انقطاع ختم می کند. وقایع را بدون تصریح نام راوی ذکر می کند وحوادث تاریخی را به اختصار می گوید وبیشتر به وضع اجتماعی وشرح امارات و حکمرانیها و ارتباط خلفا و ممالك دست نشانده و فرستادن امیران و حکمرانان می‌پردازد. مخصوصاً نهضتهای سیاسی ومذهبی و انقراضها و پیشرفتها را بسیار دقیق شرح می‌دهد.

سبك نوشتهٔ کتاب اخبارالطوال بسیار ساده است.

اخلاق‌الاشراف (ك) رساله‌ای به نثرآمیخته به نظم. از آثار عبید زاکانی که آن را به‌سال ۷٤۰ هجری تألیف کرده است. موضوع کتاب «اخلاق الاشراف» انتقاد اخلاق بزرگان و اشراف عهد مؤلف است که نویسنده‌با بیانی شیرین آن را برای نمودن فساد جامعه نگاشته وسراسر آن را باحکمت وپند آمیخته است. این کتاب شامل هفت‌باب درفضایل اخلاقی یعنی حکمت، شجاعت، عفت، عدالت، سخاوت، حلم، حیا و وفا، است.

اخلاق جلالی (ك) تألیف جلال‌الدین‌محمدبن اسعدالدوانی که به خواهش سلطان خلیل سلطان پسراوزون‌حسن آق قوینلو درنیمهٔ‌دوم قرن نهم تألیف یافته است. بیشتر مطالب این کتاب که عنوان آن «لوامع‌الاشراق فی‌مکارم الاخلاق» است به گفتهٔ خود مؤلف ازاخلاق

ناصری تألیف خواجه نصیرالدین طوسی اقتباس شده وحاوی مطالبی در تدبیر منزل و سیاست مدن می‌باشد . انشاء کتاب متکلفانه ومصنوع است . (چاپ لاهورولکهنو)

اخلاق محسنی (ك) کتابی در صفات پسندیده ومبانی اخلاقی درچهل باب ، تألیف حسین واعظ کاشفی که آن را به نام ابوالغازی سلطان حسین بایقرا در سال ۹۰۰ هجری تألیف کرده است . اخلاق محسنی در هندوستان رواج بسیار داداشته است .

اخلاق ناصری (ك) کتابی درحکمت عملی واصول اخلاق . تألیف دانشمند بزرك خواجه نصیرالدین طوسی که آن رادرحدود سال ۶۳۳ به زبان فارسی وبنا به خواهش ناصرالدین عبدالرحیم ابن ابی منصور حاکم اسمعیلیه درقهستان تألیف کرده است . مؤلف قسمت اول کتاب را از کتاب اخلاق ابن مسکویه به نام «الطهاره» اقتباس کرده ودرقسمت دوم به تدابیر المنازل ابن سینا و در قسمت سوم به کتاب فارابی نظر داشته است .

درمقالهٔ اول ازحکمت وشجاعت و عفت و عدالت بحث می کند و حکمت را به هفت نوع تقسیم می کند: ذکاء ، سرعت فهم ، صفای ذهن ، سهولت تعلم ، حسن تعقل ، تحفظ ، تذکر .

مقالهٔ دوم درتدبیر منزل ومقالهٔ سوم درسیاست مدن است .

اخوان الصفا (ت) دسته‌ای ازحکمای ایرانی درقرن چهارم هجری . این دسته خواسته‌اند که عقاید فلاسفهٔ یونان رابامبانی دین اسلام سازش دهند و به فرقهٔ خاصی بستگی نداشته‌اند، بلکه بسیاری از مسائل دینی را باعقاید فلاسفه منطبق می کردند وچنانکه اظهار کرده‌اند باهیچ‌یك ازادیان وعلوم دشمنی نداشته وکتابهای مختلف فلسفی را مورد استفاده

قرارداده وبه همهٔ کتابهای آسمانی اعتقاد داشته‌اند .

ادب الصغیر (ك) تألیف عبداله بن المقفع که نویسنده در تألیف آن از بسی کتابهای پهلوی استفاده کرده‌است . این کتاب میان نویسندگان عرب معروف بوده وابن قتیبه در کتاب «عیون الاخبار» ازآن نام برده‌است .

ادب الکبیر (ک) معروف به درة الیتیمه تألیف عبدالله بن المقفع . مؤلف در تألیف این کتاب از کتابهای پهلوی استفاده کرده‌است . این کتاب بین مؤلفان کتابهای ادب مشهور بوده و مورد استفادهٔ آنان قرارگرفته است . اثر تمدن و فرهنگ ایرانی در این کتاب به خوبی نمایان است ونویسنده درچند مورد به گفته های حکیمان ایران استشهاد کرده‌است .

ادریس (ن) از پیغمبران . گویند که علم نجوم معجزهٔ اوست و ازطوفان نوح خبرداد وچون عمرش به هشتصد وشصت وپنج سال رسید ، از ملك الموت خواست تا روحش را به امر خدا قبض کرد و بهشت و دوزخ را به او نشان داد . ادریس چون از بهشت بیرون آمد به بهانهٔ آنکه نعلین را آنجا فراموش کرده‌است ، بازگشت ودربهشت ماند .

بمیر ای دوست پیش ازمرگ اگر عمر ابد خواهی
که ادریس از چنین مردن بهشتی گشت پیش ازما

«سنائی»

ادیب پیشاوری (ت) سید احمدبن شهاب رضوی متوفی ۱۳٤۹ قمری — ادیب پیشاوری فرزند سید شهاب الدین اهل پیشاور . وی مقدمات علوم رادرپیشاور آموخت ودر جنگی که میان افوام هندی باقوای دولتی درگرفت ، پدر وخویشانش به قتل رسیدند واو موفق شد که خودرا به کابل برساند . ادیب پیشاوری پس ازچندی اقامت در کابل به غزنین و هرات و تربت شیخ جام ومشهد سفرکردونزد دانشمندان

معروف به تحصیل پرداخت. درسی سالگی نزد حاج ملا هادی سبزواری به کسب دانش مشغول گشت و درسال ۱۳۰۰ هجری به تهران آمد و درهمانجا اقامت کرد. ادیب به علوم قدیم و ادبیات عرب وا ران احاطه داشت. دیوان او مشتمل بر ۴۲۰۰ بیت فارسی و ۳۷۰ بیت عربی است به ضمیمهٔ دو رساله یکی در بیان قضایای بدیهیات اولیه، دیگر در تصحیح دیوان ناصرخسرو

یک مثنوی دارد بنام قیصرنامه شامل وقایع جنگهای بین المللی که دارای متجاوز از ۱۴۰۰۰ بیت است.

(دیوان چاپ تهران)

ادیب صابر (ت) شهاب الدین صابربن اسمعیل ترمذی. مقتول درحدود ۵۴۲ ه‍ ـ از شاعران قرن ششم و اصلش از ترمذ است، ولی بعد به مرو وبلخ وخوارزم رفت و مدتی سلطان سنجر را مدح گفت واز طرف او به رسالت نزد اتسز رفت و مدتی در خوارزم ماند. وقتی که اتسز دانست که ادیب صابر نهانی خبرهائی از دربار او برای سنجر می‌فرستد دستور داد تا او را درجیحون غرق کردند.

ادیب صابر، درسبک شاعری بیشتر پیرو عنصری وفرخی است، وبارشید وطواط مشاعره داشته است.

دیوان ادیب صابر مشتمل است برقصائد وغزلیات.

(چاپ تهران)

ادیب الممالک فراهانی (ت) میرزا صادق حکیم. وفات ۱۳۳۶ ه‍. ق ـ ازفرزندان میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی وزیر محمدشاه قاجار. ادیب الممالک از آزادیخواهان به شمار می‌رفت و مدتی روزنامهٔ ادب را انتشار می‌داد. درابتدای جوانی «پروانه» تخلص داشته ولقب امیر الشعرائی یافت وبه «امیری» مشهور گشت. ادیب الممالک در عصر

مشروطیت وانقلاب وکشمکش های سیاسی می‌زیست. از اینرو اشعار فراوانی درانتقاد اوضاع زمان واجتماع خود دارد. ادیب‌الممالک در علوم ادب و لغت فارسی و عربی و علم انساب و تاریخ عرب استاد بوده است. دیوان او شامل قصاید وقطعات واشعار جد و هزل ومدح وذم در انتقاد جامعه وتحریک حس میهن پرستی است.

(دیوان - چاپ تهران)

ادیب‌نیشابوری (ت) شیخ عبدالجواد وفات ۱۳۴۴ ه. ق— شیخ عبدالجواد فرزند ملاعباس نیشابوری که درچهارسالگی از مرض آبله از یک چشم نابینا گشت وبا وجود ضعف بینائی تا۱۶ سالگی در نیشابور به خواندن مقدمات علوم دینی پرداخت. سپس فنون ادبی را آموخت وبیشتر اوقات را به مطالعهٔ ادبیات فارسی وعربی صرف کرد. علاوه براین درفنون ریاضی وهیئت وطب دست یافت. دیوانش قریب شش هزار بیت دارد. رساله‌ای هم درجمع بین عروض فارسی و عربی ورساله‌ای درشرح معلقات سبع وچند جزوه درتلخیص شرح خطیب تبریزی برحماسهٔ ابی تمام نوشته است. اشعار او به نام لآلی مکنون درمشهد به چاپ رسیده است.

اذاله (زحاف)(ع) در مستفعلن افزودن الف است قبل از نون که می‌شود مستفعلان وآن را مذال خوانند.

اردشیر بابکان (س — ت) پسر ساسان ازدختر بابک، مطابق نقل شاهنامه،ساسان پسردارا پس از کشته شدن پدر به هندوستان گریخت وفرزندان اوتاچند پشت درهندوستان ماندند. پسرچهارم به اسم‌ساسان به پارس آمد و نزد بابک حاکم استخربه سرشبانی رسید. شبی بابک خواب دید که ساسان برپیل ژیان نشسته و هرکس به نزدش

می‌آید او را نماز می‌برد . بابک ساسان را خواست وچون دانست که ازنژاد شهرداران است ، دختر خود رابه وی‌داد واز او اردشیر به‌وجود آمد ، اورابزرگ کردند وفرهنگ آموختند ، اردوان چون آوازهٔ اردشیر را شنید اورا از بابک خواست و جوانی شایسته‌اش یافت ولی پس از چندی به علت درشتی که با پسراردوان کرد ، او را به نگهبانی اسبان شاهی برگماشت . اردشیر باگلنار کنیزك اردوان به پارس فرار کرد و طرفداران بابک را جمع کرد وبه جنگ اردوان رفت واورا شکست داد ودخترش را گرفت‌وبه پارس برگشت . شهر «خرهٔ اردشیر» را ساخت و برتخت شاهی نشست . دختر اردوان به خونخواهی پدر خواست‌اردشیر را زهردهد ، شاه‌دریافت واو را به وزیر خود سپرد تاهلاك کند . وزیر چون دانست ملکه باردارد ، فرمان را به‌کارنبست و او را نگاه داشت تا شاپوربه وجود آمد . چون شاپور به هفت‌سالگی‌رسید ، اردشیرازاین راز آگاه شد واز داشتن چنان پسری خشنود گشت .

رسالهٔ پهلوی«کارنامک ای ارتخشیر ای پابکان» درشرح وقایع زمان این پادشاه ساسانی است که با افسانه آمیخته است وفردوسی‌مفاد آن‌را در شاهنامه به نظم آورده است .

اردشیر دراز دست (ش - د) اردشیر درازدست لقب بهمن،شاه ایران بود .

نسبدستم که بر پای ایستاده

رسیدی تا به زانو دست بهمن

«منوچهری»

اردوان (ش—ن) آخرین پادشاه‌اشکانی که پاپک‌نیای اردشیر ازطرف او فرمانروای استخر بود . اردوان چون آوازهٔ‌اردشیر نوادهٔ بابک

را شنید ، اورا از پدر خواست وعزیزش داشت ، اما ناگهان براوخشم گرفت وبه نگهبانی اسبان وادارش کرد . اردشیر با کنیزك اردوان به اسم گلنار فرار کرد ولشکری جمع آورد وبه جنگ اردوان رفت و او را کشت ودخترش را به زنی گرفت.

ارژنك، ارتنك (ش ــ د) نام کتاب منسوب به مانی نقاش که دارای تصاویر زیباودلاویز بوده است.

تنش چون نامهٔ ارژنگ زیبا
میان چون خامهٔ مانی مصور
«مسعودسعد»

ارسال المثل (ب) : آن است که شاعر مثل معروفی را در شعر بیاورد یا مصراعی بگوید که حکم مثل پیدا کند وقبول عامه یابد

بابط می گفت ماهیی در تب و تاب
باشد که به جوی رفته باز آید آب
بط گفت چو من قدید گشتم تو کباب
«دنیا پس مرگ ما چه دریا چه سراب»

ارسال المثلین (ب) آن است که شاعر دریك بیت دومثل آرد ، یعنی هریك از دو مصراع شعر یك مثل باشد .

چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار
چنین نماید شمشیر خسروان آثار
(عنصری)

ارسطا طالیس (ب) رجوع شود به ارسطو

ارسطو (ت) حکیم یونانی شاگرد افلاطون و معلم اسکندر ارسطو به معلم اول معروف است .

ارکان اربعه رجوع شود به‌چهار ارکان.

ارکان عروض (ع) ارکان ازاصطلاحات عروض وشامل سبب و وتد وفاصله می‌باشد. رجوع شود به این کلمات.

ارم یا ارم ذات العماد (تن) باغی که شداد ساخت و در روزگار مانند نداشت. ودرشعرفارسی کنایه از باغهای بسیار مصفاست:

در گلستان ارم دوش چو ازلطف هوا
زلف سنبل زنسیم سحری می‌آشفت...

«حافظ»

ارمن (د) نام سرزمینی است که برطبق داستان خسرووشیرین، مهین بانوعمهٔ شیرین برآن حکومت می کرد.

ارنی (تن) اشاره به قصهٔ موسی که به خدا گفت: «رب ارنی انظرالیک» پروردگارا، خودرا بمن بنما تا بسوی تونگرم. جواب‌آمد «لن ترانی» یعنی هرگز مرا نخواهی دید.

با توآن عهد که در وادی ایمن بستم
همچو موسی ارنی گوی به میقات بریم

«حافظ»

ازاحیف (ج زحاف) (ع) رجوع شود به زحاف.

ازرقی (ت) ابوبکر زین‌الدین بن اسمعیل وراق هروی. وفات درحدود ۴۶۵ - ازشاعران زبردست قرن پنجم. پدرش اسمعیل وراق همان کسی است که فردوسی پس از فرار از غزنین به خانهٔ او رفت. ازرقی دردستگاه شمس الدوله ابوالفوارس طغانشاه بن ارسلان سلجوقی که درزمان سلطنت الب ارسلان حاکم خراسان بود، تقرب یافت واورا مدح گفت. ازممدوحان دیگرازرقی امیرانشاه بن قاورد ازسلجوقیان کرمان بود.

ازرقی جز قصیده در داستانسرائی نیز مهارت داشت . از جملهٔ آثاری که به او نسبت داده‌اند «الفیه‌وسلفیهٔ» منظوم است . دیگر قصهٔ «سندباد» است که ازرقی به نظم آورده است ، ازرقی درآوردن تشبیهات غریب ووصف وتصویردقیق اشیاء ، استادی داشت . ودرمدح لحن مبالغه آمیزی بکار می‌برد . (دیوان ازرقی — چاپ تهران ـ دانشگاه)

ازهری‌هروی (ت) ابومنصورمحمدبن احمد . متوفی ۳۷۰ - از عالمان بزرك ادب ولغت،درعربستان به‌جمع لغت‌مشغول گشت وبسیاری از لغات و اصطلاحات اصلی زبان عرب را فرا گرفت . از آثار مشهور او درلغت کتاب «التهذیب» است .

اساس‌الاقتباس (ك) کتابی در منطق به زبان فارسی ، تألیف ابوجعفر محمدبن حسن طوسی ملقب به‌نصیرالدین که آن‌را درسال ۶۴۲ تألیف کرده‌است . خواجه‌نصیرالدین درتنظیم این کتاب به روش کتاب شفا مطالب را به نه بخش تقسیم کرده و هریك از بخش ها را مقاله نامیده است . این مقاله ها دربارهٔ مدخل منطق، مقولات عشر، عبارات ، علم‌قیاس ، برهان ، جدل ، مغالطه ، خطابه ، شعر می‌باشد .

اساس الاقتباس پس از کتاب شفای ابوعلی‌سینا بهترین وجامعترین کتابی است درفن منطق که مؤلف درآن تمام فنون منطق را به فارسی ساده بیان کرده است . این کتاب را رکن‌الدین محمدبن علی فارسی استرابادی که از فاضلان نزدیك عصر خواجه بود ، به عربی ترجمه کرده است . (چاپ دانشگاه تهران — ۱۳۲۶)

اسباغ (زحاف) (ع) افزودن حرفی ساکن است درسببی که‌آخر جزء باشد . فاعلاتن می‌شود فاعلاتان ؛ وبجای آن فاعلیان می گذارند وآن را مسبغ می‌خوانند .

استرابادی (ت) میرزا مهدیخان استرابادی منشی نادرشاه که سرآمد منشیان آن دوره بود ودرنویسندگی قدرت و پختگی داشت ولی دربعضی آثارش تصنع وتکلف پیداست . ازآثارمعروف او «جهانگشای نادری» و«درهٔ نادره» .

استعاره (ب) نوعی از مجاز است و آن چنان است که لفظی را به‌مناسبت کمال شباهت دریکی از صفات به‌جای لفظ دیگر به‌کار برند چنانکه مرد دلیر را «شیر» بخوانند از روی اشتراك و مشابهتی که‌میان این دو درصفت شجاعت هست. وبعضی گفته‌اند که‌استعاره عبارت است از مبالغه درتشبیه یعنی به جای آنکه بگویند چیزی مانند چیزی دیگر است گفته شود که این عین آن یک است ودراستعاره همیشه ادات‌تشبیه محذوف‌است، چنانکه دراین‌شعرنهنگ‌برای«اسب»واژدها برای«کمند» استعاره شده است .

همی تاخت اندرمیان دوصف نهنگی بزیر اژدهائی به کف

استغنائی نیشابوری (ت) ابوالمظفر نصر بن محمد استغنائی نیشابوری . ازشاعران قرن چهارم ومعاصر آل‌بویه وآل سامان . از حال او اطلاعی دردست نیست . ازآثارش ابیات پراکنده‌ای باقی است .

استقبال (نج) حالت‌ماه‌درشب«بدر» که درآن حال‌ماه‌با خورشید مقابله پیدا می کند .

اجتماع ماه بود امروز و استقبال بخت
کاوفتاداین ذره‌را باچون توخورشیدالتقا

اسحق (ذن) پسرابراهیم خلیل‌الله . اسحق دوپسر داشت به‌نام عیص ویعقوب. یعقوب رمهٔ گوسفندان‌را دوست داشت واسحق شکار را . روزی اسحق‌ازپسران گوشت‌بریان خواست وچون‌یعقوب برهٔ بریان کرده

را زودتر فراهم کرد ، اسحق او را دعا کرد و پیغمبری به او و اولادش رسید .

اسحق موصلی (ت) ابومحمد اسحق بن ابراهیم موصلی . وفات ۲۳۵ - اصلا ایرانی و از خاندانهای معروف فارس و پسر ابراهیم پسر ماهان ارجانی ، او نیز به مناسبت شهرت پدرش به موصلی شهرت یافت . وی در دستگاه خلافت مأمون و معتصم عباسی می زیست ، در علم موسیقی و ریاضی استادی کامل بود و در فن حدیث و لغت و نحو مهارت داشت . شعر نیز می سرود .

اسد (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقة البروج و به شکل شیر . برج اسد برابر ماه مرداد است .

اسد در پیش خرچنگ ایستاده

کمان کردار دم بر سر نهاده

اسدی طوسی (ت) ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی . از شاعران بزرگ و از حماسه سرایان معروف قرن پنجم که کتاب گرشاسب نامه را درسال ۴۵۸ به نام ابودلف حکمران اران و نخجوان ساخته است . اسدی در انقلابات خراسان و غلبهٔ سلاجقه ، به آذربایجان رفت و با عده‌ای از سلاطین آنجا آشنا شد . از ممدوحان اسدی امیر ابودلف پادشاه نخجوان و شجاع الدوله ابوسجاع اند . از آثار دیگر اسدی فرهنگ لغات فرس یا «لغت فرس» است . مؤلف این کتاب را بعد از گرشاسپنامه تألیف کرده و نام آن را ذکر کرده است . دیگر از آثار منظوم او قصائد مناظرات می باشد شامل مناظرهٔ آسمان و زمین و مغ و مسلمان وغیره

اسدی به تاریخ ۴۴۷ نسخهٔ کتاب الابنیهٔ ابومنصور موفق هروی را به خط خود استنساخ کرده و آن قدیمترین نسخهٔ خطی فارسی است که دردست است و در کتابخانهٔ ملی وین موجود است .

اسرار التوحید (ك) اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید .

ازآثار شیوای زبان‌فارسی. مؤلف این کتاب محمدبن‌منور ازنوادگان‌شیخ ابوسعیداست که این کتاب را دربارهٔاحوال واخبار وکرامات جدخویش نگاشته وروایات واطلاعاتی درآن جمع‌آورده وبه ابوالفتح غیاث‌الدین محمدبن سام شاه غوری (متوفی سال۵۹۹) تقدیم کرده است. تألیف این کتاب بین سالهای ۵۵۳ و ۵۹۹ انجام گرفته است. انشاء اسرار التوحید بسیار ساده‌است‌وکلمات‌وترکیبات‌مهجورعربی درآن کم است.

(چاپ تهران-۱۳۳۲)

اسرارالحکم (ك) کتابی درحکمت الهی به زبان فارسی تألیف حاج ملاهادی سبزواری از فیلسوفان وحکیمان معاصر ناصرالدین شاه قاجار. مؤلف در این کتاب‌بیشتربه اثبات توحید و اصول عقایداسلامی پرداخته است. این کتاب مکررچاپ شده است.

اسطرلاب (نج) کلمه یونانی به معنی آئینه نجوم. آلتی است مدور که‌دوائر و خطوط‌بسیاربرآن منقوش است وبرای تعیین‌ارتفاع آفتاب وستارگان به کار می‌رود.

نگاه کردم‌از دور من تلی دیدم
که‌چاه‌ژرف‌نماید ازآن‌بلندعقاب
که گرمنجم بروی‌شود، چنان بیند
بروج چرخ که‌بی‌غم‌سود زاسطرلاب
(مسعودسعد)

اسفزاری (ت) ابوحاتم‌المظفربن‌اسمعیل‌اسفزاری. وفات۵۱۰- ازدانشمندان بزرگ قرن پنجم ومعاصرحکیم عمرخیام. درعلم هیئت وریاضی‌استاد بود. ازآثارش سه رساله دردست است. به نام «اختصار اصول اقلیدس» به عربی ورسالهٔ «آثار علوی یا کائنات جو و«الشبکة»

به فارسی . کتاب «کائنات‌جو» را به نام فخرالملک‌بن نظام‌الملک نوشته وشهمردان‌بن ابی‌الخیر معاصر اسفزاری آن را درکتاب نزهت نامه علائی درفصل آثار علوی آورده است .

اسفزاری (ت) معین‌الدین محمد اسفزاری ازمورخان معاصر دورهٔ تیمورکه به‌شغل انشاء وترسل اشتغال داشته وکتاب تاریخ هرات را به نام سلطان حسین ابوالغازی تألیف کرده است .

اسفندیار (ش — د) پسر گشتاسب وملقب به روئین تن که به فرمان پدر به جنگ ارجاسب رفت وپس ازگذشتن از هفتخوان و فتح روئین‌دژ، ارجاسب را کشت وازپدر تخت وباج خواست . پدربرای دفع الوقت اورا نزد رستم فرستاد تا آن پهلوان نامدار را دست بسته‌به‌درگاه آورد . رستم به این ننگ‌تن در نداد وکار به جنگ انجامید.در این جنگ ، پس ازدلاوریهای دوحریف ، رستم به دستور سیمرغ اسفندیار را باتیری که ازچوب گز ساخته بود ، کورکرد واسفندیار از آن زخم جان سپرد . داستان جنگ رستم واسفندیار از قطعه‌های بسیار زیبای شاهنامه است .

اسکندر (ش — د) بنا بر روایت شاهنامه‌پسر داراب از دختر قیصرروم که نزد پدر بزرگ تربیت یافت وبادارا پسر دیگرداراب، شاه ایران ، جنگ کرد . دراین‌جنگ ، داراسجروح‌شد وچون اسکندر آن‌خبر راشنید ، خود را به بالین دارا رساند وزارگریست وخواست که پزشک حاضر کنند ، اما سودی نکرد ودارا پس ازوصیت جان داد . اسکندر پس از دارا بنابروصیت او دخترش «روشنک» را به‌زنی گرفت وبه هند و مصر لشکر کشید . در هند پیری او را از شگفتیها خبر داد و جای تاریکی را به اونشان دادکه درآن‌چشمهٔ آبی بود ، که هرکس ازآن

بخورد، هرگز نمی‌میرد . هنگامی که اسکندر بسوی تاریکی می‌شتافت، درروشنائی کوهی دید . از کوه بالا رفت . اسرافیل را دید ، صوری به‌دست ومنتظرفرمان که درصور بدمد . اسکندر را آوازداد که برای تاج و گنج آنقدرآزار به خود راه ندهد . اسکندر باناله فرود آمد و به طرف باختر رفت . مردم از جانورانی شکایت کردند به نام یاجوج و مأجوج که گوشهایشان به اندازه‌ای است که یکی را بستر ودیگری را روی پوش سازند . اسکندر باعده‌ای از دانشمندان به گذرگاه یأجوج ومأجوج رفت وبه‌فرمان او دیوارهای بلندی ساختندازآهن‌وسنگ و گچ وقیرو باساختن این سد مردم را از سر یأجوج ومأجوج رهانید .

اسکندر نامه (ك) یکی از پنج مثنوی معروف‌نظامی، داستانسرای بزرك ایران درقرن‌ششم، که‌شامل دوقسمت است . قسمت اول‌شرفنامه است که نظامی آن را به نام اتابک نصرة‌الدین ابوبکربن محمد جهان پهلوان از اتابکان آذربایجان ساخته است وقسمت دوم اقبالنامه است به نام ملک عزالدین ابوالفتح مسعود پسر نورالدین ارسلان صاحب موصل . کتاب شرفنامه شامل داستان اسکندر است ، از تولد تافتح ممالك‌ومراجعت‌به روم ، واقبالنامه درحکمت‌وپیغامبری اسکندر است . در این کتاب، نظامی به داستان‌اسکندر درشاهنامهٔ‌فردوسی نیزنظرداشته‌است .

اسکندر نامه (ك) کتاب مفصلی به نثر ، مشتمل برافسانه‌های منسوب به اسکندر ذوالقرنین . این کتاب‌ظاهراً درعصر صفویه تدوین شده واز افسانه‌های عامیانهٔ ایران است که رواج بسیار دارد وچندین بار به‌چاپ رسیده است .

اسکندر نامه (ك) کتابی در داستان اسکندربه نثر، از آثارقرن ششم هجری .

(دربارهٔ این کتاب رجوع کنید به «سبک شناسی» ملک الشعراء بهار - جلد دوم)

اسمعیل بن حماد جوهری فارابی (ت) رجوع شود به جوهری

اسیر (ت) میرزا سیدجلال اسیراصفهانی . وفات ۱۰۷۹ - ازسادات اصفهان ومعاصرشاه عباس ثانی . اساس شعر را بر مضامین دقیق وخیال پردازی نهاده ومورد تقلید طرفداران سبک هندی قرار گرفته‌است . اسیر دارای غزلهای لطیف است وقصایدی درمدح خاندان پیغمبر دارد .

اشارات (ك) الاشارات والتنبیهات آخرین وبهترین کتاب درحکمت، تألیف دانشمند بزرك ابوعلی‌سینا که‌شامل دوقسمت است . قسمت‌اول در علم منطق وقسمت دوم درعلم طبیعی والهی . خواجه نصیرالدین طوسی بر این کتاب شرحی نوشته است بنام «حل مشکلات الاشارات»

اشارات و تنبیهات (ك) ترجمهٔ کتاب‌الاشارات‌والتنبیهات‌ابوعلی سینا به زبان فارسی که ظاهراً درحدودقرن ششم به‌فارسی درآمده است .

اشباع (ق) ازحرکات قافیه . حرکت دخیل .مانند حرکت یاء در دوکلمهٔ شمایل و قبایل در این شعر سعدی

چشم بدت دور ای بدیع شمایل ماه من و شمع جمع و میر قبایل

اختلاف حرکت دخیل جایزنیست مگر وقتی که روی به حرف وصل پیوندد .

مثال ازسعدی :

ای نفس اگر به دیدهٔ تحقیق بنگری
درویشی اختیار کنی بر توانگری
مردی گمان مبر که به پنجه‌است‌وزور و کتف
با نفس اگر برآئی دانم که شاطری

اشتقاق (ب) آن است که شاعر الفاظی به کار برد که از یک اصل مشتق باشد. مانند کلمه های مداین ومدین در این شعر

شنیدم من که برپای ایستاده
رسیدی تا به زانو دست بهمن
رسد دست تو ازمشرق به مغرب
ز اقصای مداین تا به مدین
(منوچهری)

اشعةاللمعات (ك) - کتابی به زبان فارسی درشرح کتاب لمعات شیخ فخرالدین عراقی که مولانا عبدالرحمن جامی درسال ۸۸۶ آن را به خواهش امیر علیشیر نوائی تالیف کرده است. این کتاب شامل یک مقدمه و ۲۸ لمعه است. جامی درمقدمهٔ کتاب می گوید که چون عده‌ای ازقبول عقاید مندرج درکتاب لمعات عراقی امتناع کردند، اوناچاربه تفسیر وشرح آن گشت وازکتابهای دیگر مشایخ صوفیه نیز استفاده کرده است. بنابراین بعد از مقدمه، نکته های مختلف عرفانی را به انضمام سؤال وجواب شرح داده وبه این طریق کتاب را تفسیر می کند وبه‌قطعهٔ ملمع عربی وفارسی آن را ختم می کند.

اصحاب کهف (تن) کهف به معنی غاراست واصحاب کهف شش تن بودند که درعهددقیانوس به خداپرستی گرائیدند وازترس او شبانه گریختند. درراه شبانی با ایشان همراه شد، خواستند که سگ شبان را به شهر بازگردانند، ولی سگ به سخن درآمد وگفت «من نیزآن کس را می‌طلبم که شما می‌طلبید.» دست از اوبازداشتند وهمگی به غاری رفتند وخوابیدند. پس از سیصدونه سال بیدار شدند، یکی از ایشان به شهر رفت تا طعامی فراهم کند، چون سکه به‌نام دقیانوس بود، طباخ

او راپیش فرمانروای‌شهر برد. فرمانروا زبان‌اورانمی‌فهمید، دانشمندی را حاضرکردکه زبان او را دریافت و واقعه رادرك کرد. همگی‌برای زیارت‌آن عده به غار رفتند تا ایشان‌را بانجلیل واحترام‌به‌شهربیاورند، ولی اصحاب کهف به‌این امر تن درندادند ودعا کردند ناخدای تعالی مرگ برایشان فرستاد.

سگ اصحاب کهف روزی چند	پی نیکان گرفت و مردم شد

«سعدی»

اصطخری (ت) ابواسحق ابراهیم بن‌محمد الفارسی‌الاصطخری معروف به کرخی از دانشمندان قرن چهارم هجری که کتاب مشهوری به زبان عربی درجغرافیا دارد به نام «المسالك والممالك»

اصفهانی (ت) ابوالفتح محمودبن‌محمد بن قاسم الاصفهانی‌از مترجمان‌وریاضی‌دانان قرن‌چهارم که‌ترجمهٔ کتاب‌المخروطات‌اپولونیوس راکه به توسط هلال بن ابی هلال‌الحمصی و ثابت‌بن قره انجام گرفته بود، تکمیل کرد وتفسیری برآن نوشت.

اضافه(ط) ازمقولات‌عشر. مفهوم‌اضافه، وجودچیزیست که تصورش یاتصور چیزدیگری توأم باشد وبدون آن دیگری به عمل درنیاید، مثل تصور پدری وپسری؛ که بدون یکدیگر ممکن نیست.

اطناب: (ب) آن است که ترتیب معانی کمتر از الفاظ باشد

من وتوایم من وتوکه در جهان نبود

من و ترا به هنر جزمن و تو یاروقرین

اعتدال (نج) دونقطه ازمنطقة‌البروج است که‌زمین چون‌در گردش خود به دور آفتاب به آن نقاط‌برسد، شب‌وروز در آن یکسان می‌شود. اعتدال برد وگونه است اعتدال ربیعی - اعتدال‌خریفی

اعتدال خریفی (نج) اول پائیز که در آن شب و روز مساوی می‌شود

اعتدال ربیعی (نج) اول بهار که در آن شب و روز مساوی می‌شود

اعتماد السلطنه (ب) میرزا محمد حسن خان صنیع الدوله علی مقدم مراغه‌ای. محمد خان صنیع الدوله رئیس انطباعات دولتی دربار ناصرالدین شاه که در سال ۱۳۰۴ ه لقب اعتماد السلطنه یافت. هرسال کتابی زیر نظر صنیع الدوله در مطبعهٔ دولتی به چاپ می‌رسید و روزنامهٔ «ایران» نیز به ریاست او هفته‌ای سه شماره منتشر می‌شد. روزنامه‌های کوچک دیگر مانند «مرآت السفر و مشکوة الحضر» درسر گذشت مسافرت شاه در اردوی شاهی و «روزنامهٔ علمی» مصور و روزنامهٔ «شرف» در زمان او و به همت او انتشار یافت.

از آثار اعتماد السلطنه کتاب مرآت البلدان، مطلع الشمس، المآثر والآثار، تاریخ ایران، منتظم ناصری، خیرات حسان است.

اعنات (ب) آن است که گوینده در کلام ملزم به چیزی شود که لازم نیست و آن را الزام مالایلزم گویند مانند شمایل وقبایل در این شعر

چشم بدت دور ای بدیع شمایل

ماه من و شمع جمع و میر قبایل

که سعدی تا آخر غزل یاء ماقبل لام را التزام کرده است.

اغراق (ب) آن است که گوینده در وصف کسی یا چیزی مبالغه کند.

آه سعدی اثر کند در سنگ　　　نکند در تو سنگدل اثری

افاعیل (اصلی) (ع) از ترکیب وتقدیم وتأخیر ارکان عروض ده وزن (به عقیدهٔ شمس قیس مؤلف المعجم فی معائیر اشعار العجم) به وجود می‌آید که بنای همهٔ اشعار عرب وعجم بر آن نهاده شده است وعروضیان آنها را «افاعیل» می‌خوانند از این قرار: فعولن، فاعلن، مفاعیلن،

مستفعلن، فاعلاتن، مفاعلتن، متفاعلن، مفعولات، فاع لاتن، مس تفع لن.

ازترکیب این افاعیل سه صورت حاصل می‌شود. ترکیب یک سبب ویک وتد، دوسبب ویک وتد، یک وتد ویک فاصله.

ازترکیب یک وتد ویک سبب صورتهای ذیل حاصل می‌شود:

۱- اگر وتد برسبب مقدم باشد، وزن فعولن به وجود می‌آید، مانند مخور غم

۲- اگرسبب بر وتدمقدم باشد، وزن فاعلن به وجود می‌آید، مانند غم مخور

ازترکیب دوسبب ویک وتدشش صورت حاصل می‌شود. ازاین قرار:

ترکیب دوسبب ووتد مقرون سه صورت دارد

۱- اگر وتد مقرون بردوسبب مقدم باشد، مفاعیلن به وجودمی‌آید. مانند مخورغم رو

۲- اگر دوسبب بر وتد مقرون مقدم باشد، مستفعلن به‌وجودمی‌آید، مانند رو غم مخور

۳- اگر وتد مقرون درمیان دوسبب قرار گیرد، فاعلا تن به‌وجود می‌آید، مانند غم مخور رو

ترکیب دوسبب و وتد مفروق نیز سه صورت دارد

۱- اگر دو سبب بر وتد مفروق مقدم باشد، مفعولات به وجود می‌آید. مانند دل شد تازه

۲- اگر وتد مفروق بردوسبب مقدم باشد، فاع لاتن به‌وجودمی‌آید. مانند تازه شد دل

۳- اگر وتد مفروق میان دوسبب‌قرار گیرد، مس تفع‌لن به وجود می‌آید. دل تازه شد

ترکیب یک وتد و یک فاصله دو صورت دارد

۱ـ اگر وتد بر فاصله مقدم شود، مفاعلتن به وجود می آید. مانند بتاچکنم

۲ـ اگر فاصله بر وتد مقدم شود، متفاعلن به وجود می آید. مانند چکنم بتا

در اصول عروض پارسی بیش از هفت جزء یا فعل از افاعیل ده گانهٔ فوق استعمال نمی شود. از این قرار: مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعلن، مفعولات، فاع لاتن، مس تفع لن، فعولن

افاعیل (فرعی) افاعیل فرعی بیست و شش است از این قرار:
مفاعیلُ، مفاعیل، فعولن، فاعلن، مفعولن، مفعولُ، مفعول، مفاعلن، فاع، فع، فاعلات، فعلاتن، فعلات، فعلن، فع لن، فاعلان، فعلان، مفتعلن، فعولان، مفعولان، فعولُ، فعول، فعل، فع لان، مفاعیلان، فاعلیان. (فعولن) هم در اصول به شمار آمده است و هم در فروع

افسر (ت) شیخ الرئیس محمد هاشم میرزا. وفات ۱۳۰۹ ق-
محمد هاشم میرزا افسر فرزند نورالله میرزا در سبزوار متولد شد و در همان شهر به تحصیل علوم قدیم مانند منطق و معانی و بیان و حساب و هندسه پرداخت. علوم معقول و منقول را نزد حاج میرزا حسن حکیم داماد حاجی سبزواری آموخت. افسر در مجلس شورای ملی از دورهٔ دوم تا دورهٔ نهم نمایندگی داشت و چندین بار عهده دار نیابت ریاست مجلس بود. افسر مؤسس انجمن ادبی ایران است. وی در اشعار خود اغلب مضامین نو و اوزان غیر مبتذل اختیار کرده و در نقد شعر نیز دست داشته است.

(دیوان افسر - چاپ تهران)

افضل الدین کاشی (ت) افضل الدین محمد بن حسین مرقی کاشانی وفات ۷۰۷ـ افضل الدین معروف به بابا افضل از حکیمان و ادیبان قرن

هفتم واهل مرق از توابع کاشان · بابا افضل تألیفات بسیار به زبان فارسی دارد. مانند جاودان‌نامه ، و«ترجمه رسالهٔ نفس ، ارسطو«المفید للمستفید»، ره‌انجام نامه، انشا‌ئنامه، رسالهٔ عرض، رسالهٔ درمنطق و غیره.

بابا افضل ازکسانی است که مطالب علمی وفلسفی را به‌فارسی محکم‌وموجز نوشته‌است وبا آنکه لغات فراوان‌پارسی بجای اصطلاحات عربی به‌کاربرده است، بهیچوجه از فصاحت وروانی‌ترجمه نکاسته‌است. عبارات درنثر او بسیارکوتاه و فهم آن برای کسانی که به اصطلاحات علمی آشنا باشند، بسیار آسان است .

افضل کرمانی (ب) افضل‌الدین ابوحامداحمدبن حامد کرمانی وفات ۶۳۲ـاز نویسندگان آخر قرن ششم که در تسلط غزان برکرمان درآن‌شهرمی‌زیست . وی‌معاصر ملک دیناربود که‌درسال۵۸۳ به کرمان استیلا یافت و شاهد کشاکشهای عمال‌اتابک‌فارس ، سعدبن زندگی ، وقطب‌الدین مبارز وسلطان محمد خوارزمشاه بود . چنانکه ازفصل‌آخر کتابش برمی‌آید ، بعد ازشروع انقلابات کرمان چندسال سمت کتابت پسران طغرلشاه را داشت . پس ازآن جلای وطن اختیارکرد و رو به سوی خراسان نهاد ودرکوبنان متوقف شد وپنج سال‌آنجا ماند . پس‌از آن به یزد رفت ودرسال ۵۸۴ به‌کرمان بازگشت . از آثاراوکتاب «عقدالعلی‌للموقف‌الاعلی» و «بدیع‌الازمان فی‌وقایع کرمان» و«المضاف الی بدایع الازمان فی‌وقایع کرمان» است .

اقبال (ت). عباس اقبال آشتیانی . وفات ۱۳۳۴ ش-عباس اقبال درسال ۱۳۱۴ قمری‌متولد گردید وتحصیلات‌خود را درمدرسهٔ دارالفنون تهران به‌پایان رساند ودرکتابخانهٔ‌عمومی وزارت معارف به‌کارمشغول شد . سپس درمدارس‌علوم سیاسی ونظام ودارالمعلمین عالی به‌تدریس

پرداخت ، پس ازآن سفری به پاریس کرد وازدانشگاه سوربن به اخذ لیسانس دررشتهٔ ادبیات نائل آمد . پس از بازگشت،دردانشگاه‌تهران به تدریس پرداخت ودرسالهای آخر عمر به سمت مستشار فرهنگی در ترکیه وایتالیا اجرای وظیفه می‌کرد،تادرسال ۱۳۳۴ دررم فوت کرد . ازجملهٔ کارهای پرارزش اقبال انتشار مجلهٔ «یادگار» در سال ۱۳۲۳ است . اقبال به زبان فرانسه تسلط کامل داشت وچندین کتاب ازاین زبان به فارسی‌ترجمه کرده است . همچنین درتصحیح و تحشیهٔ بسیاری ازکتابهای ادبی وتاریخی ایران کوشش کرد . از جملهٔ تألیفات او « خاندان نوبختی »و« تاریخ مفصل ایران »و«قابوس وشمگیر زیاری» و«ابن‌المقفع»و«بحرین‌وجزایر خلیج فارس» وچند دوره جغرافیا و تاریخ عمومی وتاریخ ایران برای مدارس است .

اقبال (ت) علامه محمد اقبال لاهوری— وفات ۱۳۰۷ هجری قمری—از شاعران بزرگ پاکستان که‌به‌زبان فارسی شعر گفته واشعارش دارای ذوق عرفان و اندیشه های عمیق است . اقبال درکشورهای انگلستان وآلمان تحصیل کرده‌است ، ازاینرو افکارتمدن مغرب زمین را بااندیشه های‌دقیق‌شرقی درشعرآمیخته است. آثار او درمجموعه هائی‌به نام «جاویدنامه»، «پیام شرق» ، «اسرار ورموز »، «ارمغان حجاز»چاپ شده است .

اقتران (نج)رجوع شود به‌قران

اقوا (ق) ازعیوب‌قافیه .اختلاف حذوونوجیه است

مثال اختلاف حذو :

هر وزیر و مفتی و شاعرکه اوطوسی بود

چون نظام‌الملک وغزالی و فردوسی بود

مثال اختلاف توجیه :

از غصهٔ هجران تو دل پردارم

پیوسته ازآن دیده به خون تردارم

اکبر نامه یا تاریخ اکبری (ک) تاریخ مفصلی تألیف شیخ ابوالفضل دکنی، وزیر اکبرشاه، که آن را درآخر قرن دهم هجری درهندوستان و دربارهٔ تاریخ پادشاهی اکبرشاه وتیموریان هند تألیف کرده است. این کتاب درسه جلد است وجلد چهارم آن به نام «آئین اکبری» است دربارهٔ روش حکومت وسیاست کشورداری اکبرشاه.

البرز (ش - ت) نام سلسلهٔ کوهی که درشمال تهران واقع است وبرطبق داستان شاهنامه، رستم کیقباد را ازآنجا همراه آورد وبرتخت شاهی نشاند وسیمرغ زال را برفرازآن پرورش داد.

اگر کیقبادم زالبرز کوه — به زاری فتاده میان گروه

نیاوردمی من به ایران زمین — نبستی کمربند و سمشیر کین

ترا این بزرگی نبودی و کام — که گوئی سخنها به دستان سام

«ازشاهنامهٔ فردوسی»

التفات (ب) آن است که نویسنده در اثنای بیان مطلب، از غیبت به خطاب توجه کند یا به عکس

از غیبت به خطاب :

قرین ومثل ندارد وگرنه می گفتم

بود مقدم اقران و عدوهٔ امثال

خدایگانا در مدحت تو روز دیگر

کنم حدیث که تفصیل دارد این اجمال

از خطاب به غیبت :

ما را جگر به تیر فراق تو خسته شد

ای صبر در فراق بتان نیک‌جوشنی

الست (تن) یعنی «آیا نیستم» اشاره به آیهٔ قرآن است که در آن خداوند به آدمیان خطاب کرد که «الست بربکم» یعنی «آیا من پروردگار شما نیستم» «قالوا بلی!» یعنی گفتند که «آری» و در عرف فارسی به معنای روز ازل آمده است

بروای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر

که ندادند جز این تحفه به ما روز الست

«حافظ»

امام فخر رازی (ت) رجوع شود به فخررازی

امامی هروی (ت) ابوعبدالله محمد بن ابوبکر بن عثمان. وفات ۶۶۷- ازشاعران قرن هفتم و معاصران سعدی. امامی با مجد همگر و شاعران دیگر سؤال وجواب منظوم داشته واشعاری در مدح امیران و وزیران کرمان دارد. از مجدالدین همگر شعری منقول است که در معرفی امامی کافی است

ما گرچه به نطق طوطی‌خوش نفسیم

بر شکر گفته‌های سعدی مگسیم

در شیوهٔ شاعری به اجماع امم

هرگز من و سعدی به امامی نرسیم

قطعاتی از اشعار امامی در تذکرهٔ دولتشاه وآتشکدهٔ آذر و مجمع الفصحا ضبط است. ونسخهٔ خطی دیوان او هنوز به چاپ نرسیده است.

امهات سفلی یا امهات اربعه (نج) کنایه ازچهار عنصر (آب و باد وخاك وآتش)

امیدی تهرانی (ب) ارجاسب مقتول ۹۲۵ — ازشاعران عهد شاه اسمعیل صفوی و ازشاگردان حکیم جلال‌الدین دوانی. بیشتر اشعارش

قصیده‌است وقسمتی از آنها که شامل ۱۷ ورق می‌باشد، درموزهٔ بریتانیا وجود دارد . درمجمع الفصحاء وآتشکده اشعاری از او آمده است .

امیرخسرودهلوی (ت) امیر خسروبن امیرسیف الدین محمود دهلوی . وفات ۷۲۵—ازشاعران بزرگ ایران که در هندوستان(شهردهلی) اقامت داشته وشاهان هندرا مدح کرده‌است . امیرخسرود رحلقهٔ ارادت یکی از مرشدان صوفیهٔ هند به نام شیخ نظام‌الدین اولیاء درآمد .

امیرخسرو درشعر ازسنائی وخاقانی‌ونظامی وسعدی پیروی کرده، خاصه درغزل‌پیرو سبک سعدی بوده‌است، ولی خود او باوجودپیروی ازشاعران دیگر می‌گوید:«جلد سخنم دارد شیرازهٔ شیرازی» درشعرلحن خاصی دارد که به تدریج‌صورت تازه‌ای یافته و به سبک هندی معروف شده است .دیوان اشعار امیرخسرو برپنج قسمت است .

۱ـ تحفةالصغر که دردوران جوانی‌سروده ومرکب‌است‌ازقصاید غزلیات ، ترجیع‌بند ودرآن سلطان غیاث‌الدین بلبان (۶۶۴ — ۶۸۶) وپسرش وشیخ نظام الدین‌اولیاء را مدح کرده است .

۲ـ واسطةالحیوه که‌درآن‌قصایدی‌درمدح‌شیخ نظام‌الدین اولیاء ونصرةالدین سلطان محمد، پسر بزرگ (بلبان مقتول ۶۷۳) ، و سلطان معزالدین کیقباد(۶۸۹-۶۷۹)دارد.

۳ـ غرةالکمال که درمقدمهٔ آن ازشعر فارسی ومحسنات‌آن سخن گفته وازشاعران بزرگ‌ایران ، مانند سنائی وخاقانی وسعدی و نظامی نام‌برده وشیخ نظام‌الدین‌اولیاءوسلطان معزالدین کیقباد وجلال‌فیروزشاه (۶۸۹—۶۹۵) وجانشین‌های اورکن‌الدین وعلاءالدین را مدح کرده است .

۴ـ بقیةالنقیه که قسمتی ازآن درمدح علاءالدین محمد شاه

(۶۹۵—۷۱۵) وپسرش وامیران دیگراست‌ود، زمان پیری شاعر سروده شده است .

۵- نهایةالکمال که شامل قصاید در مدح سلطان غیاث‌الدین تغلق (۷۲۰—۷۲۵) ودرمرثیهٔ سلطان قطب‌الدین مبارك شاه (متوفی ۷۲۰) است و اشعار دورهٔ آخر زندگی شاعرست .

قصاید امیر خسرو بسیار طولانی است ودربسیاری از آنها قصاید خاقانی‌رادر نظر داشته‌است وبه‌نظامی هم‌عقیده خاصی داشته وبه‌تقلید ازاو خمسه‌ای ساخته است ، مشتمل برمنظومه‌های زیر :

۱- مطلع‌الانوار

۲- شیرین وخسرو

۳- مجنون ولیلی

۴- آئینهٔ اسکندری

۵- هشت بهشت

امیرخسرو منظومه‌های دیگر نیز مانند قران‌السعدین و نه سپهر و مفتاح الفتوح دارد که در شرح حال و اوصاف شاهان هند است. از کتابهای منثور او « خزائن الفتوح » است، دیگر « رسایل الاعجاز » درفن انشاء .

امیرخسرو را می‌توان بزرگترین شاعر ایرانی مقیم هند نامید

کلیات‌امیرخسرودهلوی چاپ هند

امین احمدرازی (ت) از تذکره نویسان قرن یازدهم و معاصر شاه‌طهماسب. وی پسر خواجه‌میرزا احمد است که‌درسال ۹۳۰ ازجانب شاه طهماسب، کلانتری ری‌را داشته است، کتابی درجغرافیا وشرح حال

بزرگان ورجال ادب دارد، به‌نام «هفت اقلیم»

امینی نجار (ت) ابوسرافه عبدالرحمن بن احمد البلخی الامینی النجار. ازشاعران عصر محمود غزنوی. از زندگیش اطلاعی دردست نیست. قصیده‌ای ازاو درلباب‌الالباب عوفی ضبط است.

انفعال (ط) (ازمقولات‌عشر) انفعال عبارت است از قبول کردن تأثیر از غیر. مثل گرم شدن آب ازآتش

انقلاب (نج) دونقطه از منطقه البروج است که زمین چون در گردش خود به دورآفتاب به آن نقاطمی‌رسد، شب وروز به حداعلای تفاوت باهم می‌رسند. انقلاب بردوگونه است: انقلاب صیفی، انقلاب شتوی.

انقلاب شتوی (نج) یا انقلاب زمستانی در روز اول زمستان است که روز به منتهای کوتاهی وشب به منتهای بلندی می‌رسد.

انقلاب صیفی (نج) یاانقلاب تابستانی در روز اول تابستان است که روز به منتهای بلندی وشب به منتهای کوتاهی می‌رسد.

انگشتر سلیمان (دن) انگشتری که سلیمان دردست داشت وبه‌وسیلهٔ آن برانسان و جانوران پادشاهی‌می‌کرد ودیوی آن راربود وچهل روز بجای سیلمان برتخت نشست.

از ملک توگریابم انگشتری زنهار
صد ملک سلیمانم درزیر نگین باشد

«حافظ»

انوار (ت) سید علی بن هرون بن ابوالقاسم الحسینی التبریزی. وفات ۸۳۷ سیدقاسم‌الانوارشاگردشیخ صدرالدین اردبیلی ازاجداد صفویه بوده‌است. وی مدتی در گیلان اقامت کرد، بعد به خراسان رفت و در

هرات ساکن شد . درزمان سلطنت تیمور وفرزندش شاهرخ در هرات می‌زیسته است، ولی به‌سبب سوءظنی که میرزا بایسنغر بسرشاهرخ به او پیدا کرده بود ، ازهرات به‌سمرقند رفت وتحت حمایت میرزا الغ بیک قرار گرفت ، بعد به خراسان بازگشت ودر خرجرد ازولایت جام اقامت کرد وهمانجا وفات یافت .

از آثار قاسم الانوار دیوان غزلیات او ودومثنوی «انیس العارفین» و«انیس العاشقین» است . (نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار)

انوارالتنزیل و اسرارالتأویل (ك) یا تفسیر بیضاوی . تفسیر بسیار معتبری ازقرآن به زبان عربی تألیف ناصرالدین البیضاوی ازعالمان ومفسران مشهور عصرمغول . تفسیر بیضاوی درمیان عالمان وفاضلان بسیارمعتبر ومورداستفاده بوده‌است ، وبه سبب همین تفسیر معروف است که بیضاوی به‌مقام قاضی‌القضاتی رسیده‌است . شیخ بهائی براین تفسیر حواشی وتعلیقات مفصل نوشته است .

انوارسهیلی (ك) یکی از مهمترین آثارادبی زبان‌فارسی، تألیف ملا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی که آن را به نام امیر شیخ احمد سهیلی از امیران دربار سلطان حسین بایقرا نگاشته است . این کتاب ازروی کتاب کلیله‌ودمنهٔ ابوالمعالی منشی انشاء گردیده‌وما نندآن پرازاشعار و امثال عربی است ، مؤلف انوار سهیلی خواسته است که کتابش را به شیوهٔ ساده بنویسد وبه جای امثال واشعارعربی و عبارات مصنوع ، اصطلاحات ساده‌تر و امثال فارسی به‌کار بردتافهم آن آسانتر گردد . بااینحال شیوهٔ نگارش کتاب تابع سبک متکلف قرن‌نهم هجری است واز لفاظی و عبارت پردازی خالی نیست .

انوشیروان (ش — ت) خسرو اول از شاهان‌ساسانی، پسرقباد .

نام او درعربی به صورت «کسری» آمده ودرادبیات فارسی نیزغالباً به همین صورت به کار رفته است . درزمان پدرش،قباد، مزدك آئین نوی آورد وقباد دین اورا پذیرفت ولی پس ازچندی از او رو برگرداند و کسری به فرمان پدر مزدك و مزدکیان را کشت وچون به تخت نشست به کشورداری وآبادی پرداخت ، دختر خاقان چین را گرفت و دوستی ایران وچین را استوار ساخت. درزمان انوشیروان شطرنج ازهندبه ایران آمد، همچنین به دستورانوشیروان ، کتاب کلیله ودمنه بوسیله برزویهٔ طبیب به ایران آورده شد وبه زبان پهلوی ترجمه گردید. همین ترجمه است که درقرن دوم هجری ابن مقفع آن را به عربی برگرداند. انوشیروان باقیصر روم جنگید وبراو پیروز شد وقیصر را باژگزارایران کرد .

درادبیات فارسی،انوشیروان نمونهٔ دادگری ورعیت پروری است .

انوری (ت) اوحدالدین محمدبن محمد وفات ۵۸۳ — انوری ملقب به حجةالحق درقریهٔ بدنه از ولایت ابیورد متولدشد . درجوانی درطوس به تحصیل همت گماشت وعلاوه بر ادبیات، درریاضی وفلسفه وحکمت نیز مهارت یافت . به آثار ابوعلی سینا علاقهٔ بسیار داشت وبعضی از آنها رابه خط خود نوشت . انوری به نجوم هم علاقهٔ خاص داشت ومی گویند که در اقتران کواکب سال ۵۸۳ پیشگوئی باد سختی راکرد که حقیقت نیافت .

انوری غیراز سنجر بسیاری از رجال معروف از قبیل ابوالحسن عمرانی وقاضی حمیدالدین صاحب «مقامات حمیدی» را مدح گفته است .

انوری از قصیده سرایان معروف قرن ششم است. وی ابتدا درشعر خاوری تخلص می کرده ودرقصیده سرائی ازجهت فصاحت لفظ و دقت معنی از پیشینیان سبقت گرفته است. غزلیاتش بسیار لطیف ودل انگیز

است ودر هجو نیز ماهر بوده است .

انوری در تغییر سبک سخن فارسی بسیار مؤثر بوده و طریقهٔ تازهٔ او استفاده از زبان محاوره است درشعر . اشعارش گاه سادگی و روانی خاصی دارد و گاه دارای معانی دقیق ومشکل میشود . شاعران پس از انوری همه اورا به استادی ستوده‌اند .

دیوان انوری چندین بار چاپ شده است .

انیس العارفین (ك) منظومه‌ای عرفانی ازآثار سید قاسم‌الانوار (متوفی ۸۳۷) این منظومه دارای مقدمه‌ای به نثر درحمد خدا و ۵۰۷ بیت‌است . موضوع کتاب پاسخ به پنج سؤال‌است . این سؤالها عبارت‌است از نفس ، روح ، قلب ، عمل ، عشق ، که شاعر در توضیح هر یک داستانی‌آورده است . ازجمله داستان ملاقات‌شیخ صفی‌الدین جدصفویه باشیخ سعدی شیرازی است این‌مثنوی ازجهت سبک بیان‌واداي‌معانی، تقلیدی است از مثنوی مولانا جلال‌الدین وبوستان سعدی .

اوحد الدین کرمانی (ت) ــشیخ ابوحامد اوحدالدین کرمانی وفات ۶۳۵ــ اوحدالدین ازعارفان معروف ایران واز پیروان و شاگردان شیخ محی‌الدین بن العربی . از اوحدالدین آثار فراوانی دردست‌نیست . مثنوی «مصباح الارواح» ازاو باقی است وقطعات پراکنده‌ای درمجمع الفصحا از او نقل شده است .

اوحدی مراغه‌ای (ت) رکن الدین اوحدی اصفهانی وفات ۷۳۸ـ ازشاعران متصوف آذربایجان که قسمت مهمی ازعمرخود را در اصفهان بسربرده‌است . در عرفان به یک واسطه مریدعارف معروف شیخ ابوحامد اوحدالدین کرمانی (متوفی ۶۳۵) بوده وتخلص خود را از او گرفته است .

اوحدی در دورهٔ سلطنت آخرین ایلخان مغول، ابوسعید، می‌زیسته، و او وغیاث‌الدین محمد را مدح گفته است. دیوان اوحدی مرکب است از قصاید وغزلیات وقطعات‌وترجیع بند ورباعیات. درغزل عرفانی نیز دست داشت. از آثار دیگر او مثنوی «منطق العشاق» است که آن را درسال ۷۰۶ به نام «وجیه‌الدین شاه» نبیرهٔ خواجه نصیر الدین طوسی ساخته است. دیگرمثنوی معروف«جام جم»است.

اوستا (ك) کتاب دینی زردشت پیغمبر ایرانی که شامل پنج جزء است:

۱ ـ یسنا که گاتا (سرود زردشت) جزو آن است ۲ — ویسپرد ۳— وندیداد ۴ ـ یشت ۵ ـ خرده اوستا

آقای پورداود استاد دنشگاه تهران اوستارا به فارسی امروز برگردانده‌وتفسیر کرده‌اند (ازسلسلهٔ انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی).

اوصاف الاشراف (ك) کتابی درعرفان وسلوك به زبان فارسی، تألیف خواجه نصیرالدین طوسی که‌آن را بنابه خواهش وزیردانشمند، خواجه بهاءالدین محمدجوینی، تألیف کرده است.

(چاپ تهران)

اهریمن (نن) نزد ایرانیان قدیم مظهر ناپاکی و تیرگی که پیوسته با اهورمزدا، خدای پاکی و صفا ونور، درجنگ است. اهریمن گاهی‌اشاره به‌دیوی‌است که انگشتر سلیمان را به دست‌آوردوچهل روز بجای‌اوبرتخت‌نشست. شیطان هم گاهی‌درفارسی‌اهریمن خوانده می‌شود.

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم
که گاهگاه در انگشت اهرمن باشد

«حافظ»

اهلی ترشیزی (ت). متوفی ۹۳۴ از جملهٔ شاعران دربار سلطان حسین وامیرعلیشیر نوائی. اشعار وی در هندوستان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

اهلی شیرازی (ب). وفات ۹۴۲ - از شاعران قرن دهم و از معاصران شاه اسمعیل صفوی. اشعارش شامل قصاید وغزلیات است. قصاید متعددی درمنقبت پیغمبر اسلام دارد. ازآثار اهلی مثنوی «سحر حلال» است که آن را درجواب تجنیسات ومجمع البحرین کاتبی به دو بحر ودو قافیه سروده است. دیگر «شمع و پروانه» و مجموعهٔ رباعیاتی به نام «ساقی نامه» است.

ایاز (ب) نام غلام ترك سلطان محمود که محبوب او بود وبه زیرکی وملاحت معروف، ودرادبیات فارسی به عنوان محبوب ومعشوق محمود ذکر شده است.

دست دل مجنون وخم طرهٔ لیلی

پیشانی محمود وکف پای ایاز است

«حافظ»

ایجاز (ب) آن است که ترتیب معانی بیش از الفاظ باشد.

عشق دیدم که در مقابل صبر

آتش وپنبه بود وسنگ وسبوی

«سعدی»

ایجی (ت) مولانا عضدالدین عبدالرحمن احمد ایجی وفات ۷۵۶ ه‍ — ازعالمان معروف فارس و از قصبهٔ ایج. معاصر شیخ ابواسحق اینجو و سلسلهٔ آل مظفر است. قاضی عضدالدین فقیهی شافعی است که به منصب قضا اشتغال داشته است. آثار بسیار درفلسفه وکلام ومذهب واخلاق به زبان عربی دارد که ازمعروفترین آنها کتاب

«المواقف فی علم الکلام» است وازمتون معتبرعلم کلام به‌می‌رود .

ایرانشاه بن ابی الخیر (ت) ازشاعران اواخرقرن پنجم ومعاصر سلطان محمدبن ملکشاه سلجوقی که داستان بهمن پسر اسفندیار را در حدود سال پانصد هجری به نظم آورده است .

ایرج (ش — د) پسرفریدون ، از شاهان سلسلهٔ پیشدادی . چون فریدون کشور خود را میان پسران تقسیم کرد ایران وعربستان را به‌ایرج داد، برادران که ازسهم خود ناراضی‌بودند، بروی‌حسد بردند واورا کشتند وسرش را نزدپدر فرستادند .

ایرج (ت) ایرج میرزا ملقب به جلال الممالک وفات ۱۳۰٤ شمسی-ایرج‌میرزا ملقب به جلال‌الممالک فرزند غلامحسین میرزا پسر برادر فتحعلیشاه، ازشاعران معروف معاصر . تحصیلات فارسی وعربی را در تبریزانجام داد وزبان فرانسه‌آموخت وسورد تشویق مرحوم حسنعلی خان امیرنظام گروسی قرارگرفت . در نوزده سالگی وارد خدمت‌دولتی شد ، ابتدا درگمرك مشغول شد سپس به‌ریاست کابینهٔ وزارت معارف وریاست‌دفتر ایالتی آذربایجان ومعاونت‌حکومت اصفهان‌منصوب گشت، وسرانجام به معاونت مالیهٔ خراسان نائل آمد . ایرج‌سفری هم به‌اروپا کرد و پس از بازگشت درتهران به مرض سکتهٔ قلبی درگذشت . ایرج درده سال آخر عمر خود درشعر سبك خاصی اختیار کرد ، افکار تازه و مضامین نو رادرشعر وارد کرد . وی‌اشعار هزل‌آمیز بسیار دارد و روانی وسادگی اشعارش سبب‌شده‌است که بعضی‌از آنها زبانزد خاص و عام گردد . دیوان ایرج‌چندین بار به چاپ رسیده است .

ایطاء (ف) از عیوب قافیه . ایطاء بر دو قسم‌است : ایطاء جلی ایطاء خفی . ایطاء جلی آن است که قافیه تکرار شود ؛ مانند :

دراین زمانه بتی نیست از تو نیکوتر — نه بر تو برشمنی از رهیت مشفق تر

ایطاء خفی آن است که بعضی از حروف زواید را تکرار کنند.

آن شنیدم که وقت زادن تو — همه خندان بدند و تو گریان

تو چنان زی که وقت مردن تو — همه گریان شوند و تو خندان

ایلاقی (ت) سرکی کشی ایلاقی. از حال او اطلاعی دردست نیست، وی از ناحیهٔ ایلاق نزدیک چاج در ماوراءالنهر است. در ترجمان البلاغة و در حدائق السحر و مجمع الفصحاء اشعاری از حسین ایلاقی نقل شده که درقرن چهارم می زیسته است و گویا همین شخص باشد.

این (ط) از مقولات عشر مفهوم «این» نسبت جسم است به مکان؛ یعنی «کجا بودن».

ایوب (نن) از پیغمبران که درصبر و تحمل رنج مشهور است. درروایت است که خدای تعالی اورا به بلاها مبتلا کرد و صبرش را آزمود ابتدا مال اورا گرفت و فقیرش گردانید سپس فرزندانش مردند و خود او بیمار شد و در بدنش کرم افتاد. اما او ننالید و صبر کرد، پس خدای تعالی اورا بخشود و چشمهٔ آب زیر پایش روان کرد. ایوب خود را با آب نشست وصحت یافت وآن چشمه به عین ایوب معروف گشت که هر بیماری خود را درآن می شست شفا می یافت. صبر ایوب درادبیات فارسی مثل است

ایهام (ب) آن است که گوینده دراستعمال یک کلمه دو معنای نزدیک ودور را در نظر گیرد

زگریه مردم چشمم نشسته درخون است

ببین که در طلبت حال مردمان چون است

شاهد برسر کلمهٔ «مردم» است که یک معنی آن سیاهی چشم و معنی دیگر آن انسان است.

ب

باباافضل کاشی (ت) رجوع شود به افضل الدین کاشی

باباطاهر (ت). وفات درحدود ۴۱۰ — از شاعران عارف قرن پنجم. اصلش از همدان است و اززندگیش اطلاعات فراوانی در دست نیست. ازآثار او مجموعهٔ کلمات قصار ی است به عربی، شامل عقاید متصوفان دیگر مجموعهٔ دوبیتی های عارفانه ولطیف اوست که به لهجهٔ لری سروده شده وازنوع «فهلویات» است. باباطاهر دراین دوبیتی ها ازوحدت عالم وجود وتنهائی وناچیزی وپریشانی واشتیاق معنوی خود گفتگو کرده است. ترانه های باباطاهر درکمال سادگی وبی پیرایگی دارای لطف خاص و نفوذ بسیار است.

دیوان باباطاهر چند بار درتهران به چاپ رسیده است.

بابافغانی (ت) وفات ۹۲۵ — ازشاعران قرن نهم واوایل قرن دهم ومعاصر صفویه. مولداو درشیراز است وپس ازچندی به هرات عزیمت کرد ودر آنجا به خدمت مولانا جامی رسید وازهرات آذربایجان رفت ومدتی در تبریز اقامت کردودردربار سلطان یعقوب آق قونیلو تقرب یافت ودرسلک شاعران دربار او قرار گرفت. پس از فوت سلطان یعقوب وآشفتگی اوضاع به شیراز وپس از آن به خراسان رفت ودرآنجا عزیمت گزید. غزلهای بابافغانی بسیار پرسوز وحاکی از دردمندی است که پیروان بسیار یافت

خاصه درهندوستان . دیوان باباففانی — چاپ تهران

باباکوهی (ت) ابوعبدالله علی . وفات ۴۴۲ — ازعارفان وسرسدان قرن چهارم هجری . باباکوهی پس ازطی مراحل اولیه سلوک درشیراز، به سفر پرداخت و در نیشابور به خدمت امام قشیری و شیخ ابوسعید ابی‌الخیر رسید ، سپس به بغداد رفت وباسنصور حلاج ملاقات کرد واز آنجا به‌شیراز مراجعت کرد ومنزوی‌شد ودرصومعه‌ای‌به‌عبادت‌پرداخت . جامی دربارهٔ او گوید :

کوه نشین گشت سه سال تمام

شد لقبش کوهی و باباش نام

(دیوان باباکوهی-چاپ شیراز)

باخرزی (ت) ابوالقاسم‌علی بن ابوالحسین بن ابی‌الطیب باخرزی . مقتول در ۴۶۸ — ازشاعران‌ونویسندگان قرن پنجم . پس از آموختن علم دین به علوم ادبی روی آورد ودرشعر ونثر عربی وفارسی مشهور شد . عوفی اورا کاتب سلطان رکن‌الدین طغرل سلجوقی می‌داند . دیوان عربی باخرزی مشهور است وعوفی مجموعه‌ای از رباعیات فارسی او را به‌نام «طرب‌نامه» ذکر کرده است . اثر معروف او کتاب «دمیة القصر وعصرة اهل‌العصر» است .

باخرزی (ت) سیف‌الدین ابوالمعالی سعیدبن مظفر باخرزی . وفات ۶۵۹ ازشاعران اواخرقرن ششم واز مشایخ صوفیه . مدت درازی ازعمر را در بخارا گذراند و از طرف نجم‌الدین کبری مأمور نشر طریقهٔ کبرویه گردید . سیف‌الدین باخرزی‌معاصر شیخ فریدالدین عطاروشیخ مجدالدین بغدادی بوده است . رساله‌ای به فارسی درمعنی عشق‌دارد ودرنظم‌ونثر آثاری از او باقی است .

باد (تن) در داستان سلیمان. بادفرمانبردار او بودواوراازشهری بهشهری می‌برد .

اندر آن موکب که برپشت صبا بندند زین
باسلیمان چون برانم من که مورم مرکب است
«حافظ»

باربد (ت) رامشگر معروف دربار خسروپرویز
... خاصه که به هرطرف نشسته است صد بارد از هزار دستان
«خاقانی»

بایقرا (ت) رجوع شود بهسلطان حسین بایقرا

بت آزری (تن) اشاره به بتهائی که آزر بت‌تراش، بدر ابراهیم پیغمبر، می‌تراشید ودرشعر فارسی کنایه ازخوبرو است .

دگر بروی کسم دیده برنمی‌باشد
خلیل من همه بتهای آزری بشکست
«سعدی»

بتر (زحاف) (ع) درمفاعیلن مجموع جب وخرم است که حذف میم وعی‌ولن باشد. می‌ماند فا، بجای آن فع می گذارندوآن‌را ابتر گویند درفعولن حذف فعو است که می‌ماند لن، بجای آن فع می گذارند وآن را ابتر خوانند

بحر (بحور) (ع) اصطلاحی است که بر انواع اوزان اطلاق می‌شود ، خلیل بن احمد که واضع علم عروض است، درشعر عربی پانزده جنس وزن یعنی پانزده «بحر» یافته است که عبارتند از :

طویل ، مدید ، بسیط ، وافر ، کامل، هزج ، رجز، رمل، سریع، منسرح ، خفیف، مضارع ، مقتضب ، مجتث ، متقارب .

(به هریک از این کلمات رجوع شود)

بدایع الازمان فی وقایع کرمان (ك) معروف به تاریخ افضل تألیف افضل الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی. این کتاب شامل اطلاعاتی است در بارهٔ جغرافیای کرمان و بنای بلاد و تاریخ مختصر کرمان ازدورهٔ قبل از اسلام وفتح آن بدست مسلمین واستیلای صفاریان وغزنویان وآل بویه وسلاجقهٔ قاوردی وانقلاب پس ازآنها وتسلط ملک دینار وپسرانش وتسلط ملوك شبانکاره واتابکان فارس وخوارزمشاهیان. بدایع الازمان مورد استفادهٔ حافظ ابرو واغلب مورخان واقع شده است.

چاپ تهران

بدر (نج) حالتی از ماه که نیمی از آن که به جانب زمین است کاملا روشن است واین حال درشب چهاردهم ماه ظاهر می شود.

قرص مه چون هلال وبدرشود لعل یکران وقرص خوان نوباد

«ابوالفرج رونی»

بدر چاچی (ت) ازشاعران دورهٔ مغول که شهرتش درهندوستان بیش از ایران است. اهل چاچ (ازشهرهای ترکستان) است. از شعرهای اوقطعاتی درتاریخ هندوستان به قلم Sir H. Elliot نقل شده است.

بدیع بلخی (ت) ابومحمد بدیع بن محمد بن محمود بلخی ازشاعران قرن چهارم. هدایت اورا معاصر سلطان محمود غزنوی می داندومنظومه ای به نام «پندنامهٔ انوشیروان» به او نسبت داده که قسمتی ازآن را در تذکرهٔ مجمع الفصحا آورده است.

بدیع الزمان (ت) ابوالفضل احمدبن حسن. وفات-۳۹۸-ازادیبان ونویسندگان قرن چهارم هجری. اولین کسی است که نثرمسجع عربی ساخت وسبک مقامه نویسی را به وجود آورد. بدیع الزمان علوم ادبی

را در همدان نزد ابن‌فارس رازی فرا گرفت وبعد به خدمت صاحب بن عباد رسید . بدیع‌الزمان ازلحاظ حافظه واحاطهٔ برلغت و شعروادب در عصر خودممتازبود ودرنظم‌ونثرعربی استاد . مقامات‌بدیع‌الزمان‌مرکب از پنجاه ویک مقامه است

براق (تن) اسبی که حضرت‌محمدص درشب معراج برآن‌نشست

براق همتش معراج پیمای عقاب‌دولتش نهمت‌شکاراست

«ابوالفرج‌رونی»

برج (نج) یکی ازقسمتهای دوازده گانهٔ منطقةالبروج

برج‌ثوراست مگرشاخ سمن که گلش را شبه‌پروین است

«ابوالفرج‌رونی»

برجیس (نج) ستارهٔ مشتری

دارد ازلطف تو برجیس وز قهر تو زحل

این سعادت مستفاد و آن نحوست مستعار

«انوری»

برزونامه (لـ) بزرگترین منظومهٔ حماسی به زبان فارسی که به‌تقلید شاهنامهٔ فردوسی ساخته شده است . این منظومه شامل روایاتی است دربارهٔ خاندان رستم وبرزو پسرسهراب . داستان برزونامه کم‌وبیش شبیه‌داستان رستم وسهراب است، جزآنکه پایان غم انگیز سهراب را ندارد . مأخذ منثورکتاب ذکرنشده اما روایات آن‌در بعضی از منظومه‌های حماسی دیگر با مختصر تفاوت دیده شده‌است. تاریخ نظم برزونامه کاملاً صریح نیست وآن را به شاعری موسوم به خواجه عمید عطائی ابن یعقوب‌معروف به عطائی‌رازی نسبت می‌دهند، که ازشاعران قرن پنجم ودربار غزنویان است ومسعود سعد درسوگ او

(۴۷۱) سرنبه‌ای ساخته است . نظم برزونامه بسیار محکم و سلیس است و گوینده دروصف میدانهای جنگ و پهلوانان قدرت بسیاربکاربرده ودرتقلیدفردوسی درنظم شاهنامه‌ازدیگرحماسه‌سرایان پیش افتاده است .

برهان (ت) محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان. وی مؤلف کتاب «برهان قاطع» وازمعاصران سلطان عبدالله قطب الدین شاه بادشاه شیعی مذهب هند است و کتاب خود را درسال ۱۰۶۲ به‌نام او تألیف کرده است .

برهان قاطع (ك) کتابی است درلغت فارسی تألیف محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به «برهان» که کتاب را درسال ۱۰۶۲ درحیدر-آباد دکن به‌نام عبدالله قطب‌شاه از شاهان هند تألیف کرده است .

مؤلف درکتاب ازچهار فرهنگ که مورد مراجعه واستفادهٔ اوبوده است، نام می‌برد .

۱- فرهنگ جهانگیری ۲- مجمع الفرس سروری

۳- سرمهٔ سلیمانی ۴- صحاح الادویهٔ حسین انصاری

برهان قاطع به این سبب که مؤلف از کتابهای لغتی که پیش ازاو تألیف شده ، استفاده بسیار کرده‌است، جامع لغات بیشتری می‌باشد . مجموع لغات برهان درحدود بیست هزار و دویست کلمه است .

(برهان قاطع — چاپ تهران)

برهانی (ت)امیرالشعراعبدالملک برهانی . وفات درحدود ۴۶۵- ازشاعران عهد سلجوقی ، دردربار الب ارسلان می‌زیست ومورد اعتماد اوبود . برهانی پدر امیر معزی شاعر معروف است که در زمان فوت، پسر خود را به سلطان ملکشاه سپرده است .

بزرجمهر (ش - ت) با بزرگمهر نام وزیر دانشمند انوشیروان .

در ادبیات فارسی بارها به‌عنوان نمونهٔ دانش ولیاقت وتقوی از او نام برده شده است .

بزم نوشیروان سپهری بود　　　کزجهانش بزرگمهری بود

«نظامی»

بزرجمهر قائنی (ت) امیر ابومنصور بزرجمهر قسیم‌بن ابراهیم قاینی از شاعران وادیبان عصر غزنوی . در شعر عربی و فارسی استاد بوده است . ابیاتی از اشعار عربی او درلباب‌الالباب عوفی ضبط‌است .

بسام کورد (ب) بسام کورد به روایت تاریخ سیستان ازخوارج بود که به نزد یعقوب آمد وقصهٔ کشته شدن عمار خارجی را به دست یعقوب ، به شعر فارسی سرود . بسام کورد را از جملهٔ نخستین شاعران زبان فارسی ذکر کرده‌اند .

بستان‌السیاحة (ك) تألیف حاجی زین العابدین شیروانی . این کتاب در سال ١٢٤٧ ه تألیف یافته و در حکم سفرنامه است . مؤلف سفرهای طولانی کرده و از جمله شهرهای عراق و گیلان وقفقاز وآذربایجان‌وخراسان وافغانستان وهند وکشمیر وبدخشان و ترکستان وماوراءالنهر وخلیج فارس ویمن وحجاز ومصر وشهرهای مختلف ایران را دیده و وقایع سفر خود را درکتاب شرح می‌دهد ، حاجی شیروانی شیعه ودرویش نعمةاللهی بوده‌است .

بسحق اطعمه (ت) رجوع شود به ابواسحق اطعمه

بسیط (ع) از بحور شعر عرب و مرکب است از چهار بار مستفعلن فاعلن . این بحر درشعرفارسی متداول نیست وگاهی مثال آن‌را عروضیان به تکلف‌ساخته‌اند . مثال بحر بسیط‌مخبون : «مستفعلن فعلن ۲بار درهر مصراع »

روزم سیاه چرا گرتو سیاه خطی　　اشکم عقیق چرا گرتو عقیق لبی

بشار بن برد (ت) از بزرگترین شاعران ایرانی قرن دوم هجری وازشاهزادگان تخارستان که به زبان عربی شعر می‌سروده است. وی درمباهات به نژاد خود وتحقیر عرب وهجو وحکم و امثال، مشهور ودر تغییر سبک شعرعربی بسیار مؤثر بوده است. بشار بن برد نابینا بود وسرانجام به جرم ارتداد درسال ۱۶۷ کشته شد.

بشار مرغزی (ت) ازشاعران قرن چهارم هجری که قصیدهٔ خمریه معروفی دارد که دردست است.

بقراط (ت) طبیب وحکیم یونانی، شاگرد فیثاغورث

بلعمی (ت) ابوعلی محمد بن ابوالفضل البلعمی. وفات ۳۶۳ — وزیر معروف منصوربن نوح بن نصر سامانی که به امر این پادشاه مأمورترجمهٔ کتاب «الرسل والملوك» معروف به تاریخ طبری شد. پدرش ابوالفضل بلعمی وزیرمشهور اسمعیل بن احمد سامانی واحمد ونصربوده است. ابوعلی محمد نیز مانند پدر علاوه برمقام بزرگ سیاسی، دردانش و ادب نیز مقامی عالی داشت. ترجمهٔ بلعمی معروف به «تاریخ بلعمی» است. قسمتی که در بارهٔ ایران است، در تهران به‌چاپ رسیده است.

بلقیس (نن) ملکهٔ سبا که سلیمان خبر قدرت اورا شنید وآهنگ شهراو کرد. بلقیس چون دانست او پیغمبر است به درگاهش روانه شد، ولی سلیمان از خداخواست که تخت بلقیس، پیش ازرسیدن خود او به درگاه حاضر شود. به فرمان خدای تعالی تخت بلقیس در مجلس سلیمان حاضر شد و بلقیس به سلیمان ایمان آورد وبه نکاحش درآمد.

حضرت بلقیس بانوی سبا　　برسر عرش معلا دیده‌ام

«خاقانی»

بنات‌النعش (نج) از صور فلکی هفت ستاره ؛ که نعش آن‌چهار ستاره است به شکل تخت درچهارگوشه وبنات آن‌سه ستاره است که به طول واقع شده است . بنات النعش را «هفت برادران» و «دب اکبر» نیز می‌خوانند .

بنات‌النعش گرداوهمی گشت   چواندردست مرد جب‌فلاخن

«منوچهری»

بناکتی (ت) ابوسلیمان داوود بناکتی یا فناکتی منسوب به بناکت از شهرهای ماوراءالنهر . وی از مورخان دورهٔ مغول و ملک‌الشعرای دربار غازان‌خان بوده‌است وچون ازنزدیک باخارجیانی که از شهرهای دور به دربار غازان خان می‌آمدند ، سروکار داشت اطلاعات‌جامعی‌دربارهٔ مذاهب وملل گوناگون کسب کرد که به‌تألیف تاریخ او به نام تاریخ بناکتی منجر شد .

بوالبشر یا ابوالبشر (تن) رجوع شود به آدم

به صفای صفیّ حق آدم   که سرانبیا وبوالبشراست

«انوری»

بوزجانی (ت) ابوالوفامحمدبن‌محمد . وفات۳۸۷- اهل بوزجان نیشابورکه در همین شهر به تحصیل ریاضی پرداخت وازآنجا به عراق رفت وبه‌تألیف کتاب مشغول گشت . ابوالوفاء ازمترجمان وریاضی‌دانان مشهورقرن چهارم است . وی بسیاری ازکتابهای ریاضی را از یونانی به عربی نقل کرده‌وخود نیزدرریاضیات ونجوم تالیفاتی دارد وازواضعان علم مثلثات است . ازآثار اوکتاب‌المجسطی است که شامل هفت‌جزء می‌باشد . دیگر« کتاب‌الکامل» . «کتاب‌الهندسه» و«کتاب‌فی مایحتاج الیه الکتاب والعمال من علم‌الحساب» .

بوستان (ك) منظومهٔ معروفی از آثار شاعر بزرك ایران سعدی، که آن را درسال ۶۵۵ به نام ابوبکربن سعدبن زنگی ساخته است.

بوستان شامل چندین باب است درعدل وانصاف، احسان وبخشش عشق ومستی، تواضع وفروتنی، تسلیم ورضا، آداب تربیت، شکربرعافیت، توبه وانابه، مناجات وختم کتاب.

سعدی مطالب این منظومه را باحکایتها و تمثیل های شیرین می آمیزد واز وقایع سفر دراز خود شواهدی ذکرمی کند.

بهار (ت) محمدتقی ملك الشعرا وفات ۱۳۳۰ ه شمسی— محمد تقی ملك الشعرا متخلص به بهار فرزند میرزا محمد کاظم صبوری ملک الشعراء آستان قدس رضوی. بهار درسال ۱۳۰۴ ق درمشهد متولد شد ودرهمان شهر به تحصیل پرداخت. درسال ۱۳۲۸ روزنامهٔ (نوبهار) را منتشر کرد ودرسال ۱۳۳۳ ازمشهد به نماینده گی مجلس شورای ملی انتخاب شد وبه تهران آمد وروزنامهٔ نوبهار را در تهران منتشر ساخت ودر ۱۳۳۵ انجمن ادبی دانشکده و مجله دانشکده را تأسیس کرد و چندی مدیریت روزنامهٔ ایران را به عهده داشت. بهار درهجده سالگی پس ازفوت پدر لقب ملک الشعرائی را به فرمان مظفرالدین شاه دریافت کرد. بهار درعالم سیاست مبارزاتی کرد. تبعیدها وزندانها ومحرومیتها دیدودربارهٔ همهٔ این حوادث اشعاری سرود. بهار درسال ۱۳۰۷ شمسی در دارالمعلمین عالی به سمت معلمی تاریخ وادبیات اشتغال ورزید، پس ازآن به سمت استادی تاریخ ادبیات فارسی دردانشکده ادبیات تهران منصوب گشت. کم کم اززنده گی سیاسی کناره گیری کرده به توسعهٔ آثارادبی پرداخت. کتابهای «مجمل التواریخ والقصص» و«تاریخ سیستان» و«جوامع الحکایات عوفی» را تصحیح کرده باحواشی وتعلیقات به چاپ رسانده است. بهار علاوه

براحاطهٔ برادبیات‌فارسی وعربی به‌خط وزبان پهلوی نیز مسلط بودوچند کتاب از زبان پهلوی به فارسی نقل کرده است مانند یادگار زریران ورسالهٔ مادیکان شترنگ

از مهمترین‌آثار بهار دیوان‌اوست دردوجلد،شامل قصاید وقطعات وغزلیات. بهار در قصیده پیروسبک خراسانی‌است. ازآثارمهم دیگراوسه جلدکتاب سبک شناسی یاتاریخ تطور نثر فارسی است که بوسیلهٔوزارت فرهنگ به چاپ رسیده است .

آثار پراکنده ماننده‌قالات سیاسی وادبی وتحقیقی فراوان‌دارد که در روزنامه‌ها ومجله‌ها منتشر شده است .

دیوان- چاپ‌تهران

بهارستان (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را درسال ۸۹۲ به نام ابوالغازی سلطان حسین بایقرا ساخته است . این کتاب به‌سبک گلستان سعدی‌می‌باشد وبه تقلید ازآن به‌هشت روضه تقسیم شده‌است. منظور نویسنده در این کتاب تذکر نکته‌های تربیتی و اخلاقی است ونثرش به صنایع لفظی آراسته است .   چاپ تهران

بهاء ولد (ت) سلطان العلماء بهاءالدین محمدبن حسین خطیبی بلخی. وفات ۶۳۱—از بزرگان‌مشایخ صوفیه دراواخر قرن ششم واوائل قرن هفتم. مادرش به خوارزمشاهیان انتساب داشت وچون سخنوری او موجب‌توجه مردم گردیده‌بود،سلطان خوارزمشاه اورا به ترك‌خراسان واداشت. گویا وجود اختلاف‌نظر بین‌امام‌فخررازی‌وبهاء ولد دراین کار بی‌اثر نبوده‌است ، زیراکه‌خوارزمشاه به‌امام فخر رازی ارادت‌می‌ورزیده است . بهاءالدین درحدود سال ۶۱۰ ازخراسان مهاجرت کرد ودر نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد . شیخ کتاب«اسرارنامه»رابه پسر او

جلال‌الدین هدیه کرد . بهاء ولد سپس به‌بغداد وازآنجا به مکه‌رفت وچند سال در ملطیه ماند وبه‌دعوت علاءالدین کیقباد سلجوقی به‌قونیه رفت ودرآنجا به وعظ وارشاد برداخت ومریدان بسیار یافت و تا زمان مرگ همانجا ماند . ازآثار معروف او «المعارف» است .

بهرام (نج) کرهٔ مریخ

بهرام تافت از فلک پنجمین همی

چونانکه دیده سرخ کند شرزهٔ ژیان

«انوری»

بهرام‌گور (ش - ت) بهرام‌پنجم پسر یزدگردساسانی . پدرش اورا نزدمنذربن‌نعمان فرمانروای حیره‌فرستاد تاتربیت شود . چون‌بهرام هنروفرهنگ آموخت وازمرگ پدر خبر یافت ودانست که بزرگان یکی ازشاهزادگان را به نام خسرو برتخت نشانده‌اند ، باسی‌هزار سوار به ایران آمد . ایرانیان تاج شاهی را میان دو شیر گذاشتند تا هریک از دوشاهزاده که آن را برداشت برتخت بنشیند . بهرام شیران را کشت وتاج را برگرفت وبرسرنهاد . بهرام گور دردوران‌شاهی پیروزیها یافت وداد بسیار کرد .

درادبیات فارسی بهرام به رغبت بروری و تجمل وخوشگذرانی شهرت دارد ومثل است . درشاهنامهٔ فردوسی داستانهای متعددی ازشکار ومجالس‌بزم بهرام‌وسرکشی ورسیدگی به وضع مردمان وطبقات مختلف ملت ودادگری او آمده است .

منظومهٔ «هفت گنبد» یا «بهرام‌نامهٔ» نظامی نیز دربارهٔ اوست .

سرانجام بهرام هنگامی که دربی گورخری می‌تاخت ، به‌باتلاقی فرورفت‌وناپدیدشد . رباعی ذیل ازخیام‌اشاره‌برسرگذشت وعاقبت‌اوست :

آن قصر که بهرام دراو جام گرفت
آهو بچه کرد وگرگ آرام گرفت
بهرام که گورسی گرفتی همه عمر
دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

«خیام»

بهرامی (ت) استادابوالحسن علی بهرامی‌سرخسی وفات اوائل قرن پنجم-ازشاعران مشهور اوایل عصر غزنوی که درعلوم ادبی استاد بود. نظامی عروضی کتابهای «غایةالعروضیین و«کنزالقافیه» و«خجسته نامه» را در علم عروض به او نسبت داده است. اشعاری از او در تذکره‌ها و کتابهای ادب ضبط است.

بهمن (س — د) یا اردشیر درازدست پسر اسفندیار، که چون پدرش به دست رستم کشته شد، رستم پرورش اورا به عهده گرفت وبه او هنر آموخت‌وچون‌پسر عزیزش داشت. اما چون بزرگ شد، نامه‌ای به گشتاسب فرستادواورا ازکار بهمن آگاه کرد. گشتاسب بهمن راخواند وبهمن پس ازگشتاسب به شاهی رسید. وی به خونخواهی پدر به زابلستان لشکر کشید، رستم دراین زمان به حیله برادرش شغاد کشته شده بود. درگنج خاندان رستم را گشاد وگنجها را غارت وزال را اسیر کرد. فرامرز پسر رستم که شنید زال اسیر گشته است، به جنگ بهمن آمد ولی شکست‌خورد وبه دست‌او کشته شد. بهمن ازکارخود پشیمان گشت وزال را آزاد کرد.

شنیدم‌من که برپای‌ایستاده		رسیدی تا به‌زانودست‌بهمن

«منوچهری»

بهمنجنه بهمن روز یعنی روز دوم از ماه بهمن که پارسیان این

روزرا جشن می گرفتند . این جشن تا چندقرن پس از اسلام نیز معمول بوده است .

رسم بهمن گیر و ازنو تازه کن بهمنجنه
ای درخت ملک بارت عزوبیداری تنه

«منوچهری»

بیان الادیان (ك) تألیف امیرابوالمعالی محمد بن عبیدالله از سادات علوی ومعاصر ناصرخسرو که این کتاب را به زبان فارسی درسال ۴۸۹ تألیف کرده است . بیان الادیان ازجملهٔ قدیمترین و مهمترین کتابهای زبان فارسی درملل ونحل است چاپ تهران

بیان و تفسیر (ب) آن است که شاعریانویسنده کلام مجملی بیاورد وپس ازآن به تفسیر پردازد

دو کس رنج بیهوده برد وسعی بیفایده کرد، یکی آنکه مال گرد کرد ونخورد ودیگرآنکه علم آموخت وعمل نکرد .

بیت (ب) در زبان عرب به معنی خانه ودراصطلاح شعر عبارت است از حداقل شعر که ازدوپاره ساخته شده ودارای وزن وقافیه واحدی باشد . هرپارهٔ یک بیت را مصراع گویند .

بیت الاحزان (تن) یا بیت الحزن
(رجوع شود به کلبهٔ احزان)

ای زوصلت خانه ها دارالشفا وی زهجرت بیتها بیت الحزن

«سعدی»

بیدل (ت) ابوالمعالی میرزا عبدالقادر بیدل . وفات ۱۱۳۳ — از شاعران فارسی زبان هند واز ترکان جغتائی که درهند متولد شده ودر آن کشور تربیت یافته است . بیدل آثار فراوانی به نظم ونثر دارد ودر شعر صاحب شیوهٔ خاصی است . درغزل عرفانی استادی دارد واشعارش

با استعاره و کنایه و مضامین پیچیده آمیخته است . از آثار معروف او مثنویهای عرفات ، طلسم حیرت،طور معرفت است . دیوان اشعارش شامل غزل وقصاید وترجیعات ومستزاد وهزلیات است .

بیرونی (ت) ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی وفات ٤٤٠ـ از بزرگترین دانشمندان علم ریاضی .ابوریحان درسال ۳٦۲ در بیرون،حوالی خوارزم، متولد شد وتحصیلات خودرا درخوارزم انجام داد سپس به دربارشمس المعالی قابوس بن وشمگیر رفت ومورد توجه‌اوقرار گرفت و کتاب«آثار الباقیه»رادرسال ۳۹۱ به‌نام‌اوتألیف کرد .ابوریحان به خوارزم بازگشت وبه‌دربار خوارزمشاهیان آل مامون پیوست ومورد احترام قرارگرفت و هنگامی که‌سلطان محمود غزنوی به گرگانج دست یافت ، ابوریحان را به غزنین برد . ابوریحان درسفرهای سلطان‌محمود به هندبااوهمراه‌بود وبادانشمندان هندی‌مصاحبت‌ومعاشرت کردوازعقاید وعلم آنها استفاده بسیار کرد وزبان سانسکریت‌راآموخت .بعد ازسلطان محمد در دربار مسعود باقی ماند و کتابهائی به نام‌اوتألیف کرد .

ابوریحان فهرست کتابهای خود را تا سال ٤۲۷ یکصد وسیزده عدد شمرده است درمسائل هیئت ، نجوم ، تاریخ وجغرافیا ، فیزیک، اسمار واحادیث ، داروشناسی .

ازجملهٔ آثار معروف او کتاب «تحقیق ماللهند من مقولة مقبوله فی‌العقل اومرذوله» درذکر عقاید هندوان ، «قانون مسعودی» درهیئت ونجوم به نام سلطان مسعود ، غزنوی «الدستور» به نام شهاب‌الدوله ابوالفتح مودودبن مسعود، «الجماهرفی‌معرفه‌الجواهر» درتحقیق‌فیزیکی بنام‌مودودبن‌مسعود،«التفهیم لاوائل صناعة‌التنجیم» به‌نام ریحانه‌دختر حسین‌خوارزمی «آثار الباقیه عن‌القرون الخالیه»

ابوریحان در دوزبان پارسی‌وعربی استاد بود وازمفاخر عصرخود به شمار می‌رفت .

بیژن (ش — د) پهلوان ایرانی ، پسرگیوکه مطابق روایت شاهنامه، خواستار جنگ با گرازها گشت و به فرمان کیخسرو همراه گرگین عزیمت کرد ، ولی گرگین اورا فریب داد وبه‌دشتی راهنمائیش کرد که دختر افراسیاب درآن خیمه گاه افراشته وجشن برپا کرده بود . بیژن عاشق منیژه شدومنیژه‌نیز شیفتهٔ وی گشت‌واورابه‌چادر خودخواند وپس‌ازآن به کاخ خود برد .چون‌افراسیاب‌ازوجود بیژن در قصر دختر آگاه شد ، بیژن را اسیر ودرچاهی زندانی کرد ومنیژه را سروپابرهنه از کاخ بیرون افکند . منیزه هرروز برسرچاه می‌رفت ونانی را که ازگدائی به دست آورده بود به‌بیژن می‌رسانید . سرانجام‌رستم درجامهٔ بازرگانان به جستجوی بیژن به شهر توران آمد وبه راهنمائی منیژه برسرچاه رفت وبیژن را نجات داد وبه ایران آورد .

ثریا چون منیژه بر سر چاه　　　دوچشم‌من بدوچون‌چشم‌بیژن

«منوچهری»

بیستون نام کوهی‌نزدیک کرمانشاه که درداستان خسرووشیرین فرهاد به فرمان خسرو به کندن آن‌مشغول شد .

آواز تیشه امشب از بیستون نیاید
گویابه‌خواب‌شیرین‌فرهادرفته باشد　　«وحشی»

بیهقی (ت) ابوالحسن‌علی بن ابی‌القاسم زیدبن‌محمدبن الحسین البیهقی‌معروف به‌ابن‌فندق‌وفات ۵۶۵ ازدانشمندان‌قرن‌ششم‌واهل‌بیهق (سبزوارحالیه) . بیهقی معاصر شهرستانی صاحب‌ملل‌ونحل بوده‌ودرصغر سن زمان‌عمرخیام رادریافته‌است.

یاقوت درمعجم الادباء هفتاد وچهار کتاب ازتألیفات او را ذکر می‌کند که متأسفانه از همهٔ آنها جز چند کتاب در دست نیست. ازآثار بیهقی «تاریخ بیهق»، «کتاب نحو»، «جوامع الاحکام»، «شرح نهج البلاغه» «تتمه‌صوان الحکمة»، «ذیلی برتاریخ یمینی» است موسوم به «مشارب التجارب وعوارب الغرایب» که مشتمل بروقایع تاریخی ایران است درصدوپنجاه سال، یعنی از همانجا که تاریخ یمینی ختم می‌شود.

دیگر ازتألیفات او کتابی است درامثال عرب موسوم به «غررالامثال و درر الاقوال».

بیهقی (ت) ابوالفضل محمدبن حسین وفات ۴۷۰ - ازنویسندگان بزرگ قرن پنجم ومعاصر غزنویان. بیهقی در قریهٔ حارث آباد ازقراء بیهق متولد شد وتحصیلات خود را درنیشابور انجام داد. پس از آن به سمت دبیری، به دیوان رسالت محمود بن سبکتکین وارد شد ودر خدمت خواجه بونصرمشکان به کار پرداخت ونوزده سال منشی رسائل غزنویان بود ودرزمان سلطان عبدالرشید صاحب دیوان رسالت گشت. بیهقی مدتی به علت سعایت مخالفان در زندان بسربرد وپس ازآزادی انزوا اختیار کردوبه تصنیف کتاب پرداخت. ازآثار او یکی «زینة الکتّاب است که گویا درفن کتابت بوده واکنون دردست نیست. دیگر تاریخ مهم اوست به نام «تاریخ آل سبکتکین» که قسمتی ازآن به نام «تاریخ مسعودی» دردست است.



پازند (ک) چون خواندن خط پهلوی ساسانی دشوار بود وموجب خطا واشتباهاتی می‌شد ، برای آنکه رسالات وکتابهای مذهبی درست خوانده شود، غالباً آنها را به خط دقیق اوستائی نقل می‌کردند. این گونه نقل متن پهلوی به‌خط اوستائی پازندخوانده می‌شود .

ای‌خوانده کتاب زندوپازند　　زین خواندن زند تا کی‌وچند

از فعل منافقی و بی باک　　از قول حکیمی و خردمند

«ناصرخسرو»

پدر (تن) اشاره به حضرت آدم

نه من ازخلوت تقوی به در افتادم وبس

پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

«حافظ»

پروین (نج) رجوع شود به ثریا

آسمان گوفروش این عظمت کاندرعشق

خرمن مه به جوی خوشهٔ پروین به‌دوجو

«حافظ»

پروین اعتصامی (ت) وفات ۱۳۲۰ شمسی-دختر یوسف اعتصامی (اعتصام‌الملک آشتیانی) از زنان هنرمند و شاعر معاصر. پروین در سال ۱۲۸۵ شمسی درتبریز متولد شدوتحصیلات خودرا درمدرسهٔ امریکائی

تهران به پایان رساند و ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر آموخت . پروین درسال ۱۳۲۰ درسن سی‌وپنجسالگی فوت کرد . اشعار او ابتدا درمجلهٔ بهار منتشر شد و نخستین مجموعه اشعارش در سال ۱۳۱٤ به طبع رسید . دیوانش شامل قصاید ومثنوبات وقطعات است . پروین در قصیده از سبک شاعران خراسان پیروی کرده ومضامین اجتماعی وواقعی زندگی را در شعر وارد کرده است و در پند و اندرز و تسلیت خاطر بیچارگان نکته های لطیف وحکیمانه بکاربرده است که اغلب آنهارا از زبان بیچارگان باگاهی از زبان طیوربیان می‌کنند .

دیوان پروین چندین بار در تهران به چاپ رسیده است

پریشان (ك) کتابی به نثر تألیف قاآنی شاعر بزرك قرن‌سیزدهم هجری . این کتاب به‌سبک گلستان سعدی‌نوشته شده وشامل پند واندرز وقصه وهمچنین حاوی‌مطالبی‌است دربارهٔ احوال مؤلف· چاپ تهران

پسر نوح (تن) فرزند نوح پیغمبر که بامخالفان پدر همراه شد ودر طوفان غرق گشت .

پسرنوح بابدان بنشست　　　خاندان نبوتش گم‌شد

«سعدی»

پور بهای جامی (ت) ازشاعران‌دورهٔ مغول که وجیه‌الدین زنگی وطاهرفریومدی‌رامدح کرده‌وبه خدمت‌صاحب‌دیوان‌جوینی‌هم رسیده است دولتشاه‌قصیده‌ای‌شامل ۳۸ بیت‌ازاونقل کرده که‌حاوی‌لغات‌مغولی‌وترکی است . همچنین ازپوربها قطعاتی مربوط به واقعهٔ انهدام نیشابور براثر زلزلهٔ سال۶۶۶ وتجدید بنای آن درسال۶۶۹ به حکم آباقاخان باقی است که پر ازصنایع لفظی می‌باشد

پیر پیرکسی است که درخانقاه تربیت سالکان رابرعهده دارد .

این شخص باید اجازهٔ ارشاد از مشایخ صوفیه داشته و از علم طریقت وشریعت اطلاع کامل داشته باشد .

دوش ازمسجد سوی میخانه آمد پیرما
چیست یاران‌طریقت بعداز این‌تدبیرما
«حافظ»

پیراهن یوسف (تن) چون برادران یوسف براو حسد بردند ، از پدر اجازه خواستند تا او را به صحرا برند ، همینکه ازچشم پدر غائب شدند ، یوسف‌رادرچاهی‌انداختند وکبوتری‌را کشتندوپیراهن یوسف‌رااز خون او رنگین کردند ونزد پدر بردند وگفتند که گرك یوسف را دریده وگواه پیراهن خونین اوست . یعقوب پس از آن آنقدر درفراق یوسف گریست که کورشد ، اما یوسف بوسیله کاروانی از چاه بیرون آمد و به مصر رفت وبراثر تعبیر خواب پادشاه ، عزیز مصر گشت . در سالهای فراوانی گندم اندوخت‌ودرسالهای قحطی از ذخیره به کاربرد وفروخت . برادران یوسف برای خریدغله به مصر رفتند وپس از چند نوبت‌خرید، یوسف خودرا به آنها معرفی کرد وپیراهن خودرا برای یعقوب فرستاد . وقتی که برادران از مصر خارج شدند وسوی کنعان رفتند ، یعقوب‌بوی پیراهن او را شنید وچون پیراهن را به او دادند ، به چشم خود مالید وبینا گشت .

بوی پیراهن یوسف که کند روشن‌چشم
باد گوئی که بر بر غم کنعان آرد
«سیدحسن‌غزنوی»

بوی پیراهن یوسف ز صبا می‌شنوم
شادی آورد گل و بادصبا شاد آمد
« حافظ »

پیر کنعان (تن) اشاره به یعقوب
شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت
«حافظ»

پیر مغان کنایه از پیشوای طریقت و مرشد عارفان
مشکل خویش بر پیر مغان بردم دوش
کو به تأیید نظر حل معما می‌کرد . . .
«حافظ»

تاتار ولایتی که در شعر فارسی به داشتن مشک خوب معروف است .

در آن چمن که نسیمی و زد ز طرهٔ دوست
چه جای دم زدن نافه‌های تاتاری است

«حافظ»

تاج التراجم (ك) تاج التراجم یا تفسیر اسفراینی از تفسیرهای مهم به زبان فارسی است که امام عمادالدین ابوالمظفرشاهفور آن را درقرن پنجم تألیف کرده است .

این کتاب دارای چند مجلس است که درهر مجلس سوره‌ای تفسیر شده است .

تاریخ ابوالفداء یا کتاب المختصر فی اخبار البشر (ك) تاریخی به زبان عربی درچهار جلد تألیف ابوالفداء . این کتاب شامل دوقسمت است: تواریخ قدیمه وتواریخ اسلامیه .

قسمت اول دارای یک مقدمه وپنج فصل است در تاریخ انبیا وملوك ، شامل چهار طبقه : فراعنهٔ مصر ، ملوك یونان وروم ، ملوك عرب قبل از اسلام ، امم مختلف .

قسمت دوم تواریخ اسلامیه از زمان حضرت محمد شروع می‌شود وبه وقایع سال ۷٤۹ پایان می‌پذیرد .

ابوالفداء درقسمت اول به‌اختصار می‌کوشد ولی تاریخ حضرت

محمد را با تفصیل بسیار شرح می دهد. وی مطالبی از تواریخ دیگران نقل می کند وازایران همه جا بااحترام نام می بردوعظمتش را می ستاید. نثر کتاب ساده وخالی از اغراق است.

تاریخ اکبری (ك) رجوع شود به اکبرنامه

تاریخ بخارا (ك) اصل تاریخ بخارا به زبان عربی و تألیف ابوبکرمحمدبن جعفرالنرشخی است که آن را به نام امیر حمید ابومحمد نوح بن نصر سامانی ساخته است. این کتاب ظاهراً پس از دوقرن یعنی دراوایل قرن ششم به وسیلهٔ ابونصربن احمدبن محمد نصرالقباوی به فارسی ترجمه شده است.

مترجم قسمتی از مطالب کتاب را که لازم نمی دانسته، حذف کرده ومطالب واخبار سودمندی به آن افزوده است. ترجمهٔ این کتاب به سال ۵۲۲ انجام گرفته است وپس از آن محمدبن زفربن عمر ترجمهٔ قباوی را در تاریخ ۵۷٤ تلخیص کرده وبه نام صدرالصدور صدر جهان برهان الدین عبدالعزیزبن مازه حاکم بخارا گردانده است. همین کتاب است که اکنون دردست می باشد. گویا پس از آن باز در این کتاب دستی برده شده وحوادث تاغلبهٔ مغول وتسخیر بخارا به دست چنگیز بر آن افزوده شده است.

این کتاب شامل اطلاعاتی است دربارهٔ بخارا وفتح آن به دست مسلمین و اوضاع آن قبل از تسلط سامانیان. مؤلف علاوه بر تاریخ و جغرافی از فلاحت وصنعت واوضاع مذهبی و عقاید اهالی بخارا پیش از اسلام واز عادات قدیم محلی نیز گفتگو کرده است. نثر تاریخ بخارا بسیار ساده وبی پیرایه است.	(چاپ تهران)

تاریخ بداونی (ك) کتابی درتاریخ عمومی هند تألیف عبدالقادر

بداونی که وقایع را تا سال ۱۰۰۳ یعنی چهلمین سال سلطنت اکبرشاه شرح داده است . تاریخ بداونی ازمعتبرترین تواریخی است که درهند نوشته شده است .

تاریخ برامکه (ك) تاریخ برامکهٔ حاضر ترجمه‌ای است از متن عربی ومترجم آن محمدبن‌حسین بن عمر هروی می‌باشد ، زمان ترجمهٔ کتاب معلوم نیست و مترجم همهٔ حکایتها را بانقل‌از «ابوالقاسم‌غسان گرد آورندهٔ اخبار آل‌برمک» شروع می‌کند .موضوع اصلی کتاب شرح سجایا وسیر و جود وسخای خاندان برامکه است که به صورت حکایت آمده است وبیشتر حکایتها مربوط‌به‌سه تن ازمهمترین افراد این‌خاندان یعنی‌یحیی ودوپسرش‌فضل وجعفر می‌باشد . نثرفارسی کتاب بسیار ساده و روان است و شاید بتوان گفت ازنوع انشاء قرن پنجم است .

(چاپ‌تهران)

تاریخ بلعمی (ك) تألیف ابوعلی محمدبن ابوالفضل بلعمی‌وزیر منصور بن نوح بن نصر . این کتاب ترجمه‌ای است از « تاریخ‌الرسل و الملوك» تألیف محمد جریر طبری (متوفی ۳۱۰) که به سال ۳۵۲ انجام گرفته است . بلعمی درترجمهٔ کتاب طبری تغییراتی داده است . سلسله روات واسناد بیابی را که‌برای‌خوانندهٔفارسی زبان ملال‌آوراست حذف کرده وبجای آن ازمنابع ومآخذ جدیدی که غالباً به‌روایات پهلوی متکی بوده ، استفاده کرده است . بلعمی سبک سالنامه نویسی را مانند طبری به کار نبرده ، بلکه وقایع را برحسب‌ترتیب اقوام مختلف‌تقسیم کرده است .

تاریخ بلعمی از نمونه های بسیار قدیم نثر فارسی است و ساده وطبیعی ودور از صنایع لفظی می‌باشد . (چاپ تهران)

تاریخ بناکتی (ك) «روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر والانساب» تألیف ابوسلیمان داوود بناکتی که درسال ۷۱۷ هجری به زبان فارسی تألیف یافته است. مؤلف در تألیف این کتاب بیشتر از همه از جامع التواریخ رشیدی استفاده کرده است. این تاریخ شامل نه قسمت است.

۱- انبیاء واولیاء. ۲- پادشاهان قدیم ایران. ۳- پیغمبر اسلام وخلفا. ۴- سلاطین ایران و معاصران خلفاء بنی عباس. ۵- یهودیان. ۶- مسیحیان و فرنگیان. ۷- هندوان. ۸- چینیان. ۹- مغولان.

گرچه مؤلف درقسمتی که به ملل خارجی اختصاص دارد، به اختصار پرداخته است ولی اطلاعات ذیقیمت وحقیقی بدست می‌دهد و درکمتر تاریخی دربارهٔ اماکن ونفوس وحوادث تاریخی بیرون از دایرهٔ اسلامی تااین حد بحث شده است. شرح مذاهب مختلف در این کتاب منصفانه وخالی از تعصب است.

تاریخ بیهق (ك) تألیف ابوالحسن بیهقی. موضوع تاریخ بیهق عبارت است از تاریخ این شهر (سبزوار حالیه) و شرح حال مشاهیر ورجالی که به آن منسوب‌اند، از هر دسته مانند عالمان، شاعران، ادیبان، وزیران، حکیمان، پزشکان، سادات. انساب خانواده‌های مشهور که از قدیم درآنجا اقامت داشته‌اند وهمچنین اطلاعات جغرافیائی و فضائل شهر ووجه تسمیهٔ آن وتقسیمات دوازده گانهٔ شهر درزمان عبدالله‌طاهر.

مؤلف درضمن تاریخ بنای هرشهری داستانها واتفاقاتی را که درآنجا افتاده است، نقل می‌کند، مانند سفرهای اشخاص بزرك چون هارون الرشید و مامون و ساختن مسجد جامع. مؤلف درضمن وقایع همه جا حدیثهای نبوی وآیات قرآن واشعار عربی می‌آورد ومنقولات تاریخ را به عربی ذکر می‌کند. عبارات فارسی در تاریخ بیهق اغلب باجمله‌های

مطول عربی آمیخته و فرمانها ومثالها به عربی نقل شده است .

(چاپ تهران)

تاریخ بیهقی (تاریخ مسعودی) (ك) تألیف ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی ؛ از تواریخ معتبر دورهٔ غزنویان. اصل این کتاب تاریخ آل‌سبکتکین نام داشته وسی‌مجلدبوده‌است. تنها قسمتی که‌اکنون‌از این تاریخ بزرك در دست است ، قسمتی است به نام « تاریخ مسعودی » حاوی سلطنت مسعودبن محمود سبکتکین وتاریخ خوارزم از زوال‌دولت آل مأمون‌وتصرف ولایت‌ایشان به‌دست سلطان محمود غزنوی‌وحکومت آلتون تاش تاغلبهٔ سلاجقه . تاریخ بیهقی از مهمترین کتابهای ادبی فارسی است که مؤلف درآن تنها به حوادث‌سیاسی دورهٔ غزنویان‌اکتفا نکرده،بلکه کوشیده است که‌وقایع را بااستدلال شرح دهد وعلت‌قضایا وجنگها رابنویسد. بیهقی احکام وفرامین ونسخه‌ها را عیناً نقل‌می‌کند و برای آنکه کتاب جالبتر شود ، وقایع را باحکایات تاریخی می‌آمیزد. اغلب به‌ذکرشاعران واشعاری می‌پردازد که درکتابهای دیگرذکری از آنها نشده است . مؤلف آنچه را که شرح می‌دهد ، با خود شاهدآن بوده یا ازراوی معتمدی نقل می‌کند و همه جا درستی اخبار را تأکید می‌کند. تاریخ بیهقی مستندبه مدارك صحیح است و ازموثقترین‌مدارك تاریخی دورهٔ غزنوی به شمار می‌رود. سبك انشاء تاریخ بیهقی بسیار لطیف‌ونمونهٔ عالی از روش انشاء دربارغزنوی است .

(چاپ‌تهران)

تاریخ‌جلالی - رجوع شود به تقویم جلالی .

تاریخ جهانگشا (ك) ازتواریخ دورهٔ مغول به‌زبان فارسی،تألیف علاء الدین عطاملك جوینی . این‌تاریخ درسال ۶۵۸ تألیف یافته و

شامل سه جلد است در وقایع دورهٔ مغول تا سال ۶۵۵

جلد اول در عادات و رسوم قدیم مغول و قوانین موضوع جنگیز معروف به یاسا و فتوحات جنگیز و سلطنت اوگتای قاآن و دورهٔ نیابت تورا گینا خاتون و سلطنت گیوك خان و جغتای .

جلد دوم در تاریخ خوارزمشاهیه و وقایع و احوال آنها و ملوك قراختای و گورخانیه ·

جلد سوم در وقایع تاجگذاری وجلوس منکوقاآن ووقایع سلطنت وتفصیل حرکت هلاگو به بغداد وقلع وقمع اسمعیلیه .

در پایان بعضی از نسخه های جهانگشا فصلی در واقعهٔ فتح بغداد بدست هلاگو تألیف خواجه نصیرالدین طوسی به طریق ذیلی به جهانگشا منضم است ولی در غالب نسخه هانیست .

مؤلف به سراسر قلمرو مغول سفر کرده وبسیاری از وقایع را که به چشم دیده یا ازمعتبران شنیده ، درتاریخ خود شرح داده است . جوینی به ذکر حوادث اکتفا نمی کند ، بلکه سبب ایجاد فتنه ها وشکستها را می گوید وفتح نامه ها را عیناً ضبط می کند و دربارهٔ مذاهب وادیان نیز گفتگو می کند .

تاریخ جهانگشا تاریخ بسیار معتبری است که مؤلف در تنظیم روایات آن دقت بسیار بکار برده وبرای جالب ساختن تاریخ ، حکایات شیرینی به آن آمیخته وشواهد بسیاری به نظم یا نثر به زبان فارسی یا عربی آورده است .

سبك انشاء جهانگشا به سادگی بیهقی وبلعمی نیست ، بااندازه‌ای متکلفانه است ولی هرگز حقیقت تاریخی درآن فدای لفظ نشده است .

(چاپ تهران)

تاریخ الرسل و الملوك (ك) تألیف ابوجعفر محمدبن جریر طبری مورخ بزرك قرن سوم و چهارم اسلامی . این کتاب به زبان عربی است در تاریخ عمومی عالم ، در دوازده جلد ، شامل وقایع عالم از ابتدای خلقت تا سال ۳۰۲ هجری . طبری دراین تاریخ سبك سالنامه نویسی بکاربرده است ووقایع را برحسب سنوات تقسیم کرده نه برحسب اقوام . وی دربارهٔ وقایع وحوادث چندین روایت اعم از موافق ومخالف را نقل می کند وسلسلهٔ رواة را به شخص مورد اعتمادی می رساند .

طبری دراین کتاب بیشتر جنبهٔ وقایع نگاری را در نظر داشته است وبه تمدن و مظاهر اجتماعی وعادات ورسوم وعلل ووقایع توجهی ندارد .

تاریخ طبری مأخذ مورد اطمینانی است که بسیاری از مورخان آن را از صحیح ترین مدارك شمرده و به آن استناد کرده اند . تاریخ طبری درزمان سامانیان به وسیلهٔ ابوعلی محمدبن محمدبن عبدالله بلعمی وبه فرمان امیر منصوربن نوح سامانی درسال ۳۵۲ هجری به فارسی ترجمه شده واین ترجمه به تاریخ بلعمی معروف گردیده است .

تاریخ رشیدی (ك) رجوع شود به جامع التواریخ

تاریخ سیستان (ك) تاریخی به زبان فارسی که مؤلف آن معلوم نیست ولی دو یا سه نفر به نوبت این تاریخ را به پایان رسانده اند ، زیرا که سبك نوشتهٔ ابتدای کتاب با انتهای آن بکلی متفاوت است . تحریر اصل کتاب در اوائل عهد سلاجقه صورت گرفته است . بنظر مرحوم ملك الشعراء بهار تألیف کتاب یکبار درعصر یعقوب لیث وعمرولیث وعصر خلف بن احمد وغلبهٔ سلطان محمود غزنوی انجام گرفته ویکبار هم درعصر طغرل سلجوقی وبار دیگر درحدود ۷۲۵ که پایان کتاب است .

درتاریخ سیستان از بنای شهر وآبادانی،نامها ، حدود وتوابع ، وسناقها گفتگو می‌شود، همچنین تاریخ زندگی بزرگان وپیغمبران ودرضمن داستانهای مذهبی شرح داده‌شده‌است. مؤلف تاریخ سیستان در جنگها به‌حیله های جنگی وفرارداد ها وعلت‌زدوخوردمی‌برداز وصحنه هاومناظر جنگ را وصف می‌کند . تاریخ سیستان تاآمدن امیر بیغو به سیستان به یک نحو وبه قلم یک نویسنده است ولی‌دراینجا مطالب بریده وناتمام می‌ماند ودرصفحهٔ بعد به‌طریق دیگر وباتاریخ دیگر شروع می‌شود . تاریخ وقایع قسمت اول تا سال ۴۴۸ است وتاریخ قسمت بعد از ۴۶۵ آغاز می‌شود. از اینجا سبک نوشتن تاریخ بکلی عوض می‌شود . سنه‌ها که تا اینجا به‌عربی نوشته شده بود،ازاین پس به‌فارسی است . وقایع که تا این تاریخ به تفصیل شرح داده شده است ، ازاین ببعد فهرست وارمی‌شود. باز ازسال ۶۹۵ فهرست‌نویسی تمام می‌شود ومطالب باعنوان شروع می گردد .

صاحب تاریخ سیستان از تواریخ ومؤلفان آنها نام می‌برد ودر نقل روایات وشرح داستانهاجنبهٔ اختصاررا رعایت‌می‌کند . سبک‌نوشتهٔ تاریخ‌سیستان‌بسیار ساده ودر قسمت‌اول کتاب‌عاری از لغات نامستعمل عربی است .　　(چاپ تهران)

تاریخ طبرستان (ك) تاریخی به زبان‌فارسی تألیف بهاءالدین محمدبن حسن بن اسفندیار کاتب‌آملی‌معروف به ابن‌اسفندیار ، از کاتبان مشهورایرانی. این کتاب درسال ۶۱۳ ه تألیف‌یافته‌است.مؤلف‌چنانکه خود گوید در تألیف‌تاریخ طبرستان‌از کتابهای‌مختلف مانند کتاب‌امام ابوالحسن یزدادی به زبان عربی و رساله‌ای از ابن‌المقفع وکتابهای دیگر استفاده کرده است . تاریخ طبرستان شامل چهار قسم وهر قسم

شامل چندین باب است دربنیاد طبرستان و خصایص وعجایب آن وذکر ملوك وعلماء وحکماء آل وشمگیروآل باوند . درتاریخ طبرستان جزحوادث تاریخی ، حکم ومواعظ واشعار وامثال نیز ازکتابهای مختلف نقل شده است . انشاء این کتاب ساده وروان است . (چاپ تهران)

تاریخ طبری (ك) رجوع شود به «تاریخ الرسل والملوك»

تاریخ قم (ك) تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی . اصل این کتاب به زبان عربی است ودرسال ۳۷۸ درزمان صاحب بن عباد وبه تشویق او تألیف یافته است و ترجمهٔ آن به فارسی در سال ۸۰۵ به توسط حسن بن علی بن حسن بن عبدالملك قمی صورت گرفته است . مؤلف مطالب کتاب رابرحسب فهرست بسیار منظم بیان می کند و عوامل و کیفیاتی را که در معرفی شهر کمال لزوم را دارد درنظر می گیرد . مؤلف خود می گوید که بیشتر اخبار را درمدت حکومت برادرش در قم بدست آورده وقسمتی را ازمردم قم شنیده است ودرضمن نام کتابهائی را که از آنها استفاده کرده ، ذکر می کند . نویسنده درتالیف تاریخ قم به کتاب اصفهان تألیف حمزهٔ اصفهانی نظر داشته است و از آن روایاتی نقل می کند . همچنین ازکتاب سیرالملوك العجم وتاریخ خلفا روایاتی دارد . مؤلف پس از مطالعه ومقایسهٔ روایات متعدد ، آنها را باهم سنجیده و قول درست تر را انتخاب کرده است . دقت و تنظیم مطالبی که در تاریخ قم به کار رفته است ، کمتر درتواریخ دیگر شهرها دیده می شود . انشاء ترجمه تاریخ قم بسیار ساده وروان است . گرچه دارای لغات واشعار عربی است ولی مطالب تاریخ بسیار صریح وروشن است . (چاپ تهران)

تاریخ کرمان (ك) «عقدالعلی للموقف الاعلی» تألیف افضل الدین ابوحامد احمد بن حامد کرمانی معاصر سلاجقهٔ کرمان که کتاب را درسال

۵۸٤ به‌پایان رسانده‌است . این کتاب‌شامل‌پنج قسمت است : درذکر آخر دولت آل سلجوق وایام فترت ملک کرمان، ورود آبات ملک دینار به کرمان‌و گرفتن‌ملک‌وظفریافتن،شرح اخلاق‌ملوک‌وذکرممالک کرمان، ثنای‌صاحب قوام‌الدین،ذکرمحاسن‌و شرح خاندان‌او، شرح‌حال مؤلف .

مؤلف دراین کتاب‌بیشتر به‌شرح‌اوضاع‌سیاسی کرمان‌وزمامداران آن می پردازد و تاریخ را باپند و اندرز می‌آمیزد و سفرها و زندگی خودرا درغربت وناراحتیها وسپس آسودگی خیال و اشتغال به شغل دبیری را شرح می‌دهد . سبک‌نوشتهٔ تاریخ کرمان ساده نیست ، بلکه شامل‌صنایع وتکلفات ادبی است و درآن‌نثربا اشعار مفصل آمیخته‌است (چاپ تهران)

تاریخ‌گزیده (ك) تألیف‌حمدالله‌مستوفی‌قزوینی که آن رادرسال ۷۳۰ به زبان فارسی به نام خواجه غیاث‌الدین محمود ، فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله ، تألیف کرده است . تاریخ گزیده تقلید و تلخیصی است ازجامع التواریخ رشیدالدین‌فضل‌الله‌به‌انضمام تلخیصی ازتواریخ دیگر . این کتاب مشتمل است بریک مقدمه وشش باب که هربابی‌به فصول مختلف تقسیم شده است . مؤلف پس از ذکر منابع خود به مبدأ تاریخ درنزد طبقات مختلف می‌پردازد وازابتدای‌آفرینش‌وعقل کل ونفس وهیولی‌وصوروعناصر بحث می کند، سپس تاریخ پیغمبران وقبایل عرب وخلفا و پادشاهان ایران را تا زمان خود شرح می‌دهد . تاریخ گزیده دارای‌وسعت مندرجات‌است، اما مؤلف دربارهٔ هیچیک ازمطالب به شرح وبسط نپرداخته وبه علت حوادث توجه ندارد ودر نقل‌وقایع، جز تاریخ زمان خود، به اختصار می کوشد . سبک تاریخ گزیده بسیار ساده وروان است . (چاپ تهران)

تاریخ مسعودی (ك) رجوع شود به تاریخ بیهقی

تاریخ معجم (ك) «المعجم فی آثار ملوك العجم» این کتاب به زبان فارسی وتألیف شرف‌الدین فضل‌اله حسینی قزوینی می‌باشد که در سال ۶۸٤ به‌نام اتابک نصرة‌الدین احمد شاه‌لرستان تألیف یافته‌است .

کتاب دربارهٔ تاریخ مختصر ایران است از عهد کیومرث تاآخر عهد ساسانیان . مؤلف درضمن تاریخ ایران از پیغمبران و فلاسفه و حکمای یونان که معاصر شاهان ایران بودند، نام می‌برد . در تاریخ معجم مانند تاریخ وصاف جنبهٔ ادبی برجنبهٔ تاریخی غلبه دارد . عبارات مصنوع ومتکلفانه است . همه‌جا خطبه‌ها ومناجاتهائی به‌شاهان باستانی ایران نسبت می‌دهد، آمیخته به جمله‌های عربی وشعر فارسی . درشرح وقایع به‌اختصار می‌کوشد ودربارهٔ بعضی از شاهان به ذکر نام قناعت می‌کند . از مورخینی مانندابن المقفع، ابن قتیبه، جریر طبری روایت‌دارد (چاپ‌تهران)

تاریخ‌وصاف (ك) «تجزیه‌الامصار وتزجیة‌الاعصار» تاریخی‌به زبان‌فارسی تألیف ادیب شهاب‌الدین عبدالله شیرازی ملقب به وصاف الحضرة که آن‌را ذیلی برتاریخ جهانگشای جوینی می‌داند. این تاریخ درپنج‌جلد وشامل تاریخ ایلخانان‌مغول وامیران اطراف‌است تا اواسط عهد ابوسعید بهادرخان . تاریخ از همانجا که جهانگشا قطع می‌شود، یعنی ازسال ٦٥٦ شروع می‌شود وبه سلطنت سلطان علاءالدین وقطب الدین ختم می‌گردد .

مؤلف درروش تاریخ نویسی ازتاریخ جهانگشا پیروی کرده‌است ولی سبک انشاء کتاب متکلف ومصنوع است ودراین راه اغراق ومبالغهٔ بسیاربکار رفته‌است ، تاحدی که تاریخ ملال آورمی‌شود . نویسنده جزییان وقایع

از شاعران وشعرهای آنان گفتگومی کند و مراسلات شاهان را عیناً ضبط می کند . درمیان شرح وقایع به شکایت از روزگار می پردازد و پند و اندرزمی دهد و اغلب وارد بحثهای فلسفی و مذهبی می شود و گاه مجبورمی گردد که نکات استعاری و تشبیهی مبهم را تفسیر کند و خود این روش را بی سابقه می شمارد . باوجود روش اغراق آمیز مولف، تاریخ وصاف تاریخ پرارزشی است که واجد اسناد قابل اعتمادی از تاریخ مغول است .

تاریخ هرات (ك) «روضات الجنات فی تاریخ مدینة الهرات» تألیف معین الدین محمد اسفزاری مورخ دورهٔ تیموری که این کتاب را به نام سلطان حسین بایقرا تألیف کرده است . تاریخ هرات شامل وقایع تا سال ۸۷۵ هجری است که نویسنده درآن شهر هرات ونواحی اطراف آن را از لحاظ جغرافیائی و از نظر فرمانروایان قدیم و همچنین سلسلهٔ ملوك کرت وانقراض آن را بدست تیمورو تاریخ تیموریان را تاسلطنت سلطان حسین ابوالغازی به تفصیل شرح داده است . (چاپ تهران)

تاریخ یمینی (ك) تاریخ یمینی به زبان عربی تألیف ابونصر عتبی از ملازمان دربار سلطان محمود غزنوی است . این کتاب درشرح حال سلطان محمود یمین الدوله وپدرش سبکتکین است وبه همین جهت به تاریخ یمینی معروف است . تاریخ تألیف کتاب اوایل قرن پنجم است ولی درقرن هفتم وبسال ۶۰۳ ابوالشرف ناصح بن ظفربن سعدالمنشی الجرفادقانی که درزمان اتابکان آذربایجان می زیسته ، آن را به فارسی ترجمه کرده است . و درآغاز قرن یازدهم هجری منینی شرحی به زبان عربی برآن نوشته وبه «الفتح الوهبی» موسوم ساخته است .

تاریخ یمینی کتابی است مشتمل برشرح سلطنت سلطان محمود بن سبکتکین و کمی از احوال آل سامان واندکی ازتاریخ آل بویه . وقایع

باعبارتهای سلیس بدون اختلاط با داستان بیان می‌شود . شرح وقایع جزئی ، روابط شاهان با دول واسیران معاصر ، وعزل ونصب حکام و منشیان و فرمانهاو جزئیات زندگی شاهان به تفصیل ذکر شده است. مترجم تاریخ یمینی درترجمه سادگی اصل کتاب راکاملا حفظ نکرده وگاهی به‌تطویل می‌پردازد و قصاید عربی را ازاصل کتاب نقل می‌کند تاریخ یمینی ازمهمترین مأخذهای تاریخ غزنوی‌است ونثرش نمونه‌ای ازنثر مصنوع فارسی درآغاز قرن هفتم است .

تأسیس (ق) از حروف قافیه . الفی که با فاصلهٔ‌متحرکی قبل از روی قرارگیرد مثل قاصر . بیشتر شاعران آوردن الف تأسیس را لازم نمی‌دانند واگر رعایت شود ، آن را لزوم مالایلزم می‌خوانند . مثال‌از شعرانوری

گرچه در بستم درمدح و غزل یکبارگی
ظن مبرکز نظم الفاظ و معانی قاصرم
بلکه در هر نوع کز اقران من داند کسی
خواه جز وی گیرآن را خواه کلی ماهرم

مثال عدم التزام درشعر خاقانی

نشایدبردن انده جز به انده | نشاید کوفت‌آهن جزبه‌آهن
دلم آبستن خرسندی آمد | اگر شد مادر روزی سترون

تبت شهری درحدود چین که مشک آن معروف بوده است .

نو بهار آمد و آورد گل و یاسمنا
باغ همچون‌تبت وراغ بسان‌عدنا
(منوچهری)

تبصرةالعوام (ك) فی‌معرفة مقالات‌الانام تألیف سید مرتضی‌بن

الداعی‌الحسینی رازی که آن را در اوائل قرن هفتم و شروع حملهٔ مغول نوشته است . تبصرة‌العوام به زبان‌فارسی ودارای بیست وشش باب‌است درذکر مقالات مربوط به‌فرقه‌های‌مختلف‌مذهبی که درضمن آن ازصوفیه ومشایخ صوفیان اطلاعاتی به دست می‌دهد . (چاپ تهران)

تثلیث (نج) آن است که میان دوبرج یک‌سوم دورهٔ فلک یعنی چهاربرج فاصله باشدوبه‌اصطلاح دیگر آنکه هربرجی به‌برج پنجمش نظر کند. تثلیث بعضی از سیارات سعد است مانند تثلیث ماه ومشتری .

به‌تثلیث بروج و ماه وانجم	به تربیع وبه‌تسدیس ثلاثا
به‌تثلیثی کجاسعدفلک‌راست	به تربیع صلیب باد ترا
که بهر دیدن بیت‌المقدس	مرا فرمان بخواه ازشاه دنیا

«خاقانی»

تجارب‌الامم (لث) کتابی درتاریخ عمومی عالم به زبان عربی که ابوعلی مسکویه آن را درشش‌جلد تألیف کرده است ولی فقط جلد اول وپنجم وششم آن دردست است . جلد اول از پادشاهی هوشنگ شروع می‌شود وباجنگ جمل پایان می‌یابد

جلد پنجم از وقایع سنه ٣٤٢ شروع می‌شودوپس از ذکر اخبار ایران وعرب وکشورهای دیگربه‌وقایع سال ٣٢٦ ختم می‌شود .

جلد ششم دنبالهٔ مطالب‌جلد پنجم است تا سنهٔ ٣٧٠ وپادشاهی عضدالدوله دیلمی .

منظور ابن‌مسکویه درجمع‌آوری اخبار فقط ذکرحادثات نیست، بلکه منظورش شرح وقایعی است که درزندگی بشر مؤثر بوده وتجربه‌ای از آن بدست می‌آید . ابن‌مسکویه به‌تاریخ، تنهامانند مورخ نظر نمی‌اندازد بلکه مانندفیلسوف وروانشناس‌وقایع وپیشرفتها وشکستها راموردتجزیه

وتحلیل فرا رسی‌دهد ومطالبی از بین آنها برمی‌گزبند که جامعتر ومفیدتر است . می‌توان گفت به فلسفهٔ تاریخ توجه بیشتر دارد وهمه جا علل شکست یا پیروزی را شرح می‌دهد .

سبک ادبی کتاب کاملا بی‌تکلف وازعبارت پردازی خالی‌است .

تجارب السلف (ك) تألیف محمدبن فخرالدین هندوشاه نخجوانی که آن را به سال ۷۲٤ به نام اتابك نصرةالدبن تألیف کرده است . تجارب‌السلف ترجمه‌ای‌است ازکتاب «منیةالفضلاء فی‌التاریخ الخلفاء والوزراء» معروف به «تاریخ فخری» تألیف ابن الطقطقی (که درسال ۷۰۱ تألیف یافته است) . هندوشاه دراین کتاب‌نظر ترجمهٔ ساده وتحت اللفظ نداشته بلکه‌ازاصل کتاب اقتباس کرده است، زبراکه‌قسمتهائی‌را حذف کرده و چیزهائی بر آن افزوده است و حکایتها و داستانهائی آورده که دراصل کتاب نبوده‌است . ولی‌نقشهٔ کتاب مانند کتاب‌الفخری است . هندوشاه دراین کتاب ازترجمهٔ تاریخ‌طبری و الکامل‌ابن اثیر ونفثةالمصدوروجوامع الحکایات‌عوفی‌وکتابهای‌دیگر که‌مورداستفاده‌اش بوده است نام می‌برد .

تجارب‌السلف نثری ساده وسلیس وانشائی بلیغ وشیرین دارد .

تجاهل العارف (ب) آن است که شاعر عمداً خودرا در مطلبی جاهل نشان بدهد .

گلی یا سوسنی یا سرو یا ماهی نمی‌دانم
ازاین آشفتهٔ بیدل چه می‌خواهی‌نمی‌دانم

تجلّی (تن) درلغت به معنی آشکار وروشن شدن و جلوه کردن است‌ودرادبیات فارسی گاه کنایه‌از تجلّی خداست دردل سالکان‌طریقت پس از طی منازل‌سلوك ورسیدن به مقام فناء فی‌الله؛ وگاه کنایه‌ازظهور

نور الهی است بر کوه طور که موسی ازآن بیهوش گشت .

آن سهیل است برق هیبت او

که تجلیش سکنهٔ طور است

«ابوالفرج رونی»

تجنیس (ب) تجنیس یا جناس آن است که دو کلمه از جهتی بایکدیگرمشابهت ومجانست داشته باشد . تجنیس برهفت قسم است: تجنیس تام ، تجنیس ناقص ، تجنیس زائد ، تجنیس مرکب ، تجنیس مکرر ، تجنبس مطرف ، تجنیس خطی .

۱ــ تجنیس تام آن است که دو کلمه در صورت یکسان باشد ودرمعنی متفاوت. مانند کلمه های گور دراین شعر

بهرام که گورمی گرفتی همه عمر

دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

۲ــ تجنیس ناقص آن‌است که دو کلمه درنوشتن مانند هم‌باشد ولی درحرکت اختلاف داشته باشد . مانند خَلق , خُلق

بُرد بیاور که بَردآمد وهنگامه کرد

آب چمن چون‌برفت آتش سوزان‌بیار

۳ــ تجنیس زائد آن است که در آخر یکی از دو کلمهٔ مجانس حرفی اضافه بردیگری باشد. مانند باد وباده دراین شعر

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است

بیار باده که بنیاد عمر بر باد است

٤ــ تجنیس مرکب آن است که دو کلمهٔ مجانس یکی بسیط ویکی‌مرکب باشد . مانند

امروزشمع انجمن دلبران یکی‌است دلبرا گرهزاربوددل برآن یکی‌است

۵ــ تجنیس مکرر یا مزدوج آن است که یکی از دو کلمهٔ مجانس یک یا دوحرف از دیگری بیشتر داشته باشد. مانند زار ونزار، گفتار وتار،

ای بت شیرین لبان تاچند ازین گفتار تلخ
روز من چون شب مدار از تلخی گفتار تار

۶ــ تجنیس مطرف آن است که دو کلمه در همهٔ حروف جز در حرف آخر یکسان باشد. مثل الخائن خائف، جام وجان

۷ــ تجنیس خطی یا مصحف آن است که دو کلمه، قطع نظر از نقطه، به یک شکل وصورت نوشته شود. مانند تیمار وبیمار، بوشیدن ونوشیدن

در دولت تو اسب معالی بتاختیم
وز نعمت تو نرد امانی بباختیم

تجنیسات (ك) ازمثنویهای کاتبی نیشابوری که در کلمات آخر مصراعها صنعت جناس را رعایت کرده است. این مثنوی دارای ده باب است در اخلاق، وشامل پند واندرز است ودر پایان این ده باب فصلی در نصیحت به فرزند دارد و در خاتمه از شاعرانی مانند عطار و مولوی و فردوسی ونظامی وشاعران دیگر مثنویهائی ذکر می کند. مثنوی تجنیسات متکلف وخالی از شور است و کاتبی در آن بیشتر به لفظ وصنعت برداخته است.

تحفة الاحرار (ك) یکی از منظومه های هفت اورنگ اثر مولانا عبدالرحمن جامی که آن را به سال ۸۸۶ ساخته است. این کتاب به سبک مخزن الاسرار نظامی وبر همان وزن است ودارای دیباچه ای است در مناجات خدا ومنقبت پیغمبر ومدح خواجه بهاءالدین مؤسس سلسلهٔ نقشبندیه وبیست مقاله در آفرینش جهان ومسائل دینی وشرح حال علماء و سلاطین و وصف جوانی وپیری که هریک از این مطالب با حکایتها ومثلها آمیخته وشامل نکته های اخلاقی است.

تحفهٔ سامی (ك) کتابی در شرح حال قریب به هفتصدتن از شاعرانی که اغلب معاصر مؤلف بوده‌اند . این کتاب تألیف سام میرزا پسر شاه اسمعیل اول صفوی است و در حدود سال ۹۵۷ تألیف یافته است .
(چاپ تهران)

تحفة العراقین (ك) ازآثار منظوم خاقانی شاعر بزرگ قرن ششم . این مثنوی درحدودسه هزاربیت دارد ودرشرح سفر شاعر است به عراق عجم وعراق عرب ومکهٔ معظمه . خاقانی دراین منظومه اغلب بزرگان ودانشمندانی را که هنگام سفر ملاقات کرده است ستوده وآداب ورسوم بعضی از کشورها را شرح داده است . مثنوی تحفةالعراقین به نام جمال‌الدین محمد موصلی سروده شده است . (چاپ تهران)

تخت بلقیس یا عرش بلقیس (تن) تخت بلقیس، ملکهٔ سبا ، که دیوان آن‌را برداشته نزد سلیمان بردند

نشستم از برش چون تخت بلقیس
بجست او چون یکی عفریت هائل
«منوچهری»

تخت‌طاقدیس تخت خسروپرویز .

به گرداگرد تخت طاقدیسش دهان تاجداران خاك لیسش
«نظامی»

همچنین نام نوائی است از نواهای باربد .

چو تخت طاقدیسی ساز کردی بهشت از طاقها آواز کردی
«نظامی»

تخلیع : (ب) آن است که شعر بروزنهای ناخوش و بحور ثقیل گفته شود

ای بت‌من چرا همی‌سوزی مرا   پس هردمی می‌زنیم بی گنه

تخنیق (زحاف) (ع) در مفاعیلن مانند خرب است که می‌شود فاعیلُ ؛ وبجای آن مفعولُ می‌گذارند ، درزبان عربی فقط در اول بیت می‌آید ؛ ودرفارسی درسایر اجزاء بیت هم جایز شمرده می‌شود . این مفعولُ را مخنق گویند .

تدارك(ب)آن‌است که شاعریک‌معنی را به نفی‌یا به‌اثبات‌آورد سپس آن را به وجهی تدارك کند ، یعنی شرطی‌درمیان‌آرد که آن‌صفت متبدل شود .

کجا توانم مالید کعبتین عدو
بلی‌اگرتودهی مرمرابه‌حق یاری

تذکرة الاولیاء (ك) از آثار منثور شیخ فریدالدین عطار که در اواخر قرن ششم تألیف یافته است . این کتاب در بیان مقامات عرفان است ومؤلف‌درآن سرگذشت نودوشش‌تن از اولیاء مشایخ صوفیه را باذکر مکارم اخلاقی وسخنان حکمت‌آمیزشان آورده است . این کتاب از حیث بیان مکارم واخلاق مشایخ طریقت وحالها وچگونگی اوضاع ایشان ورنجهاومجاهدات وسخنان‌حکمت‌آمیزوپندهایشان کتابی بسیار مهم وسودمند است. نوشتهٔ کتاب نیز نمونهٔ‌نثربسیار روان‌وشیرین زبان فارسی‌است .   (چاپ لیدن)

تذکرهٔ‌بزم‌آراء (ك) تألیف سیدعلی‌بن محمود حسینی که آن‌را درسال ۱۰۰۰ به پایان رسانده است . این تذکره شامل شرح حال شاعران‌فارسی زبان است اززمانهای قدیم تاعصرمؤلف . مؤلف‌درتألیف این تذکره،مطالب لباب الالباب عوفی را حتی دیباچه و مقدمهٔ آن را اقتباس کرده ولی هیچ نامی ازآن نبرده‌است .

تذکرة الشعراء (لـ) (تذکرهٔ دولتشاه) کتابی معروف به زبان فارسی، درشرح حال عدهٔ بسیاری از شاعران ومنتخباتی از اشعار ایشان تألیف دولتشاه سمرقندی که آن را درسال ۸۹۲ تألیف کرده است . در این کتاب علاوه برشرح حال شاعران ، مؤلف از امیران وبزرگانی که ممدوح شاعران‌قرار گرفته‌اند، نیز ذکر کرده و در خاتمهٔ کتاب شرح حال هفت تن شاعر معاصر خودرا آورده است . (چاپ‌تهران)

تذکرهٔ میخانه (لـ) کتابی در شرح حال شاعرانی که ساقی‌نامه ساخته‌اند، تألیف ملاعبدالنبی‌فخرالزمان قزوینی که‌آن را درسال ۱۰۲۸ درهندوستان به نام سردارخان خواجه یادگار تألیف کرده است .

دراین کتاب شرح احوال هفتاد ویک شاعر ذکر شده است که قبل از اکبرشاه فوت کرده یا معاصر مؤلف بوده و به دربار اکبرشاه یا جهانگیر یا امیران دکن منتسب بوده‌اند ، یااصلاً به هندوستان نرفته‌اند یا اهل قزوین وهموطن‌مؤلف بوده‌اند . مؤلف این هفتادویک شاعررا برسه مرتبه تقسیم می‌کند وشرح حال ایشان را با نام ونسب وتاریخ وفات و دیوان شعر وتعداد ابیات‌آن و نمونهٔ ساقی‌نامه با کلام منظوم دیگر آنها را به تفصیل ذکر می‌کند .مؤلف در همهٔ این اطلاعات به مآخذ کتاب اشاره می‌کند و از خود نیز ساقی‌نامه‌ای با تخلص «نبی» می‌آورد . سبک نوشتهٔ کتاب ساده واز تکلفات منشیانه دوراست .

(چاپ تهران)

تذکرهٔ نصرآبادی (لـ) تذکره‌ای تألیف میرزامحمد طاهر نصرآبادی اصفهانی که آن را درسال ۱۰۸۳ وبه نام صفی‌میرزا معروف به شاه‌سلیمان فرزند شاه‌عباس ثانی تألیف کرده است . تذکرهٔ‌نصرآبادی شامل شرح حال‌وآثارقریب‌هزارشاعرعهدصفوی‌است . این تذکره‌مورد

استفادهٔ تذکره نویسان دیگر مانند آذر بیکدلی صاحب آتشکده قرار گرفته است. (چاپ تهران)

تذکرهٔ هفت اقلیم (ك) تذکره‌ای مشتمل برجغرافیا و ترجمهٔ احوال رجال ادب تألیف امین احمد رازی که آن را درزمان شاه طهماسب صفوی در مدت شش سال نوشته و به سال ۱۰۰۲ هجری به پایان رسانده است. در تذکرهٔ هفت اقلیم شرح احوال رجال برجغرافیا غلبه دارد و مورد استفادهٔ محققان قرار گرفته است.

ترازوی انجم (نج) رجوع شود به اسطرلاب

به سیر سپهر انجمن ساختند ترازوی انجم برافراختند

«نظامی»

تربیع (نج) حالتی از ماه که از جانبی که رو به زمین است یک چهارم آن روشن است. این حالت یک بار در شب هفتم ماه ظاهر می‌شود که به «تربیع اول» موسوم است و بار دیگر در شب بیست و دوم ماه که «تربیع دوم» خوانده می‌شود.

همچنین در اصطلاح نجوم تربیع آن است که میان دو برج یک چهارم دورهٔ فلک یعنی سه برج فاصله باشد و به اصطلاح دیگر هر برجی به برج چهارمش نظر کند.

به تثلیث بروج و ماه وانجم به تربیع و به تسدیس ثلاثا
به تثلیثی کجا سعد فلک راست به تربیع صلیب باد بروا
که بهر دیدن بیت المقدس مرا فرمان بخواه ازشاه دنیا

«خاقانی»

ترجمان البلاغة (ك) ازکتابهای مهم علم بلاغت، درمباحث معانی و بیان وصنایع لفظی و معنوی. این کتاب را به فرخی سیستانی

نسبت داده‌اند ولی این نسبت درست نیست . مؤلف در این کتاب، پس از ذکر هریک از صنایع لفظی و معنوی، شواهد معدودی از شاعران قرن چهارم و اوائل قرن پنجم می‌آورد . کتاب ترجمان البلاغة مورد استفادهٔ رشیدالدین وطواط در حدائق السحر قرار گرفته است . در نسخهٔ معتبری که در کتابخانهٔ اسلامبول پیدا شده است ، کاتب در پشت نسخه این کتاب را تصنیف محمد بن عمرالرادویانی دانسته است که یکی از ادیبان قرن پنجم و ابتدای ششم است .

ترجمهٔ تاریخ طبری (ك) رجوع شود به تاریخ بلعمی

ترجیع بند (ب) مجموع چند رشته شعر است که هر رشته دارای یک وزن و یک قافیه باشد و در آخر هر رشته بیتی باقافیهٔ جداگانه مکرر می‌شود و این بیت ترجیع یا برگردان است . مانند ترجیع بند فرخی:

زباغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید
کلید باغ ما را ده که فرداشان بکار آید
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید
تو لختی صبر کن چندانکه قمری برچنار آید . . .
بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی
ملک را در جهان هرروز جشنی باد و نوروزی

ترصیع (ب) آن است که در دو قطعه کلام، الفاظی در برابر هم آورده شود که به وزن و حروف آخر مساوی باشد . مانند منور و مقرر و نجوم و رسوم در این شعر:

ای منور به تو نجوم جلال وی مقرر به تو رسوم کمال

ترك در ادبیات فارسی کنایه از زیبا و خوبرو است

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

«حافظ»

ترکیب بند (ب) شعری است مانند ترجیع بند یعنی دارای چند رشته شعر با وزن و قافیهٔ واحد که در آخر هر رشته بیتی با قافیهٔ جداگانه آورده می‌شود . این بیت در ترکیب بند تکرار نمی شود و هربار بیتی دیگر با قافیهٔ دیگر می‌آورند اما و در ترجیع بند همان یک بیت مکرر می شود .

ترنج (تن) اشاره به ترنجی که زنان مصر هنگام دیدن یوسف درخانهٔ زلیخا در دست داشتند و چنان مفتون زیبائی یوسف شدند که دستهای خود را بجای ترنج با کارد بریدند و از آن پس دیگر زلیخا را از اینکه به یوسف دل داده بود ، سرزنش نکردند .

گرش ببینی و دست از ترنج بشناسی
روا بود که ملامت کنی زلیخا را

«سعدی»

تسدیس (نج) آن است که میان دوستاره یک ششم دورهٔ فلک یعنی دو برج فاصله باشد و به اصطلاح نجوم برجی بسوی برج سومش نظر کند .

مه به تسدیس زحل کرده نظر با آفتاب
وصلتی کردی به رسم بخردان باستان

«انوری»

تشبیب (ب) در قصیده قبل از شروع به بیان مقصود اشعاری که در مغازله یا وصف طبیعت و بهار و خزان می‌آورند و بعد به مقصود اصلی می‌رسند . این مقدمهٔ قصیده را تشبیب گویند .

تشبیه (ب) از محسنات بدیع ودراصطلاح مانند کردن چیزی به چیزی است. درتشبیه چهار جزء وجوددارد: مشبه، مشبه‌به، ادات تشبیه، وجه شبه. مانند این جمله: «دندان اوچون مروارید است به‌سفیدی» دراین جمله دندان مشبه‌است، مروارید مشبه‌به، چون ادات‌تشبیه، سفیدی وجه‌شبه. تشبیه برچند قسم‌است. تشبیه مطلق، تشبیه‌تفضیل تشبیه تسویه، تشبیه عکس، تشبیه مشروط، تشبیه بکنایه.

تشبیه مطلق تشبیهی‌است که‌بدون قید وشرط باشد مانند-

شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریک

تشبیه تفضیل آن‌است که گوینده‌مشبه را برمشبه به برتری‌دهد:

خواستم گفتن که‌دست وطبع اوابراست وکان

عقل گفت این‌مدح باشد نیز بامن هم‌پلاس

دست او را ابر چون خوانی و آنجا صاعقه

طبع او را کان چرا گوئی و آنجا احتباس

تشبیه تسویه آن است که گوینده یک صفت از خود ویک صفت ازطرف‌رابه‌جیز واحدی تشبیه کند.

برخیز که شد بار دگر ابر بهار

از بهر صفای بوستان و گلزار

چون چشم‌من‌ودهان تولؤلؤخیز

مانند کف راد ملک گوهر بار

تشبیه عکس آن است که گوینده دو چیز را به هم تشبیه کند، این را به‌آن وآن را به این.

دل من چون دهن تنگ‌بتان　　دهن تنگ بتان جون دل‌من

تشبیه مشروط آن است که درآن شرطی وجود داشته باشد.

گردل ودست بحروکان باشد دل و دست خدایگان باشد

تشبیه اضمار آن است که به ظاهر قصد تشبیه درآن رعایت نشده است ، ولی درحقیقت تشبیه باشد .

گرنور مه و روشنی شمع تراست
این کاهش وسوزش من ازبهرچراست
گرشمع توئی مرا چرا باید سوخت
ورماه توئی مرا چرا باید کاست

تشبیه کنایه : آن است که ارارکان تشبیه درآن به ذکر مشبه به اکتفا شود . مثال :

بیا که لعل وگهر در نثار مقدم نو
زگنج خانهٔ دل می کشم به مخزن چشم
«حافظ»

دراینجا قطره های اشک به «لعل وگهر» تشبیه شده است .

تشعیث (زحاف) (ع) درفاعلاتن آن است که آن را مفعولن کنند وآن را مشعث خوانند .

تصوف (رجوع شود به عرفان)

تضمین (ب) ازصنایع شعروآن است که بیتی یا مصراعی از شعر دیگران درشعرخویش آورند؛ چنانکه رشیدوطواط شعر عنصری را تضمین کرده است . و اگر بجا افتد مستحسن است .

نمود تیغ تو آثار فتح وگفت فلک
«چنین نماید شمشیر خسروان آثار»

تضمین مزدوج (ب) آن است که کلام دارای دو لفظ باشد که

کاملاً بهم شبیه باشد ودرحقیقت سجع باشد.

سود بازار جهان بنگر و آزار جهان

گر شما را نه بس این سود وزیان ما را بس

حافظ

تعریض (ب) آن است که شاعر کلامی بیاورد ومقصودش گوشه زدن به مطلب دیگری باشد.

دلدار مرا گفت چرا غمگینی　　غمگین کدام دلبر شیرینی

برجستم وآئینه به دستش دادم　　گفتم که در آینه که را می بینی

تفتازانی (ت) مولانا سعدالدین مسعود بن عمر بن عبدالله التفتازانی. وفات در حدود ۷۹۱ - از دانشمندان و حکیمان دورهٔ تیموری. در قریهٔ تفتازان نزدیک نسا درخراسان به‌سال ۷۲۲ متولد گردید ودرخوارزم که مرکزعلم وادب بود اقامت کرد. امیرتیمور چون به شهرت ومقام علمی تفتازانی پی برد، دستور داد تا ملک محمد سرخسی، تفتازانی را باخود به سرخس برد ومنصب تدریس را به او واگذار کرد. پس از آن اورا به سمرقند پایتخت خود احضار کرد و مورد توجه خاص قرار داد. تفتازانی بقیهٔ عمر را درهمانجا بسر برد.

از آثار او شرحی است به تصریف زنجانی «المطول» که آن را درسال ۷٤۸ درهرات به‌نام ملک معزالدین حسین کرت تألیف کرد، دیگر «المختصر» که آن را به‌جانی بیک‌خان مغول هدیه کرد. آثار تفتازانی به زبان عربی است وبیشتر درمنطق وصرف ونحو عربی وفلسفه و کلام وتفسیر وفقه می‌باشد. منظومه‌ای از اوباقی است که ترجمهٔ ترکی از بوستان سعدی است.

تفسیر تربت جام (ك) تفسیر قرآن مجید. خلاصه واقتباسی است از

تفسیر بزرك ابوبکر عتیق سورآبادی که درقرن پنجم هجری نوشته‌شده ویك نسخه ازآن در شهر تربت شیخ جام باقی مانده بود و اکنون در موزهٔ تهران است. (چاپ تهران)

تفسیر سورآبادی (ك) مؤلف این تفسیر «ابوبکر عتیق بن محمد الهروی‌السورآبادی» است که از معاصران الب ارسلان سلجوقی بود، این تفسیر از نمونه های خوب نثر فارسی درقرن پنجم است.

تفسیر طبری (ك) جامع البیان فی تفسیرالقرآن. معروف به تفسیر کبیر. ازتفسیرهای معروف‌قرآن‌تألیف مورخ وادیب وفقیه بزرگ‌اسلامی محمدبن جریرطبری (متوفی ۳۱۰ ه). تفسیرطبری تاعهدمؤلف بزرگترین کتابی بوده که دراین علم‌نوشته‌شده وبزودی کسب شهرت کرده‌است. تفسیر طبری درعهد سامانیان‌به فرمان ابوصالح منصوربن نوح وبه همت عده‌ای از دانشمندان به فارسی ترجمه شده است.

اهمیت این کتاب آن است که مقدار فراوانی لغات و مفردات فارسی‌دارد که در برابر مفردات و ترکیبات قرآن آورده شده است.

تفسیر کبیر (ك) رجوع شود به تفسیرطبری

التفهیم‌لاوائل‌صناعة‌التنجیم (ك)تألیف دانشمند بزرك ایرانی ابوریحان‌محمدبن‌احمد بیرونی خوارزمی که آن‌را درسال ۴۲۰ درغزنین به خواهش ریحانه بنت‌الحسین خوارزمی نگاشته است.

ابوریحان دراین کتاب اطلاعاتی دربارهٔ نجوم وریاضی داده‌است وباموجزترین عبارات درهندسه،حساب، هیئت،احکام نجوم، اسطرلاب بحث کرده است. می‌توان گفت که این کتاب جامعترین کتابی دراین پنج فن است.

کتاب‌التفهیم به دوزبان فارسی وعربی نوشته شده وابوریحان‌در

تألیف این دو کتاب استادی بسیار به کاربرده است ، چنانکه تشخیص اصل ازترجمه دشوار است وپیدا نیست کدام یک را اول نوشته‌است .

کتاب التفهیم معتبرترین سند و صحیحترین مأخذ قدیم علمی و ادبی فارسی بعد از اسلام است . در بارهٔ تاریخ و ادب ورسوم‌وطرز گاه شماری مطالبی دارد که بسیار مورد استفاده‌است . ابوریحان در این کتاب کوشیده است که بجای اصطلاحات‌عربی کلمات‌فارسی بکار برد، بنحوی که هم عبارت مفهوم باشد وهم بلیغ . رویهمرفته ایجازوفصاحت وپختگی درمعانی ولفظ، این کتاب‌را بی نظیر ساخته است .

(چاپ تهران)

تقسیم (ب) آن است که شاعر معنائی را درنظر گیرد وبعد آن را تفسیر کند .

بد نامی حیات دو روزی نبود بیش
آنهم کلیم باتوبگویم چنان گذشت
یک روزصرف بستن دل‌شد به‌این وآن
روزد گربه کندن دل زین وآن گذشت

تقطیع (ع) عبارت‌است‌ازتقسیم‌شعر به‌اجزاء ونهادن هرجزء در برابر جزوی ازافاعیل که در وزن باآن برابرباشد . در تقطیع ملفوظ شعر معتبراست نه مکتوب یعنی حروفی که درلفظ‌آید، اگرچه‌نوشته نباشد ، درتقطیع حرفی محسوب می‌شود وحرفی که‌درلفظ نیست اگرچه درنوشته باشد ، اعتبار ندارد .

تقویم‌جلالی (نج) تقویمی که درزمان سلطان ملکشاه سلجوقی وبه امروی وضع شده است وبه مناسبت‌لقب اوکه جلالدین بوده‌است آن را تاریخ جلالی یاتقویم جلالی خوانده‌اند .

چون درتقویم شمسی، یعنی تقسیم سال به دوازده برج برحسب حرکت انتقالی زمین که گردش یک دور تمام به دور خورشید است ، جزئیات را به‌حساب نمی‌آوردند، روزاول فروردین به‌تدریج تغییرمی‌کرد وازاول تحویل شمس به‌برج حمل می‌گذشت وتقریباً هرچهارسال یک روزجلوتر می‌افتاد. چنانکه درزمان ملکشاه سلجوقی (سال ۴۷۱ هجری) اول اعتدال ربیعی درنوزدهم فروردین واقع بود .

برفرمان ملکشاه چندتن ازدانشمندان بزرگ زمانه که ازآن‌جمله عمر خیام نیشابوری بود ، تقویم را اصلاح کردند به طریقی که دیگر روزهای بروج دوازده‌گانه برحسب گردش زمان و آغاز اعتدال ربیعی تغییر نپذیرد ونوروزکه آغاز سال است همیشه ثابت بماند .

به موجب این تقویم سال به دوازده برج سی روزه که نامهای آنها همان نامهای ایرانی باستان (فروردین ، اردیبهشت ... الخ) بود، تقسیم می‌شد . پنج روزباقی مانده را به‌آخر اسفندماه می‌افزودند و آن را خمسهٔ مسترقه (داپنجه دزدیده) می‌خواندند وهرچهار سال یک بار روزششمی به‌آن اضافه می‌کردند .

ماههای این تقویم را همیشه باقید صفت جلالی می‌آوردند تا با ماههای ایرانی قدیم که تاروزگاری بعد ازآن متداول بود واکنون هم دربعضی از روستاهای ایران معمول است ، اشتباه نشود .

اول اردیبهشت ماه‌جلالی بلبل گوینده برمنابرقضبان

«سعدی»

تقی‌الدین محمد کاشی (ت) تقی‌الدین محمد بن‌شرف الدین علی حسینی کاشانی ، ازتذکره نویسان دورهٔ صفوی و معاصر شاه عباس اول ، اثر معروف او تذکرهٔ «خلاصة‌الاشعار وزبدة‌الافکار» است دربارهٔ

شاعران معاصر مؤلف .

تکرار (ب) آن است که شاعر لفظی را مکرر بیاورد مانند این شعر عسجدی:

باران قطره قطره همی بارم ابروار
هرروز خیره خیره ازاین چشم سیل بار
زان قطره قطره قطرهٔ باران شده خجل
زآن خیره خیره، خیره دل من زهجر یار

تکملهٔ روضة الصفا (ك) اصل روضة الصفا تألیف میرخواند در شش جلد تا پایان سلسلهٔ تیموری است . رضاقلیخان هدایت مطالب این تاریخ را ادامه داده وتاریخ شاهان قره قوینلو وآق قوینلو وتاریخ صفویه ونادرشاه وقاجاریه را تااوایل عهد ناصرالدین شاه به تفصیل نوشته وبرآن افزوده است . این تاریخ به تکملهٔ روضة الصفا معروف است .

تمثیل (ب) نوعی استعاره است به طریق مثال :

کرا خرما نسازد، خارسازد کرا منبر نسازد، دارسازد

تنبیه الغافلین وتذکرة العارفین (ك) در واقع ترجمه‌ای است از نهج البلاغهٔ حضرت علی . مترجم این کتاب ملافتح الله بن شکرالله شریف کاشانی (متوفی ۹۸۸ هجری) است .

تنسیق الصفات (ب) آن است که شاعر صفات کسی را به توالی ذکر کند .

شاه گیتی خسرو دشمن کس لشکر شکن
سایهٔ یزدان شه کشور ده ملکت ستان

تنین (نج) به تشدید نون-ازصورتهای شمالی منطقة البروج شبیه به مار.

نموداندر شمال خویش تنین به گردقطب دنبالش چوپرچین

توجیه (ق) ازحرکات قافیه .حرکت ماقبل روی ساکن که در این صورت روی را مقید خوانند .مانند حرکت خ درکلمهٔ مفخر:

زهی بقای تو دوران ملک را مفخر .

اختلاف توجیه جایز نیست مگر آنکه روی به حرف وصل بپیوندد .

تور (ش – د) طبق روایات باستانی ایران پسر میانهٔ فریدون که هنگام تقسیم کشور فریدون، سرزمین ترک وچین نصیب او شد،ولی ازسهم خود ناراضی بود وبهمین جهت به همدستی برادر بزرگ خود ، سام ، به ایران لشکر کشید وبرادر کهتررا کشت .

دگر توررا داد توران زمین   ورا کرد سالار ترکان چین

« ازشاهنامهٔ فردوسی»

التوسل الی الترسل (ك) مجموعه‌ای ازمنشآت بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه که درقرن ششم می زیسته است . مؤلف خود منشآت خویش را جمع آوری کرده وبه‌نام بهاءالدین وزیر ساخته است .

این کتاب مشتمل است بر دیباچه ودوفصل مقدمه و سه قسم ، در حمد خدا و پیغمبر و اصحاب او و ستایش سلطان و سبب تألیف کتاب ومدح بهاءالدین وزیر ومختصری درسبکهای مختلف نویسندگان ونمونهٔ فرمانها وعهدنامه هائی که از جانب سلطان به امیران وشاهان اطراف نوشته شده ونامه های دوستانه حاوی حوادث تاریخی و عادات واخلاق مردم ودربار ورجال نیمهٔ دوم قرن ششم .

کتاب التوسل الی الترسل کتاب مهمی است که روشهای مختلف انشاء ونثر فارسی‌را دراعصار مختلف نشان می‌دهد و خود از بهترین نمونه های منشآت است که به صنایع لفظی آراسته وبسیار پخته ویکدست

است. (چاپ تهران)

توشیح (ب) آن است که شاعر قطعهٔ شعری بگوید و در اول هر مصراع حرفی بیاورد که از مجموع آنها نامی بیرون شود. مانند کلمهٔ محمد در این شعر

معشوقه دلم به تیر اندوه بخست
حیران شدم و کسم نمی گیرد دست
مسکین تن من ز بار محنت شد پست
دست غم دوست پشت صبرم بشکست

تهمتن (ش - د) لقب رستم پهلوان نامدار شاهنامه

تهمورس (ش — د) پسر هوشنگ و ملقب به دیوبند که با دیوان جنگها کرد و برایشان غالب شد. بنابر روایت شاهنامه، پشم رشتن و فرش بافتن را او آموخت و مرغان و جانوران را اهلی کرد.

تهمینه (ش - د) از زنان داستان شاهنامه، دختر شاه سمنگان که عاشق رستم شد و به همسری او درآمد و بعدها پسری از او آورد به نام سهراب که برای یافتن پدر به ایران آمد و مادر بازوبندی را که رستم به او داده بود بر بازوی پسر بست تا بتواند خود را به پدر بشناساند. اما سهراب ناشناخته به دست پدر کشته شد.

تیر (نج) کرهٔ عطارد است

تیر زشست سپهر پیر مقوس هم بشود زود و در کمان بنماند

تیه (تن) بیابانی که موسی و بنی اسرائیل در آن راه گم کردند و سرگردان شدند و چهل سال در آن ماندند و خدای تعالی برایشان من و سلوی فرستاد و از سنگی که موسی عصای خود را بر آن زد، آب روان شد.

ببین که کوکبهٔ عمر خضر وارگذشت
تو باز مانده چو موسی به تیه خوف و رجا



ثرم (زحاف) (ع) در فعولن مجموع قبض و ثلم است . عول می‌ماند بجای آن فعل می گذارند وآن را اثرم می‌خوانند .

ثریا (نج) از منازل قمر که به فارسی پروین نام دارد وشش ستاره است مانند خوشهٔ انگور وبه این سبب درشعر فارسی آنرا «خوشهٔ پروین» می‌خوانند :

ثریا چون منیژه بر سر چاه　　　دوچشم من بدوچون چشم بیژن

«منوچهری»

وبه تازی آن را «نجم» نیز گویند

ثعالبی (ت) ابومنصور عبدالملک‌بن محمد ثعالبی نیشابوری . وفات ۴۲۹—ازنویسندگان ومورخان معروف ایرانی درقرن چهارم که آثار مهمی به زبان عربی دارد . مانند «یتیمةالدهر» و «تتمةالیتیمه» درشرح حال شاعران بزرگ معاصر مؤلف . اثر معروف و مهم او « غرر اخبارملوك الفرس وسیرهم» می باشد درتاریخ ایران‌قدیم . همچنین کتاب «الاعجازوالایجاز» و کتاب «التمثیل والمحاضره»

ثلم (زحاف) (ع) درفعولن حذف فاءاست که می‌ماند عولن؛ بجای آن فع‌لن می گذارند ؛ وآن‌را اثلم خوانند

ثمود (تن) نام قبیله‌ای ازفرزندان‌سام بن نوح که بت‌می‌پرستیدند و خداوند صالح را برایشان پیغمبر کرد . قوم ثمود از صالح معجزه خواستند که از میان کوه شتری ساده با بچه بیرون بیاورد ، صالح به

فرمان خدا چنان کرد ، اما قوم ثمود گفتند که صالح سحر کرده است وبه او نگرویدند ، پس شتر بسرچشمهٔ ایشان رفت وهمهٔ آبها را خورد، ایشان شتر را کشتند. دراین هنگام صدای مهیبی ازآسمان برآمد وقوم ثمود از وحشت آن مردند .

این همان چشمهٔ خورشید جهان‌افروزاست
که همی تافت بر آرامگه عاد و ثمود

«سعدی»

ثور (نج) ازصورتهای دوازدگانهٔ فلکی درمنطقة‌البروج وبه‌شکل گاو . برج ثور برابر ماه اردیبهشت می‌باشد .

به شاخ ثور بر شکل ثریا　　چو مروارید گون بارصنوبر

«انوری»

ج

جام جم (ش - د) بنا برداستانهای ایرانی، جامی بود که جمشید همهٔ جهان را درآن می‌دید. بنابرروایت شاهنامه، کیکاوس برای آگاهی یافتن ازکاربیژن هنگام نوروز درآن نگریست وبیژن را دربن چاهی در توران زمین دیدورستم را به رهانیدن اوفرستاد.

سالها دل طلب جام جم ازما می کرد
آنچه خود داشت ز بیگانه تمنامی کرد

«حافظ»

گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم
گفت آن روز که این گنبد مینامی کرد

«حافظ»

جام جم (ك) مثنوی «جام جم» یا «جام جهان نما» اثر منظوم اوحدی‌مراغه‌ای، شاعرقرن هشتم که آن را به تقلید حدیقهٔ سنائی‌سروده وبه‌نام سلطان ابوسعید بهادر ایلخانی ووزیر او خواجه غیاث‌الدین محمد ساخته است. (چاپ تهران)

جامع البیان فی تفسیر القرآن (ك) رجوع شود به تفسیرطبری

جامع التواریخ (ك) تألیف رشیدالدین فضل‌الله وزیر و محقق ومورخ بزرگ دربار مغول که آن را درسال ۷۱۰ به دستور غازان‌خان وپسرش الجایتو تألیف کرده است. این کتاب شامل سه جلد است. جلد اول درتاریخ مغول شامل دوفصل. جلد دوم درتاریخ عمومی‌عالم

شامل دو قسمت ، جلد سوم در بیان صور اقالیم ومسالک الممالک (این قسمت کتاب ازبین رفته است)

رشیدالدین فضل‌الله درتاریخ خود دقت بسیار بکاربرده است . تنها به ذکر وقایع اکتفا نکرده بلکه مقدمات جنگ و پیغامها وعلت شکست‌ها را شرح می دهد . چون مؤلف خود در دربار مقام مهمی داشته و از اوضاع و حوادث مطلع بوده است . مشاهدات و تجربیات و گفتگوها را بادقت مورد توجه قرار می‌دهد . مخصوصاً ازخانوادهٔ مغول اطلاعات گرانبهائی بدست می‌دهد که اسنادومدارك آن بوسیله غازان‌خان دراختیاراو گذاشته‌شده‌است وازینروجامع التواریخ رامی‌توان کتاب مهم ومعتبری دانست سرشار ازمدارك حقیقی ودرست . (چاپ تهران)

جامع الحکمتین (ك) تألیف ناصرخسرو قبادیانی نویسنده‌وشاعر بزرك اسمعیلی قرن پنجم . این کتاب شرحی‌است برقصیدهٔ خواجه‌ابوالهثیم جرجانی از معتقدان مذهب اسمعیلی . قصیده شامل هشتادوهشت بیت ومتضمن سؤالهائی‌است دربارهٔ مسائل دشوار دینی وحقایق علمی‌واصول عقاید اسمعیلیه . ناصرخسرو بنابر خواهش عین‌الدوله ابوالمعالی علی‌بن الاسدالحارث امیر بدخشان‌این قصیده را درسال ۴۶۲ شرح کرده‌است . به این ترتیب که یکا یك بیتها را آورده وبه تفصیل به شرح‌وتفسیر آن پرداخته وکتابی مفصل ازآن ساخته است .

ناصرخسرو خود در مقدمهٔ کتاب می گوید که‌چون بنیاد کتاب بر گشایش مشکلات دینی‌ومعضلات‌فلسفی بوده‌نام آن‌را «جامع الحکمتین» گذارده‌است . (چاپ تهران)

جامع عباسی (ك) کتابی دراحکام فقه تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان مشهور دورهٔ

صفویه و از مقربان دربار شاه عباس که این کتاب را به زبان فارسی و به نام این پادشاه تألیف کرده است . شیخ بهائی خود کتاب را به بیست باب تقسیم کرده ولی بس ازباب پنجم یعنی باب حج فوت کرده و کتاب ناتمام مانده است ونظام الدین ساوجی ازشاگردان او پانزده باب دیگر را به همان روش ساخته وبر کتاب افزوده است . این کتاب بارها در ایران به چاپ رسیده است .

جامی (ت) نورالدین عبدالرحمن جامی . وفات ۸۹۸ — از شاعران معروف قرن نهم ، پدروی نظام الدین دشتی منسوب به محلهٔ دشت اصفهان بوده که بعد به ولایت جام مهاجرت کرده است . عبدالرحمن ازدو نظر جامی تخلص کرده است . یکی به مناسبت تولدش در ولایت جام ودیگر به مناسب ارادتی که به شیخ الاسلام جامی داشته است . جامی از خردسالی با پدر به هرات وسمرقند رفت ودرآن شهرها به کسب علم وادب پرداخت . پس به عالم عرفان وارد شد و پس از کسب فیض ازاستادانی مانند سعدالدین محمد کاشغری و قاضی زادهٔ رومی به مرتبهٔ ارشاد رسید ودرسلک رؤسای طریقهٔ نقشبندی که مؤسس آن بهاءالدین نقشبند بود ، درآمد .

جامی به مکه سفر کرد وپس اززیارت حج از راه دمشق به تبریز رفت و در سال ۸۷۸ به هرات وارد شد .

جامی را می توان ازآخرین شاعران متصوف ایران دانست . در فنون مختلف وعلوم دین وادب وتاریخ استاد بود و درشعر به سعدی و حافظ توجه داشت ، از نظامی نیز پیروی کرده وبه تقلید اوخمسه‌ای ساخته است . جامی دراشعار خود ابوالغازی سلطان حسین بایقرا ووزیر او امیرعلیشیر نوائی وسلطان ابوسعید تیموری وجهانشاه قراقوینلو وسلطان

محمد فاتح پادشاه عثمانی را مدح کرده است .

جامی به بسیاری آثار نظم ونثر معروف است . از آثار منظومش یکی دیوان اشعار اوست که شامل قصاید وغزلیات ومراثی وترجیع بند ومثنویات ورباعیات است . جامی دیوان خود را برسه قسمت تقسیم کرده وآنها رافاتحة الشباب،واسطة العقد، خاتمه الحیات نام گذارده است .

دیگراز آثار او«هفت اورنگ» به تقلید خمسهٔ نظامی است شامل: سلسلة الذهب ، سلامان و ابسال، تحفة الاحرار ، سبحة الابرار ، یوسف و زلیخا ، لیلی ومجنون، خردنامهٔ اسکندری .

ازآثار منثورجامی : نقدالنصوص، نفحات الانس، لوایح ، لوامع، سواهدالنبوة ، اشعة اللمعات . بهارستان می‌باشد . گذشته ازاینها،جامی رسالاتی در مسائل مختلف دارد مانند «مناسک حج» و«رساله تهلیلیه در علم دین ورساله در اخلاق صوفیان به نام « تحقیق مذهب صوفیان »و «رساله درعلم قوافی»و«رساله موسیقی» وتجنیس الخط» ومنشآت ومعمیات ودرصرف ونحو «فوایدالضیائیه» معروف به «شرح ملاجامی» ودرتاریخ «تاریخ صوفیان» .اشعار وافکار جامی درخارج از ایران مانند هندوستان وعثمانی تأثیر بسیار داشته است .

جب (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف دوسبب یعنی عی ولن است که می‌ماند مفا ؛ وبجای آن فعل می گذارند وآن را مجبوب گویند .

جبلی (ت) بدیع الزمان عبدالواسع بن عبدالجامع غرجستانی جبلی وفات ۵۵۵–از شاعران قرن ششم که درناحیهٔ غرجستان تولد یافت و دردربار بهرامشاه غزنوی وسلطان سنجر بسرمی‌برده وپیوسته موردا حترام آنها بوده است.عبدالواسع اشعاری درمدح این شاهان وهمچنین شاهان غوری وخوارزمی سروده است . چنانکه از اشعار او پیداست ، در علوم

زمان خاصه ادب وشعر مهارت داشته وکلامش به صنایع لفظی آراسته است. به عربی نیز شعر می‌سروده. عوفی او را «ذوالبلاغتین» نامیده و ملمعاتی ازاو نقل کرده است. اشعارش شامل قصیده وغزل و ترجیع بند است. (دیوان عبدالواسع - چاپ تهران)

جبهه (نج) منزل دهم از منازل قمر که به معنی پیشانی شیر است ودارای چهار ستارهٔ روشن می‌باشد.

جحف (زحاف) (ع) فاعلاتن را خبن‌ش کنند می‌ماند فعلاتن؛ پس ازآن فعلا را می‌اندازند، می‌شود: تن؛ بجای آن فع می‌گذارند وآن را مجحوف خوانند.

جدع (زحاف)(ع) درمفعولاتُ حذف سف وعوو سا کن کردن تاست که می‌شود لات؛ و بجای آن فاع می‌گذارند؛ وآن را مجدوع خوانند

جدی (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقة‌البروج وبه شکل بزغاله. برج جدی برابر ماه دی است.

چشم بزغاله برآن خوشه که خرمن کرده شب

داس کز دندان ز راه کهکشان انگیخته

«خاقانی»

جُدّی (نج) ستاره‌ای روشن بردب اصغر ونزدیکترین ستارگان به قطب شمال که چون به‌چشم بیحرکت وثابت می‌نماید، برای یافتن قبله ازآن استفاده می‌کنند.

همی‌برگشت گردقطب جدی جوگرد با بزن مرغ مسمن

«منوچهری»

جرجانی (ت) ابوبکر عبدالقاهربن عبدالرحمن جرجانی. وفات ۴۷۱ یا ۴۷۴ - عبدالقاهر جرجانی ازادیبان بزرگ واز استادان علم نحو

ومعانی وبیان . تألیفات مهمی دارد . از آنجمله کتاب «الجمل» معروف به «جرجانیه» درفقه و کتاب «المغنی» درشرح ایضاح ابوعلی فارسی «والمقتصد والعمده» درصرف و کتاب «دلائل الاعجاز» «واسرارالبلاغة» درمعانی وبیان .

جرجانی (ت) زین الدین اسمعیل بن حسن الجرجانی . وفات ۵۳۱ — جرجانی از پزشکان معروف قرن ششم ومعاصر خوارزمشاهیان مدتی در خراسان وچندی درخوارزم درخدمت ابوالفتح قطب الدین محمدوپسرش آتسز بود . جرجانی بزرگترین پزشک قرن ششم وآثار او در ردیف آثار ابوعلی سیناست . همهٔ مباحث طب را مورد مطالعه قرار داده ومهمترین آثار طبی خود را به زبان فارسی نوشته است . از آثار مهم فارسی او «ذخیرهٔ خوارزمشاهی» و کتاب «خفی علائی» و «یادگار» و «اغراض» است . کتاب «خفی علائی» تلخیصی است از ذخیره که به فرمان علاءالدوله اتسز خوارزمشاه نوشته شده . کتاب «یادگار» دریک جلد درطب است که جرجانی برای خوارزمشاه تصنیف کرده و «اغراض» نیز تلخیصی از کتاب ذخیره است که به خواهش مجدالدین ابومحمد آتسز تألیف شده است .

جرجانی (ت) میرسید شریف علی بن محمدالجرجانی وفات ۸۱۶ از عالمان مشهور قرن هشتم که درسال ۷٤۰ درشیراز متولد شد وبه خدمت شاه شجاع معرفی گردید وبه تدریس درمدرسهٔ دارالشفاء پرداخت تیمور هنگام فتح شیرازاو را باخود به ماوراءالنهر برد واو مدتها در مجلس تیمور باسعدالدین تفتازانی به مباحثه می‌پرداخت . جرجانی پس ازمرگ تیمور به شیراز بازگشت وهمانجا وفات یافت .

بیشترتألیفات میرسید شریف به‌زبان عربی است ازجمله حاشیه‌ای بر «مطول» کتاب درسی تألیف تفتازانی نوشته است ودیگر کتاب «التعریفات»

در ذکر اصطلاحات صوفیه . از آثار فارسی میرسید شریف یکی رسالهٔ معروفی است درصرف ونحوعربی موسوم به «صرف میر» دیگررساله‌ای در منطق به نام «الکبری فی المنطق» سوم رساله ای است به نام «رسالة الوجود»

(رسالة الوجود— چاپ تهران)

جریرطبری (ت) رجوع شود به طبری

جسم (ط) جوهری که در او سه بعد باشد یعنی دارای درازاوپهنا وستبری (یاطول وعرض وضخامت) باشد .

جم (ش — د) رجوع شود به جمشید .

گفتم ای مسندجم جام جهان بینت کو

گفت افسوس که آن دولت بیدار بخفت

«حافظ»

جمال الدین اصفهانی (ت) جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی وفات ۵۸۰ ه-از شاعران قرن ششم .مولدش اصفهان بوده‌وبیشتر عمر خودرا درآنجا گذرانده است وبه‌آذربایجان‌نیز رفته‌وبانظامی گنجوی ملاقات کرده است .جمال الدین بیشترشاهان سلجوقی‌را مانند ارسلان بن طغرل وطغرل بن ارسلان ونصرة‌الدین جهان پهلوان و بعضی از ملوك آل باوندرا که درمازندران حکومت داشتند ودوخانوادهٔ آل خجند وآل صاعد را که ازخانواده‌های بزرگ اصفهان بوده‌اند ، مدح کرده‌است . دیوان جمال الدین شامل قصیده وغزل ومدح وحکمت ووعظ است . ازپیروان انوری وسیدحسن غزنوی ورشید وطواط می‌باشد وبا خاقانی ومجیروظهیر مشاعره داشته است . بیشترقصائدش بی تغزل بامدح شروع می‌شود ، کمتربه وصف طبیعت می‌پردازد،ولی غزلیاتش در ردیف اول غزلیات عصراوست .

(دیوان‌جمال الدین - چاپ تهران)

جمشید (ش ــ د) یا جم از شاهان بزرگ پیشدادی. لباس دوختن و کشتی رانی و پزشکی را به‌مردم آموخت، گوهر را استخراج کرد و تختی گوهرنشان ساخت، جشن نوروز را اوبرپا کرد و پس از این کارها خود بینی براو چیره شد تا ضحاک براو دست یافت و میانش را با اره به دونیم کرد.

صدر تو به پایه تخت جمشید　　　خنگ تو به‌سایه رخش رستم

«انوری»

جنس (ط) از کلیات خمس. آن است که درجواب ما هو (چیست) واقع شود. مانند حیوان وقتی که بپرسیم . انسان یا گاو یا گوسفند یا اسب چیست ؟ درجواب گفته می‌شود: حیوان. پس جنس آن است که تمام حقیقت مشترکه را شامل است یعنی حیوان که شامل گاو و گوسفند واسب وانسان است .

جنیدی (ت) ابوعبدالله محمدبن عبدالله الجنیدی از شاعران و فاضلان مشهور قرن چهارم. اورا درشمار شاعران دستگاه صاحب بن عباد ذکر کرده‌اند. ثعالبی دوبیت عربی و یک قطعه پارسی از او نقل کرده‌است.

جوامع الحکایات و لوامع الروایات (ك) ازمعتبرترین کتابهایی که به زبان فارسی تألیف یافته ومؤلف آن محمد عوفی صاحب تذکرهٔ لباب الالباب است که آن را درحدود سال ۶۳۰ و به نام نظام الملك قوام الدین محمدبن جنیدی وزیر شمس الدین التتمش تألیف کرده است. جوامع الحکایات مشتمل برحکایتهای ادبی واشعار وامثله است درچهار مجلد وهرمجلد دارای بیست‌وپنج باب. این کتاب ازلحاظ منابع تاریخی بسیار مهم است ، زیرا که عوفی منابع استفادهٔ خود را ذکر می‌کند و اسنادی را نقل می‌کند که درکتابهای دیگر نیست وبهمین جهت مورد استفادهٔ بسیاری از مؤلفان مانند حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده واسین

احمد رازی درهفت‌اقلیم ومنهاج سراج درطبقات ناصری‌قرارگرفته‌است.
سبک انشاء کتاب جزدیباچه که دارای نثر مصنوع است، به‌نثر ساده وروان می‌باشد ولی دارای ترکیبات عربی است .

جواهر الاسرار وظواهرالانوار (ك) کتابی‌درشرح مثنوی‌مولانا جلال‌الدین رومی به قلم کمال‌الدین حسین بن‌حسین خوارزمی .قسمت عمدهٔ این کتاب‌مقدمه‌ای‌است شامل تاریخ واصطلاحات‌ومبادی‌صوفیه .

جودی (تن) کوهی که کشتی نوح پس از فرونشستن طوفان برآن‌قرارگرفت. (قرآن)

طوفان حوادث اگر آفاق بگیرد
برسدهٔ اوباش که جودی نجاتست
«انوری»

جوزا (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقة‌البروج‌وبه شکل دو پیکر ایستاده. برج جوزابرابر ماه خرداد می‌باشد .

جوزا صفت دوگانه هزارآفتاب زاد
هرگه که رفت‌همت او دربرسخاش
«خاقانی»

دوپیکرباز‌چون‌دویاردرخواب به یکدیگر بپیچیده‌چودولاب
«فخرالدین اسعد گرگانی»

جوزا (نج) نام دیگر صورت فلکی جبار است که از صورتهای جنوبی منطقة‌البروج‌است وآن صورت‌مردی‌است کمربسته وشمشیربردست گرفته وکمراورا «نطاق» گویند .

خورده‌ام تیر فلک باده‌بده‌تاسرمست
عقده دربند کمرترکش جوزا فکنم
« حافظ »

جوزا سحر نهاد حمایل برابرم
یعنی غلام شاهم وسوگند می‌خورم
«حافظ»

جوهر (ط) از مقولات عشر. موجودی که به‌خودی خود وجود داشته باشد . مانند سنگ ، درخت

جوهری (ت) اسمعیل بن حمادجوهری فارابی . وفات ۳۹۸— ازعالمان لغت است وبرای جمع‌آوری لغات ، مدتی درمیان قبایل‌عرب بسربرد . پس از آن به نیشابور رفت ودرآنجا به تدریس پرداخت . ازآثار مشهور او«الصحاح فی‌اللغة»است که‌از کتابهای مهم لغت به شمار می‌رود .

جویا (ت) میرزاداراب بیک جویای تبریزی وفات ۱۱۱۸- از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم. مولدش درکشمیر و از معاصران اورنگ زیب است . جویا رابعد از غنی از استادان مسلم‌شعر فارسی درهند می‌دانند . وی درغزل پیروصائب است . کلیاتش‌شامل قصیده ومثنوی وقطعه وغزل است .

کلیات جویا به اهتمام دکتر محمد باقر استاد دانشگاه پنجاب چاپ شده است .

جویباری (ت) ابواسحق ابراهیم‌بن محمد البخاری الجویباری از شاعران دورهٔ سامانی که عوفی غزل لطیفی از او نقل کرده است .

جوینی (ت) علاءالدین عطاملک‌بن بهاءالدین جوینی‌وفات ۶۸۱- از تاریخ نویسان معروف ایرانی دردورهٔ مغول پسر بهاءالدین و برادر شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان جوینی که از خاندانهای معروف ومتنفذ زمان مغول بوده است. علاءالدین مدت بیست وچهار سال دربغداد

حکومت کرد ولی او وبرادرش شمس‌الدین گرفتار سعایت مجدالملك یزدی وزیرآباقاخان شدندوبنابه‌دستورآباقاخان، علاءالدین دربغداد توقیف وگرفتار شکنجه گشت وسرانجام درسال ۶۸۱ وفات یافت · اثر مهم او تاریخ جهانگشاست .

جهانگشای جوینی (ك) رجوع شود به تاریخ جهانگشا

جهانگشای نادری (ك) تاریخ معروف دورهٔ سلطنت نادرشاه تألیف مهدیخان بن محمدنصیرااسترآبادی منشی نادرشاه‌است که درسفرها با او همراه بوده است و وقایع سلطنت اورا تا زمان مرگ یعنی تا سال ۱۱۶۰ شرح داده است .

(چاپ تهران)

چ

چاه بیژن (ش - د) چاهی که بیژن پهلوان ایرانی به فرمان افراسیاب درآن افکنده شد منیژه دختر افراسیاب ومعشوق بیژن هر روز نانی ازگدائی به‌دست می‌آورد و ازبالای چاه‌برای‌اومی‌انداخت.

شبی چون چاه بیژن تنگ وتاریک
چو بیژن در میان چاه او من
ثریا چون منیژه بر سر چاه
دو چشم من بدون چون چشم بیژن

«فردوسی»

چاه یوسف (تن) چاهی که برادران یوسف او را درآن افکندند

ببین که سیب زنخدان توچه می گوید
هزار یوسف مصری فتاده درچه‌ماست

«حافظ»

چرخ اثیر (نج) رجوع شود به اثیر

شهاب کلک تویادیو دولت نو به سیر
همان کند که به‌دیوان‌شهاب چرخ اثیر

«انوری»

چشمهٔ حیوان (تن) رجوع شود به آب حیات

زهرسفرنوش کن‌اول چوخضر   بس برو وچشمهٔ حیوان‌طلب

«خاقانی»

چشمهٔ خضر (تن) رجوع شود به آب حیات

زبان درآن دهن پاك گوئیا که مگر
سیان چشمهٔ خضر است ماهئی گویا
«خاقانی»

چگل نام سهری است در ترکستان که درشعرفارسی مردم آن به زیبائی مثل سده‌اند

صفای خلوت خاطر ازآن شمع چگل جویم
فروغ چشم ونوردل ازآن ماه ختن دارم
«حافظ»

چهار ارکان (نح) یا چار ارکان عبارت است ازآب وخاك وباد وآتش

سپهر مثل تو از اتصال هفت اختر
زمانه‌مثل تو از امتزاج چار ارکان
«انوری»

چهار امهات (نح) کنایه ازچهارعنصر (آب وخاك وباد وآتش)

به‌صد دوران بنزاید یکی نتیجه چوتو
ز امتزاج چهار امهات و هفت آبا
«خاقانی»

چهارمقالهٔعروضی (ك) یامجمع النوادر، کتابی به زبان فارسی، تألیف احمدبن علی النظامی العروضی سمرقندی که آن را درسال ٥٥١ به‌نام ابوالحسن حسام‌الدین‌علی شاهزادهٔ غوری تألیف کرده است.

کتاب چهار مقاله پس از مقدمه‌ای درحکمت وطبیعیات به‌چهار مقاله تقسیم می‌شود: درماهیت علم دبیری و کیفیت‌دبیر کامل، ماهیت

علم شعر وصلاحیت شاعر ، ماهیت علم نجوم وغزارت منجم ، ماهیت علم طب .

نظامی عروضی کتابش را به کیفیات وعواملی مخصوص کرده است که به درباریسنگی دارد ودراین کتاب تأثیر علوم و فنون را در ادارهٔ کشور ولیاقت درباریان ونفوذ ایشان را درشاهان شرح می‌دهد وطبقهٔ خواص را به چهار طبقهٔ دبیر ، شاعر ، منجم ، طبیب ، تقسیم می‌کند. مؤلف مطالب کتاب راباشواهد تاریخی می‌آمیزد ودرضمن توضیح مقالات نام بسیاری ازکتابها را می‌برد واشعار ونوشتهٔ شاعران ونویسندگان را ذکرمی‌کند.

نظامی‌عروضی درحکایات گاهی‌خود شاهد واقعه بوده وسرگذشت اشخاص را چنانکه ازخود آنها شنیده است‌نقل می‌کند وگاهی هم‌از اشخاصی که‌خود ناظر وقایع بوده‌اند. کتاب چهار مقاله اهمیت تاریخی وجغرافیائی دارد . سبک انشاء آن بسیار موجز وسلیس است ویکی از آثار برگزیدهٔ نثر فارسی به شمار می‌رود .

(چاپ‌تهران)

ح

حاج‌ملاهادی سبزواری (ت) رجوع شود به سبزواری

حافظ ابرو (ت) شهاب‌الدین عبدالله‌بن لطف‌الله‌بن عبدالرشید الخوافی. وفات ۸۳۴ - از مورخان بزرگ دورهٔ تیمور که به‌قولی در هرات وبه‌قولی در خواف متولد شده ولی در همدان تربیت یافته است. حافظ ابرو معاصر امیرتیمور ودرجنگها ملتزم رکاب او بوده است وبعدازمرگ تیموربه خدمت خود در دربار شاهرخ وبعد بایسنفر ادامه داد. آثاری درتاریخ وجغرافیا دارد که معروفترین آنها را به نام «زبدة‌التواریخ» به امر بایسنفردرسال ۸۲۹ تألیف کرده است ولی مجموع چهار جلدتاریخ اورا «مجمع التواریخ سلطانی» خوانده‌اند. حافظ ابرو به زبانهای ترکی جغتائی (زبان درباری) وعربی آشنابوده وشعرهم‌می‌سروده‌است وکتابهای تاریخ وجغرافیای او، چون بیشتر مربوط به‌وقایعی بوده است که خود شاهد آن بوده یامربوط به سفرها وسیاحتهای شخصی او بوده است، سند اصلی تاریخ نویسانی چون میرخواند وخواندمیر قرارگرفته‌است.

حافظ‌شیرازی (ب) شمس‌الدین محمدبن بهاءالدین معروف به لسان‌الغیب. وفات ۷۹۱ - شمس‌الدین محمدحافظ‌بزرگترین غزلسرای ایران که در اوایل قرن هشتم درشیراز متولد شد وهمانجا به تحصیل علوم وکمالات برداخت ودرمجالس درس عالمانی مانند قوام‌الدین عبدالله حضورمی یافت وبه مطالعهٔ قوانین ادب ودیوانهای شاعران عرب‌می‌پرداخت

وچون قرآن را از برداشت ، حافظ تخلص کرد . پدر حافظ بهاءالدین درعصر اتابکان فارس از اصفهان به شیراز مهاجرت کرد وحافظ دورمان جوانی به خدمت دیوانی در دربارشاهان اینجو و آل مظفر درآمد . مخصوصاً حافظ درنزد ابو اسحق اینجو که حکومت فارس را داشت ، تقرب بسیار یافت واو را مدح کرد تا دولت ابواسحاق به دست محمد مبارزالدین مؤسس مظفریان منقرض شد . حافظ از شاهان آل مظفر ، امیر مبارزالدین وشاه شجاع و شاه‌یحیی وشاه‌منصور را درغزلهای خود یاد کرده است . حافظ همهٔ عمر را درشیراز گذرانده و سفرهای کوتاهی به اصفهان و یزد کرده‌است . یکبار نیز ازطرف محمودشاه بهمنی دکنی به هندوستان دعوت شد ، ولی به علت طوفانی بودن دریا از سفر منصرف گشت . وفات حافظ درسال ۷۹۱ درشیراز اتفاق افتاد .

دیوان اشعار حافظ شامل غزلیات ومثنوی ساقی‌نامه وچند قصیده است . این سخنور بزرگ با آنکه درزمانی پرفتنه وآشوب زندگی می‌کرد در اشعارش متانت وبردباری آشکار است وهرگز درمدح غلو نکرده‌است . حافظ از روح عرفان بهرهٔ کامل داشته و مضامین عاشقانه را بامعانی عرفانی آمیخته وابن شیوه را به درجهٔ کمال رسانده است .

دیوان حافظ بیش ازهمهٔ آثار غزلسرایان دیگر نزد فارسی‌زبانان شهرت ورواج دارد وازاین جهت خواجه حافظ شیرازی محبوبترین شاعر ایران شمرده می‌شود .

دیوان حافظ چندین بار درایران به چاپ رسیده است

حالنامه (ك) رجوع شود به گوی وچوگان

الحاوی (ك) تألیف دانشمند وطبیب عالیقدر ایرانی ابوبکرمحمد زکریای رازی . این کتاب از مهمترین کتابهای طبی به شمار می‌رفته

ودرعلم طب حکم دائرةالمعارفی را داشته است . درسی جزو نوشته شده ونسخهٔ ترجمه شده به لاتین به ۲۰ جزو می‌رسد ولی از متن عربی آن درحدود نصف باقی است . شاگردان رازی پس از او این کتاب راازروی یادداشتهای استادخود مرتب کرده‌اند . کتاب شامل انواع شعب وفنون مختلف علم طب است وهمچنین حاوی یادداشتهائی می‌باشد که مؤلف درمدت معالجه وعمل از تجارب شخصی گرد کرده است .

حبش ولایت زنگ یا زنگبار که مردم آن سیاه چهره‌اند ودرشعر فارسی لشکر حبش یا خادم حبش کنایه از شب و لشکر روم یا خادم روم کنایه از روز است .

تاروزوشب دو خادم رومی وزنگی‌اند
هر یک به‌صدق عنبرجان‌درمیان اوست
خورشید روم پرور وماه حبش نگار
سایه نشین ساحت طوبی نشان اوست
«خاقانی»

حبیب‌السیر (ك) تاریخ عمومی عالم که درآن وقایع از ابتدای تاریخ بشر تا وفات شاه اسمعیل صفوی یعنی سال ۹۳۰ شرح داده‌شده است . این کتاب درسه جلد است ومؤلف آن‌غیاث‌الدین بن همام‌الدین معروف به خواندمیر است که آن رادرسال ۹۲۹ تألیف کرده است . (چاپ تهران)

حجرالاسود (تن) سنگ کعبه

خال سیاه اوحجرالاسود است ازآنک
ماند به خال وزلف به خم حلقهٔ درش
«خاقانی»

حدائق السحر فی دقایق الشعر (ك) کتابی درمباحث معانی وبیان وصنایع شعر از آثار رشیدالدین وطواط دانشمند بزرگ قرن ششم که آن را به اشارۀ اتسز خوارزمشاه درسال ۵۰۱ شروع کرد ودرزمان سلطنت ایل ارسلان به پایان رساند. رشیدالدین وطواط پس ازمطالعۀ کتاب «ترجمان البلاغة» خواسته است کتابی بهتر وجامعتردرمحاسن نظم ونثرتألیف کند.

رشید در این کتاب ابتدا به ذکر محاسن شعر می‌پردازد و بعد شواهدی از فارسی وعربی ذکر می‌کند وازشاعرانی مانند معزی وعمعق وابوالفرج رونی ومسعودسعدسلمان وناصرخسرواشعاری من باب مثال می‌آورد (چاپ تهران)

حدودالعالم من المشرق الی المغرب (ك) از کتابهای معتبر جغرافیا که درسال ۳۷۲ تألیف یافته است. مؤلف آن معلوم نیست ولی به «ابوالحرث محمدبن احمد فریغون» تقدیم شده است که از آل فریغون است که درگوزکانان اقامت داشتند وبه دست سلطان محمود غزنوی از میان رفتند. این کتاب در تقسیم شهرهاوبلاد ونواحی واقوام مختلف واحوال آنهاست وبسیار سودمند می‌باشد.

حدودقوافی (ق) حدودقوافی پنج است: متکاوس، متراکب، متدارك، متواتر، مترادف

۱ــ متکاوس. قافیه‌ای است که دارای چهار حرف متحرك ویك ساکن باشد. ودرشعر خوش آیند نیست.

گربار من غم دلم بخوردی　　زین بهترك به حال من نگردی

۲ــ متراکب: قافیه ایست که دارای سه حرف متحرك ویك ساکن باشد

توهمچو صبحی ومن شمع خلوت سحرم
تبسمی کن وجان بین که چون همی سپرم
«حافظ»

۳ـ متدارك : قافیه‌ای است که دارای دوحرف متحرك و یک ساکن باشد .

به‌نام خداوند جان وخرد کزین برتراندیشه برنگذرد

٤ـ متواتر : قافیه‌ای است که دارای یک متحرك ویک ساکن باشد .

من آن روز را قدرنشناختم ندانستم اکنون که درماندم

٥ـ مترادف: قافیه‌ای است که دارای دو حرف ساکن باشدمانند

زسم ستوران در آن پهن دشت

زمین‌شدشش وآسمان گشت هشت

حدیقة‌الحقیقة‌وشریعة‌الطریقه (ك) از مهمترین آثار حکیم سنائی شاعر معروف قرن ششم،شامل ده‌هزاربیت، که درسال ٥٢٥ به نام بهرامشاه غزنوی ساخته شده است . حدیقه شامل ده باب است . درتوحید ذکرکلام باری، نعت نبی، صفت عقل ، فضیلت علم ، ذکر نفس ، صفت افلاك ، مدح بهرامشاه غزنوی ، حکمت وامثال ، صفت تصنیف کتاب . کتاب حدیقه سراسر شامل پندواندرز و مطالب عرفانی وبیان مقام دانش وعمل است ودرحقیقت سرمشق وراهنمای بزرگی است برای افراد و اجتماع . این کتاب ازنظر اهمیت موضوع در زمان‌حیات شاعر شهرت یافت وادیبان ومشایخ صوفیه به‌آن توجه کردند ، چنانکه نصرالله منشی معاصرحکیم سنائی درکلیله‌ودمنه ازاشعار حدیقه‌بعنوان شاهد نقل کرده است . همچنین مورد توجه شاعران بعد از سنائی قرار گرفته است، بطوریکه خاقانی مثنوی‌تحفة‌العراقین ونظامی‌مخزن‌الاسرار را به سبک آن ساخته‌اند .

حدیقة‌الحقیقة چندین بار به چاپ رسیده است .

حذذ (زحاف) (ع) درمستفعلن حذف علن است که می ماند مستف بجای آن فع لن می گذارند ؛ وآن را احذ خوانند .

حذف (ب) آن است که شاعر ملزم شود که یک یا دو حرف را درشعر بکارنبرد مانند این شعر قاآنی که بدون الف است .

برد زگیتی برون ربیع چو لشکر
لشکر دی ملک وی نمود مسخر

دهرزدم سرد یش به خویش مشوش
مهر ز بیم هربش به سبغ مستر

ودرآخر قصیده گوید :

گفته به مدحت قصیده‌ای والف نی
جز به همین فرد ملتزم شده دیگر

حذف (زحاف) (ع) حذف در مفاعیلن حذف لام ونون است که می ماند مفاعی وبجای آن فعولن می گذارند وآن را محذوف خوانند .

در فاعلاتن حذف نون وتاء است که می ماند فاعلا و بجای آن فاعلن می گذارند وآن را محذوف خوانند . درفاع لاتن مانندفاعلاتن است .

در فعولن حذف نون و لام است که می ماند فعو بجای آن فعَل می گذارند وآن را محذوف خوانند .

حذو (ق) از حرکات قافیه . حرکت ما قبل ردف و قید مانند حرکت میم ودال درکلمه های مست ودست . اختلاف حذو جایز نیست مگر آنکه روی به حرف وصل پیوندد .

حرکات قافیه (ق) حرکات حروف قافیه شش است : رس ، اشباع ، حذو ، توجیه ، مجری ، نفاذ . حرفهای اول این شش کلمه را برای آنکه به یاد سپرده شود درکلمات «راحت من» جمع کرده‌اند .

(به این کلمات رجوع شود)

حروف قافیه (ق) حروف ماقبل وما بعد حرف روی هریک به نامی خوانده می‌شود وتابع احکامی است که به تفصیل در کتابهای علم قافیه آمده است . این حروف جز حرف روی هشت حرف است . به این ترتیب : ردف ، قید ، تأسیس ، دخیل ، وصل ، خروج ، مزید ، نائره . که چهار حرف : ردف وقید وتأسیس و دخیل پیش از روی قرار می‌گیرد وچهار حرف وصل وخروج ومزید ونائره بعد از روی . (به هریک از این کلمات رجوع شود)

حزین (ب) شیخ محمدعلی محمدبن ابیطالب حزین لاهیجی . وفات ۱۱۸۰ — اجداد شیخ علی حزین درلاهیجان اقامت داشتند ولی او درسال ۱۱۰۳ در اصفهان متولد شد و در دوران اغتشاش و هجوم افغانها براصفهان ، خانوادهٔ خودرا از دست داد وخود پس از نجات از بیماری سختی درسال ۱۱۳۵ ازاصفهان گریخت وپس از مدتها سرگردانی سفری به مکه کرد و از شهر های یمن ، بغداد ، کرمانشاه ، کردستان ، آذربایجان ، تهران دیدن کرد وبه اصفهان بازگشت ودرسال ۱۱۴۶ به هندوستان عزیمت نمود وبقیهٔ عمر را درآنجا گذراند .

ازآثار معروف او تذکرهٔ حزین است مشتمل برشرح حال صدنفر از شاعران معاصر او و«تاریخ حزین» که مربوط به سوانح عمر مؤلف است قبل از عزیمت به هندوستان و«مدة العمر» که حوادث زمان نویسنده وانقلاب اصفهان رانشان می‌دهد ومجموعهٔ اشعار وی .

حساب ابجد یکی از ترتیب های حروف الفبا آن است که مطابق حرفهای کلمات زیر باشد :

ابجد ، هوز ، حطی ، کلمن ، سعفص ، قرشت ، ثخذ ، ضظغ

هریک از این حروف به ترتیب به ازای یکی از اعداد آحاد و عشرات ومآت است . حروف

ا ب ج د ه و ز ح ط ی (۱ تا ۱۰)

ك ل م ن س ع ف ص (۱۰ تا ۹۰)

ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ (۱۰۰ تا ۱۰۰۰)

نوشتن اعداد به حروف ابجد به‌وسیلهٔ ترکیب این حروف حاصل می‌شود . مثلاً تاریخ سال ۱۳٤۰ را می‌توان چنین نوشت : «غشم»

گاهی نیز عدد منظور از حاصل جمع حروف متعدد به دست می‌آید: مانند عبارت «الخیرفی ماوقع» که ۱۱٦۰ یعنی تاریخ قتل نادر از آن حاصل می‌شود .

حسن تخلص (ب) آن است که شاعر درگریز از تغزل به مدح ، کلمات خوش آیند ومطبوع استعمال کند .

خلق گویند برودل به هوای دگری نه

نکنم خاصه درایام اتابک دو هوائی

«سعدی»

حسن تعلیل (ب) از صنایع شعری که شاعر برای مطلبی که آورده، دلیلی دلپذیر بیاورد نه مطابق با واقع

چوب را آب فرو می‌نبرد حکمت چیست

شرمش آید زفرو بردن پروردهٔ خویش

حسن طلب (ب) آن است که گوینده خواهش را به نوعی اظهار کند که مورد پسند خواننده واقع شود ، مانند این شعر امیرمعزی :

شاها ادبی کن فلک بد خورا کاسیب رسانیده رخ نیکو را

گر گوی خطا کرد به چوگانش زن ور اسب غلط کرد به‌من بخش اورا

حسن دهلوی (ت) رجوع شود به دهلوی

حسن غزنوی (ت) اشرف‌الدین ابومحمد حسن بن محمد حسینی غزنوی. وفات ۵۵۷-ملقب به اشرف از واعظان و فصیحان معروف قرن ششم هجری که معاصر ومداح بهرامشاه غزنوی بوده ودرسفر هندوستان با اوهمراهی کرده است ولی پس از مدتی مغضوب واقع شده وازغزنین به بغداد ومکه سفر کرده و در بغداد مورد لطف غیاث‌الدین مسعود سلجوقی واقع گردیده است. سیدحسن غزنوی از بغداد به همدان رفت و چندتن از ارکان مملکت سلاجقه را مدح کرد وسپس به خراسان رفت ودرباز گشت درقصبهٔ «آزادوار» ازولایت جوین وفات یافت.

دیوان اشعار سید حسن غزنوی چهار بیت دارد وشامل قصائد وغزل وترجیعات در انواع موضوعها مانندمدح ورثاء ووعظ وتغزل‌است، کلامش ساده ومنسجم وخالی‌از ابهام است. (چاپ تهران)

حسن مطلع (ب) آن است که شاعر درابتدای شعر مطلب را طوری بپروراند که مقصود از مدح و اندرز و اغراض دیگر معلوم شود والفاظ به گوش خوش آید.

دولت جوان و بخت جوان و ملک جوان
ملک جهان گرفتن و دادن کنون توان

حسن ودل یادستور عشاق (ك) منظومه‌ای بالغ برپنجهزاربیت که مولانا یحیی سیبک نیشابوری معروف به‌فتاحی درسال ۸۴۰ آن‌راساخته است. خود شاعر نام این منظومه را «دستور عشاق» گذارده ولی چون موضوع آن داستان عشق حسن ودل است به مثنوی«حسن ودل»معروف شده است. موضوع داستان سرگذشت عشق شاهزاده‌ای است به نام «دل» باشاهزاده‌ای به‌نام «حسن». شاعر دراین داستان همه‌نوع مضامین عاشقانه را در نظر داشته ودرپایان آن خضر با «دل» سخن می‌گوید.

سبک شعر در این منظومه متکلفانه ودارای صنایع بدیع واطناب واغراق است و شاعر یک بارهم آن رادررسالهٔ منثور کوچکی بنام «حسن ودل» تلخیص کرده که برخلاف مثنوی آن بسیار موجز نوشته شده است .

حشو (ب) کلامی است زائد در میان جمله که از حیث معنی به آن احتیاج نباشد وبرسه قسم است : حشوقبیح ، متوسط ، ملیح .

حشو قبیح زشت است ودوری ازآن لازم می‌باشد. مانند رمدچشم وصداع سر دراین شعر

گر می‌نرسم به خدمت معذورم
زیرا رمدچشم وصداع سرم است

حشو متوسط برای موزون شدن کلام است مانند کلمات «ای ماهرو» دراین شعر

تو رود کی را ای ماهرو کنون بینی
بدان زمانه ندیدی که این چنینان بود

حشو ملیح پسندیده است مانند جملهٔ « ذکرش به خیرباد » دراین شعر

دی پیر می‌فروش که ذکرش به خیرباد
گفتا شراب خورکه غم دل برد زیاد

حمدالله‌مستوفی (ت) ابی‌بکربن احمدبن نصرمستوفی قزوینی . وفات ۷۵۰ - از خانواده‌های قدیمی که سالیان دراز در قزوین اقامت داشته‌اند وجداعلای آنها امین‌الدین نصر مستوفی بوده است . حمدالله مستوفی در خدمت رشیدالدین فضل‌الله به کار مشغول گشت وبرحسب امر او پیشکار مالیاتی قزوین وزنجان وابهر گردید . حمداله مستوفی غالباً درمجالس رشیدالدین حضور می‌یافت ودر مباحث علمی وتاریخی

شرکت می کرد . از آثار معروفش «ظفرنامه» به‌نظم و «نزهه‌القلوب» و «تاریخ گزیده » است .

حمزهٔ اصفهانی (ت) ابوعبداله‌حمزه بن حسن اصفهانی . وفات در حدود ۳۵۰ - از مورخان بزرگ و ادیبان قرن چهارم که‌دراصفهان متولد شده و بارها به بغداد سفر کرده و باز به اصفهان برگشته است . حمزه درعلم نحو وفقه نیز استاد بوده است . از آثار او کتاب معروف «تاریخ سنی‌ملوك الارض والانبیاء» کتاب «کبارالبشر» و «کتاب الامثال» و «کتاب‌التنبیه‌علی حدوث التصحیف» است .

حمل (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقةالبروج ؛ به شکل بره است نیم خفته ، برج حمل برابر باماه فروردین است .

در بره مریخ گرز گاوافریدون به دست
وز مجره شب درفش کاویان انگیخته
«خاقانی»

زآتش غیرت خوان نو مقدم برفلك نور وحمل بریان‌است
«انوری»

حنظلهٔ بادغیسی (ت) وفات درحدود ۲۲۰-از معروفترین شاعران دورهٔطاهری‌است که‌درنیشابور دردورهٔ‌حکومت‌عبدالله‌بن‌طاهرمی‌زیست . اشعاری از او درتذکره‌ها باقی است .

حوا (نن) دومین بشر مخلوق خدا وهمسر آدم که دربهشت می‌زیست وبه اغوای ابلیس گندم خورد واز بهشت رانده شد وبه‌جده فرو افتاد .

حدیث عشق اگر گوئی گناهست
گناه اول ز حوا بود و آدم
«سعدی»

حور (تن) حور جمع حوراء بمعنی زنان سیاه چشم بهشت . این کلمه که به‌صیغهٔ جمع در قرآن آمده است در ادبیات فارسی بمعنی مفرد می‌آید و از آن زن زیبای بهشتی اراده می‌شود .

صحبت حور نخواهم که بود عین قصور
با خیال تو اگر با دگری پردازم

«حافظ»

حورالعین (تن) رجوع شود به حور

باغ پیراسته گلزار بهشت   گلبن آراسته حورالعین است

«ابوالفرج رونی»

حوت (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقة‌البروج وبه شکل ماهی . برج حوت برابر ماه اسفند است .

بمانده ماهی از رفتن به ناکام   تو گفتی ماهی است افتاده در دام

« ویس و رامین »

حیة‌الحوا (نج) ازصورتهای فلکی که درشمال منطقة‌البروج است. به صورت ماری است که مار افسای اورا به هردودست گرفته وماروسردم بلند کرده است .

الا که تا بود برین فلک روان   شجاع او وحیة‌الحوای او...

«منوچهری»

خ

خاتم‌سلیمان (نن) رجوع سود به انگشترسلیمان.

گرچه شیرین دهنان پادسهانند ولی
او سلیمان زمان است که خاتم با اوست
«حافظ»

خاقانی (ت) افضل‌الدین ابوبدیل بن‌علی خاقانی. وفات ۵۹۵- از سخن سرایان بزرگ ایران. نخست حقایقی لقب داشته ولی بعد، به مناسبت انتساب به خاقان اکبر منوچهر بن فریدون شروانشاه، خاقانی تخلص یافت. پدرش علی نجار و مادرش کنیزک رومی بود که به دین اسلام درآمد. اولین بار تقرب خاقانی نزد شروانشاه به وسیلهٔ ابوالعلاء گنجوی انجام گرفت. وی پس از خاقان اکبر به خدمت پسرش خاقان کبیر اخستان درآمد. خاقانی پس از مدتی که در دربار شروانشاه زیست ملول گشت و آرزوی سفر عراق کرد، ولی شروانشاه به او اجازه نداد و این امر موجب دلتنگی خاقانی گشت. عاقبت به سفر مکه رفت و در مراجعت هنگام ورود به اصفهان قصیده‌ای در وصف اصفهان ساخت خاقانی به دربار شروانشاه بازگشت ولی به علت سعایت حسودان به امر شاه به حبس افتاد. پس از آن در حدود سال ۵۶۹ باز به حج رفت. در بازگشت به سبب مرگ فرزند و مصائب دیگر به عزلت روی آورد و در تبریز اقامت کرد و در همانجا درگذشت.

از ممدوحان خاقانی خاقان اکبر ابوالهیجا فخرالدین منوچهربن فریدون شروانشاه وخاقان کبیر جلال‌الدین ابوالمظفر اخستان بن منوچهر وعلاءالدین اتسزبن محمد خوارزمشاه و نصرةالدین اسپهبد اعظم از فرمانروایان طبرستان وغیاث‌الدین محمدبن محمود بن محمدبن ملکشاه ورکن‌الدین ارسلان بن طغرل وسیف‌الدین اتابک منصور حکمران شماخی و مظفرالدین قزل ارسلان و علاء الدین تکش بن ایل ارسلان می باشند.

خاقانی را باید از سخن سرایان بلند فکرواز استادان بزرك زمان واز قصیده سرایان درجهٔ اول‌ایران دانست که درشعر ابتکاراتی‌داشته است. از اختصاصات او یکی التزام ردیفهای مشکل در قصاید بلند وطولانی است. اشعار خاقانی به علت اطلاع وسیع وی برلغات عربی واصطلاحات فلسفه و طب، گاهی ازسادگی بیرون می‌آید. قصایدش بیشتر به وصف طبیعت وبهار وخزان وصبح شروع می‌شود وجنبهٔ وصف در این قسمتها بسیار قوی است. تشبیهات بسیار تازه دراشعار اواغلب زادهٔ احساس وقوهٔ تخیل خود اوست. غزلیات خاقانی شامل ابیات لطیف و شورانگیز است که گاهی تحت تأثیر سبک غزلیات سنائی واقع می‌شود.

ازآثار خاقانی جزدیوان‌قصاید وغزلیات‌اومثنوی «تحفة العراقین» است. (دیوان خاقانی چاپ‌تهران)

خالد (ت) امیرفخرالدین تاج‌الافاضل خالدبن ربیع‌الملکی. وفات نیمه قرن ششم - از شاعران‌خراسان وکاتبان مشهورقرن ششم که در خدمت علاءالدین جهانسوز (۵۴۰–۵۵۶) می‌زیسته وباانوری دوستی داشته است. خالدبن ربیع‌ازجملهٔ امیران وبقول خود او (مردلشکری)

بوده است .

خالد در اشعارش علاءالدین جهانسوز و سلطان سنجر را مدح گفته است .

خانقاه جایگاهی که سالکان را برای رسیدن به مقام واقعی عرفان ارشاد می کنند ومتصوفه درآنجا به ریاضت وعبادت وتفکر می پردازند .

منم که گوشهٔ میخانه خانقاه من است
دعای پیرمغان ورد صبحگاه من است
«حافظ»

خبن (زحاف) (ع) در فاعلاتن حذف حرف دوم یعنی الف است که می ماند فعلاتن ؛ وآن را مخبون گویند .

در مستفعلن حذف سین است که می ماند مفعلن . بجای آن مفاعلن می گذارند . وآن را مخبون گویند . درمس تفع لن مانند خبن در مستفعلن است .

در مفعولاتُ حذف فاء است که می ماند معولاتُ . بجای آن مفاعیلُ می گذارند ؛ وآن را مخبون خوانند .

ختا ولایتی درترکستان چین که مسک آن معروف بوده است .

ای گمشده آهوی ختائی هم زابخور ختات جویم
«خاقانی»

ختن ولایتی درترکستان چین که آهوی مشکین ومشک آن معروف بوده است .

مژدگانی بده‌ای خلوتی نافه گشای
که زصحرای ختن آهوی مشکین آمد
«حافظ»

خداوندنامه (ك) منظومه‌ای بروزن شاهنامه که فتحعلی‌خان صبا ملک الشعرای دربار فتحعلیشاه قاجار آن را دربارهٔ پیغمبر اسلام وعلی بن ابیطالب سروده است .

خداینامه (ك) خداینامه که به زبان پهلوی به معنی شاهنامه است کتابی است که دردورهٔ ساسانیان درایران تألیف شده است . این کتاب را ابن المقفع درقرن دوم هجری به زبان عربی ترجمه کرده وآن را «سیرالملوك» نامیده است . نسخهٔ این کتاب اکنون دردست نیست .

خرب (ع) حذف میم ونون است درمفاعیلن ؛ که می‌ماندفاعیلُ بجای آن مفعولُ می گذارند ؛ وآن را اخرب خوانند .

خردنامهٔ اسکندری (ك) یکی از مثنویهای هفت اورنگ که عبدالرحمن جامی آن را درحدود سال ۸۹۰ ساخته است . این کتاب به تقلید اسکندرنامهٔ نظامی ساخته شده و وزن آن همان وزن اسکندرنامه و شاهنامهٔ فردوسی است . جامی در این مثنوی پس از خطبه در توحید ونعت پیغمبر وبیان معراج به اصل موضوع می‌پردازدواز نصایحی گفتگو می کند که به نام ارسطو وافلاطون وسقراط وفیثاغورث و حکمای دیگر به اسکندر داده شده است وهمچنین مکاتبات ومراسلات حکیمانه و گفتگوهای فیلسوفانهٔ بین اسکندر وکسان دیگر را بنظم آورده و مثنوی را به داستان وفات اسکندر وندبهٔ حکیمان بروی وتعزیت‌نامهٔ ارسطو به مادر اسکندر ختم می کند .

هفت اورنگ (چاپ تهران)

خرقانی (ت) ابوالحسن خرقانی . وفات ۴۲۵ — از مشایخ بزرگ صوفیه . خانقاهش محل توجه حکیمان و دانشمندانی مانند ابو علی سینا و شیخ ابوسعید ابی الخیر و ناصرخسرو بوده است . از

آثار او کتاب «نورالعلوم» است به زبان فارسی درمبانی عرفان .

خرقه لباسی که پیران و مرشدان خانقاه بر تن سالکان طریقت می‌پوشاندند ، و این کار هنگامی صورت می گرفت که سالک پس از ریاضت ومجاهدت بسیار شایستگی دخول درصف صوفیان راپیدا می کرد . خرقه پوشاندن باآداب خاصی انجام می گرفت و به صاحب آن مقام والائی می‌بخشید .

درخرقه زن آتش که خم ابروی ساقی
بر می‌شکند گوشهٔ محراب امامت

«حافظ»

خرم (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف حرف اول یعنی میم است که می‌ماند فاعیلن ؛ بجای آن مفعولن می گذارند ؛ وآن را اخرم خوانند.

خروج (ق) از حروف قافیه . آن است که حرف وصل به آن پیوندد :

خرما نتوان خورد ازاین خار که کشتیم
دیبا نتوان بافت ازاین پشم که رشتیم

«سعدی»

میم درکلمه های کشتیم ورشتیم خروج است .

خزانهٔ عامره (ك) تذکره‌ای به زبان فارسی تألیف میرغلامعلی آزاد از فاضلان هند (۱۲۰۲) که آن را در هندوستان تألیف کرده است . چنانکه مؤلف خود گوید در تنظیم این کتاب از لباب الالباب عوفی بسیار استفاده کرده است .

خسروانی (ن) ابوطاهرطیب بن محمد خسروانی ازشاعران عصر سامانی . اشعاری از او درتذکره‌ها باقی است .

خسروپرویز (س-ت) پسر هرمز ونوادهٔ انوشیروان که شورشیان پدرش را کور کردند و کشتند و اورا بر تخت نشاندند . خسرو ابتدا

ه دفع بهرام چوبینه پرداخت وبرای این کار ازقیصر روم کمک خواست.
یصر دختر خود سریم را به او داد وبه او کمک کرد تا بهرام چوبینه
ا دفع کرد وپس ازآن به کشور داری پرداخت وتحت طاقدیس راساخت
ایوان مدائن را بنا کرد . داستان خسرو و شیرین در ادبیات فارسی
عروف است ومهمترین نمونهٔ آن، داستان منظومی است که نظامی گنجوی
روده است . در این داستان خسرو عاشق شیرین برادرزادهٔ مهین بانو
لکهٔ ارمنستان می‌شود وسالها از عشق او در سوزو گداز بسر می برد .
یرین به علت نجابت وبا کدامنی جزازراه ازدواج به اوتن در نمی‌دهد
سرانجام به همسری او در می‌آید . خسرو پرویز به وسیلهٔ شیرویه
سر خود که بنابرداستان نظامی عاشق شیرین بود، کشته می‌شود . در
عر فارسی پرویزوخسرو مثال شوکت و جلال است وبه داستان عشق
با شیرین بارها اشاره می‌شود :

خسروآن است که در صحبت او شیرین است
دربهشت است که همخوابهٔ حورالعین است

«سعدی»

سپهر برشده پرویز نی‌است خون افشان
که ریزه‌اش سر کسری و تاج پرویز است

«حافظ»

خسروو‌شیرین (ك) یکی ازمثنویهای خمسهٔ نظامی داستانسرای
رگ ایران درقرن ششم که آن رادرسال ۵۷۶ به‌نام اتابک شمس الدین
حمد جهان پهلوان بن ایلدگز ساخته‌است. این مثنوی دارای شش هزار
انصد بیت است وداستان عشقبازی خسروپرویز شاه ساسانی باشیرین
هزادهٔ ارمنی می‌باشد . داستان خسرووشیرین ازداستانهای کهن ایرانی

است ودرشاهنامهٔ‌فردوسی هم آمده است،اما درمنظومهٔ نظامی تفصیل و شاخ وبرگ بیشتری دارد.

خسروی سرخسی (ت) ابوبکر محمدبن علی خسروی سرخسی. وفات ۳۸۳-ازشاعران قرن چهارم ومداح شمس‌المعالی قابوس وصاحب بن‌عباد وامیر ناصرالدوله ابوالحسن محمدبن ابراهیم سیمجور.

خسروی به زبان فارسی‌وعربی شعر می‌گفته است وازاصطلاحات فلسفی که دراشعارش به‌کار برده پیداست که از علوم حکمی وفلسفی اطلاع داشته است. درلباب‌الالباب قطعه‌ای از اشعار عربی او نقل شده است.

خسوف (نج) هرگاه‌ماه‌باخورشید مقابله کندخسوف‌واقع‌می‌شود. مقابله آن است که خورشید بریک طرف قطر یعنی بر خطی باشد که از مرکز کره می‌گذرد و ماه برطرف دیگر آن قطر و زمین حایل میان ماه وخورشید گردد، دراینصورت خسوف ایجاد می‌شود:

مه نوی توبه‌ملک‌اندرازخسوف مترس
ازآنکه راه نباشد خسوف را به هلال
«انوری»

خضر (تن) از پیغمبران ومعاصر اسکندر ذوالقرنین که با او به طلب آب حیات رفت و در ظلمات چشمهٔ حیوان را یافت وازآن خورد وعمرجاودانی یافت.

ماه دریک حال هم خضر است وهم اسکندر است
کاینه دین کرد و شد با آب حیوان آشنا
«خاقانی»

خط وخطاطان (ك) تألیف میرزاحبیب اصفهانی که آن را در

اسلامبول هنگامی که عضویت انجمن معارف عثمانی را داشت تألیف کرده است. موضوع کتاب چنانکه از اسمش پیداست تاریخ خط و خطاطان معروف است.

خطیب تبریزی (ت) ابوزکریا یحیی بن علی تبریزی. وفات ۵۰۲- از عالمان ادب و لغت عرب در قرن پنجم و شاگرد ابوالعلاء معری. خطیب تبریزی چندی در مدرسهٔ نظامیه بغداد تدریس می کرده است. در عروض وقوافی واعراب قرآن وشرح دیوانهای عرب تألیفات دارد. مهمترین اثر او «شرح حماسهٔ ابی تمام» «شرح دیوان متنبی» «شرح دیوان ابی العلاء معری» شرح «معلقات سبع» است.

خفیف (ع) از بحور شعر فارسی وعربی اصلش دوبار «فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن» است. درفارسی از این بحر وزن زیر بسیار رایج است خفیف مسدس مخبون محذوف (فعلاتن مفاعلن فعلن) مثال:

صنما طاقت فراقم نیست جز به وصل نوا دفاعم نیست

خلاصة الاشعار وزبدة الافکار (ك) تذکره‌ای در احوال شاعران تألیف تقی الدین محمد کاشی که در زمان شاه عباس اول تألیف یافته است. مؤلف کتاب را به ۱۲ اصل و هراصل را به دوفصل تقسیم کرده است. فصل اول درترجمهٔ شاعران معاصر مؤلف و فصل دوم شاعرانی که مؤلف آنان را ندیده است.

نثر کتاب مصنوع و پراز عبارت پردازی است اما از نظر اشتمال براشعار شاعرانی که نام بعضی از آنها درجای دیگر ذکر نشده است، قابل استفاده می باشد.

خلاصة الحساب (ك) تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان وفقیهان دورهٔ صفویه.

این کتاب در اصول جبر و حساب و هندسه است که در عین اختصار بسیار سودمند است و جزو کتابهای درسی به شمار می‌رفته است .

خلد برین (ك) اثر شاعر قرن دهم وحشی بافقی که آن را به تقلید مخزن‌الاسرار نظامی ساخته است . این مثنوی شامل ۵۹۲ بیت ودارای شش روضه است حاوی پند واندرز وتمثیل های شیرین .

خلیل یا خلیل‌الله (تن) رجوع شود به ابراهیم

یارب این آتش که بر جان من است
سرد کن زانسان که کردی بر خلیل
«حافظ»

خلیل بن احمد البصری وفات درحدود ۱۷۰ — خلیل درسال ۱۰۰ هجری دربصره متولدشد ودرهمان شهر به کسب علم پرداخت درعلوم مختلف خاصه در علوم ادبی تبحر یافت . خلیل از نحویان و لغویان بزرگ صدراسلام شمرده می‌شود . ایجادشکل یعنی علامتهای حرکات را به طریقی که در خط عربی و فارسی امروز معمول است به او نسبت می‌دهند . ازآثار مهم او کتاب لغت عربی است که آن را برحسب مخرج حروف مرتب کرده یعنی حرفهای ملفوظ را از مخرج حلق آغاز کرده وبه لب پایان داده است و چون دراین ترتیب حرف نخستین «عین» بوده ، کتاب لغت اوبه «کتاب العین» معروف شده است . دیگرازآثار مهم او علم عروض است که آن را خود ابداع کرده وپیش ازاودرزبان عربی چنین علمی سابقه نداشته است .

«کتاب‌الایقاع» و«کتاب‌النغم» که هردو در علم موسیقی بوده است نیز به او منسوب است .

خواجوی کرمانی (ت) کمال‌الدین ابوالعطاء محمودبن علی

کرمانی .وفات۷۵۳- از شاعران بزرك قرن هفتم که در کرمان متولدشده وهمانجا کسب فضائل کرده وپس از چندی به سفر پرداخته است . وی درضمن سفر به ملاقات شیخ رکن الدین علاءالدوله سمنانی (متوفی ۷۳۶) از بزرگان صوفیه نائل آمد وجزو مریدان او گشت .

خواجو سلطان ابوسعید بهادر ووزیر او غیاث‌الدین محمد را در قصاید خود مدح کرده است . مدتی در شیراز اقامت کرد وبافاضلان آن شهر از جمله با خواجه حافظ شیرازی معاشرت کرد و شیخ ابو اسحاق اینجو وشمس‌الدین محمود صاین وزیر او و تاج‌الدین احمد عراقی از بزرگان کرمان رامدح کرده است . ازآثار خواجو دیوان غزلیات وقصاید اوست . دیگر مثنویهائی به سبک نظامی مانند همای وهمایون ، گل ونوروز، روضةالانوار، کمال نامه، سام نامه ، گوهرنامه . خواجو درغزل پیرو شیخ سعدی است .

خواجه‌عبدالله انصاری (ت) رجوع شود به عبدالله انصاری

خواجه نصیر الدین طوسی (ت) رجوع شود به نصیرالدین طوسی .

خواجه نظام‌الملك (ب) رجوع شود به نظام الملك .

خوان اخوان (ك) ازآثار منثور ناصرخسرو شاعر و نویسندهٔ قرن پنجم دربارهٔ مسائل دین که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ ایاصوفیه ضبط است .

خواندمیر (ت) غیاث‌الدین بن همام‌الدین .وفات ۹۴۱- نواده وشاگردمیر خواند که درزمان امیر علیشیر نوائی می‌زیسته و در تحت حمایت اوقرار گرفته است .از آثاراویکی «خلاصةالاخبار»است که تلخیص ازکتاب روضه‌الصفاست ، دیگر کتاب «حبیب‌السیر» که درسال ۹۲۹ تألیف یافته است .

خورنق قصری که نعمان بن منذر پادشاه حیره برای بهرام پسر یزدگرد ساسانی ساخت .

از شارهٔ ملون و پیرایهٔ بزر آنجا یکی خورنق وا ینجا یکی ارم

خون سیاووش یا خون سیاووشان (ش — د) گویند که چون به فرمان افراسیاب ، سیاووش کشته شد ، برزمینی که خون او ریخته شد ، گیاهی روئید که به خون سیاووش یا خون سیاووشان معروف گشت این گیاه چون دارو به کار می‌رفته است .

شب جاه بیژن بسته سرمشرق گشاده زال زر

خون سیاووشان نگر برخاك و خارا ریخته

«خاقانی»

خیام (ت) حکیم ابوالفتح عمربن ابراهیم الخیام نیشابوری . وفات ۵۱۷ از دانشمندان وریاضی‌دانان وشاعران بزرگ ایران دراواخر قرن پنجم واوائل قرن ششم . خیام معاصرسلطان ملکشاه سلجوقی وخواجه نظام‌الملک وازجملهٔ کسانی بود که به دستور ملکشاه به اصلاح تقویم ایران پرداخت وایام‌سال رابه‌وضع ثابت درآورد . خیام علاوه برنجوم در پزشکی وحکمت استاد بوده‌ودرریاضی وفلسفه آثاری‌دارد . در زمان حیاتش بیشتر به حکیم معروف بود تا شاعر . آثارخیام به‌زبان‌فارسی‌وعربی است .

از جملهٔ رساله های اوبه‌زبان عربی رساله هائی است درطبیعیات، معراج ، رسالهٔ جبرومقابله ، لوازم الامکنه در اختلاف هوای اقالیم ، رساله‌ای درحل یک مسئله‌جبری که درآن ازبیست‌ویک قسم معادلات جبری نام برده است . در بارهٔ جنبه ریاضی وعلمی حکیم عمرخیام به کتاب «حکیم عمرخیام به‌عنوان عالم جبر» تألیف «دکتر غلامحسین مصاحب» رجوع شود .

ازآثار فارسی خیام یکی ترجمه «رسالهٔ خطبة الغراء» ابوعلی سیناست به فارسی . دیگر «نوروزنامه» ورساله‌ای درعلم کلیات «با رسالهٔ وجود به» که خیام آن را برای فخرالملک بن نظام‌الملک نوشته است . از آثار معروف خیام رباعیات اوست که گویا قصدش از ساختن آنها اشتغال به شعر وشاعری نبوده بلکه بیان بعضی از افکار فلسفی خود بوده است ، این رباعیات شهرت عالمگیر یافته و به اغلب زبانهای زندهٔ دنیا ترجمه شده‌است . خیام افکار فلسفی ونظرهای حکیمانه خودرا با عبارات ساده درقالب رباعی که موجزترین نوع شعراست، گنجانده است .

قالب رباعیات خیام ومضامین آنهامورد تقلید بسیاری ازشاعران بعداز او قرارگرفته‌است . دیوان خیام چندین بار به‌چاپ رسیده‌است .

خیفاء (ب) آن است که درشعر با عبارت یک کلمه منقوط ویک کلمه بی نقطه باشد .

زین عالم‌شد اوببخشش ومال　　تیغ او زینت ممالک شد

د

دارا (ش — د) دارا پسر داراب پادشاه کیانی که در دوازده سالگی پس از پدر به شاهی رسید و از رومیان باژخواست. اسکندر که به روایت شاهنامه پسر دیگر داراب بود به او جواب سخت داد و برابر آن جنگ در گرفت. در این جنگ ایرانیان شکست خوردند و دو تن از سرداران دارا که وضع او را دگرگون دیدند، شبانه دشنه بر سینهٔ او زدند. چون خبر به اسکندر رسید، بربالین دارا آمد و زاری کرد و بر او فاش کرد که برادر اوست. دارا پس از آنکه اسکندر را به دادگری وصیت کرد جان داد. زاری اسکندر بربالین دارا از قسمتهای بسیار مؤثر شاهنامهٔ فردوسی است، و در اسکندرنامهٔ نظامی نیز مجلس وصیت دارا هنگامی که اسکندر سر او را برزانو نهاده است به شیوائی تمام سروده شده است.

داراب (ش — د) پسر بهمن که مادرش برای آنکه تاج و تخت را از دست ندهد، او را با جواهر بسیار در صندوقی گذاشت و به آب انداخت. گازری صندوق را از آب گرفت و به خانه برد و نام کودک را داراب گذاشت. داراب بزرگ و نیرومند گشت و فرهنگ و سواری آموخت ولی چون نسبت به پدر و مادر گازر پیوسته مهری احساس نمی کرد، از نژاد خود پرسید و چون راز را دانست، اسبی و سلاحی خرید و به خدمت مرزبان درآمد. اتفاقاً رومیان به آن مرز آمدند و مرزبان را کشتند و جنگ آغاز کردند، هما ملکهٔ ایران شخصی را به نام «رشنواد» با لشکری به

جنگ روم فرستاد، داراب در آن جنگ رشادتها کرد و مورد توجه «رشنواد» قرار گرفت و چون از نژاد او آگاه شد، نامه‌ای به همانوشت و دارا را به درگاه فرستاد. هما که پسر را چنان دید، از گذشته پوزش خواست و بزرگان را جمع کرد و اورا برتخت شاهی نشاند. داراب دختر قیصر روم را به زنی گرفت. اما چون دهانش بوی ناخوش داشت، از او سیر شد و او را نزد پدر فرستاد، دختر بارداشت و پسری زائید به نام اسکندر که قیصر اورا پسر خود خواند.

داراب نامه (ك) از داستانهای عامیانه که دارای روایتهای مختلف است. از آنجمله روایتی است که به‌قلم مولانا شیخ حاجی محمد شیخ احمد مشهور به بیغمی در سال ۸۸۷ کتابت شده است. داستان داراب‌نامه داستان کهنه‌ای است مربوط به ملک داراب بن بهمن بن اسفندیار بن گشتاسب و پسرش فیروزشاه، داراب‌نامه ازروی نسخه‌ای که در کتابخانهٔ «روان» ترکیه بوده است بوسیله آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه تصحیح ومنتشر گردیده است.

دارالسلام (تن) اشاره به بهشت.

درعیش نقد کوش که چون آبخورنماند
آدم بهشت روضهٔ دارالسلام را
«حافظ»

دامادشعیب (تن) حضرت موسی که دخترشعیب را به‌زنی گرفت

دانشنامهٔ علائی (ك) یادانشنامهٔ علائیه یا حکمت علائی کتابی به زبان فارسی تألیف فیلسوف بزرگ شیخ الرئیس ابوعلی سینا. این کتاب به خواهش علاءالدوله کاکویه نوشته شده وشامل منطق و الهیات و طبیعیات است

دانشنامهٔ علائی مشتمل بربسیاری ازاصطلاحات فلسفی و منطقی بهفارسی است . (چاپ تهران)

داوود (تن) از پیغمبران و یازدهم پشت یعقوب که آوازی خوش داشت وهنگامی که کتاب آسمانی خود یعنی «زبور» را می‌خواند، مرغ از طیران باز می‌ماند .

کوه دانش را چو داوود از نفس

منطق الطیر از خوش آوائی فرست

«خاقانی»

دایرهٔ متفقه (ع) ازدوایراوزان فارسی و عربی . بحرهای متقارب سالم ومتدارك سالم ازآن استخراج می‌شود .

دایرهٔ مجتلبه . (ع) از دوایر اوزان عربی وفارسی . شامل سه بحر است که درفارسی مثمن ودرعربی غالباً مسدس است :

هزج سالم = مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

رمل سالم = فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

رجز سالم = مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

دایرهٔ مجتلبهٔ زایدهٔ مزاحفه (ع) ازدوایراوزان فارسی . شامل چهار مفاعیلُ (بحرهزج مثمن مکفوف) یا چهاربار مفتعلن (بحررجزمثمن مطوی) یا چهار بار فعلاتن (بحررمل مثمن مخبون)

دایرهٔ مختلفه (ع) از دوایر اوزان عرب . شامل سه بحراست:

طویل = فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن

مدید = فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن

بسیط = مستفعلن فاعلن مستفعلن فاعلن

دایرهٔ مشتبهه (ع) از دوایر اوزان عرب شامل شش بحر:
منسرح = مستفعلن مفعولات مستفعلن
خفیف = فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن
مضارع = مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن
مقتضب = مفعولاتُ مستفعلن مستفعلن
سریع = مستفعلن مستفعلن مفعولات
مجتث = مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن

دایرهٔ مشتبههٔ زایده (ع) از دوایر اوزان فارسی. این نام برطبق معیارالاشعار خواجه نصیرطوسی است وشمس قیس رازی آن را «دایرهٔ مختلفه» خوانده‌است، شامل بحرمنسرح مطوی (مفتعلن فاعلات ۲ بار)؛ مضارع مکفوف (مفاعیلُ فاعلات ۲ بار)؛ مجتث مخبون (مفاعلن فعلاتن ۲ بار)

دایرهٔ مشتبههٔ مزاحفه (ع) ازدوایر اوزان فارسی. این نام را خواجه نصیرطوسی درمعیارالاشعار به این دایره داده وشمس قیس رازی آن را «دایرهٔ منتزعه» خوانده است، شامل بحرسریع مطوی (مفتعلن مفتعلن فاعلات)؛ بحرمنسرح مطوی (مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن)؛ بحرقریب مکفوف (مفاعیل مفاعیل فاعلات)؛ مضارع مکفوف (مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیل)؛ خفیف مخبون (فعلاتن مفاعلن فعلاتن)؛ مجتث مخبون (مفاعلن فعلاتن فعلاتن)

دایرهٔ مؤتلفه (ع) از دوایر اوزان عرب، شامل دو بحر است:
وافر = مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن
کامل = متفاعلن متفاعلن متفاعلن

دب اصغر (نج) از صورتهای فلکی، هفت ستاره به شکل خرس

کوچک. جملهٔ ستارگان خرس کوچک‌را «بنات‌النعش خرد» گویند

دب اکبر (نج) از صورتهای فلکی که در شمال منطقةالبروج قرارگرفته وبه شکل خرس بزرگی است برپای ایستاده .

دبران (نج) منزل چهارم از منازل قمر و ستاره‌ای است درشت وروشن وسرخ که به تازی آن را «تابع‌النجم» گویند که در پشت «ثریا» است .

گرثورچوعقرب نشدی ناقص وبی‌چشم
بر قبضهٔ شمشیر نشاندی دبران را

«انوری»

دخیل (ق) از حروف قافیه و آن متحرکی است که میان الف تأسیس وحرف‌روی‌قرار گیردمانندصاد درکلمهٔ قاصر و ه درکلمهٔ ماهر. تکرارحرف دخیل لازم‌نیست واگرمراعات شود از محسنات شعرمحسوب می‌شود . مثال از سعدی :

چشم بدت دور ای بدیع شمایل
ماه من و شمع جمع ومیر قبایل

مثال عدم مراعات از حافظ :

دارای جهان نصرت دبن خسرکامل
یحیی‌بن مظفر ملک عالم عادل

درةالتاج لغرةالدباج (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف قطب الدین‌محمودبن مسعودبن المصلح الشیرازی معروف‌به علامهٔ‌شیرازی. مؤلف آن‌را بنابه خواهش امیردباج فرمانروای گیلان وبه نام او درسال ۶۹۳ تألیف کرده است. کتاب درةالتاج دارای چندبخش است درمنطق وریاضی وفلسفه ودرحکمت نظری وعملی شامل دوازده رشته از علوم .

بخش اول درة‌التاج به کوشش وتصحیح آقای محمد مشکوة در سال ۱۳۲۰ به طبع رسیده وشامل یک فاتحه و ۵ جمله ویک خاتمه‌است درمنطق وفلسفه اولی‌وعلم‌الاسفل (علم‌طبیعی) وعلم‌الاوسط (علم ریاضی) وعلم الاعلی (علم‌الهی) . این کتاب از گنجینه‌های گرانبهای زبان فارسی ومشتمل برهمهٔ فنون متداول عصر است و از هرجهت به کتاب الشفاء ابن‌سینا شبیه است .

بخش دوم به کوشش‌سید حسن مشکان طبسی چاپ شده است .

درفش کاویان (س — د) علمی که کاوهٔ‌آهنگر از چرم پاره‌ای برسرچوبی ساخت ومردم را بر ضحاك شوراند. ازآن پس این چرم‌پاره که به گوهر های گرانبها آراسته شده بود درفش شاهی ایران شد وتا پایان کارساسانیان همچنان درفش رسمی ایران را درفش کاویان می‌خواندند

درهٔ‌نادره (ك) تألیف‌میرزا مهدی خان‌بن محمد نصیراسترآبادی منشی‌دربار نادر است . نثرآن بسیارپیچیده ونامرغوب‌است .

دستورعشاق (ك) رجوع شود به حسن ودل

دستورالکاتب‌فی‌تعیین‌المراتب (ك) کتابی به‌زبان‌فارسی‌تألیف شمس نخجوانی معروف به شمس منشی پسر هندوشاه نخجوانی . این کتاب شامل‌مکتوبهای شاهان واميران‌وعالمان وحکیمان همچنین‌حاوی احکام دیوانی‌وتفویض‌اعمال به‌امیران‌مغول ووزیران‌است‌دستورالکاتب دراوایل‌سلطنت‌سلطان شیخ اویس‌بن حسن ایلکانی تألیف شده است .

دقیقی (ت) ابومنصور محمدبن احمد دقیقی بلخی وفات ۳۶۵ تا ۳۷۰—ازبزرگترین شاعران قرن چهارم ومعاصرسامانیان . بعضی او را بلخی وبعضی طوسی گفته‌اند، ابتداءدردربار چغانیان که درماوراءالنهر سکونت داشتند ، می‌زیست ، وامیرابوسعید مظفر وابونصربن‌علی‌چغانی

واسرفخرالدوله از آل محتاج و ابوصالح منصوربن نوح سامانی را مدح گفته است . دقیقی به نظم شاهنامه پرداخت ، ولی نتوانست آن را به پایان رساند وبه دست غلام خود کشته شد . این قسمت از شاهنامهٔ دقیقی به «گشتاسب‌نامه» معروف است ومربوط به ظهور زرتشت وجنگ بین گشتاسب وارجاسب است وفردوسی عیناً آن‌را درشاهنامهٔ خودآورده است .

ازدقیقی جز گشتاسب‌نامه‌قصاید معدود وغزلهاو ابیات پراکنده درتذکره‌ها وکتابهای تاریخی باقی است .

دلو (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقةالبروج وبه شکل دلوآب‌کشی . برج دلو برابرماه‌بهمن است .

فتاده آبکش را دلو درچاه بمانده‌آبکش خیره‌چو گمراه

«ارویس‌ورامین»

دماوند کوه معروف درشمال‌شرقی تهران، درشاهنامه آمده‌است که فریدون ضحاك را در آن کوه حبس کرد .

دم عیسی (تن) نفس عیسی‌که مرده را زنده می‌کرد

هرنسیمی‌که به من بوی خراسان آرد

چون دم عیسی درکالبدم جان آرد

«سیدحسن‌غزنوی»

دمیةالقصر وعصرةاهل‌العصر (ك) کتاب مشهوری در ذکر احوال نویسندگان وشاعران عربی زبان ، تألیف علی‌بن الحسن باخرزی این کتاب درواقع ذیلی است بریتیمةالدهرثعالبی

دنبلی (ب) «عبدالرزاق‌بیک‌دنبلی .وفات ۱۲٤۳ — ازطایفهٔ دنبلی ساکن خوی که درسال ۱۱۷٦ درخوی متولد شده است. دنبلی به‌شیراز

رفت ودرمحافل علم وادب رفت‌وآمد کرد وبسبب استعدادفطری مردی ادیب ودانشمند گردید. دنبلی تافوت کریم‌خان‌زند درشیراز ماند وپس از او به اصفهان آمد وبه خدمت فتحعلیشاه رسید و دردربار او تقرب حاصل کرد وتاریخ قاجاریه ومآثر خاقانی را نوشت ودره ۱۲۱ به‌عتبات رفت ودرسال ۱۲۴۳ وفات یافت.

از آثاردیگرعبدالرزاق بیگ «مآثر سلطانی» و«حدایق الجنان» است درشرح حال‌عالمان وفاضلان معاصرخود که یکباردرآن تجدید نظر کرده ونامش را «تجربةالاحراروتسلیةالابرار» گذاشته است. ودنبلی درسبک این کتاب به شیوهٔ تاریخ وصاف وگلستان سعدی نظر داشته وماننداًنها نثرفنی به کار برده است. عبدالرزاق شعرنیز می‌سروده و«مفتون» تخلص می‌کرده است.

دوانی(ت) وفات ۹۰۸ - جلال‌الدین محمدبن اسعدالدوانی اهل قریهٔ دوان درحوالی کازرون فارس. وی مرد ادیب و حکیم و عارف بوده وپدرش درکازرون شغل قضاداشته‌است. ازآثار اوبه‌فارسی کتاب اخلاق جلالی است که آن را به‌نام امیرحسن بیک ترکمان و پسرش سلطان خلیل‌بایندر درنیمهٔ دوم قرن نهم تألیف کرده است. بیشتر آثار مولانا جلال‌الدین به زبان عربی است مانند «رسالهٔ اثبات واجب قدیم» و «رسالهٔ اثبات واجب‌جدید» و« رسالهٔ‌انموذج‌العلوم»و«حواشی‌تهذیب المنطق»و«شرح هیاکل‌النور سهروردی» و چند کتاب دیگر

ملاجلال دوانی شاعر نیز بوده و«فانی» تخلص می‌کرده است

دوایراوزان عرب : (ع) خلیل‌بن احمد واضع علم عروض اوزان اصلی شعرعربی‌را درپنج دایره قرار داده است ازاین قرار : دایرهٔ مختلفه - دایرهٔ مؤتلفه - دایرهٔ مجتلبه — دایرهٔ‌مشتبهه — دایرهٔ متفقه

(به هریک ازاین دایره‌ها رجوع شود)

دوایر اوزان فارسی (ع) دوایراوزان فارسی پنج است ازاین قرار: دایرهٔ متفقه - دایرهٔ مجتلبه - دایرهٔ مجتلبهٔ زائدهٔ مزاحفه - دایرهٔ مزاحفه - دایرهٔ مشتبههٔ زایده.

(به هریک از این دایره‌ها رجوع شود)

دو بیتی (ب) مانند رباعی است اما به وزن معینی اختصاص ندارد. دوبیتی‌های باباطاهر که بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» است شهرت بسیار دارد.

نسیمی کزبن آن کاکل آیو   مراخوشتر ز بوی سنبل آیو
چوشب گیرم خیالت را درآغوش   سحر از بسترم بوی گل آیو

دولتشاه سمرقندی (ت) امیر دولتشاه بن علاءالدوله سمرقندی. وفات ۹۰۰ - از بزرگان ورجال دورهٔ تیموری. پدرش از مقربان دربار شاهرخ بوده است وخود دولتشاه درهرات از درباریان ابوالغازی سلطان حسین وامیرعلیشیر نوائی ومعاصر جامی است و نام این سه نفر را در تذکرهٔ خود آورده است.

دهلوی خواجه حسن شیخ نجم‌الدین بن علی سنجری دهلوی. وفات ۷۷۷ — از شاعران فارسی زبان هندوستان واز عارفان معروف قرن هشتم. خواجه حسن دهلوی معاصر ومورد توجه امیر خسرو دهلوی بود وبه دلالت او به خدمت شیخ نظام‌الدین اولیاء رسید ودرسلک مریدان او درآمد. خواجه حسن دهلوی درغزل پیروسعدی است وخود نیزبه این امر اشاره می‌کند وازینرو اورا «سعدی هندوستان» می‌نامند.

دیوان امیرحسن (چاپ هند)

دهخدا (علی اکبر) (ت) وفات ۱۳۳٤ شمسی - پسرخانبابا خان

از ملاکین متوسط قزوین که در تهران اقامت کرد . دهخدا درحدود سال ۱۲۹۷ قمری درتهران متولد شد . علوم معمول زمان مانند زبان عربی وعلوم دینی ومعانی وبیان وحکمت را نزد یکی از فاضلان به‌نام شیخ غلامحسین بروجردی آموخت وازمحضر حاج شیخ هادی نجم‌آبادی دانشمند معروف استفاده کرد . پس از تمام تحصیلات درمدرسهٔ علوم سیاسی به‌اروپا سفر کرد وزبان فرانسه آموخت . مدتی هم دروین بسربرد . دهخدا درآغاز مشروطیت به‌تهران بازگشت وروزنامهٔ «صوراسرافیل» رابا همکاری میرزا جهانگیر خان ومیرزا قاسم‌خان شیرازی نشر کرد وقسمت فکاهی آن را تحت عنوان «چرندوپرند» وبا امضاء «دخو» بعهده گرفت . مدتی نمایندهٔ مجلس شوری وچند سال رئیس مدرسه حقوق‌وعلوم سیاسی بود . ازآن پس تا پایان عمر به مطالعه وتحقیق وتألیف پرداخت .

ازآثار دهخدا کتاب «امثال‌وحکم» درچهارجلداست که حاوی امثال سایرزبان‌فارسی‌است . دیگر حواشی بردیوان ناصرخسروودیوان منوچهری وترجمهٔ کتاب «روح‌القوانین» منتسکیو و«سرعظمت وانحطاط دولت‌روم» وفرهنگ‌فرانسه به فارسی‌وتصحیح دیوان مسعودسعد وفرخی . بزرگترین اثر و مهمترین خدمت فرهنگی دهخدا «لغت نامه» است که تاکنون چندین جلد آن به چاپ رسیده است . دهخدا شعر نیز می گفت و پیرو سبک متقدمان بود . ترجیع بند معروفی در مرثیهٔ میرزاجهانگیرخان شیرازی معروف به صوراسرافیل دارد . زدیوان دهخدا — چاپ تهران ۱۳۳٤ شمسی .)

دینوری (ت) رجوع شود به ابو حنیفهٔ دینوری

دینوری (ت) رجوع شود به‌ابن قتیبه‌دینوری

دیوان شمس‌تبریزی (ك) دیوان غزلیات مولانا جلال‌الدین

رومی معروف به مولوی که به دیوان شمس مشهور است . گرچه تخلص مولوی در این کتاب «خمش» یا «خاموش» بوده وغزلیاتی به‌نام صلاح الدین زرکوب یا حسام‌الدین چلبی دارد ، ولی به علت ارادتی که به شمس تبریزی داشت ، اغلب غزلها را به نام وی ختم کرده است . حتی نام «شمس تبریز» یا «شمس‌الحق تبریز» درمتن غزل نیز آمده‌است . از اینروست که دیوانش به نام شمس تبریزی معروف گردیده است . مولوی هرگز به شعر وشاعری تفاخر نمی کرد ولی حالات روحی وجذبه وشوری را که در وجودش پدید آمده بود، به‌صورت شعر بیان می کرد خاصه غزلهای مولوی سراسر حاکی از این شور وجذبه است . مولوی هرگز نخواسته است ازفنون شعر وصنایع لفظی استفاده کند ویا به قافیه سازی بپردازد وهنگام سرودن شعر فقط به حال درونی خود توجه داشت نه به محسنات کلام . بهمین جهت اشعاری در دیوانش یافت می‌شود که حتی فاقد قافیه است ولی پرازلطایف معنوی است . (چاپ تهران)

ذخیرهٔ خوارزمشاهی (ك) کتابی درطب تألیف سید اسمعیل جرجانی پزشک معروف قرن ششم که آن را درسال ٥٠٤ هجری به نام قطب‌الدین محمدبن انوشتکین خوارزمشاه به فارسی نوشته است وجزء کتب مهم طبی به شمار می‌رود .

ذخیره در دوازده جلد است وهرجلد دارای چند باب وفصل است و شامل مباحث طب وادویه ونشریح است . مؤلف در مقدمهٔ کتاب شرحی دربارهٔ خوارزم و امارت قطب‌الدین محمد دارد . در این کتاب بسیاری از ترکیبات واصطلاحات طبی به‌فارسی به کار رفته است . ذخیرهٔ خوارزمشاهی بوسیلهٔ خود مولف به عربی ترجمه شده است .

ذم شبیه به مدح (ب) آن است که شاعر در میان اوصاف زشت ، پس از کلمات استثناء مانند اما ولیکن صفتی را ایراد کند که آن نیز ذم است .

نانشان نه گندمین وسخنشان درشت لیک
گاه عطا ترش رو و در وعده کاذب‌اند

ذو بحرین (ب) آن‌است که شعر به دوبحر ازبحورعروضی‌خوانده شود . مانند این شعر:

ای بت سنگین‌دل سیمین قفا   ای لب تورحمت وغمزه بلا

که باد ووزن خوانده می‌شود : ١ — مفتعلن مفتعلن فاعلن
٢ — فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

ذوالفقار (تن) شمشیر حضرت علی

صمصام شاه چون زهنر چاشنی دهد

زخمش برابر آید بازخم ذوالفقار

«ابوالفرج رونی»

ذوقافیتین (ب) آن است که شاعر شعری شامل دوقافیه بگوید. مانند کلمه های آسمان و کمان و تخت وسخت دراین شعر:

ای شاه زمین بر آسمان داری تخت

سست است عدو تا تو کمان داری سخت

حمله سبک آری و گران داری رخت

پیری تو به تدبیر و جوان داری بخت

ذوالقرنین (دن) اسکندر که به روایتی از پیغمبران است و سد یأجوج ومأجوج را ساخت وبا خضر به طلب آب حیوان رفت ولی به آن دست نیافت. اسکندر که صورت دگر گون شدۀ الکساندر است به روایت تاریخ نام شاه یونان پسر فیلیپوس است که سی وسه سال عمر کرد وسراسر ایران را تا هند تسخیر کرد.

کلمۀ ذوالقرنین در قرآن مجید آمده است ومفسران او را با اسکندر مقدونی تطبیق کرده‌اند. مولانا ابوالکلام آزاد در این باب رساله‌ای دارد که در آن باذکر قرائن وادله‌ای اظهار نظر می کند که ذوالقرنین مذکور در قرآن کورس هخامنشی بوده است نه اسکندر مقدونی

فرمانبر خدای و نگهبان خلق باش

این هر دوقرن اگر بگرفتی سکندری

«سعدی»



رابعهٔ قزداری (ت) رابعه بنت کعب قزداری بلخی از زنان شاعر قرن چهارم و معاصر سامانیان و رودکی . رابعه دختر کعب قزداری از امیران عرب بوده است . دربارهٔ رابعه گفته شده است که عاشق بکتاش نام غلام برادرش گشت و به همین جهت به دست برادر کشته شد . عوفی اورا در نظم فارسی و تازی زبردست دانسته است . اشعار پراکنده‌ای از او باقی است . داستان عشق رابعه با بکتاش در الهی‌نامهٔ عطار آمده است .

راحة‌الصدور و آیة‌السرور (ك) از کتابهای مهم اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم . تألیف نجم‌الدین ابوبکر محمد راوندی که آن‌را در سال ۵۹۹ به نام کیخسروبن قلج ارسلان از سلجوقیان روم تألیف کرد . مؤلف در این کتاب پس از ذکر مقدمه وسبب تألیف کتاب به تاریخ سلجوقیان می‌پردازد و وقایع زمان آنها را از ابتدا تا آخر سلطنت سنجر شرح می‌دهد . همچنین سلاجقهٔ عراق ووقایع سلطنت ایشان‌را تا استیلای خوارزمشاهیان ذکر می کند . درآخر کتاب فصولی در ذکر آداب شطرنج و شراب و مسابقه ، تیراندا ختن وشکار وامثال آن‌دارد . همچنین درضمن کتاب از شاعران قرن ششم قصایدی ذکرمی کند . این کتاب شامل اطلاعات فراوان تاریخی و اجتماعی است و از سودمندترین کتابهای فارسی پیش از مغول به شمار می‌آید .

رازی (ت) ابوبکر محمدبن زکریای رازی . وفات ۳۱۳ـ ازحکیمان

و طبیبان عالیقدر ایرانی. رازی درسال ۲۵۱ در ری متولد شد وتحصیلات خود را در همان شهر شروع کرد و به فلسفه و ریاضیات و نجوم وادب پرداخت، پس از آن به علم کیمیا وطب توجه کرد و پس از شهرت درطب به خدمت ابوصالح منصوربن اسحق سامانی حاکم ری رسید و از طرف اوبه ریاست بیمارستانی، که در ری تأسیس شده بود، منصوب گشت. پس از آن به بغداد رفت، درآنجا هم ریاست بیمارستان را بعهده گرفت ولی مدت درازی نماند وبه ری بازگشت. وی دراواخر عمر به کوری مبتلا شد.

رازی آثار فراوانی درفلسفه وطب دارد ودرفلسفه مخالف عقاید ارسطو می باشد.

ازآثار فلسفی او: «القوانین الطبیعه فی الحکمة الفلسفیه» و«العلم الالهی» و «مقالة فی مابعدالطبیعة» و «القول فی القدماء الخمسه» و«القول فی الهیولی» و «القول فی الزمان والمکان».

آثار طبی او نیز متعدد است وابوریحان متجاوز از ۵۶ کتاب طبی به رازی نسبت داده است.

مهمترین تالیفات طبی او کتاب «الحاوی» و«طب المنصوری» است

از کتابهای دیگر او کتاب «الشکوك» است که درآن برجالینوس ایراد کرده است. دیگر کتاب «من لا یحضره الطبیب» که به «طب الفقرا» مشهور است. زیرا که دراین کتاب دستورهای ساده برای علاج است بی حاجت به طبیب.

زکریای رازی درعلم کیمیانیزازبزرگترین استادان به شمار می رود وآثاری دراین علم دارد ودرنتیجهٔ تحقیقات فراوان موفق به کشف الکل «الکحل» وجوهر گوگرد یا «زیت الزاج» گشته است. ازجملهٔ کتابهائی

که دراین قسمت به‌رازی نسبت داده‌اند. کتاب«ملل المعادن»و«اثبات الصناعة» و«کتاب‌الاکسیر» و«کتاب‌الحجر» و«کتاب شرف الصناعة» وآثاردیگر است.

راوندی (ت) نجم‌الدین ابوبکرمحمدبن‌علی‌بن‌سلیمان الراوندی. از نویسندگان قرن ششم ومعاصر سلجوقیان که نزد خال خودتاج‌الدین احمد تربیت یافت وعلوم شرعی وادبی‌فراگرفت وی گویند هفتادگونه خط آموخت‌وبه‌استنساخ مصاحف‌پرداخت ودرسال ۵۷۷ به استادی‌خط سلطان طغرل‌بن ارسلان انتخاب شد واز مقربان‌درگاه اوگشت. راوندی پس از قتل طغرل به آسیای صغیررفت ودرخدمت غیاث‌الدین کیخسرو بن قلج ارسلان درآمد و درسال ۵۹۹ کتاب «راحة‌الصدور» را به نام این پادشاه تألیف کرد.

راه‌کهکشان یا راه‌کاهکشان. (نج) مجره

از بس که‌دراین راه رز انگورکشانند
این‌راه رز ابدون‌جوره‌کاهکشان است

«منوچهری»

رباعی (ب) عبارت است ازچهار مصراع که اول‌ودوم وچهارم دارای قافیهٔ واحدباشد. بروزن لاحول ولاقوة‌الابالله است. معنی رباعی اغلب در مصراع آخرکامل می‌شود.

رباعیات خیام بسیار معروف است.

اسرار ازل را نه تودانی و نه من
وین‌حرف معما نه‌توخوانی ونه‌من
هست از پس‌پرده گفتگوی من وتو
چون پرده برافتد نه تومانی ونه‌من

ربع (زحاف) (ع) درفاعلاتن آن است که آن را صلم کنند . می‌ماند فاعل، پس آن را مخبون کنند فعل می‌ماند. و آن را مربوع خوانند .

ربنجنی (ت) ابو العباس فضل بن عباس ربنجنی از شاعران عهد سامانی که عوفی قطعه‌ای از او در مرثیهٔ نصربن احمد سامانی نقل کرده و ابوالفضل بیهقی قسمتی از قصایدش را در تاریخ خود آورده است . ابیات پراکنده‌ای نیز از او در فرهنگها به عنوان شاهد ذکر شده است .

ربیعی بوشنجی (ت) صدرالدین خطیب متخلص به ربیعی بوشنجی . مقتول ۷۰۲ - از شاعران معاصر فخرالدین کرت پادشاه هرات که او را در اشعار خود مدح کرده وبعد به‌فرمان همین شاه به زندان افتاده است وی در زندان مثنوی «کارنامه» را ساخته ومثنوی دیگری هم به نام «کرت نامه» به سبک شاهنامه دارد .

رجز (بحر) ع اصل آن درعربی شش بار «مستفعلن» است . درفارسی از این بحر وزنهای زیر بیشتر متداول است.

رجز مثمن سالم (مستفعلن ۸ بار) مثال :

ای ساربان منزل مکن جز در دیار یار من
تا یک زمان زاری کنم برربع واطلال ودمن

رجز مثمن مطوی (مفتعلن ۸ بار)

ای که زیک تابش تو کوه احد پاره شود
چه عجب ارمشت گلی عاشق وبیچاره شود

رخش (ش - د) نام اسب رستم . گاهی در شعر فارسی به‌معنی مطلق اسب نیزآمده است .

صدر تو به پایه تخت جمشید خنگ تو به سایه رخش رستم

«انوری»

ردالصدر الی العجز (ب) آن است که شاعر کلمهٔ واحدی را در ابتدا و انتهای شعر استعمال کند .

عصا بر گرفتن نه معجز بود همی اژدها کرد باید عصا

ردالعجز الی الصدر (ب) آن‌است که شاعر لفظی را که درآخر شعر می‌آورد ، دراول شعر بیت بعد مکرر کند .

قوام دولت و دین روزگار فضل وهنر
ز فضل وافر تو یافت زیب و فر نظام
نظام ملت و ملکی عجب نباشد اگر
به رونق است در این روزگار کلک وحسام

ردف (ق) از حروف قافیه . ردف، الف ، واو ، یا یی است که بلافاصله قبل از حرف روی قرار گرفته باشد ، در این صورت قافیه را مردف خوانند، بشرط آنکه ما قبل واو مضموم وماقبل یاء مکسورو ماقبل الف مفتوح باشد ، مانند شجاع ، روز ، سیر . مثال :

شهر غزنین نه همان است که من دیدم پار
چه فتاده است که امسال دگرگون شد کار

ردف بردو قسم است : ردف اصلی — ردف زائد .

ردف اصلی آن‌است که بی فاصله قبل‌از روی‌قرار گیرد . مانند کار
ردف زائد آن است که بین آن و حرف روی ساکنی فاصله شود مانند گماشت یا گوشت. حروف ساکنی که بین واو ، الف، یاء ، و روی واقع می‌شود شش‌است: ش ، ر ، ف ، س ، خ ، ن (شرف‌سخن) التزام

ردف واجب است .

ردیف (ف) یک یا چند کلمهٔ مستقل وجدا از قافیه است که در همهٔ بیتها عیناً تکرار شود و شعر درمعنی و وزن به آن احتیاج داشته باشد . مانند «نتوان کرد» دراین شعر :

دست درحلقهٔ آن زلف دونانتوان کرد

تکیه برعهد تو وباد صبا نتوان کرد

رس (ف) از حرکات قافیه . حرکت ماقبل الف تأسیس یعنی فتحه . مانند حرکت قاف وهم در کلمه های قاصر وماهر

رسائل اخوان الصفا رسائلی است دربیان عقاید اخوان الصفا که درقرن چهارم هجری تدوین شده است . طایفهٔ اخوان‌الصفا برای آنکه آزادانه عقاید خود را منتشر سازند وبامخالفت متعصبان دین و فلسفه روبرو نگردند رسالات خود را بی ذکر نام مؤلف منتشر می‌ساختند . این رسائل شامل علوم ریاضی ، الهی ، طبیعی ، حکمت عملی است که در آنها اغلب عقاید فلاسفه با اصول دین تطبیق شده است . وشامل چهار قسمت است :

۱ ـ رسائل ریاضیه تعلیمیه ۲ ـ رسائل جسمانیه طبیعیه

۳ ـ رسائل نفسانیه عقلیه ٤ ـ رسائل ناموسیه الهیه

و مجموع این رسالات ٥٤ است . از این رساله ها خلاصه‌ای به فارسی وتازی وجود دارد .

رستم (ش ـ د) از پهلوانان معروف شاهنامه وپسر زال ورودابه ونوادهٔ سام وسهراب کابلی . رستم درزمان شاهی منوچهر به دنیا آمد ، هنر و مردی آموخت ، و داستان پهلوانی او از کشتن پیل سفید آغاز شد و پس ازآن دلاوریهای بسیار کرد و پیروزیها بدست آورد . مانند

گشودن دژ کوه سپند که سام ونریمان مدتی آن را حصار کرده و برآن دست نیافته بودند؛ آوردن کیقباد از البرز کوه وبرتخت نشاندن او، داستان هفتخوان، وفتح مازندران ورهانیدن کاووس از دست دیو سپید ، جنگ باشاه‌ها ماوران ورهانیدن کاووس از زندان ، جنگ با سهراب و کشتن او بی‌آنکه او را بشناسد ، جنگ با افراسیاب به خونخواهی سیاوش ، جنگ با تورانیان و کشتن اشکبوس و گرفتار کردن خاقان جین ، جنگ با اکوان دیو ، رهانیدن بیژن از چاه ، جنگ با اسفندیار و کور کردن و کشتن او .

رستم پس از آنهمه دلاوری سرانجام به‌خیانت برادرش شغاد به چاه افتاد وپس از کشتن شغاد ، جان سپرد .

رشحات‌عین‌الحیاة (ك) تألیف فخرالدین علی‌بن حسین کاشفی که آن را درسال ۹۰۹ تألیف کرده است . این کتاب در ذکر اسلاف خواجه عبیدالله معروف به خواجهٔ احرار شیخ اعظم سلسلهٔ نقشبندیه وتعالیم و کرامات شاگردان اوست ومشتمل بریک مقدمه وسه مقصد ویک خاتمه است .

رشیدالدین فضل‌الله همدانی (ت) فضل‌الله‌بن عمادالدوله ابی الخیر ملقب به رشید طبیب الهمدانی . وفات ۷۱۸-از وزیران و طبیبان ومورخان بزرگ ایران در دورهٔ مغول ، که درسال ۶٤٥ در همدان متولد شد . رشیدالدین فضل‌الله دردربار اباقاخان سمت‌طبیب خاص ودر دربار غازان خان منصب صدارت داشته است . درسال ۷۰۳ که غازان به شام لشکر کشید ، رشیدالدین با سمت منشی عربی با او همراه بود و درعهد سلطان محمد خدابنده نیز مورد اعتماد خاص شاه واقع شد وخدمتهای بسیار وآبادانیها کرد .

این وزیر دانشمند درزمان سلطنت ابوسعید به علت خصومت وزیر دیگر یعنی علیشاه متهم به مسموم کردن الجایتو شد ودرسال ۷۱۸ ، درسن هفتاد سالگی باپسر شانزده ساله‌اش به‌قتل رسید وما یملک اوضبط شد.

رشیدالدین فضل الله علاوه برتنظیم امور دیوان کشور وسیع مغول به تحقیقات تاریخی پرداخت واثرمعروف خودرابه نام «جامع التواریخ» به وجودآورد. ازآثاردیگراو«مجموعهٔ رشیدی»است به زبان عربی شامل کتاب «توضیحات» درمسائل تصوف وکلام و«مفتاح التفاسیر» درمسائل مختلف از قبیل فصاحت قرآن ومفسرین آن وکتاب «لطائف الحقائق» درمسائل کلام و«الرسالة السلطانیه» شامل مباحثه هائی درموضوع کلام درحضور سلطان الجایتو و«بیان الحقایق»

رشیدوطواط (ت) رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمدبن عبدالجلیل عمری کاتب. وفات ۵۷۳- از شاعران و دانشمندان معروف قرن ششم. در بلخ متولد شد وتحصیلات خود را درمدرسهٔ نظامیه آن شهر به پایان رساندودرفارسی وعربی مهارت یافت. پس ازآن به‌خوارزم رفت ودر خدمت خوارزمشاهیان درآمد وصاحب دیوان رسائل دربار اتسز خوارزمشاه گردید وتاآخر عمر دردستگاه خوارزمشاهیان باقی ماند. تخلص رشید به‌وطواط به مناسبت کوچکی جثه ومشابهت او به وطواط است که پرندهٔ کوچکی می‌باشد.

وطواط غیر ازشاهان خوارزم عده‌ای ازرجال وامیران زمان خود مانند خاقان محمودبن محمد بغراخان،وامام ضیاءالدین از ادیبان بلخ، و شاه غازی نصرةالدین رستم بن علی‌بن شهرداربن قارن،ازشاهان آل باوند را مدح گفته است. رشید باخاقانی وادیب صابر مشاعره ومراسله داشته وخاقانی به احترام ازاو یاد می‌کند. ازآثار رشید وطواط یکی

دیوان شعر است. دیگر منشآت اوست به زبان فارسی، اعم از رسائل سلطانی واخوانی، دیگر «حدائق السحر فی دقائق الشعر» در بدیع و صنایع شعری. «نثراللئالی من کلام امیرالمؤمنین علی» که کلمات آن حضرت را به نثر فارسی آورده است. دیگر منظومه ای در عروض فارسی شامل شانزده بحر از بحور عروضی و همچنین چند رساله به عربی در مسائل ادبی و کلام.

رشید وطواط ازدانشمندان بزرگ وادیبان معروف در زبان فارسی است و درنثر عربی هم از بلغاء مشهور است.

رشیدی (ت) سیدالشعرااستاد ابومحمدبن محمدرشید سمرقندی. از شاعران معروف ماوراءالنهر درقرن ششم واهل سمرقند که در دربار سلطان خضربن ابراهیم تقرب داست ولقب سیدالشعرائی یافت. معاصر عمعق بود و میان آنها کدورتی وجود داشت. بامسعود سعد سلمان نیز معاصر بود وبا هم مکاتبه ومشاعره داشتند. از ممدوحان او خضربن ابراهیم وقدرخان ابوالمعالی وسلطان سنجر سلجوقی بوده اند. منظومه ای به نام «مهرووفا» به او نسبت داده اند. قصیده ای درصنعت توشیح دارد که شمس قیس آن را به عنوان نمونهٔ این صنعت نقل کرده است.

رشیدی (ت) عبدالرشید بن عبدالغفورالحسینی المعانی التتوی. از فاضلان ونویسندگان دربارشاه جهان وعالمگیر. اصلش از سادات مدینه وازینرو حسینی ومدنی لقب یافته است. مولدش شهر تته ازمضافات سند است. رشیدی درزبان فارسی وتازی استاد بوده ودربارهٔ لغات فارسی که درزبان عرب داخل شده است تحقیق وتتبع کرده ومجموع تحقیقات خودرا دررساله ای به نام «معربات ومنتخب اللغات» آورده وآن را به نام شاه جهان تألیف کرده است. دیگر «فرهنگ رشیدی» است درلغات فارسی.

رشیدیاسمی (ت) غلامرضا فرزندمحمد ولی‌خان گورانی. وفات ۱۳۳۰ شمسی- رشید یاسمی تحصیلات خود را در کرمانشاه وتهران انجام داد وبه زبان وادبیات فرانسه وانگلیسی وعربی وپهلوی آشنائی یافت واز سال ۱۳۱۲ در دانشگاه تهران به سمت استادی تاریخ انتخاب شد.

رشید علاوه بر مقالات متعدد ترجمه‌ها وتحقیقات بسیار دارد. ازآثاراوترجمهٔ «ایران درزمان‌ساسانیان» اثرارتور کریستن‌سن و«چنگیزخان» ازهارولد لمب و رسالهٔ اردوبرافنامه واندرزمار سفندان است، همچنین دیوان مسعود سعد وابن یمین وسلمان ساوجی را تصحیح وچاپ کرده است. رشید دارای اشعار فراوانی است که درآن تحولات اجتماعی و فرهنگی نمودار است. دیوان رشید - (چاپ تهران)

رضاقلیخان‌هدایت (ب) رجوع شود به هدایت

رضوان (تن) دربان بهشت.

برده رضوان به بهشت از بی‌پیوند گری

از نو هرفضله که انداخته بستان بدرای

«انوری»

رضی‌نیشابوری (ت) رضی‌الدین نیشابوری. وفات ۵۹۸ - از دانشمندان وشاعران قرن‌ششم که‌جلال‌الدین قلج وطمغاج‌خان ابراهیم بن‌حسین وپسرش قلج ارسلان از شاهان آل‌افراسیاب‌را مدح کرده‌است.

رضی‌الدین شعر عربی هم می گفته است و غیر از دیوان اشعار کتابی به نام «مکارم الاخلاق» به زبان فارسی به او منسوب است.

رفع (زحاف)(ع) در مستفعلن حذف مس‌است که می‌ماند تفعلن بجای آن‌فاعلن می‌گذارند وآن‌را مرفوع خوانند. درمفعولات، حذف مف است که‌می‌ماندعولات بجای‌آن‌مفعول‌می‌گذارند. وآن‌را مرفوع خوانند.

رفیع لنبانی (ت) رفیع الدین مسعود لنبانی اصفهانی— ازشاعران مشهوراواخرقرن ششم . مولد وی لنبان ازقراء اصفهان بوده ودرجوانی فوت کرده است . از ممدوحان او رکن الدین مسعودبن صاعد قاضی از افرادآل صاعد وعمیدالدین اسعدبن نصر وزیراتابک سعد زنگی می باشند

دیوان اوبه قول هدایت دارای ده هزار بیت بوده ولی همهٔآن دردست نیست .

رفیع مروزی (ت) عوفی درلباب الالباب رفیع مروزی را ازجملهٔ شاعران سلجوقی آورده وابیاتی ازاو نقل کرده است وگویا از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم باشد .

رمل (بحر) ع از بحور شعر فارسی و عربی .اصل آن در عربی شش بار «فاعلاتن» است در زبان فارسی از این بحر وزنهای زیر رواج بسیار دارد:

رمل مثمن سالم (فاعلاتن ۸ بار)مثال :

سهمگین آبی که مرغابی دراوایمن نبودی
کمترین موج آسیا سنگ از کنارش درربودی

رمل مثمن سالم محذوف(فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) مثال:

هر شب از بحر خیالت مردم چشمم به اشک
حجره را آبی زده بس بر سر راه آمده

رمل مثمن مخبون (فعلاتن ۸ بار) مثال :

بیش ما رسم شکستن نبود عهد وفا را
الله الله تو فراموش مکن صحبت ما را

رمل مثمن مخبون محذوف یامقصور (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن یا — فعلات) مثال :

خبرت هست که بی‌روی تو آرامم نیست
طاقت بار فراق این همه ایامم نیست

رمل مسدس سالم محذوف الاخر (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) مثال:

بشنو از نی چون حکایت می کند
وز جدائیها شکایت می کند

رمل مسدس مخبون محذوف الاخر (فعلاتن فعلاتن فعلن — یا فعلات)

بتوان رستن ازعذاب خدا نتوان از زبان مردم رست

روحانی (ت) ابوبکربن محمدبن علی روحانی سمرقندی از شاعران قرن ششم که تذکره نویسان اورا سمرقندی می‌دانند، روحانی یمین الدوله بهرامشاه را مدح کرده است. ابیاتی از روحانی درتغزل باقی است .

روح الجنان (ك) یاروض الجنان کتاب معتبری به زبان فارسی در تفسیر قرآن، تألیف ابوالفتوح رازی که آن را دراوایل قرن ششم تألیف کرده است. این تفسیر در بیست مجلداست که مؤلف درآن اطلاعاتی از آیات محکمات ومتشابهات واینکه مکی است یا مدنی وهمچنین نظرهای قراء را دربارهٔ آن آیات به‌دست می‌دهد، سپس به‌نقل وتفسیرآیات می‌پردازد کتاب بانثر بسیارساده و روان نوشته شده و از تفسیرهای بی نظیر زبان فارسی است .

روح القدس (تن) مقصود روحی است که درمریم دمیده شد و موجب پیدایش عیسی گشت .

فیض روح القدس ارباز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد

روحی (ب) حکیم روحی و لوالجی از شاعران قرن ششم و از

ولوالج ماوراءالنهر. وی دراشعارخود ازمسعودسعد وفرخی وقطران نام برده وخود را با آنها سنجیده است . اشعارش هزل‌آمیز است وحتی در اشعارعادی نیز جنبهٔشوخی وبذله گوئی‌را ازدست نداده است .دروصف اسب کندرو خود قصیدهٔ مطبوعی دارد که دردست است .

رودابه (ش ــد)اززنان داستانی‌شاهنامه ودختر مهراب کابلی که بنا برروایت شاهنامه از نژاد ضحاك بود و به سام باج می‌داد . رودابه عاشق زال پسرسام سدوزال‌نیزشیفتهٔ او گشت. پنهانی‌دیدارهائی میان آنها دست داد .زال‌ازپدر خواست تا با پیوند آن دوموافقت کند· نخست منوچهرشاه ایران ازپیوند زال بارودابه که از نژاد ضحاك بود، هراسناك شد ، ولی پس از شور با اخترشناسان ، چون دانست که این پیوند سرانجام نیك دارد و پهلوانی چون رستم از آن به وجود می‌آید موافقت کرد . رودابه بازال پیمان زناشوئی بست وبه سیستان رفت .

رودکی‌سمرقندی (ن) ابوعبدالله جعفربن محمد وفات ۳۲۹– شاعر بزرك‌قرن چهارم ومعاصرسامانیان که درقریهٔ رودك نزدیك‌سمرقند متولدشده است . عده‌ای گویند که کورمادرزادبوده است‌ولی‌دراشعارش اشاراتی یافت می‌شود که دال بربینائی اوست . عوفی می گوید که رودکی در هشت سالگی قرآن را ازحفظ داشت وصدای خوش داشت وبربط خوب می‌نواخت . رودکی در دربار امیر نصر سامانی تقرب یافت وثروت ومکنت فراوان اندوخت . از ممدوحان رودکی‌امیرنصربن احمدبن اسماعیل سامانی وابوجعفر احمدبن خلف‌بن اللیث از امیران صفاری وماکان کاکی وابوالفضل بلعمی وزیر دانشمند سامانی است.

رودکی نخستین شاعر بزرك‌ایران است که استاد شاعران نامیده شده‌است وشاعران پس ازاو بسیاری از اشعاراو را تضمین کرده ومقام

اورا درشاعری ستوده‌اند . رودکی در فنون مختلف شعر استاد ماهر بود واشعار او را در حدود صد هزار بیت تخمین زده‌اند که بجز معدودی همه از میان رفته است . در دیوان موجود رودکی نیز قطعه هائی ازاشعار قطران به اشتباه وارد شده است . ازآثار مهم رودکی « کلیله و دمنهٔ » منظوم است که جز ابیات پراکنده‌ای ازآن دردست نیست .

روزبه نکتی (ت) ابو عبدالله روز به نکتی لاهوری از شاعران نیمهٔ اول قرن پنجم معاصر سلطان مسعود غزنوی وازجملهٔ مداحان اوست. اشعاری درلباب الالباب از او آمده است .

روشنائی نامه (ك) رسالهٔ منظومی اثرحکیم ناصرخسرو مبادبانی دروعظ وحکمت شامل پانصدونودودو بیت . این منظومه درآخر دیوان ناصرخسرو به تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی به چاپ رسیده است .

روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات (ك) کتابی به زبان عربی تألیف محمدباقربن حاجی امیرزین العابدین الموسوی الخوانساری. این کتاب شامل شرح حال ۷٤۲ تن ازعارفان وفاضلان وشاعران قدیم وجدید فقیهان شیعه می‌باشد . تاریخ تألیف آن سال ۱۲۸٦ هجری است . شرح احوال برحسب حروف تهجی است ولی اغلب به‌نام معروف بزرگان نیست وپیدا کردن ذکر اشخاص مورد نظربه آسانی میسر نمی‌شود .

(چاپ تهران)

روضة الانوار (ك) مثنوی درتصوف وعرفان اثرخواجوی کرمانی شاعر قرن هشتم ، که آن را درسال ۷٤۳ به‌نام شمس الدین محمود صاین وزیر شیخ ابو اسحاق اینجو ساخته است .

روضهٔ رضوان (تن) کنایه از بهشت .

فردا اگرنه روضهٔ رضوان به ما دهند

غلمان زروضه حور زجنت بدر کشیم

«حافظ»

روضةالشهدا (ك) کتابی تألیف ملاحسین واعظ کاشفی ، ملمع به نثر و نظم که اهل ذکر آن را بر منبر ها می‌خواندند وگویا نخستین کتابی است که در ذکر مصایب اهل بیت نوشته شده است و خوانندگان آن‌را برمنبر «روضه خوان» می‌نامند .

روضةالصفا (ك) کتاب معروف وعظیمی درتاریخ عمومی‌عالم تألیف مورخ معروف قرن نهم میرخواند که آن را به نام امیرعلیشیر نوائی ، وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا ، تألیف کرده است .

این کتاب در هفت جلد است که شش جلد اول را میرخواند تألیف کرد وبه علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آن‌را به پایان رساند وجلد هفتم محتملاً توسیلهٔ خواندمیرصاحب کتاب حبیب‌السیر پایان یافته است .

شش جلد اول مشتمل است بر تاریخ انبیا وبزرگان و شاهان ایران قبل از بعثت حضرت‌محمد ، تاریخ پیغمبر ص وخلفای‌راشدین ، تاریخ ائمه وخلفای اموی‌وعباسی ، تاریخ شاهان ایران بعد ازاسلام تا هجوم تاتار ، احوال شاهان وامیران‌مغول، تاریخ تیمور وجانشینان او تا سال ۸۷۳ ه .

جلد هفتم که محتمل است به قلم خواندمیر باشد شامل سلطنت وزندگی سلطان حسین میرزا بایقرا و شرح اقالیم سبعه است . بعدها رضاقلی خان هدایت درزمان قاجاربه جلد هشتم ونهم ودهم را تألیف کرده وبه سایر جلدها افزوده است وآن را «روضةالصفای ناصری» نام

نهاده است . این سه جلد درتاریخ صفویه وعالمان و رجال آن دوره ، تاریخ زندیه ، شاهی آغامحمدخان قاجار ، سلطنت فتحعلیشاه ، جلوس محمدمیرزای ولیعهد درتبریز ، سلطنت محمد شاه قاجار ، ده سال اول سلطنت ناصرالدین شاه تا سال ۱۲۷٤ هجری است.

میرخواند در روضة‌الصفا از تواریخ عربی اسلامی مانند طبری و الکامل ابن اثیر استفاده کرده است. نثر روضة الصفا مانند آثار سایر نویسندگان دورهٔ مغول‌وتیمور از نوع نثرمسجع ومترسلانه است ودارای صنایع لفظی‌فراوان می‌باشد . (چاپ‌تهران)

روضة‌العقول (ك) ترجمه‌ای است از مرزبان‌نامه که به‌وسیلهٔ محمدبن‌غازی الملطیوی وبه تشویق سلیمانشاه بن‌قلج ارسلان درسال ۵۹۸ صورت گرفته وازلهجهٔ طبری به‌فارسی‌درآمده است . مترجم‌دراین کتاب ازسبک کلیله و دمنهٔ نصرالله منشی پیروی کرده است . انشاء کتاب‌مصنوع ودارای شواهد وامثال بسیار به‌زبان عربی وفارسی‌است .

روضة‌المنجمین (ك) تألیف‌شهمردان‌بن‌ابی‌الخیر که آن‌رادرسال ٤٦٦ نگاشته است. مؤلف در مقدمه می‌گوید که درکتابش‌سخنهای متداول به‌کار برده است تا دانستن آن‌برهمه آسان باشد.

روم (ش-د) سرزمینی که به‌موجب‌روایت شاهنامه‌جزء کشور فریدون بود وچون کشور خود را میان پسران تقسیم کرد ، روم به سلم رسید :

نخستین به سلم اندرون بنگرید
همه روم و خاورسراو را گزید

«شاهنامه»

رومیان در ادبیات فارسی به سفیدی چهره موصوف و مثل اند

ودرشعر برآمدن روشنی روزرا به هجوم وغلبهٔ لشکرروم تمثیل می کنند.

خورشید روم پرور وماه حبش نگار

سایه نشین ساحت طوبی نشان اوست

«خاقانی»

روی (ف) آخرین حرف اصلی کلمهٔ قافیه؛ مانند تاء در کلمه های دست وهست. اگرحرف آخر ازاصل کلمه نباشد ولی به کثرت استعمال مانند حرف اصلی شده باشد می توان آن را روی ساخت. مانند داناوبینا، واگر مشهورالترکیب باشد مانند الف شاها وخداوندا نمی توان آن را روی ساخت.

روی بردوقسم است: روی مطلق — روی مقید (به این کلمات رجوع شود)

روی مطلق (ق) هرگاه روی ساکن به حرف وصل بپیوندد و متحرك شود آن را روی مطلق گویند. روی مطلق دوازده نوع است. مطلق مجرد، مطلق به قید، مطلق به ردف، مطلق به خروج، مطلق به خروج ومزید، مطلق به خروج ومزید ونایره، مطلق به قید وخروج، مطلق به قید وخروج ومزید، مطلق به قید وخروج ومزید ونایره، مطلق به ردف و خروج، مطلق به ردف وخروج ومزید، مطلق به ردف وخروج ومزید ونایره

۱ـ مطلق مجرد وآن بردونوع است، مطلق به حرف اطلاق، مطلق به حرف وصل. مطلق به حرف اطلاق: مانند کلمهٔ سرمدوفرقد دراین شعرکه به الف اطلاق وصل شده است والف اطلاق درشعر فارسی عیب محسوب می شود. مثال:

ای سب چنین درازنبودی وسرمدا　　ازنوپدیدنیست نه شعری نه فرقدا

مطلق به حرف وصل. مانند کلمهٔ دشمن دراین مصراع که به یاء وصل شده است.

دوستا گر دوستی گردشمنی

دراین قافیه دوحرف ودوحرکت لازم است .

۲- مطلق به قید . مثال :

آخردر زهد و توبه در بستم وز بند قبول ابن و آن رستم

دراین قافیه سه حرف ودوحرکت لازم است .

۳- مطلق به ردف وآن بردونوع است .

مطلق به ردف اصلی ، مطلق به ردف زائد

مطلق به ردف اصلی .

نه گفتی کزین پس کنم دوستداری

دراین قافیه سه حرف ودوحرکت لازم است .

مطلق به ردف زائد .

ای همای همتت سربرفلک افراخته

دراین قافیه چهار حرف ودوحرکت لازم است

٤— مطلق به خروج .

صنما تابه کف عشوهٔ عشق نو دربم

دراین قافیه سه حرف ویک حرکت لازم است

٥— مطلق به خروج ومزید .

زانجه ازحق در دلسنش هرجه خواهد حاصلستش

دراین قافیه چهار حرف و دوحرکت لازم است

٦— مطلق به خروج ومزید ونایره .

تاکی به خون دیده ودل برپروریمشان

تاکی زره روند و به ره آوریمشان

دراین قافیه شش حرف و دوحرکت لازم است .

۷- مطلق به قید وخروج .

تاظن نبری که دل زمهرت رستست

یا از طلب نو فارغ و آهستست

دراین قافیه چهار حرف ویک حرکت لازم است

۸- مطلق به قید وخروج ومزید:

چهرۀ دل بند لاله رنگستش　　غمزۀ دلدوزچون خدنگستش

دراین قافیه پنج حرف وسه حرکت لازم است .

۹- مطلق به قید وخروج ومزید ونایره.

سودای تو ازسینه فرو رفتنیست

وانگه سخن تو نیز ناگفتنیست

دراین قافیه شش حرف وچهار حرکت لازم است .

۱۰- مطلق به ردف وخروج وآن بردونوع است :

مطلق به ردف اصلی :

درجهان گرهیچ داری دارسی

دراین قافیه چهار حرف وسه حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

دل داغ تو دارد ارنه بفروختمی

دردیده توئی وگرنه بردوختمی

دراین قافیه پنج حرف وچهارحرکت لازم است .

۱۱- مطلق به ردف وخروج و مزید و آن دونوع است. مطلق به ردف اصلی :

چون سرخ گل شکفته رخانستش

برسرخ گل زمشک نشانستش

دراین قافیه پنج حرف وسه حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

رخ چو ماه آراستستنش کیسه‌زان برخواستستنش

دراین قافیه شش حرف وسه حرکت لازم است

۱۲- مطلق به ردف وخروج ومزید ونایره و آن دو نوع است .

مطلق به ردف اصلی :

گرلطف حق یا رستمی جز عشق او کارستمی

دراین قافیه شش حرف وچهار حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

گردل ز غم دارنه برداخمستنبش

بااو به همه وجوه درساختمستنبش

دراین قافیه نه حرف وسه حرکت لازم است

روی‌مقید (ق) روی‌مقید ساکن‌است وبه‌حرف وصل نمی‌پیوندد وآن برشش قسم است . مقید مجرد ، مقید به قید ، مقید به تأسیس ، مقید به دخیل ، مقید به ردف اصلی ، مقید به ردف زائد .

۱- مقید مجرد که روی ساکن به‌حرفی از حرف قافیه بپیونددمانند کلمه‌های کهن وسخن دراین شعر

سخن همچو جان زان نگردد کهن

که فرزند جان است شیرین سخن

دراین قافیه یک حرف ویک حرکت لازم است

۲- مقید به تأسیس :

سلام علی دارام‌الکواعب بنان سیه چشم عنبرذوائب

دراین قافیه دوحرف ویک حرکت لازم است . باء حرف روی عین دخیل ، الف تأسیس

۳– مقید به دخیل :

چشم بدت دورای بدیع شمایل

ماه من وشمع جمع وسیر قبایل

لام روی است یا[۲] دخیل ، الف حرف تأسیس .

دراین قافیه دو حرف ودوحرکت لازم است .

٤- مقید به ردف اصلی

ای به هستی داده گیتی را کمال

دراین شعر لام روی‌است،الف‌ردف اصلی وحرکت‌ماقبل الف، حذو

دراین قافیه دوحرف ویک حرکت لازم است .

٤– مقید به ردف زائد .

هرکه آمد عمارت نو ساخت رفت‌ومنزل به‌دیگری پرداخت

دراینجا تاء روی ، خ ردف زائد الف ردف اصلی وحرکت‌ماقبل الف حذو

دراین قافیه سه حرف ویک حرکت لازم است .

٦- مقید به قید .

چنین است رسم سرای سپنج

یکی زوتن آسان و دیگر به‌رنج

جیم حرف روی . نون قید حرکت پ وراء حذو .

دراین قافیه دوحرف ویک حرکت لازم است .

رویین‌تن (ش – د) لقب اسفندیار پسر گشتاسب . رجوع شود به اسفندیار

... جمشید کیان که دبن جز اورا
روبین تن هفتخوان ندیده است

«خاقانی»

روبین‌دژ (ش ـ د) نام قلعه‌ای درترکستان که در داستانهای شاهنامه جایگاه ارجاسب بود ودختران گشتاسب درآن زندانی بودند . اسفندیار ازراه هفتخوان به آنجا رفت وآن راگشود وارجاسب را کشت وخواهران خود را آزاد کرد .

یا مگر اسفندیارم کان عروسان را همه
از دژ روبین به سعی هفتخوان آورده‌ام

«خاقانی»

ریاض‌العارفین (ك) تذکره‌ای تألیف رضاقلیخان هدایت که‌آن را درسال ۱۲۶۰ به پایان رسانده است . این کتاب شامل شش گلبن ودو روضه‌ویک فردوس ویک خلد است ، دربیان حقیقت تصوف وصفت سالکان و فضیلت اهل ذکر و تعریف انسان و سلسلهٔ طریقت و ذکر اصطلاحهای عرفانی وشرح حال عارفان و فاضلان و حکیمان و شاعران معاصر مؤلف .درخاتمه مختصری از شرح حال مؤلف ذکرشده است .

ریاض‌همدانی (ت) میرزا جعفر همدانی متخلص به ریاض از شاعران‌ونثرنویسان‌عهدفتحعلی‌شاه ومحمدشاه. ریاض همدانی‌مقالاتی به سبک بدیع‌الزمان همدانی نوشته وکتابی به‌نام «گنج شایگان»دارد که درآن ازگلستان سعدی وپریشان قاآنی تقلید کرده است . ریاض به دوزبان فارسی وعربی شعر می‌گفته ودرنجوم وهندسه وحساب نیز دست داشته است . (غزلیات ریاضی چاپ تهران)

ز

زابل (ش ـ ت) یا زاول نام ولایت سیستان ، درمشرق ایران ، که به روایت شاهنامه سرزمین دودمان رستم بوده است .

زادالمسافرین (ك) از مهمترین تألیفات ناصرخسرو قبادیانی شاعرونویسندهٔ بزرگ قرن پنجم که آن را درسال ۴۵۳ تألیف کرده است . این کتاب دربیست وهفت قول نوشته شده ونویسنده درآن اصول عقاید حکیمانه وفلسفی را مانند اقسام علم ونفس وهیولی ومکان وزمان واثبات صانع و حدوث عالم ورد مذهب تناسخ و اثبات ثواب و عقاب و معاد شرح داده است ودرضمن عقاید مخالفان خاصه عقاید محمدبن زکریای رازی را که مغضوب متکلمان اسمعیلیه است رد کرده . زادالمسافرین از مهمترین کتابهای اسمعیلیه است .

(زادالمسافرین چاپ برلن)

زال (ش ـ د) پسرسام وپدر رستم که چون هنگام زادن مویش سپید بود، به دستور پدر بربالای کوه البرز گذاشته شد . برطبق روایات شاهنامه سیمرغ اورا نزدجوجه های خود برد وبزرگ کرد . سام پس ازسالها براثر خوابی که دید ، به جستجوی پسر رفت . سیمرغ زال را به اوسپرد ویری ازخود به زال داد که هنگام حاجت آنرا آتش زند وازسیمرغ

داری بخواهد ، زال که از سیمرغ دستان لقب گرفته بود ، نزد بزرگان به دانش آموختن پرداخت و پهلوانی دانشور و نیرومند شد. از حادثه های زندگی او عشقش به رودابه دختر مهراب کابلی است که سرانجام او را به زنی گرفت و رستم از او به وجود آمد .

زبدة التواریخ (ك) تألیف شهاب الدین عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید ملقب به حافظ ابرو ، که آن را در سال ۸۲۶ به امر بایسنغر میرزا و به نام او تألیف کرده است . این کتاب تاریخ مفصل عمومی عالم است در چهار جلد ، حاوی دیباچه و تاریخ عمومی عالم از خلقت آدم تا زمان چنگیز و حوادث سالهای میان ۷۳۶ یعنی سال مرگ ابوسعید و ۸۳۰ زمان شاهرخ . چنانکه مؤلف گوید جلد آخر یا ربع آخر کتاب را «زبدة التواریخ بایسنغری» نام نهاده است . و تاریخ عمومی او مجموعاً به نام « مجمع التواریخ السلطانیه» نامیده شده است .

اسلوب انشاء کتاب ساده و بی تکلف است

زحاف (ع) هر تغییری که به اصول افاعیل عروض وارد آید ، زحاف خوانده می‌شود و اوزان فرعی را که بوسیلهٔ این زحافات از یک بحر به وجود می‌آید ، مزاحفات آن بحر خوانند . زحاف عبارت است از حذف حرفی یا حروفی یا اسکان متحرکی یا افزودن حرف یا حروفی به آخر فعل

از احیاف اشعار فارسی سی و پنج است که بیست و دو از آن جمله از احیاف اشعار عرب است که در اشعار فارسی مستعمل است و باقی مخصوص شعر فارسی است . نام های از احیاف از این قرار است : قبض ، قصر ، حذف ، خبن ، کف ، شکل خرم ، خرب ، شتر ، قطع ، تشعث ، طی ، وقف ، کسف ، صلم ، معاقبت ، صدر ، عجز ، طرفان ، مراقبت ، اسباغ ، اذاله ، جدع ، هتم ، جحف ، تخنیق ، سلخ ، طمس ،

جب ، زلل ، نحر ، رفع ، ربع ، بتر ، حذذ

زحل (نج) یا کیوان که درفلک هفتم قرار گرفته وسه حلقهٔ نورانی دورآن را گرفته است . قدما آن را نحس می‌دانستند .

هرنماز دگری برافق ازقوس وقزح
درگهی بینی افراشته تا اوج زحل
بگیرطرهٔ مه چهره ای وقصه مخوان
که سعدونحس زتأثیرزهره وزحل است

زرکوب (ت) ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی از ادیبان ونویسندگان قرن هشتم ومعاصر شیخ ابواسحق اینجو. کتابی درتاریخ وجغرافیای وطن خود تألیف کرده است به نام «شیرازنامه»

زکریای رازی (ت) رجوع شود به رازی

زکریای قزوینی (ت) عماد الدین زکریای محمد قزوینی وفات ۶۸۲- از بزرگان و عالمان ایران که به علوم جغرافیائی آشنائی کامل داشته است . از تألیفات او «عجایب المخلوقات وغرایب الموجودات» است . دیگر « آثار البلاد » به زبان عربی که درآن شرح حال عده‌ای از شاعران معروف ایران ذکر شده و از قدیمترین منابع اطلاعات است دربارهٔ شاعران وبلادی که درآنجا متولد شده یا توطن داشته‌اند .

زلالی (ت) مولانا حکیم زلالی خوانساری وفات ۱۰۲٤— از شاعران قرن یازدهم ومعاصر شاه‌عباس کبیر که دردربار او سمت ملک الشعرائی داشته است . زلالی میرداماد را مدح کرده است وهفت منظومه به نام «سبعهٔ سیاره» دارد شامل مثنویهای محمود ایاز ، شعلهٔ دیدار ، آذر وسمندر ، میخانه ، سلیمان‌نامه ، ذره و خورشید ، حسن گلوسوز

زلل (زحاف) (ع) درمفاعیلن مجموع هم وخرم است که باقی می‌ماند

فاع ؛ وآن را ازل خوانند .

زلیخا (تن) زن عزیز مصر که عاشق یوسف گشت وچون یوسف تسلیم وی نشد ، براو خشم گرفت وشوهررا وادانست که اورا به زندان افکند . سرانجام یوسف از زندان نجات یافت وعزیز مصر گشت وزلیخا که فقیرو کور وعلیل گشته بود ، پیوسته به درگاه خدامی نالید وبرسر راه یوسف می نشست و چون دین او را بذیرفت ، برانر معجزهٔ یوسف جوان وبینا گشت وبه همسری او درآمد .

من ازآن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم
که عشق از پردهٔ عصمت برون آرد زلیخا را
«حافظ»

زمخشری (ب)ابوالقاسم محمود بن عمربن محمدالخوارزمی وفات ۵۳۸ _ ازعالمان بزرگ در علم نحووحدیث وتفسیر وبه زمخشرخوارزم منسوب و به جارالله معروف می باشد . وی خود را ابوالقاسم معتزلی می نامیده است . زمخشری دارای تألیفات بسیار درلغت وعلوم بلاغی است . از آثار او «الکشاف عن الاسرارالتنزیل» است در تفسیر قرآن ، کتاب«مقدمة الادب» که آن را برای اتسز خوارزمشاه نوشت .این کتاب از نظراشتمال برلغات کهنهٔ فارسی درارزش است .دیگرازآثار او « اساس البلاغة » در تحقیق لغت عرب و کتاب « المفصل » ، در نحو و کتاب «انموذج» است که تلخیص کتاب «المفصل» می باشد . کتاب «المفصل» درسال ۵۱۴ تألیف یافته و جز و کتابهای معروف علم نحوبوده وعلماء نحوبرآن شروح بسیار نوشته اند .

زمزم (تن) چاهی نزدیک خانهٔ کعبه

بسان چاه زمزم است چشم من

که کعبهٔ وحوش شد سرای او

«منوچهری»

زند (ك) بمعنی توضیح وتفسیر است . چون زبان کتاب دینی زرتشتیان یعنی اوستا در دورهٔ ساسانیان کهنه ومنسوخ شده بود وعامه معنی آن‌را نمی‌فهمیدند، متن اوستا را به زبان متداول زمان خود یعنی پهلوی‌ساسانی ترجمه کردند . این ترجمه‌ها را که گاهی توضیح وتفصیلی نیز در بردارد، زند می‌خوانند، زندقسمتی از فصول کتاب اوستا اکنون دردست است مانند زند وهومن یسن وغیره

زنگی اهل ولایت زنگ یا زنگبار که به سیاهی چهره معروفند

زلفش بسان زنگیان درهم شده از هرکران

برعارضش بازی کنان افتان وخیزان دیده‌ام

«خاقانی»

زوزنی (ت) ابوعبدالله حسین بن احمدالزوزنی . وفات ۴۸۶ — از عالمان علم لغت وادب که درنحو و عربیت استاد زمان خود بود . از آثار معروف او شرح «معلقات سبع» وکتاب «اللغةالفارسیه» وکتاب «المصادر» است .

زهره (نج) یا ناهید (اناهیته) نسبت‌به زمین بعد از عطاردقرار گرفته‌است ودرخشانترین سیارات‌می‌باشد . قدماء آن‌را سعد می‌دانستند وبه خنیاگری نسبتش می‌دادند .

بگذر طرهٔ مه چهره‌ای وقصه مخوان

که‌سعدونحس زتأثیرزهره‌وزحل است

«حافظ»

ورزهره جزبه بزم تو خنیاگری کند

جاوید دف دریده وبربط شکسته باد

«انوری»

زیادالاعجم (ت) ازقدیمترین شاعران ایرانی که اصلش ازاصفهان است ولی درخراسان اقامت داشته است. وی به زبان عربی شعر می‌سرود و اورا اعجم می‌گفتند، زیرا که کلمات عربی را به لهجهٔ ایرانی ادا می‌کرده است.

زین‌الاخبار (ك) تاریخی بزرگ تألیف ابوسعید عبدالحی بن الضحاك بن محمود گردیزی که آن‌را درسال ٤٤٠ هجری و درزمان سلطنت عبدالرشید بن مسعود بن محمود سبکتکین تألیف کرده‌است. زین‌الاخبار تاریخ عمومی است شامل وقایع ازابتدای خلقت تاپایان دورهٔ مودود بن مسعود غزنوی. اخبار تاریخ گردیزی به طریق ایجاز واختصار است نویسنده جدولهائی ترتیب می‌دهد ودرشرح حال یک سلسله یا یک خلافت به ذکر همان جدول اکتفا می‌کند مثلا دربارهٔ خلافت خلفای اسلام یازده ستون درجدول ترتیب داده که شامل این نکات است: لقبها، کنیتها، نامها، مادران، وزیران، قاضیان، دبیران، حاجبان، مهر انگشتری، ابتداء خلافت، عهد خلافت. گردیزی به‌عادات و رسوم و افسانه های ملل باستانی بسیار توجه کرده و در بارهٔ آنها اطلاعات سودمندی بدست می‌دهد. سبک نوشتهٔ تاریخ گردیزی بسیار ساده و روان است. تکلف و پیچیدگی در آن نیست وبه سبک نثر سامانیان نزدیک است. (چاپ تهران)

زینبی علوی محمودی (ت) عبدالجبار زینبی علوی محمودی. ازشاعران دورهٔ غزنوی معاصر سلطان محمود وسلطان مسعود. عده‌ای نام اورا زینتی گفته‌اند. بنا بگفتهٔ ابوالفضل بیهقی زینبی درشمار شاعران

بزرگ دربار غزنوی ومورد لطف سلطان مسعود بوده است .

ابیات معدودی از این شاعر در کتابهای لغت وادب مانند حدائق السحرولباب الالباب ومجمع الفصحاء آمده است .

س

سالك یا مرید کسی است که به قصد طی طریق وارد خانقاه می‌شود وبه اطاعت پیر درمی‌آید ودرهمه کار از او پیروی می‌کند .
سالک باید واجد صفات خاصی باشد مانند رازداری وفرمانبرداری

به می‌سجاده رنگین کن گرت پیرمغان گوید
که سالک بیخبر نبود زراه و رسم منزلها
«حافظ»

سام (س—د) نیای رستم وپسر نریمان که به روایت گرشاسب نامه برادرزادهٔ گرشاسب وبه روایتی نبیرهٔ اوبود . هنگام شاهی نوذر مردم که از ستم او به جان آمده بودند از سام خواستند که برتخت شاهی نشیند ولی او نپذیرفت .

سامری (تن) مردی از پیروان موسی که در غیبت او گوسالهٔ زرینی ساخت وخاك زمینی که اسب جبرئیل درآن پای نهاده بود ، براو افشاند . گوساله به صدا آمد وحرکت کرد وسامری به‌این وسیله بنی‌اسرائیل را گمراه کرد . چون موسی بازگشت ، مردم را ازگمراهی بیرون آورد وگوسالهٔ سامری را کشت .

سحر بامعجزه پهلو نزند دل خوش‌دار
سامری کیست که دست‌ازید بیضا ببرد
«حافظ»

سام‌میرزا (ت) وفات ۹۸۳ — سام میرزا پسر شاه اسمعیل اول صفوی

ومؤلف تحفهٔسامی است که به امر شاه اسمعیل ثانی کشته شد .

سبا (دن) شهری که بلقیس برآن حکومت می کرد وسلیمان به قصد جنگ آهنگ آن کرد وبا ملکهٔ سبا روبرو شد واورا به زنی گرفت

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت

بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت

«حافظ»

سبب (ع) یکی ازارکان اوزان عروض وبردوقسم است: سبب خفیف ، سبب ثقیل

سبب خفیف --ازیک متحرك ویک ساکن ترکیب شده وعلامت آن به‌صورت یک‌صفرویک‌الف‌است. مانند نمودم که به‌این‌شکل نشان داده‌می‌شود: ٥ا

سبب ثقیل - ازدوحرف متحرك ویک‌ساکن ترکیب‌شده؛ مانند همه ، رمه .وعلامت‌آن‌دوصفر است: ٥٥

سبحة‌الابرار (ك) منظومه‌ای از هفت اورنگ که عبدالرحمن جامی آن را در سال ۸۸۷ به نام سلطان حسین بایقرا ساخته است . این منظومه شامل مضامین عرفانی واخلاقی است و دارای چهل عقد است که هرعقد باشرح یکی از فضایل نفسانی آمیخته به حکایتهای نغز شروع می‌شود وبه مناجات حق‌تعالی ختم می گردد .

(هفت اورنگ — چاپ تهران)

سبزواری (ت) حاج ملاهادی فرزند حاج‌محمد سبزواری . وفات ۱۲۹۰—از حکیمان‌بزرگ‌ایران . درسال ۱۲۱۲ هجری درسبزوار متولد شدوتحصیلات خود را درآنجا وسپس درمشهدتکمیل کرد . پس ازآن‌به مکه‌سفرکردودرباز گشت به‌اصفهان رفت وحکمت وفقه واصول وکلام را نزد ملاعلی‌نوری آموخت و به جرگهٔ دانشمندان درجهٔ اول دورهٔ

قاجار درآمد. از تألیفات او منظومه‌ای است به عربی در منطق وحکمت باشرح آن در دو قسمت. اول «لآلی المنتظمه» وقسمت دوم «غررالفرائد» نام دارد وهردو باهم به‌نام «شرح منظومه» مشهور است. به‌فارسی نیز کتابی درحکمت الهی نوشته‌است موسوم به «اسرارالحکم» درشرح مثنوی. سبزواری به‌فارسی هم شعر می‌گفته و«اسرار» تخلص می‌کرده‌است.

(دیوان اسرار — چاپ تهران)

سپهر (ت) میرزا محمد تقی خان کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر از مستوفیان دربار محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار واز دانشمندان قرن سیزدهم. وی از طرف محمدشاه مأمور نوشتن تاریخ عمومی گشت وناسخ التواریخ را تا جلد یازدهم به فارسی فصیح نوشت وبه این جهت از طرف محمدشاه به لقب لسان الملک ملقب گردید. ازآثار دیگرش «براهین العجم» است درعلم قافیه.

سپهر (ت) عباسقلیخان سپهر پسر میرزا تقی خان ملقب به لسان الملک است که مؤلف «ناسخ التواریخ» می‌باشد. عباسقلی‌خان پس از پدر در دربار ناصرالدین شاه می‌زیست و تا کشته شدن آن شاه از مقربان او بود. چندین جلد درشرح حال ائمه وسلطنت ناصرالدین‌شاه برناسخ التواریخ افزوده است. عباسقلیخان کتاب «وفیات الاعیان» ابن خلکان رانیز از عربی به‌فارسی ترجمه کرده است.

سجزی (ت) ابوسعید احمد بن محمدبن عبدالجلیل السجزی. وفات ٤١٤ — منجم ورباضی دان قرن چهارم ومعاصر عضدالدوله دیلمی. درنجوم وریاضی آثاری دارد. ازجمله رساله‌ای‌است به عنوان «خواص الشکل المجسم الحادث من ادارة القطع الزاید والمکافی» دیگر «تحصیل القوانین الهندسیة المحدودة» و«الجامع الشاهی» که آن‌را به نام عضدالدوله

دیلمی نوشته است. دیگر کتاب «المدخل» در نجوم به نام ابوجعفر احمد بن محمد صفاری و «تحصیل الفوائد» راجع به استنباطات قضایای نجومی، و «زایجات الکواکب» و «منتخب من کتاب الالوف» که از کتاب الالوف ابومعشر بلخی انتخاب شده است.

سجع (ب) در لغت به معنی آواز کبوتر و در اصطلاح آن است که نویسنده یا شاعر کلماتی به کار برد که در وزن و حروف خواتم مشابه باشد. سجع بر سه قسم است: متوازی، متوازن، مطرف. سجع در نثر حکم قافیه را در شعر دارد.

سجع متوازی آن است که در آخر دو جمله، دو کلمه بیاید که در وزن و حروف روی یکی باشد مانند: انیس، جلیس.

سجع متوازن آن است که دو کلمه در آخر دو جمله بیاید که در وزن یکی باشد و در حرف روی متفاوت باشد مانند: یک شب تأمل ایام گذشته می کردم و بر عمر تلف کرده تأسف می خوردم.

سجع مطرف آن است که در آخر دو جمله کلماتی بیاید که فقط در حروف روی یکی باشد نه در وزن مانند کلمات: باد و استعداد

سحاب (ن) میرزا سید محمد اصفهانی. وفات ۱۲۲۲ — پسر سید احمد هاتف. از قصیده سرایان دورهٔ قاجاریه و معاصر و مداح فتحعلیشاه قاجار. سحاب در قصیده از شاعران قرن ششم و در غزل از شاعران قرن هفتم مانند سعدی شیرازی پیروی کرده است. از آثار او «رشحات سحاب» به نام فتحعلیشاه قاجار است. دیوان سحاب دارای پنجهزار بیت میباشد.

(دیوان سحاب ـ چاپ تهران)

سحابی (نج) پنج کوکب است از نوع کهکشان چون پارهٔ ابر

سداسکندر (تن) سدی که اسکندر دربرابر یأجوج ومأجوج بست

یأجوج ظلم بینم جزرای روشن او

از بهر سد انصاف اسکندری ندارم

"خاقانی"

سدره (تن) درختی درجانب راست عرش

که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین

نشیمن تونه این کنج محنت آبادست

"حافظ"

سدرةالمنتهی (تن) رجوع شود به سدره

سرامنتهای طلب نیست سدره

که ازسدره المنتهی می گریزم

"خاقانی"

سده ازجشنهای ایرانیان درروزدهم ماه بهمن. ازاین جهت آن را سده می گویند که پنجاه روز وپنجاه شب به نوروز مانده است.

پارسیان دراین روزآتش بزرگی افروختند. این جشن تا چند قرن پس از اسلام معمول بوده است وهنوز دربعضی از شهرستانهای ایران خاصه نزد زردشتیان معمول است:

بر لشکر زمستان نوروز نامدار

کرده است رای تاختن وقصد کارزار

واینک بیامده است به پنجاه روز پیش

جشن سده طلایهٔ نوروز نامدار

"منوچهری"

سد یأجوج (تن) اشاره به سدی است که اسکندر دربرابر یأجوج ومأجوج ساخته است.

تو گفتی سد یأجوج است لشکر		هم ایشان باز چون یأجوج بی مر

«ازویس ورامین»

سدیر (بن — د) قصری که نعمان بن منذر پادشاه حیره برای بهرام گور ساخت ودارای سه گنبد باسه در بود .

سراندیب (نن) یاجزیرهٔ سیلان درجنوب شبه جزیرهٔ هندوستان که برطبق روایات مذهبی آدم پس از رانده شدن از بهشت به آنجا افتاد

سرطان (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقةالبروج وبه شکل خرچنگ . برج سرطان برابر ماه تیر است .

من چو برجیس زحوت آمده‌ام		سرطان مستقری خواهم داشت

«خاقانی»

سروری (ت) محمد قاسم بن حاج محمد کاشانی از فرهنگ نویسان قرن یازدهم . در سال ۱۰۳۲ هجری به هندوستان رفت وبه دربار شاه جهان راه یافت . در هندوستان فرهنگ جهانگیری را مطالعه کرده و با استفاده از آن و کتابهای دیگر فرهنگ خود را به نام «مجمع الفرس» تألیف کرده است .

سروش (تن) از فرشتگان آئین زردشت ودر شعر فارسی به معنی ندا دهندهٔ غیبی .

سروش اصفهانی (ت) میرزا محمد علی . وفات ۱۲۸۵ — از شاعران قصیده سرای قرن سیزدهم . مولدش اصفهان است ولی به نقاط مختلف ایران سفر کرده است . چندی در تبریز اقامت گزیده و نزد قهرمان میرزا پسر نایب السلطنه تقرب حاصل کرده است . چون ناصرالدین میرزای ولیعهد به شاهی رسید ، سروش با او به تهران آمد و به مناسبت آنکه در اعیاد ومجالس دربار اشعار تهنیت آمیز می خواند ، ناصرالدین شاه لقب شمس

الشعرائی به او داد . سروش درقصیده ازسبک فرخی ومنوچهری وامیر معزی پیروی کرده است . ازآثار او غیر ازدیوان قصیده وغزل مثنویاتی مانند «ساقی نامه» و«الهی نامه»و«زینة المدایح» و حماسه‌ای دینی به نام «اردیبهشت نامه» در احوال پیغامبراست . دراشعار سروش اشاره‌هائی به وقایع زمان ناصرالدین شاه ازجمله برقرار شدن تلگراف دیده می‌شود .

سریع (بحر) (ع) از بحور شعرفارسی وعربی . اصل آن «مستفعلن مستفعلن مفعولات» است . در فارسی از این بحروزن زیر متداول است بحرسریع مسدس مطوی محذوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن)

ای همه هستی زتو پیدا شده خاك ضعیف از تو توانا شده

نظامی

سطرلاب (نج) رجوع شود به اسطرلاب

چشمهٔ خورشید لطف بلکه سطرلاب روح

گوهر گنج حیات بلکه کلید کرم

«خاقانی»

سعادتنامه (ك) منظومهٔ کوتاهی منسوب به ناصرخسرو قبادیانی حکیم وشاعرقرن پنجم ، شامل سیصد بیت درسی باب درحکمت وموعظت ودرنسبت این منظومه به ناصرخسرو تردید است وگویا مردی به‌نام شریف آن را سروده است .

(سعادتنامه .ضمیمهٔ دیوان ناصرخسرو. تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی— چاپ تهران) .

سعدالاخبیه (نج) منزل بیست وپنجم از منازل قمر که شامل چهار ستاره است که سه‌تای آن مانند مثلث است وچهارم درمیان آن

گردی برآبی بیخته زرازدرنج انگیخته

خوشه زتاك آویخته مانند سعدالاخبیه

«منوچهری»

سعداصغر یا سعدخرد (نج) ستارهٔ زهره

شعرمن فالی است نامش سعداکبر گبرازآنک

راوی من درثنات از سعد اصغر ساختند

«خاقانی»

سعداکبر (نج) ستارهٔ مشتری

برآسمان مکرمت از روشنان علم

چون مشتری به نورخرد سعداکبرم

«انوری»

سعدالدین تفتازانی (ت) رجوع شود به تفتازانی

سعدذابح (نج) منزل بیست ودوم از منازل قمر که دوستاره است که بین آنها به اندازهٔ یک گز فاصله است وبرشاخ جدی (بزغاله) قرار دارند.

نه سعد کفایت تو ذابح　　　نه صبح عنایت تو کاذب

«جمال الدین اصفهانی»

سعدالسعود (نج) منزل بیست وچهارم ازمنازل قمر که سه ستارهٔ کوچک است که دردم جدی قرار گرفته است .

برسپهرلاجوردی صورت سعدالسعود

چون یکی جاه عقیقین دریکی نیلی ذقن

(منوچهری)

سعدوراوینی (ت) رجوع شود به وراوینی

سعدی (ب) مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی . وفات ۶۹۱ یا ۶۹۴ــ ازبزرگان ونوابغ شعروادب ایران . درحدودسال ۶۰۶ درشیراز متولد شده وتحصیلات خود را درهمان شهر آغاز کرده سپس به بغداد رفته ودرمدرسه نظامیه کسب فضائل کرده است .

سعدی یکی بعلت شوق جهانگردی ودیگر به‌سبب کشمکشهای بین خوارزمشاهیان و اتابکان فارس و هجوم مغول به سفری طولانی پرداخت که درحدود سی تاچهل سال طول کشید وبغداد وسوریه ومکه را با شمال افریقا گشت ودرآثار خود از سفر به کاشغر وهند وترکستان نیز سخن می گوید . سعدی پس از این سفرطولانی به شیراز بازگشت وچون آنجا راآرام ومردم رادررفاه دیدماند وبه تألیف وتصنیف پرداخت واتابک ابوبکربن سعدبن زنگی (۶۳۲—۶۶۸) وپسرش سعدبن ابوبکر را که تخلص خود را از او گرفته است مدح کرد . از ممدوحان دیگر سعدی غیر ازاتابکان ، بزرگان ودانشمندانی بوده‌اند مانند صاحبدیوان شمس الدین وبرادرش عطا ملک جوینی . سعدی باشاعرانی مانندمجد همگر وخواجه همام تبریزی ارتباط داشته و مورد ستایش آنان قرار گرفته است .

سعدی را هم جزء شاعران درجه اول ایران می توان محسوب کرد وهم از نویسندگان ممرز واستاد نثر مسجع دانست. سعدی درانواع شعر مانند قصیده ، غزل ، قطعه ، رباعی ، ترجیع بند و ترکیب‌بند دست داشت . اما می‌توان گفت از زمان سعدی است که غزل درردیف اول شعرفارسی قرار گرفته است ومخصوصاً سخن سعدی درغزل به حداعلای لطافت وزیبائی رسیده‌است که دارای روانی وصنعت سهل وممتنع می باشد .

آثار سعدی عبارت است از دیوان غزلیات شامل طیبات ، بدایع ، خواتیم ، غزلیات قدیمه . دیگر بوستان ، گلستان ، قصاید ومقطعات ، رباعیات و ترجیعات است . مجموع آثارسعدی را کلیات سعدی گویند . چون آثارسعدی نتیجه تجربیات ومطالعات ومشاهدات اوست درسفرهای طولانی ، از اینرو بسیار سودمند وپرمعنی و درنهایت درجه اهمیت است که هم شامل

نکات اخلاقی وپند وموعظه است وهم دارای مضامین عاشقانه ولطف وزیبائی است .

کلیات سعدی چندین بار در تهران و هندوستان به چاپ رسیده است

سعید طائی (ت) ازشاعران آل‌سلجوق که درنیمهٔ دوم قرن‌ششم می‌زیسته است . از احوال او اطلاعی دردست نیست واز او تنها یک قصیده باقی مانده است، دریأس وتأثر از ناپایداری دنیا وزوال دولتها که از قصاید خوب فارسی شمرده می‌شود . مطلع قصیده این است

غم مخور ای دوست کاین جهان بنماند

هر چه تو می‌بینی آنجهان بنماند

سفرنامه (ك) از آثار منثور حکیم ناصرخسرو قبادیانی شاعر ونویسندهٔ بزرك قرن پنجم وظاهراً نخستین کتاب منثور نوسنده است . این کتاب‌شامل شرح حوادث هفت‌سالهٔ سفرناصرخسرواست به‌آسیای‌صغیر، شام ، حجاز، مصر ، قاهره ، تاباز گشت اوبه بلخ . ناصرخسرو درطول این سفربا رجال‌وعالمان زمان ملاقاتها کرد ودرقاهره به‌خدمت‌المستنصر بالله رسید وبه‌مذهب‌اسمعیلی گروید،سفرنامه‌دارای اطلاعات‌جغرافیائی و تاریخی دربارهٔ شهرها و کشورهائی است که ناصرخسرو ازآنها دیدن کرده است . سبک انشاء سفرنامه روان وساده است .

(سفرنامه- چاپ تهران)

سقراط (ت) فیلسوف‌وحکیم یونانی که اورابه گناه حقیقت‌پرستی ومخالفت با آداب متداول زمانه به‌قتل محکوم کردند واوبا دست‌خود جام شوکران را گرفت ونوشید و آنقدر شاگردان خود را موعظه کرد تا از پای درآمد .

سگ‌اصحاب‌کهف (تن) سگ شبانی که به‌دنبال اصحاب کهف

افتاد وهرچه خواستند اورا برانند ، برنگشت تا آنکه به زبان آمد وخدا پرستی خود را برایشان نمایاند. یاران از اودست بازداشتند واورا باخود به غاربردند .

سگ اصحاب کهف روزی چند　　پی نیکان گرفت و مردم شد

«سعدی»

سلامان وابسال (ك) داستان منظومی از هفت اورنگ عبدالرحمن جامی که آن راظاهراً به سال ۸۸۰ به نام سلطان یعقوب ترکمن آق قویونلو ساخته است . اشخاص این داستان عبارت اند از پادشاه یونان ومرد حکیم که معلم اوست وپسراوموسوم به سلامان ودایهٔ خوبروی او به نام «ابسال» . ابسال عاشق طفل شیرخوار خود یعنی سلامان می شود وهنگامی که سلامان به سن رشد می رسد دا به او را به جادوئی فریفتهٔ خود می سازد . حکیم که از این موضوع اطلاع می یابد به وسیلهٔ قوهٔ مغناطیس سلامان را مجبور می کند که در قرارگاه خود باابسال تودهٔ عظیمی از هیزم فراهم سازد وعاشق ومعشوق خود را به آتش افکنند . درنتیجه ابسال بکلی سوخته وخاکستر می شود و سلامان تندرست بیرون می آید وبدرش تاج وتخت خود را به او می بخشد . (چاپ تهران)

سلخ (زحاف) (ع) سلخ درفاع لاتن آن است که دوسبب یعنی لا وتن را بیندازند ، و عین را ساکن کنند ؛ می ماند فاع ؛ و آن را مسلوخ گویند .

سلسبیل (تن) چشمه ای در بهشت :

ای رخت چون خلد ولعلت سلسبیل

سلسبیلت کرده جان و دل سبیل

«حافظ»

سلسلة الذهب (ك) یکی از مثنویهای هفت اورنگ مولانا عبدالرحمن

جامی که آن را به نام سلطان حسین بایقرا و به سبک حدیقهٔ سنائی ساخته است .

این کتاب مشتمل بر سه دفتر است : دفتراول شامل شرح احادیث ومقالات صوفیه وائمه وبسیاری از مسائل عرفانی . دفتر دوم مشتمل بر تحقیق در اقسام مختلف ووجوه گوناگون عشق مجازی وحقیقی وحکایتهائی برسبیل تمثیل . دفتر سوم مشتمل برحکایات شاهان وآئین ملک‌داری ونصیحت به سلاطین واشاره به فضایل ستوده و همچنین داستانهائی منسوب به اطباء مانند ابن‌سیناو گفتاری در بیان شعر وذکر نام عده‌ای از شاعران .

سلطان حسین بایقرا (ب) سلطان ابوالغازی حسین بن منصور بایقرا . وفات ۹۱۱ —ازشاهزادگان گورکانی که ابتداتحت حمایت میرزا الغ بیک بود وچون وی و پسرش عبداللطیف به قتل رسیدند ، ابوسعید اورا به حبس افکند ، سلطان حسین از حبس گریخته به ابوالقاسم بابر پیوست وبا او فرارکرد ودرسال ۸۶۲ استراباد را تسخیر کرد ودرآنجا به شاهی نشست . بعدازمرگ ابوسعیدسلطان حسین هرات راگرفت ودر سال ۸۷۳ به تخت نشست . سلطان حسین بایقرا از شاهان دانشمند وعلم دوست بود ودورهٔ شاهی اوازجنبهٔ ادبی‌بسیار مهم است ، زیرا که دربار او درهرات مرکز علم وادب گشت وشاعران ونویسندگان به آنجا روآوردند و مورد تشویق‌او ووزیر دانش‌پرور او امیر علیشیر نوائی قرار گرفتند . سلطان حسین شخصاً علاقهٔ وافری‌به علم وادب داشت‌وکتاب «مجالس العشاق» به او منسوب است .

سام(ش—د)پسربزرگتر فریدون . چون‌فریدون کشورخود راتقسیم کرد،روم‌وخاور رابه‌سلم‌داد . سلم‌با برادر خودتورهمدست‌شدو ایرج برادر

کوچک خود را که فرمانروای ایران شده بود ، کشت .

نخستین به‌سلم اندرون بنگرید همه روم وخاور مراورا گرید

« ازشاهنامهٔ فردوسی »

سلمان ساوجی (ت) جمال‌الدین سلمان‌بن علاءالدین ساوجی . وفات ۷۷۸ — از بزرگترین شاعران قرن هشتم . دراوایل عمر در خدمت خواجه غیاث‌الدین محمد وزیرسلطان ابوسعید بهادر (۷۱۶-۷۳۶) بود . بعد ازمرگ آن وزیر به دربار جلایریان یا شاهان ایلکان که در مغرب ایران وعراق عرب حکومت داشتند ، روآورد وشیخ حسن بزرگ مؤسس آن سلسله وزوجهٔ او دلشاد خاتون وسلطان اویس وسلطان حسین را مدح گفت .

سلمان شاعری است قصیده‌سرا ومی‌توان اورا بزرگترین شاعرقصیده سرای ایران بعد ازمغول وپیش از عصر صفویه دانست . وی ازسبک متقدمان خاصه انوری تقلید کرده وبه منوچهری نیز نظر داشته است . در نعت خدا و رسول وائمه قصایدی دارد که پیش از او معمول نبوده است . سلمان درتغزل نیز استادی داشته ومورد توجه حافظ بوده است . درغزلهای سلمان مضمونهای تازه وتشبیهات نو فراوان است . گذشته از قصاید و غزلیات ترجیع بند وترکیب بندوقطعه ومثنوی نیز دارد .

از آثار اوجز دیوان شعر ، مثنوی عشقی به نام «جمشید وخورشید» است که آن را درسال ۷۶۳ به امرسلطان اویس سروده و«فراقنامه» که به سال ۷۷۰ به نام همان سلطان ساخته است .

سلیمان (دن) پسرداوود که خدای تعالی هم پیغمبری به او دادو هم پادشاهی وانگشتری داشت که اسم اعظم برآن نقش بود ناده ر دست آن آدم وپری ودیووحش وطیر وباد مطیع او بشوند . باد هرجه درقلمرو

شاهی او می گذشت به گوش او می رساند وتخت او را به هرجا که می خواست می برد .

جون سلیمان خبر قدرت بلقیس را در سبا شنید ، آهنگ جنگ با او کرد . بلقیس که دانست او پیغمبر است ، خواست که به درگاه وی بشتابد ولی سلیمان فرمود تا باد تخت بلقیس را بردارد وبه درگاه او حاضر کند . بلقیس به سلیمان ایمان آورد وبه همسری او درآمد .

نیست صاحبنظران ملک سلیمان باد است

بلکه آن است سلیمان که زملک آزاد است

«خواجوی کرمانی»

سمائی (ت) محمودبن علی سمائی مروزی از شاعران عهد سلجوقی واهل مرو . ازاحوال او چیزی دردست نیست . عوفی چند غزل از او نقل کرده واورا به هنرشعر ستوده است .

سماك اعزل (نج) منزل چهاردهم از منازل قمر . ستاره ای بزرگ وروشن درجنوب سماك رامح که نزدیک آن هیچ ستاره نیست واز این رو به آن اعزل گویند واعزل بمعنی مرد بی سلاح . این ستاره درصورت «سنبله» است .

گاه باضربت رمحی زسماك رامح

گاه بانکبت عزلی زسماك اعزل

«انوری»

سماك رامح (نج) ستاره ای است بزرگ در برابر بنات النعش ، و نزدیک آن دوستاره است که آنها را «رمح» یانیزهٔ سماك گویند

وزشهاب ناوك انداز وسماك نیزه دار

لشکر شروانشه صاحبقران انگیخته

«خاقانی»

سمک عیار (ک) از قدیمترین نمونه های داستان پردازی در ادبیات فارسی. این کتاب بسیار مفصل و دارای سه جلد است. مؤلف آن فرامرز بن خداداد بن عبدالله الکاتب الارجانی است که در کتاب راوی قصه را به نام «صدقة بن ابی القاسم شیرازی» معرفی کرده است. زمان تألیف اصل قصه وجمع وتدوین روایت معلوم نیست ولی اشعاری از شاعران قرون پنجم وششم در آن نقل شده است و همچنین از نامهای خاص ترکی که در متن کتاب آمده است می توان حدس زد که تاریخ تدوین پیش از اواخر دورهٔ سلجوقی نیست.

انشاء کتاب به زبان ساده است و برای سخنوری برداخته شده. داستان سمک بسیار مشغول کننده است و پیداست که قرنها مایهٔ سرگرمی ونشاط مردم بوده است.

جزء اول کتاب با تصحیح ومقدمهٔ دکتر پرویز خانلری از روی عکس نسخهٔ یگانه آن که در کتابخانهٔ بودلیان اکسفورد ضبط است در تهران چاپ شده است.

سنائی (ت) حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم. وفات ۵٤٥ — از شاعران بزرگ قرن ششم. ابتدا به دربار غزنویان راه یافت ومسعود بن ابراهیم وبهرامشاه بن مسعود را مدح کرد وپس از سفر خراسان وملاقات با مشایخ صوفیه از دربار شاهان چشم پوشید وعزلت اختیار کرد و سفری به مکه کرد وبه سیاحت اغلب شهرها وبه معاشرت با رؤسای صوفیه پرداخت وبه حلقهٔ ایشان درآمد. بعد از سفر مکه چندی در بلخ وسرخس ومرو ونیشابور زیست ودر حدود سال ۵۱۸ به غزنین برگشت وتا پایان حیات در آنجا ماند. از آثار او دیوان شعر است که شامل قصاید وغزلیات ومقطعات می باشد. دیگر «حدیقة الحقیقة»، «سیر العباد الی المعاد»، «طریق التحقیق»، «کارنامهٔ

بلخ» ومثنویهائی به‌نام عشقنامه ، عقل‌نامه .

از ممدوحان سنائی ثقةالملک طاهربن علی وزیرسلطان مسعود بن ابراهیم وخواجه قوام‌الدین ابوالقاسم وزیر سنجر وعده‌ای ازرجال دیگر دربار غزنویان درخورذکرند .

اشعار دورهٔ اول شاعری سنائی تحت‌تأثیر سبک فرخی ومسعود سعداست ودردورهٔ دوم که‌سنائی‌درعالم عرفان وارد شد مضامین‌مستقل واشعار عارفانه دارد . سنائی‌را می‌توان نخستین غزلسرای عارف‌ایران دانست که افکارواصطلاحات عرفانی رابامضامین‌عاشقانه آمیخته‌است . (دیوان سنائی- چاپ تهران)

سناد (ق) ازعیوب قافیه .اختلاف ردف است . مثال :

کنی‌ناخوش به مابرزندگانی　　اگر از مادمی دوری گزینی

سنبله (نج) ازصورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی درمنطقةالبروج وبه شکل خوشهٔ گندم . برج سنبله برابرماه شهریور است .

دست من جوز او کلکم‌حوت ومعنی‌سنبله

سنبله زاید ز حوت از جنبش جوزای من

«خاقانی»

سندبادنامه (ك) از قصص قدیمهٔ هند که به زبان پهلوی نقل شده ومسعودی وابن‌الندیم آن‌را ازاسمار واحادیث هندوان دانسته‌اند . این کتاب ازجملهٔ کتابهای پهلوی بوده که به‌عربی ترجمه شده‌است .

ترجمهٔ فارسی‌این کتاب به امرامیر نوح‌بن منصور سامانی(۳۶۶ —۳۸۷) به دست خواجه عمید ابوالفوارس‌فناروزی انجام شده است و دوتهذیب ازسندبادنامه به‌پارسی صورت گرفته‌است . یکی‌ازشمس‌الدین محمدبن علی‌بن محمدالدقایقی‌المروزی شاعر اواخر قرن ششم ودیگری

از ظهیری سمرقندی .

انشاء خواجه عمید ابوالفوارس انشائی ساده بوده است ولی ظهیری آن را به نثری مزین باشواهد واشعار پارسی و تازی آراسته است وسندباد نامهٔ او از نمونه های نثر مصنوع قرن ششم به شمار می آید (چاپ استانبول) .

سنی ملوك الارض والانبیاء (تاریخ . . .)(ك) تاریخ معروفی تألیف ابوعبدالله حمزة بن الحسن الاصفهانی که درسال ۳۵۰ به زبان عربی تألیف یافته وشامل ده باب ویک مقدمه است . مؤلف درمقدمه از تقسیم زمین به هفت کشور وحدود هریک از آنها سخن می گوید . ابواب تاریخ هریک مخصوص یکی از اقوام قدیم یعنی فارس ، روم ، یونان ، قبط ، اسرائیلیان ، آل عجم ملوك عراق عرب ، غسان ، حمیر ، کنده ، قریش می باشد . تاریخ هریک از اقوام باروایتهای مختلف درفصلهای جداگانه شرح داده شده است . مؤلف درتاریخ وارد جزئیات وقایع نمی شود ، ولی در درستی وقایع وسنوات تاریخ بسیار دقت می کند . سبک نوشتهٔ حمزه بسیار ساده وبی ساخ وبرك می باشد ومطالب مختصر است .

این کتاب از حیث اشتمال براطلاعات دربارهٔ ایران اهمیت بسیار دارد ومورد استفادهٔ مورخان بعد از عصر مؤلف قرار گرفته است .

سؤآل و جواب (ب) آن است که شاعر کلامی مشتمل بر پرسش وپاسخ بیاورد .

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید

گفتم که ماه من شو ، گفتا اگر برآید

« حافظ »

سودابه (ش—د) اززنان داستانی شاهنامه ودخترشاه هاماوران که کاووس عاشق او گشت و با او به زندان افتاد ، رستم کاووس را

رهائی‌داد واوباسودابه به‌ایران آمد،اماسودابه بعدهاعاشق سیاوش پسر کاووس شد وچون نجابت وخود داری سیاوش را دید ، پیشدستی کرد واورا نزد کاووس متهم ساخت .

سوزنی (ت) شمس‌الدین تاج الشعرا محمدبن علی سوزنی . وفات ۵۶۲ — ازشاعران‌معروف‌قرن‌ششم .مولدش‌سمرقنداست‌وتحصیلات خودرا دربخارا انجام داده و شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است . سوزنی ازشاعران هجا پرداز می‌باشد که‌درهجومعانی خاص‌ومضمونهای تازه بکار برده ویابعضی ازشاعران‌زمان‌خود مانند عمعق ومعزی‌وادیب صابر و رشیدی سمرقندی مهاجات داشته است . سوزنی قصاید فصیح وروان دارد و می‌گویند در پایان عمر از هزل و هجا دست بر داشته واستغفار کرده است . (دیوان سوزنی - چاپ تهران)

سومنات (ت) بتکده‌ای معروف درهند که‌سلطان محمود غزنوی آن را فتح کرد وبتهایش را شکست .

سها (نج) ستارهٔ کوچکی دردب اصغر ، این ستاره‌به کم نوری مثل است و گاهی نیز چشمی کسان را بدان می‌آزمایند :

سها در جلوه گاه خود نمائی است

به مهرش دعوی صاحب‌ضیائی است

«میرزا نصیر»

سهراب (ش - د) از پهلوانان‌شاهنامه وپسر رستم . داستان پهلوانیهای او درجنگ باپدر معروف است . پدر وپسرناشناس برابرهم درآمدند . هیچیک دیگری را نشناخت ، پدر پیر باپسرجوان زورآزمائیها کرد . یک بار رستم بپشتش برزمین‌آمد ، اما با نیرنگ از چنگ‌سهراب رهانید . و باردوم رستم پسر را برزمین زد وباخنجر جگرگاه اورا شکافت

و چون بازوبندش را دید واورا شناخت، کس نزد کاووس به جستجوی نوشدارو فرستاد. کاووس از دادن نوشدارو خود داری کرد و سهراب جان سپرد. مثل «نوشدارو پس ازمرگ سهراب» اشاره بدین قسمت از سرگذشت اوست.

سهروردی (ب) شیخ شهاب‌الدین ابوالفتوح یحیی بن حبش بن امیرک السهروردی. مقتول ۵۸۷ ه — معروف به شیخ اشراق ازبزرگترین فیلسوفان ایران است. در شهر سهرورد متولد شد ونزد شیخ مجدالدین الجیلی استاد فخررازی حکمت وفقه آموخت ودرفنون فلسفه استاد گشت چون دربعضی موارد نظر سهروردی با عقاید قدما اختلاف داشت و اصطلاحات دینی زردشت را بکار می‌برد، او را به الحاد متهم کردند و همین امر باعث شد که علمای حلب صلاح‌الدین ایوبی، فرمانروای مصر وشام را به قتل او وادار سازند.

شهاب‌الدین سهروردی فیلسوفی عارف است که حکمت اشراق درآثارش به کمال رسیده است. مجموع ۴۹ کتاب و رساله به شیخ اشراق نسبت می‌دهند که معروفترازهمه کتاب «حکمة‌الاشراق» و«رساله فی اعتقاد الحکما» و«قصة‌الغربة‌الغربیه» است (این سه کتاب به همت هانری کربن مستشرق فرانسوی با مقدمه به زبان فرانسه درسال ۱۳۳۱ چاپ شده است) دیگر کتاب تلویحات، کتاب‌المشارع والمطاوحات، رسالهٔ عقل‌سرخ (چاپ انجمن دوستداران کتاب) رسالة‌العشق به نام مونس العشاق، باشرح فارسی وهمچنین لغت‌موران، صفیرسیمرغ، ترجمهٔ رسالة‌الطیرابن سینا، رساله فی‌حالة‌الطفولیه (به همت دکتربیانی درتهران چاپ شده‌است) رسالهٔ آواز پرجبرئیل است.

سهل بن هارون دشت‌میشانی (ب) ازنویسندگان ایرانی قرن‌سوم

واز شعو بی‌مذهبان متعصب . تصانیف متعدد دارد ازجمله کتاب دیوان الرسائل و کتاب تدبیرالملک والسیاسة و چند داستان ادبی .

سهیل (نج) ازستارگان قدر اول

ازاوج حق بقین توتابنده چون سهیل
بردیو شرك تیرتو بارنده چون شهاب

«ابوالفرج رونی»

سیاست نامه (کت) ازمهمترین آثارادبی زبان‌فارسی دردورهٔسلجوقی تألیف ابوعلی حسن بن علی‌بن اسحق طوسی‌ملقب به‌نظام‌الملک که‌آن‌را به دستورملکشاه سلجوقی تألیف کرده است .

موضوع کتاب سیاستنامه تدبیر ملک‌داری است ، دربارهٔ عدل و سیرت نیکو واستقصاءازحال‌وزیران ودبیران وقضاة وبرگزیدن‌جاسوسان ومشورت باداناتان‌وروش‌لشکرداری‌وحقگزاری‌وغیره . مؤلف درابتدای هرفصل مطالبی مبنی برنصیحت واندرز و راهنمائی شاهان می‌آورد و حکایتهائی به عنوان شاهد ذکر می‌کند که اغلب جنبهٔ تاریخی دارد واگرچه منظور نویسنده جمع‌آوری اطلاعات تاریخی نیست، لیکن‌آنچه دربارهٔ تشکیلات سیاسی وکشوری ایران قبل از مغول ذکرمی‌کند ، بسیار سودمند است . نظام‌الملک چون مرد سیاسی ودرباری بوده واز رموز مملکداری مطلع بوده است ، بهتر از دیگران توانسته نکته‌های لازم را تذکر دهد وچنانکه خود او می‌گوید درکتابش هم پنداست وهم مثل وهم‌تفسیر قرآن وهم اخبار رسول وقصص انبیاء و هم سیرت وحکایات شاهان .

نثرسیاستنامه بسیارروان وساده‌است وعبارتهایش ازلغات‌نامأنوس خالی می‌باشد .

سیاقةالاعداد (ب) آن است که گوینده اسمهای متعدد را درپی یکدیگر در شعر قرار دهد .

اسب و گهر وتیغ بدو گیرد قیمت
تخت و سه و تاج بدو یابد مقدار

*

سال وفال ومال وحال واصل ونسل وتخت وبخت
بادت اندر هر دو گیتی بر قرار و بردوام

سیاوش (ش-د) از پهلوانان شاهنامه .پسر کاووس . سیاوش نزد رستم بزرگ شد وهنر آموخت وچون به درگاه پدر بازگشت سودابه زن کاووس عاشق او شد . سیاوش به علت نجابت طبع از این عشق سرباز زد . ازاین روسودابه به او کینه ورشد و شوهررا براو بدبین ساخت . سیاوش پس از رنجهائی که از این عشق ناپاك کشید ، به دستورپدربه جنگ باتورانیان رفت،اما باافراسیاب صلح کرد .وکاووس پس ازشنیدن این خبر براو خشمگین شد وپسررا سرزنش کرد . سیاوش از بیم پدر درسرزمین توران ماند ونزد افراسیاب تقرب یافت وفرنگیس دختر اورا به زنی گرفت . گرسیوز برادر افراسیاب که برسیاوش حسد میبرد افراسیاب را براو بدبین ساخت تا سرانجام به فرمان افراسیاب، سیاوش را کشتند .

سیدحسن غزنوی (ت) رجوع شود به حسن غزنوی

سیرةجلال الدین منکبرنی یا تاریخ جلالی (ك) تاریخی به زبان عربی تألیف محمد بن احمدبن علی بن المنشی النسوی دبیر سلطان جلال الدین خوارزمشاه که آن را درسال ۶۳۹ تألیف کرده است . موضوع کتاب تاریخ کاملی از اوضاع ایران درزمان آخرین سلطان خوارزمشاهی جلال الدین منکبرنی و هجوم تاتار است . مؤلف پس ازشروع به ذکر

حوادث مغول از کشور چین وحدود وثغور آن وقبیلهٔ چنگیز وافاده گاه مغول سخن می گوید و به ذکر حال سلطان محمد خوارزمشاه واتابکان وسعد بن زنگی وکسانی که با دربار خوارزمشاه ارتباط داشته اند می پردازد ودراین قسمت به اختصار می کوشد ولی سلطنت سلطان جلال الدین را بطور مشروح بیان می کند ودرضمن از مأموریتهای خود و مصاحبتهای خود باسلطان و جدائی از او سخن می گوید و احوال سلطان را در هنگام حملهٔ تاتار و سختی کار او پس از هزیمت شرح می دهد . مؤلف سوء تدبیر امیران وتأثیرش رادرایجاداین وقایع یادآوری می کند . نثر کتاب به صنایع لفظی آراسته است ومؤلف در میان کلام اغلب از آیات قرآن شواهدی ذکرمی کند ونکته های حکیمانه ای تذکر می دهد .

کتاب سیرهٔ جلال الدین تاریخ ذیقیمتی است که مؤلف همهٔ وقایعی را که خود به چشم دیده وحتی در آنها دخالت داشته ، نقل می کند . این کتاب بوسیله محمد علی ناصح به فارسی ترجمه شده است .

(چاپ تهران ۱۳۲٤)

سیر العباد الی المعاد (ك) منظومه ای از آثار حکیم سنائی غزنوی شاعر بزرگ قرن ششم که آن را در سرخس به نام سیف الدین محمد بن منصور قاضی سرخسی ساخته است . شاعر دراین منظومه از خلقت انسان وعقل ونفس ومباحث اخلاقی سخن گفته است

(چاپ تهران)

سیر الملوك (ك) رجوع شود به «خداینامه»

سیف اسفرنگی (ت) مولانا سیف الدین الاعرج . وفات اواخر قرن ششم — ازشاعران قرن ششم ومعاصر خوارزمشاهیان ، اصلش از اسفرنگ ماوراءالنهر بوده و در عهد ایل ارسلان خوارزمشاه از بخارا به خوارزم

رفته وبه خدمت او رسیده است. وی معاصر مجیر بیلقانی وضیاءالدین خجندی بوده وبا ایشان مشاعره ومعارضه داشته است.

از ممدوحان او سلطان سنجر سلجوقی، وخسروملک غزنوی وتاج الدین محمودخان بن محمد ارسلان خوارزمشاهی می باشند.

سیفی (ت) علی بن احمد سیفی نیشابوری از شاعران نیمهٔ آخر قرن ششم، مداح سلطان تکش (۵۶۸ — ۵۹۸) قصیده‌ای نیز در مدح شاه محمود پسر ارسلان خان از شاهان آل افراسیاب دارد. شمس قیس ابیاتی از او که در هر مصراع سنگ وسیم را التزام کرده در المعجم آورده است قصاید وغزلیات مصنوع دارد وچند غزل از او در لباب الالباب آمده است.

سیمرغ (ش — د) پرنده‌ای افسانه‌ای که بنا بر داستان شاهنامه زال پسر سام را از کوه البرز برگرفت وبا جوجه های خود پرورش داد. پس از چندی سام بر اثر خوابی که دیده بود به دنبال پسر آمد. سیمرغ زال را به سام سپرد وپری از خود به او داد تا در هنگام لزوم به آتش افکند واو را به کمک بخواهد. سیمرغ به این ترتیب در جنگ رستم واسفندیار به خواهش زال به یاری رستم شتافت وبه تدبیر او اسفندیار به‌دست رستم کشته شد.

در منظومهٔ «منطق الطیر» عطار سیمرغ به‌عنوان شاه مرغان وتمثیلی از وحدت وجود آمده که مقر او در کوه قاف است ومرغانی که به طلب او می روند، پس از رسیدن به مقصود درمی یابند که آن مرغ افسانه‌ای وجودی جز خود آنان نیست زیرا که از همهٔ مرغانی که به این سفر رفته بودند، تنها سی مرغ به مقصد رسیدند وغرض از سیمرغ همان سی مرغ بوده است.

سینا (تن) نام ناحیه‌ای که کوه طور یعنی کوهی که موسی برای

مناجات برسرآن می‌رفت ، درآن واقع است .

آشنای طور سینا موسی عمران بود
تا که از معجز عصا در دست او گردد چو مار

«امیر معزی»

ش

شاپور (ش ـ ت) شاپور اول پسراردشیر بابکان از دختراردوان که تا هفت سالگی پدر از وجودش بیخبر بودوآخر وزیری که مادرش را پنهان کرده بود ، اورا نزد پدرآورد . شاپور روزی به شکار رفت ، در باغی دختری دید که برسر چاهی دلو سنگینی را که دیگران از بیرون کشیدنش عاجز بودند، به آسانی بیرون کشید . چون از نژادش پرسید دختر خود را زادهٔ مهرك نوش‌زاد ، از دشمنان اردشیر معرفی کرد که همهٔ خاندانش به دست اردشیر کشته شده بودند . شاپور دختر را به زنی گرفت واز او پسری به نام هرمز یافت . شاپورسی سال شاهی کرد ودر زمان او میان ایران و روم جنگی درگرفت که به شکست رومیان انجامید .

شاکر بخاری (ت) شاکر بخاری از شاعران قرن چهارم که در ماوراء النهر می‌زیسته است . از این شاعر اشعار بسیاری نمانده است ولی خسروانی شاعر قرن چهارم نام اورا درشعرآورده است و بعضی از اشعار او درکتابهای لغت بعنوان شاهد ذکر شده است .

شاه‌ابورجا (ت) حکیم شهاب الدین شاه علی ابورجاء غزنوی . وفات درحدود ۵۹۸ـ از شاعران قرن ششم .اورا معاصر بهرامشاه غزنوی دانسته‌اند ومدح بهرامشاه درقصایدی که‌ازاو باقی مانده‌دیده‌می‌شود . از احوال او اطلاع صحیحی دردست نیست واشعاری از او درتذکره‌ها

باقی است .

شاهنامه (ك) نام شاهنامه بر کتابهای منثور یا منظومی اطلاق می‌شود که درشرح تاریخ وداستانهای ملی ایران نوشته‌شده‌باشند . شاهنامه نویسی درقرون اولیهٔ اسلام مورد توجه عده‌ای ازدانشمندان وامیران وسرداران ایرانی خاصه رجال‌قسمت شرق ایران قرار گرفت و کتابهائی به تقلید خدا ینامه وسیرالملوك ابن‌مقفع ومحمدبن جهم برمکی وزادویه پسر شاهویه نگاشته شد . نام شاهنامه هم درست ترجمهٔ « خوتای نامک» پهلوی است . اصل خدای نامه وترجمهٔ آن یعنی سیرالملوك در دست نیست .

از شاهنامه های منثور فارسی شاهنامه‌ای است که ابوالمؤید بلخی شاعرونویسندهٔ ایرانی درآغازقرن‌چهارم نوشته‌است‌واصل‌آن‌دردست‌نیست . اما درکتابهای تاریخی‌قرون بعد، ازآن کتاب‌وداستانها یش یادشده‌است .

دیگر شاهنامهٔ ابوعلی بلخی است که آن نیز منثور بوده است . چنانکه ازگفتهٔ ابوریحان درکتاب «آثارالباقیه» مستفاد می‌شودشاهنامهٔ ابوعلی کتابی معتبر ومستند به اسناد مهم بوده و بیشتر مبتنی برروایات مکتوب بوده است .

دیگر شاهنامهٔ ابومنصور محمدبن عبدالرزاق است . ابومنصور محمدبن عبدالرزاق سپهسالار خراسان بود که نسب خود را به‌شاهان قدیم ایران‌می‌رساندوبراثر تعصب‌نژادی وعلاقهٔ بسیاربه ایران به‌تألیف شاهنامه قیام کرد و وزیر خود ابومنصور المعمری را مأمور کرد تا دانشمندان و صاحبان کتب را از اطراف خواند ودرطوس گردآورد وبه تدوین شاهنامه برگماشت .

این شاهنامه ازشاهی کیومرث تا یزدگرد شهریار آخرین شاه

ساسانی است و تاریخ تألیف آن ۳۴۶ هجری می‌باشد . مآخذ و مدارک این شاهنامه کتابهای پهلوی و دفترهای قدیم و بعضی روایتهای شفاهی بوده است . این کتاب مأخذ اصلی و اساسی فردوسی در نظم شاهنامه قرار گرفته است .

دیگر شاهنامهٔ منظوم مسعودی مروزی است . مسعودی مروزی نخستین شاعری است که روایتهای حماسی ایران را به نظم آورد . این شاهنامه در حدود سیصد هجری سروده شده و جز چند بیت از آن در دست نیست .

دیگر شاهنامهٔ دقیقی یا گشتاسب‌نامه است . ظاهرا دقیقی شاهنامه را به امر نوح بن منصور (۳۶۵-۳۸۷) به رشتهٔ نظم کشید . این شاهنامه مربوط به ظهور زرتشت و داستان جنگ گشتاسب و ارجاسب است .

دقیقی با انتخاب بحر متقارب برای حماسه و نشان دادن راه نظم روایات ملی توانست پیشقدم فردوسی در نظم شاهنامه بشود .

شاهنامهٔ فردوسی بزرگترین منظومهٔ حماسی و تاریخی ایران بلکه جهان است . فردوسی در جوانی علاقهٔ فراوانی به نظم داستانهای کهن داشت و پس از آنکه گشتاسب‌نامهٔ دقیقی را دید بسیار مایل گشت که کار او را دنبال کند . یکی از دوستان او را یاری کرد و نسخه‌ای از شاهنامهٔ منثور ابومنصوری به دستش داد و او با شوق عظیم کار را شروع کرد . تاریخ شروع شاهنامهٔ فردوسی در حدود سالهای ۳۷۰ و ۳۷۱ و تاریخ اتمام آن در حدود ۴۰۰ هجری است و فردوسی خود به سی سال رنجی که در نظم شاهنامه تحمل کرده اشاره می‌کند . فردوسی پس از اتمام شاهنامه چندین بار در آن تجدید نظر کرده بعضی ابیات را تصحیح کرده یا چیزی بر آن افزوده است . فردوسی در نقل داستانها امانت بسیار به کار برده است و هرگز احساس و تعصب شخصی را دخالت نداده و به

جعل داستانی نپرداخته و به حماسهٔ ملی ایران دست نبرده و در اصل مطلب تصرفی نکرده است ، اما در بیان مطالب و توصیف مناظر و وصف میدانهای جنگ و بیان احساسات و عواطف انسانی بسیار زبردستی نشان داده است .

مهمترین مأخذ فردوسی در نظم این کتاب شاهنامهٔ ابومنصوری است ولی در بعضی از داستانهای منفرد از شاهنامهٔ ابومنصوری استفاده نکرده است. مانند داستان بیژن و منیژه ، رزم رستم و اکوان دیو، داستان رستم و سهراب. فردوسی داستانهای پراکنده‌ای به دست آورده و آنها را بنظم کشیده و درجای جای شاهنامه گنجانده است .

موضوع شاهنامه تاریخ ایران قدیم است از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا انقراض ساسانیان به دست اعراب . شاهنامه را بر سه قسمت می‌توان تقسیم کرد: ۱— دورهٔ افسانه‌ای . ۲— دورهٔ پهلوانی . ۳— دورهٔ تاریخی .

۱- دورهٔ افسانه‌ای . یعنی عهد کیومرث و هوشنگ و طهمورث و جمشید و ضحاك تا ظهور فریدون . این دوره عهد پی بردن به خوراك و پوشاك و مسکن و پیدایش آتش و آموختن زراعت و پیشه است . در این دوره بیشتر اساس داستان شاهنامه نزاع آدمیان و دیوهاست . مطالب در نهایت اختصار است . شاهنامه تا اواخر عهد ضحاك بیشتر ارزش افسانه‌ای دارد .

۲- دورهٔ پهلوانی - این دوره از قیام کاوه آغاز می‌شود و به قتل رستم و سلطنت بهمن پسر اسفندیار پایان می‌پذیرد . این قسمت حماسهٔ واقعی ملی ایران است . در این دوره پهلوانان داستانهای حماسی ظاهر می‌شوند . کاوهٔ آهنگر ، گرساسب ، سام ، نریمان دیده می‌شوند .

جنگهای بین تورانیان و ایرانیان آغاز می‌شود . پهلوانی‌ترین دوره‌های تاریخ ایران در شاهنامه ، عهد کیان تا پایان سلطنت گشتاسب است . رستم بزرگترین پهلوان ایران در این دوره نمایان می‌شود . پهلوانانی مانند گودرز ، بیژن ، فرامرز ، سهراب ، گیو در این دوره دیده می‌شوند .

مهمترین داستانهای پهلوانی هم مربوط به این عهد است . از قبیل داستان رستم و سهراب . رستم و افراسیاب ، هفتخوان رستم ، رزم هاماوران ، داستان سیاوش ، کیخسرو ، بیژن و منیژه ، جنگ کیخسرو و قتل افراسیاب ، دل برکندن کیخسرو از جهان و ناپدید شدن او ، داستان رستم و اسفندیار وامثال آن . این دوره را باید دورهٔ جنگهای طولانی دانست که شامل اتفاقات و حوادث خارق العاده است .

دورهٔ سوم دورهٔ تاریخی است یعنی دوره‌ای که اشخاص و اعمال تاریخی جای افراد خارق العاده و اعمال پهلوانی را می‌گیرد . دورهٔ تاریخی شاهنامه از عهد دارای داراب شروع می‌شود . تاریخ اشکانیان در شاهنامه بسیار به اختصار ذکر شده است . نخستین داستان این دوره از شاهنامه داستان اسکندر است . بعد اردشیر بابکان ، شاپور ذوالاکتاف ، بهرام گور ، هفت بزم نوشیروان ، جنگ خاقان و نوشیروان ، داستان خسرو و شیرین وغیره . اغلب این داستانها جنبهٔ تاریخی دارند و اشخاص این داستانها افراد معمولی هستند نه خارق العاده .

در این قسمت غیر از جنگها از حوادث دیگر از قبیل ترجمهٔ کتاب و اختراع وسایل بازی ، چنین ، روابط میان دربارهای شاهان وجشنها یاد می‌شود .

شاهنامه در حفظ غرور ملی واحیای مفاخر گذشتهٔ ایران اثر بسیار

مهمی داشته است. بعد از شاهنامه عدهٔ بسیاری تحت تأثیر آن قرار گرفتند و به ساختن داستانهای حماسی به همان وزن پرداختند. در قرون اخیر شاهنامهٔ فردوسی در همه‌جای دنیا مورد توجه قرار گرفت و از آن ترجمه های مختلف به عمل آمد.

فردوسی در وصف نهایت قدرت را نشان داده است. چنانکه در توصیف میدانهای جنگ و لشکرکشی و جنگهای تن به تن و وصف شجاعت و مردانگی و جنگجوئی و دلاوری پهلوانان ایران با چنان مهارتی سخن می‌گوید که خواننده همهٔ آنها را بعین چشم می‌بیند. شاهان و شاهزادگان همه بافر و شکوه و دارای خصائل پهلوانی‌اند. در شاهنامه علاوه بر داستانهای پهلوانی به داستانهای عشقی زیبایی برمی‌خوردیم که به رقت احساس و لطف بیان و عفت و پاکدامنی آمیخته است. داستان زال و رودابه و منیژه و بیژن وسودابه و سیاوش از بزرگترین و زیباترین داستانهای عاشقانهٔ شاهنامه است. در شاهنامه اشارات اخلاقی ونصایح نیز دیده می شود. پندها اغلب در پایان داستانها وهنگام قتل و مرگ اشخاص آمده است.

بیان فردوسی بسیار ساده و روان و درعین حال متین واستوار است واگرچه در شاهنامه به صنایع لفظی برمی‌خوریم ولی این صنایع از روانی شعر نمی‌کاهد. شاهنامه علاوه برزنده نگهداشتن تاریخ ایران به زبان فارسی نیز خدمت بزرگی کرده و دربارهٔ سبک شعر و زبان آن کتابها می‌توان تألیف کرد.

شبستری (ت) سعدالدین محمودبن عبدالکریم شبستری. وفات ۷۲۰ — از عارفان بزرگ قرن هفتم واوایل قرن هشتم. وی در قریهٔ شبستر نزدیک تبریز متولد گشته وظاهراً همهٔ عمر را باآرامش درهمان

شهر یا نزدیک آن بسربرده وهمانجا وفات یافته است . سهرتش درعهد الجایتو وابوسعید بود وازجملهٔ فاضلان وبزرگان متصوفه بشمار می آمد چنانکه ازهرجا برای پرسیدن مسائل فلسفی وعرفانی به حضورش می رسیدند . ازآثار معروف او مثنوی «گلشن راز» است درتصوف . دیگر رسالهٔ «حق الیقین» و رسالهٔ «شاهد» است . رسالهٔ «سعادتنامه» و «مرآة المحققین» در تصوف نیزبه او منسوب است .

رسالهٔ حق الیقین و مرآت المحققین درمجموعهٔ عوارف المعارف در شیراز چاپ شده است .

شبدیز (ش ـ د) نام اسبی که شیرین به خسرو پرویز بخشیده بود

اگر شبدیز خسرو را تکی هست

ز تیزی تیز گلگون را رگی هست

«نظامی»

شاه نعمة الله ولی (ب) رجوع شود به نعمه‌الله کرمانی

شاهی (ن) امیرآق ملک بن ملک جمال الدین وفات ۸۵۷ — از غزلسرایان قرن نهم که درخدمت بایسنقرمیرزا بسر شاهرخ می زیست، مولدش سبزوار است و در همانجا وفات یافت . غزلهای لطیف از او باقی است .

شبانکاره (ت) محمدبن علی شبانکاره از مورخان وشاعران قرن هشتم ومعاصر ابوسعید . اثر معروف او کتاب « مجمع الانساب » است درتاریخ عمومی عالم .

شبان وادی ایمن (تن) کنایه از موسای پیغمبر که برای شعیب شبانی کرد ودختر اورا بزنی گرفت .

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد

که چندسال به جان خدمت شعیب کند

«حافظ»

شب قدر یا لیلة القدر یکی از شبهای ماه رمضان که در قرآن به آن اشاره شده است و گویا شب بیست و هفتم است .

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است

یارب این تأثیر دولت از کدامین کوکب است

«حافظ»

شبلی نعمانی (ت) وفات ۱۳۳۲ — از نویسندگان نامی هندوستان که درسال ۱۲۷۰ هجری درهند متولد شده و تحصیلات خود را در تاریخ وفلسفه و ادب انجام داده و از استادان عصر خود گشته است . شبلی سفری به مکه کرد و چندی در مدینه ماند و به مطالعهٔ کتابهای نفیس پرداخت و در بازگشت به هند به استادی زبان فارسی وعربی «کالج علیگره» منصوب شد و مدت شانزده سال به تدریس اشتغال داشت ، پس از آن به حیدرآباد دعوت شد وبه سمت مستشاری معارف حیدرآباد دکن منصوب گشت و پس از مدتی ریاست انجمن علمی در لکنهو به او واگذار شد و درآنجا خدمتهای ذیقیمتی انجام داد .

شبلی آثار فراوانی به زبان اردو وفارسی وعربی دارد که از همه معروفتر کتاب « شعرالعجم »به زبان اردواست . شبلی علاوه برمقام نویسندگی واحاطهٔ برزبان فارسی وعربی شعر نیز می‌سرود و به فارسی صاحب دیوان می‌باشد .

شب یلدا (نج) شب اول دی که درازترین شبهای سال است .

همه سبهای غم آبستن روزطربست

یوسف روز به چاه شب یلدا بینند

«خاقانی»

شَتْر (زحاف) (ع) در مفاعلن مجموع قبض و خرم است یعنی حذف میم و یاء که می‌ماند فاعلن و آن را اشتر خوانند

شرح اشارات (ك) کتابی از خواجه نصیر در تفسیر اشارات ابوعلی سینا درمنطق وحکمت که، پیش از خواجه نصیرالدین، امام فخر رازی برآن شرح نوشته و درضمن اعتراضاتی برابوعلی سینا وارد ساخته بود. خواجه نصیرطوسی درشرح اشارات آن اعتراضات را رد کرده است.

شرح مشکلات دیوان انوری (ك) عدهٔ بسیاری از نویسندگان دیوان انوری شاعر معروف قرن ششم هجری شرح نوشته‌اند. از آن جمله است که بوسیله ابوالحسن حسینی فراهانی (مقتول ۱۰۴۰) انجام گرفته‌است. مؤلف معاصر وزیر امام‌قلیخان حاکم فارس بوده ودرحدود سال ۱۰۱۵ این کتاب را تألیف کرده است. (انتشارات دانشگاه تهران)

شرف (نج) رجوع شود به قدر

شرف‌الدین حسام (ت) حسام‌الائمه محمدبن ابوبکر نسفی از دانشمندان معروف قرن ششم. در انواع علوم دینی استاد بوده و هرروز آدینه مجلس وعظ داشته که درآن اشعار زیبائی می‌خوانده است. قصیده‌ای دارد باردیف «نشکنند» درمدح رکن‌الدین ابوالمظفر قلج طمغاج‌خان از سلاطین خانهٔ ماوراءالنهر. این قصیده در زبان‌ها شاعر معروف شده است.

شرف‌الدین شفروهٔ (ب) از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم. اهل

شفروهٔ اصفهانی می‌باشد و درخدمت اتابک شیرگیر برادر اتابک ارسلان آبه ازسران دولت سلاجقهٔ عراق بوده و او را مدح کرده است. تذکره‌نویسان اورا ملک‌الشعراء اتابک شیرگیر دانسته‌اند. هدایت دیوان اورا درهشت هزار بیت دانسته است.

شرف‌الدین فضل‌الله (ت) شرف‌الدین فضل‌الله حسینی قزوینی از ادیبان وشاعران قرن هفتم و اوایل قرن هشتم. وی توسط خواجه غیاث الدین محمد به‌خدمت الجایتو رسید و بیشتر نوشته های خودرا به نام خواجه غیاث‌الدین محمد واتابک نصرة الدین احمدشاه لرستان تألیف کرده‌است.

از آثار معروف او «تاریخ معجم فی آثارالملوك العجم» است درذکر مآثر شاهان قدیم ایران. دیگر «الترسل النصرتیه» درفن انشاء وبیان سخن و شناختن ارباب سخن. شرف الدین فضل‌الله در نثر از پیروان «وصاف» است.

شرف‌الدین علی یزدی (ت) وفات ۸۵۸ــ ازادیبان وشاعران اوائل دورهٔ تیموری که شرف تخلص می‌کرده‌ودرفن معما سرائی زبردست‌بوده است. عمدهٔ شهرت شرف‌الدین درزمان شاهرخ (۸۰۷ــ۸۵۰) می‌باشد وی پیوسته مصاحب آن پادشاه و پسرش میرزا ابراهیم بوده است. هنگامی که شاهزاده ابراهیم سلطان درفارس واصفهان حکومت داشت شرف‌الدین علی را نزد خود خواند و به ندیمی و مشاوری برگزید شرف‌الدین به درخواست‌اوبه‌نوشتن «ظفرنامهٔ تیموری» پرداخت. وقتی که شاهرخ به‌اصفهان تاخت، برشرف الدین بدگمان شد و اورا به سمرقند فرستاد و اوپس از مرگ‌شاهرخ به یزد برگشت ودرقریهٔ تفت ساکن شد.

ازآثار معروف او «ظفرنامهٔ تیموری» است در تاریخ تیمور.

شریف‌جرجانی (ب) رجوع شود به جرجانی

شست‌کله (ت) امیرالشعرا شمس الدین احمدبن منوچهر شست کله. ازشاعران معروف قرن ششم وازدرباریان سلطان طغرل بن ارسلان. عنوان شست کله را به خطا به منوچهری دامغانی نیزنسبت داده‌اند و این اشتباه به مناسبت اسم احمد و نام پدر شمس‌الدین که منوچهر بوده پیش آمده‌است.

ششتری (ت) سید نورالله بن شریف المرعشی شوشتری. مقتول ۱۰۱۹ - از سادات مرعشی و اهل شوشتر که مقیم هندوستان گشته و سالها ازطرف اکبرشاه سمت قضاوت لاهوروپنجاب را داشته است. کتابهای وی بیشتر دربارهٔ امور دینی است و معروفترین آنها به فارسی «مجالس المؤمنین» است. قاضی نورالله درزمان جهانگیرشاه به جرم ثبات عقیده در مذهب شیعه به قتل رسید.

شطرنجی (ت) دهقان‌علی شطرنجی از شاعران بزرگ نیمهٔ دوم قرن ششم درماوراءالنهر. نظامی عروضی او را از شاعران آل خاقان شمرده است. اشعارش بیشتر قطعاتی است دریغدواندرر.

شعر (ب) سخن موزون ومقفی را می گویند.

شعرای‌شامی (نج) از کواکب ثابت که بردهان کلب اصغر با کلب مقدم است. شعرای شامی وشعرای یمانی را شعریان گویند:

چوپاسی ازشب دیرنده بگذشت

بر آمد شعریان از کوه موصل

"منوچهری"

شعرای‌یمانی (نج) از کواکب ثابت که بردهان کلب اکبر دا

کلب الجبار است .

شعر العجم(ك) کتابی تألیف علامه شبلی نعمانی نویسندهٔ سترگ قرن اخیر هندوستان که آن را به زبان اردو درحدود سال ۱۳۲۰ هجری تألیف کرده است . موضوع کتاب شعر وشاعری درایران است ومؤلف آن را به سه دوره تقسیم کرده است .دورهٔ قدما که ازحنظله شروع می‌شود وبه نظامی ختم می‌گردد .دورهٔ متوسطین که ازکمال شروع می‌شود وبه جامی ختم می‌گردد . دورهٔ متأخرین که از باباففانی شروع می‌شود وبه ابوطالب کلیم ختم می‌شود . نویسنده دربخش چهارم و پنجم به نقد شعر وتقریظ وانتقاد به شعر وشاعران می‌پردازد .

این کتاب بوسیله سیدمحمد تقی فخرداعی گیلانی در ۵ جلد به فارسی ترجمه وچاپ شده است .

شعیب (ن)از پیغمبران، که چون رسالت خود را برمردم آشکار کرد عدهٔ بسیاری براو ایمان نیاوردند. خدای‌تعالی برایشان عذاب فرستاد و گرما را برایشان مسلط کرد . کافران به صحرا رفتند وبه زیر سایهٔ ابری پناه بردند ، اما از ابرآتش بارید وهمه راسوخت جزمؤمنان را . شعیب موسی را، که ازمصر گریخته بود، پناه داد ودربرابر دوسال شبانی او بجای کابین ، دختر خود را به او داد .

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد
که چندسال به‌جان خدمت‌شعیب کند
«حافظ»

شغاد (ش-د)پسرزال که از کنیزکی خوانده به وجودآمده وبه بدخوئی وستیزه‌جوئی معروف بوده است. زال اورا به درگاه شاه کابل فرستاد تا همانجا پرورش یابد. چون شاه کابل رشادت اورا دید،دختر

خودرا به او داد وخواست تا از باز دادن به رستم سرباز زند ، به‌این سبب باهمدستی شغاد ، چاهی در نخجیرگاه رستم کند و با نیرنگ رستم ورخش وهمراهان او را درچاه افکند وبه‌این طریق رستم پهلوان ایرانی کشته شد .

شفاء (ك) یکی ازمهمترین آثار دانشمند بزرگ ابوعلی‌سینا به زبان عربی‌شامل چهارقسمت: منطق، طبیعیات، ریاضیات، الهیات . هریك ازاین قسمتها به مقالات وفصول تقسیم می‌شود .

منطق شامل نه فن وطبیعیات شامل هشت فن ورياضيات شامل چهار فن والهیات شامل ده مقاله است .

شفائی (ب) حکیم شرف‌الدین حسن .وفات۱۰۳۷ ـ طبیب وندیم شاه عباس اول که علاوه برطبابت‌ذوق شعر داشته ودرهزل استاد بوده است وغزلیات ورباعیات ازاو باقی‌است ومثنوئی دارد به نام «نمکدان حقیقت» که آن را به تقلید «حدیقةالحقیقه» سنائی ساخته است. صائب دراشعار خود نام شفائی را با ادب واحترام ذکرمی کند .

شکل (زحاف) (ع) درفاعلاتن مجموع خبن و کف است ؛ یعنی حذف الف‌ونون .می‌ماندفعلات؛ وآن را مشکول گویند . درمس تفعلن حذف نون وسین است که می‌ماند مفعل بجای آن مفاعل می گذارند؛ وآن را مشکول خوانند .

شمس خاله (ت)عمدة‌الملک‌شمس‌الدین محمدبن‌مؤیدالحدادی البغدادی· ازشاعران نیمهٔ‌دوم قرن ششم ومداح سلاطین آل‌افراسیاب. اورا شاگرد سوزنی دانسته‌اند و ضیاءخجندی سخنان فصیح ونغزشاعرانهٔ اورا ستوده است .

شمس طبسی (ب) امام شمس‌الدین محمدبن عبدالکریم طبسی

وفات درحدود ۶۲۰ — از شاعران ایران در اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم. وی مداح نظام الملک تاج الدین محمد بن محمد وزیر سمرقند است وجز او امیران و بزرگان دیگر ماوراءالنهر را نیز مدح کرده است. شمس طبسی معاصر خاقانی بوده و در قصیده از او پیروی کرده است. دیوان شمس طبسی در حدود دو هزار بیت دارد و شامل قصاید، غزلیات رباعیات، مقطعات است. شمس به آوردن ترکیبات خاص ومضمونهای دقیق توجه داشته است ولی چون در جوانی درگذشته اشعار فراوانی ازخود باقی نگذاشته است.

شمس فخری (ت) شمس الدین محمد بن سعید فخر اصفهانی از نویسندگان قرن هشتم ومعاصر شیخ ابواسحق اینجو. شمس فخری در سال ۷۴۵ کتابی در لغت فارسی به نام «معیارجمالی» نوشته که به شیخ ابواسحق اینجو تقدیم کرده است. این کتاب دارای چهارجزءاست: درعروض، قافیه، بدایع الصنایع، لغات زبان فارسی.

شمس قیس رازی (ت) شمس الدین محمد بن قیس الرازی. وفات اواسط قرن هفتم — ازدانشمندان قرن هفتم هجری. وی اهل ری بود ولی مدتی دراز در ماوراءالنهر وخراسان وخوارزم اقامت کرد وبعد در فتنهٔ مغول وآشوب وانقلاب ایران مدت هفت هشت سال درشهرهای مختلف عراق بسربرد ویکی دوبار اسیر شحنگان مغول شد و درالتزام رکاب سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه شهربه شهر می گشت تا در سال ۶۲۳ از عراق به فارس مهاجرت کرد وبه خدمت اتابک سعدبن زنگی رسید. اتابک وی را با اکرام بپذیرفت وپس از مدتی ازجملهٔ ندیمان خاص خود گردانید وپس ازاو اتابک ابوبکربن سعدزنگی همان مقام را دردربار خود به او داد. ازآثار شمس قیس کتاب «المعجم فی معائیرالاشعارالعجم»

و «المعرب فی معائیر الاشعار العرب» و کتاب «الکافی فی العروضین والقوافی» که گویا اصل دو کتاب فوق می باشد. «المعجم» به تصحیح مرحوم محمد قزوینی و سپس به تجدید تصحیح و تحشیهٔ مدرس رضوان چندبار چاپ شده است. اما از دو کتاب دیگر نشانی نیست.

شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بن زیار دیلمی (ب) وفات ۴۰۳ - از امیران خاندان زیاری و از ادیبان معروف که در نظم و نثر بازی دست داشته است. شمس المعالی در عصر عضدالدوله حکومت گرگان را داشت ولی با فخرالدوله که از ملک پدر بی بهره شده، بر ضد عضدالدوله برخاست در سال ۳۷۰ از او شکست خورد و به خراسان پناه برد و تا سال ۳۸۸ یعنی هجده سال در نیشابور در پناه غزنویان ماند و در سال ۳۸۸ به گرگان بازگشت. سرانجام در سال ۴۰۳ بوسیلهٔ مخالفان که با پسرش منوچهر همدست شدند محبوس و کشته شد.

از آثار معروف او «کمال البلاغه» است که شامل مجموعه‌ای از رسائل او می باشد و قطعاتی از اشعار فارسی و عربی نیز از او باقی مانده است. گنبد قابوس که قبر شمس المعالی است و بوسیلهٔ خود او ساخته شده است از مهمترین ساختمانهای ایران در قرن چهارم هجری محسوب می‌شود.

شواهد النبوة (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را در سال ۸۸۵ به خواهش امیر علیشیر نوائی تألیف کرده است. این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و هفت رکن و یک خاتمه است. در بیان شواهد و دلائل قبل از ولادت پیغمبر، وقایع بعد از تولد تا بعثت، وقایع از بعثت تا هجرت، وقایع از هجرت تا وفات، تفصیل وقایع بعد از وفات. در بیان شواهد و دلایلی که بواسطهٔ اصحاب و ائمه بظهور پیوست، شواهدی که در زمان تابعین یا اتباع ایشان به ظهور رسیده است.

انشاء کتاب ساده وخالی از تکلف وعبارت پردازی است .

شهاب (نج) سنگها و اجرام فلکی که به سطح زمین می‌افتند وبرابر تماس باجو مشتعل می‌شوند وشبها درآسمان مانند دورشعله وربه چشم می‌آیند . قدما می‌پنداشتند که شهاب تازیانهٔ آتشینی است که فرشتگان شیطان ودیوهارا باآن ازآسمان می‌رانند .

دیو از شهاب گشته گریزان برآن مثال
چون خصم منهزم زسنان خدایگان

«انوری»

شهاب ترشیزی (ت) عبدالله . وفات ۱۲۱۵ — ازشاعران قرن دوازدهم ومعاصر فتحعلی شاه قاجار که باآذر وصباحی دوستی داشته است . شهاب مدتها ملازمت دربار فتحعلی‌شاه را داشته وپس ازآن گوشه گیری اختیار کرده وبه تصوف پرداخته است . ازآثار او جز دیوان شعر مثنویهائی است به نام خسرو و شیرین ، یوسف وزلیخا ، بهرام‌نامه ، عقد گهر .

شهاب ثاقب (نج) رجوع شود به شهاب

دست تو سپهرنوربخش است کلک تو در او شهاب ثاقب

«جمال‌الدین اصفهانی»

شهاب‌الدین سهروردی (ت) رجوع شود به سهروردی

شهاب مؤید (ت) شهاب الدین احمدبن مؤید نسفی سمرقندی از شاعران اواخر قرن ششم ومداح ابوالمظفر رکن‌الدین قلج طمغاج‌خان مسعود ازشاهان خانیه . ازاحوال او اطلاع کافی دردست نیست . وی معاصر سوزنی شاعر بوده واورا هجو کرده‌است . ابیاتی ازاو درتذکره‌ها نقل شده است .

شهرستانی (ت) امام ابوالفتح تاج‌الدین محمدبن عبدالکریم

شهرستانی. وفات ۵۴۸ — از فاضلان ومتکلمان معروف ایران که در فقه وعلم الادیان صاحب تحقیق می باشد. اهل شارستان (شهرستان) خراسان نزدیک نسااست. شهرستانی نزد امام ابوالمظفر خوافی، قاضی طوس، وابونصر قشیری وابوالحسن علی بن احمد مدینی محدث بزرگ، علم آموخت وازمشاهیر عصرخود گشت. مدتی درخوارزم زیست. سپس به بغداد رفت وپس از باز گشت همهٔ عمر را درخراسان گذراند. مدتی درخدمت سلطان سنجر بود وسرانجام درمولد خود شارستان درگذشت.

از آثار معروف شهرستانی کتاب «الملل والنحل» کتاب «المناهج والایات» و«المصارعه» است که در رد برمسائل الهی ابن سینا نوشته شده است. دیگر کتاب «نهایه الاقدام» در علم کلام است. علاوه براینها شهرستانی دارای مجالسی بوده است که درسفرها ترتیب می داد. ازجمله مجلس وعظی است که درنظامیهٔ بغداد داشت. این مجالس اغلب ضبط شده و یکی از آنها به زبان فارسی به خط علامه قطب الدین شیرازی موجود است وموضوع آن «خلق» و «امر» است.

شهریارنامه (لـ) مثنوی از مختاری غزنوی که آن رابه خواهش سلطان مسعود بن ابراهیم غزنوی واز روی داستان منثوری ساخته که شهرتی داشته است. داستان مربوط است به شهریار پسر برزو پسر سهراب پسر رستم که مانند پدر وجد بیخبر از نسب خود باخویشاوندانش به جنگ پرداخت وباعم خود فرامرز به نزاع برخاست. مختاری چنانکه خود گفته است سه سال درکار سرودن آن رنج برده است.

شهریارنامه شامل سه قسمت است. قسمت اول دربارهٔ جنگهای فرامرز پسر رستم است بادیوشاه وباسیاهسالار هند. قسمت دوم دربارهٔ رفتن زال به دربار سلمان وجنگ بادیوی است به نام «اهرمن» قسمت

سوم پایان داستان است .

این مثنوی در شمار منظومه‌های متوسط حماسی است که بعد از فردوسی به وجود آمده است .

شهمردان بن ابی الخیر (ت) ازعالمان ومنجمان معروف قرن پنجم . دو کتاب به فارسی ازاودردست است به نام «روضة المنجمین» و«نزهت‌ـ نامهٔ علائی»

شهنشاه نامه (ك) حماسه‌ای تاریخی که فتحعلی‌خان صبا ملک الشعرای دربار فتحعلیشاه آن را بروزن وتقلید شاهنامهٔ فردوسی درذکر محامد فتحعلیشاه سروده است .

شهید بلخی (ب) ابوالحسن شهیدبن حسین بلخی . وفات درحدود ۳۲۵ ـ از شاعران دورهٔ سامانی وازحکیمان وفاضلان آن عصر . درزبان فارسی وعربی مهارت داشته ودرفلسفه نیز استاد بوده است و با ابوبکر محمدبن زکریای رازی در مسائل فلسفی مناظراتی داشته‌است .

از ممدوحان شیخ بلخی نصربن احمد سامانی وابوعبدالله محمدبن احمد جیهانی است . شهید درانواع فنون شعردست داشته واورا درردیف رودکی می‌شمارند .

شیبانی (ب) ابوالنصر فتح‌الله بن محمد کاظم شیبانی ازشاعران قرن سیزدهم هجری . درجوانی به خدمت محمدشاه قاجار درآمد و او وپسرش ناصرالدین میرزا را مدح گفت . شیبانی درنظم ونثردست داشته ودرقصیده پیرو سبک شاعران قدیم است . ازآثار او مجموعه‌هائی است بـه نام درج درر، گنج گهر ، مسعود نامه ، شرف الملک ، کامرانه ، زبدة الآثار

شیخ بهائی عاملی (ب) شیخ محمدبن حسین عاملی ملقب به

بهاءالدین . وفات ۱۰۳۱ — از عالمان بنام دورهٔ صفوی و از رجال دربار شاه عباس . پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ از دمشق به ایران مهاجرت کرد و شیخ بهائی که در آن هنگام سیزده ساله بود به تحصیل فقه و حکمت و ریاضیات پرداخت .

شیخ بهائی به فارسی و عربی تألیفات بسیار دارد که مجموع آن به ۸۸ کتاب و رساله می رسد . از جمله مثنویهای او نان و حلوا ، شیر و شکر ، خلاصة الحساب ، تشریح الافلاک و از همه معروفتر کتاب « کشکول » است که دارای نوادر حکایات و علوم و اخبار و اشعار عربی و فارسی است .

شیخ صنعان (د) از اشخاص کتاب منطق الطیر شیخ عطار که با همهٔ زهد و تقوی دل به دختر ترسائی بست و دین و ایمان خود را در راه او به باد داد خمر خورد و قرآن سوزاند و زنار بست و خوک بانی کرد و سرانجام پس از دعای دوستان ، هشیار شد و به راه آمد و از معشوق برگشت ، دختر به دنبال او به راه افتاد و دین او را پذیرفت .

گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن

شیخ صنعان خرقه رهن خانهٔ خمار داشت

«حافظ»

شیخ طوسی (ب) رجوع شود به طوسی

شیراز نامه (ک) کتابی در تاریخ شهر شیراز تألیف شیخ فخرالدین ابوالعباس احمد زرکوب شیرازی که آن را در حدود سال ۷۳٤ به نام حاج قوام الدوله وزیر تألیف کرده است . این کتاب دارای یک مقدمه و چند اصل است در جغرافیای شیراز و تاریخ پادشاهان و امیران فارس و مشایخ و فاضلان و صوفیان شیراز .

مؤلف در ضمن تاریخ از کتابهائی که مورد استفاده اش بوده است

نام می برد، مانند فارس نامهٔ ابن بلخی، تاریخ حمزهٔ اصفهانی . نثر شیراز نامه خالی از تصنع نیست . در شرح وقایع تاریخی با ذکر جنگها اغلب ساده وروان است وهنگام مدح باوصف طبیعت به تشبیه واستعاره آمیخته می شود . مؤلف خاصه به ذکر اشعار علاقه نشان می دهد ، چنانکه گاهی سنوات وقایع را به شعر ذکر می کند .

شیرین (د) از اشخاص معروف داستان عشقی ایرانی . شیرین دختری ارمنی وبرادرزادهٔ مهین بانو ملکهٔ ارمنستان است که خسرو پرویز شاه ساسانی براو عاشق گشت .

شیرین درداستان نظامی باوجودشیفتگی بسیار برخسرو ، هرگز قدم از راه عفاف بیرون نگذاشت تاسرانجام به همسری وی درآمد . شیرین پس ازآنکه خسرو به دست پسرش شیرویه کشته شد، خود را آراست ودرکنار تابوت خسرو باخنجر سینهٔ خود را درید .

شیرین وخسرو (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که آن را درسال ۶۹۸ به نام علاءالدین محمد در تقلید خسرو وشیرین نظامی سروده است .

ص

صائب تبریزی (ت) محمدعلی بن میرزا عبدالرحیم صائب تبریزی . وفات ۱۰۸۰ — از شاعران بزرگ قرن دوازدهم . پدرش از بازرگانان معروف تبریز بود . صائب اگرچه در تبریز متولد شده ، اما در اصفهان تربیت یافته است . در اوایل جوانی سفری به مکه کرد و بعد به هندوستان عزیمت نمود . چندی در کابل اقامت کرد و مورد توجه ظفرخان والی آنجا گشت و به همراهی او به دربار شاه جهان رفت و نزد آن پادشاه تقرب یافت . پس از مدتی بنا به دعوت پدر به اصفهان بازگشت و به دربار شاه عباس راه یافت و سمت ملک‌الشعرائی دربار او را یافت و او را مدح گفت .

صائب شعر فراوان ساخته و در بدیهه گوئی دست داشته است . از میان انواع شعر در غزل استادی نشان داده است . به سعدی و حافظ ارادت ورزیده و تحت تأثیر سخنان استان قرار گرفته است . سبک صائب را می‌توان سبک هندی شناخت که دارای رقت خیال و باریک‌اندیشی است و بعضی ابیات او حکم مثل سائر را دارد . دیوان صائب مکرر به چاپ رسیده است .

صاحب بن عباد (ت) صاحب کافی اسمعیل بن عباد وفات ۳۸۵ — از رجال و نویسندگان معروف دربار دیلمی ، اهل طالقان و از شاگردان ابن فارس . صاحب بن عباد در جوانی به خدمت ابن عمید رسید و پس از فوت

او وبرکناری پسرش به وزارت مؤیدالدوله نائل آمد وتاآخرعمر درآن مقام باقی بود .

صاحب علاوه برمقام سیاسی ومملکتداری اهل علم وادب بوده وبه شاعران ونویسندگان توجه خاصی داشته‌است . پیوسته به تشویق آنها می‌پرداخت وجوایز بسیار به ایشان می‌بخشید . خود نیزدرعلوم ادب وکلام استاد بود وکتابخانهٔ بزرگی داشت که ده مجلد فهرست آن بود . ازآثار اوکتاب «المحیط» درلغت عربی‌است . مجموعهٔ رسائل او نیز درمصر به چاپ رسیده است .

صالح (تن) پیغمبری که بردوقوم عاد و ثمود مبعوث شد ، آن دوقوم بت پرست بودند و به او نگرویدند و معجزه خواستند که ناقه یعنی شترمادهای بابچه‌اش ازسنگ بیرون بیاید . صالح دعاکرد ، سنگ به فرمان خداشکافته شد وناقه‌بابچه ازآن بیرون‌آمد، ایشان منکرشدند وگفتند سحراست وسرانجام ناقه راکشتند .

صبا (ت) ملک الشعرا محمودبن محمدحسین عندلیب کاشانی وفات ۱۳۱۱ــ درکاشان متولد شد ولی خانواده‌اش به‌آذربایجان منسوب است . پدرش محمدحسین خان متخلص به « عندلیب » وجدش «فتحعلی‌خان‌صبا»ست . محمودخان‌صبا دردربار محمدشاه وپس ازآن در دربار ناصرالدین شاه مشاغل مختلف داشته ولقب ملک‌الشعرائی را ازناصرالدین شاه دریافت کرده است . محمودخان گذشته ازشعر درحکمت وحدیث وتفسیر وعلوم‌ادبی وحسن‌خط ونقاشی ومنبت کاری دست داشت ومظهر ذوق ودارای مهارت درصنایع‌ظریفه بود . درقصیده پیرو عنصری وفرخی وامیرمعزی ومنوچهری بوده است وقصایدش بیشتر مدایحی است‌دربارهٔ ناصرالدین‌شاه ووصف‌جلوس

او وسفرها وجشنها . دیوانش قریب دوهزار و پانصد بیت دارد .

صبا (ب) ملک‌الشعراء فتحعلی‌خان صبای کاشانی . وفات ۱۲۳۸ --

ازشاعران قصیده‌سرای زمان فتحعلی‌شاه . درجوانی شاگردصباحی کاشانی بوده‌است . صبا درخدمت دیوانی درآمد وازطرف شاه حکومت قم و کاشان دافت ، سپس ازطرف فتحعلی‌شاه به لقب ملک‌الشعرائی مفتخرشد وقصایدی درمدح آن شاه وشاهزادگان و امیران دربار اوساخت . مراجز قصیده ، مثنوی وغزل ورباعی هم سروده‌است . ازآثاراو مثنوی شاهنشاهنامه ، خداوند نامه ، عبرت‌نامه ، گلشن صباست . دیوانش شامل ده الی پانزده هزار بیت است . صبا از زنده‌کنندگان سبک قدیم و پیرو قصیده سرایان بزرگ است .

صباحی (ب) حاج سلیمان صباحی بیدگلی کاشانی . وفات ۱۲۱۸

از شاعران قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم که آقا محمدخان قاجار را مدح گفته است . صباحی در سرودن مرثیه استادی داشته وترکیب بندی به تقلید کلیم ساخته‌است . دیوانش شامل قصاید وترکیب‌بند وغزل ومرثیه است . (دیوان صباحی — چاپ تهران)

صدر (زحاف) (ع) اگر در مصاریع الف به مراقبت نون بیفتد ، آن را صدر گویند .

صدرالدین شیرازی (ت) صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی معروف به ملاصدرا . وفات ۱۰۵۰ از فیلسوفان وحکیمان عالی‌مقام ایران درقرن یازدهم . وی درشیراز متولد شد وپس ازمرگ پدر به اصفهان سفر کرد ونزد میرداماد وشیخ بهائی به تحصیل پرداخت . سه‌ بار از آن شهر پیاده به زیارت مکه رفت . ملاصدرا اکثراوقات در قم سکونت داشت . کتابش در حکمت مرجع ومأخذ اهل علم بوده‌است . بیشتر آثاراو به زبان عربی است .

ازآثار ملاصدرا به زبان عربی «اسفار اربعه و شواهدالربوبیه» ، شرح اصول کافی ، حاشیه برالهیات شفای ابوعلی سینا ، شرحی برحکمة الاشراق (سهروردی) ، کتاب واردات‌القلبیه وچند تفسیر دربارهٔ بعضی سوره‌های قرآن است . ملاصدرا را می‌توان از افتخارهای عصر صفویه به شمار آورد .

صرصر (تن) باد تندوپرصداودراشعارفارسی اشاره به بادسختی است که قوم عادرا به سبب نافرمانی از هود پیغمبر هلاک کرد

لشکر عادند و کلک من چو صرصرا زصریر

نسل یأجوجند ونطق من چوصور اندرصدا

«خاقانی»

صرفه (نج) منزل دوازدهم ازمنازل قمر . دراین شعر کلمهٔ صرفه به ایهام آمده است .

خصم سگدل زحسد نالد چون جبهت ماه

نور بی صرفه دهد و عوع عوا شنوند

«خاقانی»

صفوة الصفا (ك) کتاب بزرگی در شرح حال شیخ صفی‌الدین اردبیلی ومرشد او شیخ زاهد گیلانی . این کتاب کمی بعدازوفات شیخ صفی‌الدین بوسیلهٔ یکی از درویشان به نام توکل بن اسمعیل معروف به‌ابن البزاز وبه تشویق وراهنمائی‌شیخ صدرالدین پسرشیخ صفی‌الدین که پس از او به مقام ارشاد رسیده ، تألیف یافته است . صفوة‌الصفا دارای یک‌مقدمه‌ودوازده‌باب‌است که هربابی‌شامل چندفصل است‌ در ذکر نسب ونژاد و کرامات شیخ واحوال اووتأویلاتی که‌ازآیات قرآن کرده

وجذبه وسماع واصابت نظر شیخ و کرامات او بعد از مرگ وعظمت او. این کتاب قدیمترین ماخذی است که مورد استفادهٔ نویسندگان تاریخ صفویه قرار گرفته است .

صفورا (تن) دختر شعیب وزوجهٔ موسی (رجوع شود به موسی)

موسی از بهر صفورا کند آتش خواهی

وان شبانیش هم از بهر صفورا بینند

«خاقانی»

صلم (زحاف) (ع) در فاعلاتن حذف سبب وقلع وتد است که می‌ماند فاعل . بجای آن فعلن می گذارند . و آن را اصلم خوانند . درمفعولات حذف لات است که می‌ماند مفعو بجای آن فعلن می گذارند وآن را اصلم می‌خوانند .

صور فلکی (نج) صورتهائی است که منجمان برای ساختن ستاره‌ها فرض کرده‌اند . صورفلکی چهل وهشت است . دوازده صورت برمنطقةالبروج است وبیست‌ویک برشمال منطقةالبروج وپانزده برجنوب آن .صورفلکی منطقةالبروج ازاین قرار است :

حمل، ثور، جوزا ، سرطان ، اسد ، سنبله، میزان ، عقرب، قوس جدی ، دلو ، حوت .

صورتهای شمالی عبارت است از :

دب اصغر ، دب اکبر ، تنین ، قیفاوس ، عوا ، فکه یا اکلیل ، جاثی علی رکبته ، لورا یا شَلیاق، دجاجه، ذات‌الکرسی ، برساوس ، ممسک العنان ، حوا ، حیةالحوا ، سهم ، عقاب ، دلفین ، فرس‌اول ، فرس‌ثانی ، اندرومیدا یامسلسله ، مثلث .

صورتهای جنوبی منطقةالبروج :

قیطس، جبار، نهر، ارنب، کلب اکبر، کلب مقدم، شجاع، سفینه، کاس، غراب، قنطورس، سبع، مجمره، اکلیل جنوبی، حوت.

صوفی به قولی از کلمهٔ صوف است و به معنی پشمینه پوش است که اشاره به فقر و قناعت است و به کسی می‌گویند که پیرو و معتقد مسلک تصوف و عرفان است.

صوفی الرازی ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر الصوفی الرازی. وفات ۳۷۶ — از دانشمندان و منجمان معروف قرن چهارم هجری که عضدالدولهٔ دیلمی نزد وی به تحصیل نجوم پرداخت. عبدالرحمن دربارهٔ صورتهای فلک البروج کتابی تألیف کرده است به نام «صورالکواکب» یا «الصورالسمائیه» که آن را به عضدالدوله تقدیم کرده است. ترجمهٔ فارسی این کتاب موجود است.

ض

ضحاک (ش - د) ضحاک یا بیوراسب . از نژاد عرب که برطبق داستان شاهنامه به اغوای ابلیس پدر را کشت و ابلیس دو کتف اورا بوسید و ناپدید شد. پس ازآن از جای بوسه‌ها دو مار بیرون آمدند که ضحاک را بسیار رنج می‌دادند وهرچه آنها را قطع می کردند ، باز می‌روئیدند . پزشکان چارهٔ آن‌را نمی‌دانستند تاآنکه ابلیس به صورت پزشکی برضحاک ظاهر شد و داروی دردش را که مغز آدمی بود ، به او نشان داد. ازآن پس هرروز دوجوان را می کشتند تا غذای مارهای کتف ضحاک شود . ضحاک برایران چیره شد وجمشید را کشت وبرتخت نشست وبسیار ستم کرد چنانکه مردم ازستم اوبه‌جان آمدند . سرانجام آهنگری بدنام کاوه که ضحاک پسرانش را کشته‌بود، مردم را به شورش دعوت کرد وفریدون را که ازنژاد تهمورث بود ، به سلطنت خواند . فریدون ضحاک را اسیر ودر کوه دماوند زندانی کرد.

دست آهنگرسزا درمار ضحاکی کشند

گنج افریدون چه سود اندر دل دانای من

(خاقانی)

ضیاء خجندی (ت) خواجه ضیاءالدین بن جلال الدین مسعود خجندی . وفات ۶۲۲-- از شاعران معروف قرن هفتم واز شاگردان امام فخررازی . اصلش از شیراز است ولی در جوانی به خراسان رفت

و در شهر خجند اقامت کرد . ضیاء خجندی حسام الدین بن علی بیغو معروف به بیغو ملک از شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است . از اشعار او چند قطعه و قصیده در دست است که حاکی ازاستواری کلام او است .



طارم‌فیروزه (نج) کنایه از آسمان

بجز آن نرگس مستانه که چشمش مرساد

زیر این طارم فیروزه کسی خوش ننشست

«حافظ»

طالب آملی (ت) ملک‌الشعرا محمد طالب آملی. وفات ۱۰۳۶ — از شاعران قرن یازدهم. ابتدا در آمل مازندران می‌زیست، سپس به کاشان و مرو وازآنجا به هندوستان رفت، مدتی در شهرهای مختلف هند بسر برد وسرانجام به دربار جهانگیر راه یافت ودرسال ۱۰۲۸ به لقب ملک‌الشعرائی دربار او مفتخر گشت. چنانکه از گفتهٔ طالب برمی‌آید درعلوم مختلف مانند هندسه، منطق، حکمت، هیئت، دست داشته است، دیوانش شامل قصاید و غزلیات است. اشعاری دربارهٔ خواهر خود ستی‌النساء که زن لایق وعاقلی بوده است دارد. همچنین منظومه‌ای به نام «جهانگیرنامه» ساخته است.

طالب درآوردن استعاره‌های لطیف ونو مهارت داشته است.

طالع (نج) دراصطلاح نجوم برج ودرجه‌ای است که هنگام ولادت یا هنگام وقوع امری از افق نمودار باشد وازروی آن منجمان سرنوشت نوزاد راتحقیق و تعیین می کنند یا حکمی دربارهٔ نتیجهٔ کاری استخراج می‌نمایند.

کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت

یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم

«حافظ»

در فارسی از کلمهٔ «طالع» گاهی مطلق معنی «بخت» در دافه می‌شود :

چشم بد دور کزاین تفرقه بازت آورد

طالع نامور و دولت مادر زادت

طاووس (دن) اشاره به طاووس بهشتی است که بوتهٔ گندم را به ابلیس نشان داد، با آدم و حوا به اغوای او گندم را خوردند و از بهشت رانده شدند . طاووس نیز به کیفر گناه خویش از بهشت بیرون افکنده شد .

بادیه باغ بهشت و برسر خوانهای حاج

پرطاووس بهشتی را مگس ران دیده‌اند

«خاقانی»

طاهر بن فضل چغانی (ت) امیرابویحیی طاهربن فضل بن محمد بن محتاج چغانی . مقتول ۳۸۱ ھ — از امیران چغانی درماوراءالنهر وشاعروفضل دوست واز ممدوحان منجیک ترمذی شاعرمعروف . طاهربن فضل درسال ۳۸۱ در جنگ بابسرعم خود ابوالمظفر چغانی ممدوح دقیقی فراری گشت و کشته شد . عوفی ابیاتی از او نقل کرده است .

طبرسی (ت) شیخ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی . وفات ۵۴۸ ھ — از فقیهان معروف شیعه که درحدیث وفقه وتفسیرسمت اجتهاد دارد . طبرسی درسال ۵۲۳ ازمشهد به سبزوار رفت ودرسال ۵۴۸ همانجا وفات یافت .

ازتألیفات اوست تفسیر «مجمع البیان» و «الکافی الشافی» و «جوامع الجامع» است .

مجمع البیان از تفسیرهای مهم ادبی وظاهری شیعه می باشد وبه فارسی ترجمه شده است .

طبری (ت) ابوجعفرمحمدبن جریر. وفات ۳۱۰ — از فقیهان ومورخان بزرگ اسلامی درقرن سوم وچهارم . اهل طبرستان بود ومقدمات علوم رادر آمل فرا گرفت . سپس درری نزد محمدبن عبید رازی ومثنی بن ابراهیم الاملی به تحصیل پرداخت وبرای کسب علوم عربی وادبی به بصره وکوفه ومصروشام سفر کرد ودرتمام شهرها با علماء ومحدثان ملاقات کرد وبغدادرا برای اقامت برگزید وبه تدوین وتألیف پرداخت. طبری درعلوم تفسیر ، قرائت قرآن ، حدیث ، فقه ، لغت ، نحو ، منطق ، علوم ادب ، شعر ، استادی داشته ودراکثر این علوم تألیفاتی دارد . مورخان ونویسندگان وی را صاحب مذهب واجتهاد دانسته وطریقة وی را «طبریه» خوانده‌اند . ازآثار طبری کتاب «جامع البیان فی تفسیرالقرآن » معروف به « تفسیر کبیر » است . دیگر کتاب « اختلاف الفقها ومهمتر از همه «تاریخ الرسل والملوك» است .

طبقات صوفیه (ك) ازآثار معروف خواجه عبدالله انصاری . اصل این کتاب به عربی تألیف ابوعبدالرحمن محمدبن حسین السلمی نیشابوری (متوفی ٤۱۲) می باشد که درشرح حال پنج طبقه ازمشایخ صوفیه است . خواجه عبدالله انصاری این کتاب را به زبان هروی که یکی ازلهجه های نزدیک فارسی است ترجمه کرده است . آنچه خواجه عبدالله انصاری درمجالس ، برطبقات الصوفیه سلمی شرح می کند ومطالبی را که به آن می افزوده ، بوسیلهٔ شاگردانش ضبط وجمع آوری می شده است . بنابراین به اصل «طبقات الصوفیه» اطلاعات ومطالب بسیاری افزوده که کتاب را بسیار قابل استفاده کرده است .

طبقات ناصری (ك) تاریخی تألیف ابوعمر منهاج الدین عثمان بن محمد سراج الدین جوزجانی که آن را به‌نام ناصرالدین محمودشاه پسر التتمش تألیف کرده است. این کتاب شامل تاریخ عمومی عالم خاصه تاریخ غزنویان وشاهان غوریه وجانشینان آنهاست درغزنه وهند. در پایان فصل کامل وسودمندی دربارۀ حمله مغول به ایران وخانان مغول تا عهد هلاگو دارد. اگرچه دربارۀحملۀ مغول به تفصیل نمی‌پردازد ولی چون خود معاصر این طایفه بوده وحوادث را به چشم دیده است، اخبارش مقرون به صحت می‌باشد ودربارۀ مغول همه‌جا کلمۀ «ملعون» بکار برده است. مؤلف دراین کتاب از تاریخ بیهقی استفادۀ بسیار کرده وآن را مأخذ تاریخ محمود غزنوی قرار داده وحتی درسبک نوشتن هم ازآن تقلید کرده است. اشعار وقصایدی نیز از خود مؤلف نقل شده است. درطبقات ناصری لغات مغولی باراول درزبان فارسی وارد شده است.

الطب المنصوری (ك) تألیف دانشمند وطبیب بزرگ ایرانی ابوبکر محمدبن زکریای الرازی که آن‌را به نام منصوربن اسحق سامانی حاکم ری نوشته است.

این کتاب درده جزواست وبعدها به زبان لاتین ترجمه‌شده است.

طرفان (زحاف) (ع) ازاقسام معاقبت. اگر ازفاعلاتن الف ونون به معاقبت ماقبل وما بعدبیفتدآن‌را طرفان خوانند.

طریق التحقیق (ك) ازآثار حکیم سنائی شاعر بزرگ قرن ششم که آن‌را به روش حدیقةالحقیقه درسال ۵۲۸ ساخته است.

(چاپ تهران)

طغرائی اصفهانی (ت) فخرالکتاب ابواسمعیل حسین بن علی بن

محمد اصفهانی. وفات ۵۱۴ — از بزرگان شعر وادب عربی. وزارت مسعود بن محمد بن ملکشاه از سلجوقیان عراق را داشت. وی از شاعران نامی و ادیبان عصر خود بشمار می‌رفته است. قصیدهٔ عربی او موسوم به «لامیة العجم» معروف است. طغرائی درسال ۵۱۴ به تهمت الحاد کشته شد.

طمس (زحاف) (ع) درفاع لاتن آن است که دوسبب یعنی لاوتن را بیندازند وعین را هم حذف کند می‌ماند فابجای آن فع می‌گذارند؛ وآن را مطموس گویند.

طوبی (تن) درختی دربهشت

باغ بهشت وسایهٔ طوبی وقصر حور

با خاک کوی دوست برابر نمی‌کنم

«حافظ»

طور (تن) کوهی که موسای پیغمبر برروی آن به‌مناجات می‌رفت. گویند موسی وقتی ازخداخواست که اورا ببیند. خطاب آمد «لن ترانی» یعنی «مرا نمی‌بینی» پس خدا برکوه تجلی کرد وکوه پاره‌پاره شدوموسی مدهوش افتاد. گویند کوه احد از پاره‌های آن است.

شب تاراست وره وادی ایمن دربیش

آتش طور کجا موعد دیدار کجاست

«حافظ»

طورسینا (تن) رجوع شود به طور

آشنای طورسینا موسی عمران بود

تا که ازمعجزعصا دردست او گردد چومار

«حافظ»

طوس (ش-د) پسر نوذر وازشاهزادگان ایران که درجنگهای ایران با توران سپهدار لشکریان ایران بوده است .

طوسی (شیخ)(ت) شیخ ابوجعفر محمدبن حسن .وفات . ٤٦٠-از بزرگترین فقیهان شیعه که درفقه وتفسیروکلام وحدیث مرجع علمای شیعه می‌باشد . وی درسال ٤٠٨ از وطن خود طوس به بغداد رفته ودرنجف اقامت کرده است . ازآثار معروف او «کتاب‌التبیان» درتفسیر قرآن‌است. دیگر«مصباح کبیر»و«استبصار»و«تهذیب الاحکام»و«کتاب الرجال» است .

طوفان (تن) اشاره به طوفانی که در زمان نوح پیغمبر واقع شد ونوح به فرمان خدا با کسانش درکشتی نشست ونجات یافت .

حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح
ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت

«حافظ»

طویل (ع) از بحور شعر عربی که در فارسی معمول نیست . مثال آن این است : فعولن مفاعیلن ۲بار

طی (زحاف) (ع) درمستفعلن حذف‌فاءاست که‌می‌ماندمستعلن ، بجای آن مفتعلن می‌گذارند و آن را مطوی خوانند . در مفعولات حذف واو است که می‌ماند مفعلات بجای آن فاعلات‌می‌گذارندوآن‌را مطوی خوانند .

ظفرنامه (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف نظام‌الدین شامی که آن را در سال ۸۰۴ برحسب امر تیمور تألیف کرده است. این کتاب شامل تاریخ سلطنت و داستان فتوحات تیمور است که شخص امیر تیمور اوراق واسناد رسمی دربار خود را در اختیار مؤلف گذارده است. ظاهراً تاریخ نظام شامی بعد از سال ۸۰۶ ادامه نیافته و جزئیات وقایع سال آخر حیات امیر تیمور در این تاریخ دیده نمی‌شود. حافظ ابرو در سال ۸۱۴ در زمان سلطنت میرزا شاهرخ و به فرمان وی ذیلی بر ظفرنامهٔ شامی نوشته و تاریخ امیر تیمور را تا سال آخر حیات او به قلم آورده است. این تاریخ اساس و پایهٔ تاریخ ظفرنامهٔ شرف‌الدین علی یزدی قرار گرفته است.

(چاپ تهران)

ظفرنامهٔ تیموری (ك) کتابی بزرگ به شیوهٔ جهانگشای جوینی تألیف مولانا شرف‌الدین علی یزدی که آن را به سال ۸۲۸ و به درخواست ابراهیم سلطان بن شاهرخ تألیف کرده و مطالب آن را بیشتر از ظفرنامهٔ نظام شامی اقتباس کرده، حتی اغلب اشعار و آیات قرآن را عیناً از آن کتاب نقل کرده است. نثر ظفرنامه نثر فنی است و مورد توجه نویسندگان معاصر مؤلف قرار گرفته است. ظفرنامه مرجع تواریخی است که بعد از آن نوشته شده است. مانند حبیب‌السیر و روضة‌الصفا.

ظلمات (ن) ج ظلمت. تاریکی که خضر پیغمبر برای بدست آوردن

آب حیات به درون آن رفت

قطع این مرحله بی‌همرهی خضرمکن
ظلمات است بترس از خطر گمراهی
«حافظ»

ظهوری (ت) نورالدین محمدظهوری ترشیزی. وفات ۱۰۲۵ — از شاعرانی که در هندوستان بیش از ایران شهرت داشته است. مولدش ترشیز است وچندی درخراسان وعراق وفارس بسربرد و پس ازآن به هند رفت بعد ازمدتی اقامت دردکن به مکه سفر کرد وبه هندبازگشت وتا آخرعمر آنجا ماند. ظهوری درنثر نیز شهرت فراوان داشت. ازآثار او جز قصیده وغزل ومثنوی ،سه دیباچه به‌نام «سه نثرظهوری»معروف‌است.

ظهیر فاریابی (ت) ظهیرالدین ابوالفضل طاهربن محمدفاریابی. وفات ۵۹۸ — از شاعران قصیده سرای معروف قرن ششم. جوانی را در فاریاب گذراند، سپس به نیشابور ومازندران وآذربایجان سفر کرد ودر زبان عربی وحکمت ونجوم کسب معرفت کرد. حسام‌الدوله ابوالحسن اردشیر از ملوک باوندی مازندران و طغانشاه حاکم نیشابور و محمدبن ایلدگز وقزل‌ارسلان بن ایلدگزونصرة‌الدین ابوبکر ازاتابکان آذربایجان وطغرل‌بن ارسلان آخرین شاه سلاجقهٔ عراق را مدح کرده است. ظهیر باشاعرانی مانند جمال‌الدین اصفهانی ومجیر بیلقانی و خاقانی شیروانی معاصر بوده است. وی علاوه برعلم وادب درعلوم عقلی و نجوم دست داشته است. قصایدش به سبک انوری است ودرغزل استادی نشان داده است.

ظهیری سمرقندی (ت) بهاءالدین محمدبن علی بن محمدبن الحسن الظهیری الکاتب‌السمرقندی ازنویسندگان ومترسلان اواخر قرن ششم

واوائل قرن هفتم صاحب دیوان رسالت قلج طمغاج خان از شاهان آل افراسیاب . ظهیری صاحب تألیفات متعدد است از جمله :

«اغراض السیاسة فی اعراض الریاسة» به نام قلج طمغاج خان . این کتاب شامل لطایف کلام ملوک است از عهد جمشید تا زمان طمغاج خان . نثر این کتاب مصنوع است و دارای شواهد نظم و نثر فارسی و عربی است . دیگر « سندباد نامه » است .

ع

عاد (نن) نام قبیله‌ای از نسل عاد بن نوح که هود پیغمبر ایشان بود و به سبب نافرمانی او به طوفان باد هلاك شدند .

لشکر عادند و کلك من جو صرصر از صریر
نسل یأجوجند ونطق من جو صور اندر صدا

«خاقانی»

عارض (ط) چیزی است که انفکاکش از شیئی جایز باشد . مثل کتابت از انسان .

عارف پیرو و معتقد مسلك عرفان . رجوع شود به عرفان

عارف قزوینی (ت) میرزا ابوالقاسم . وفات در سال ۱۳۱۲ شمسی ـ شاعر غزلسرا وتصنیف ساز معاصر که مخصوصاً به مناسبت فکر آزادیخواهی شهرت یافته است . وی از ابتدای مشروطیت از پیشروان آزادی بود واشعارش نمودار احساسات شدید وطن پرستانه است . عارف باموسیقی آشنائی داشته واغلب ازتصنیفاتش را خود در مجالس موسیقی می‌خوانده است . دیوان عارف درسال ۱۳۳۲ قمری دربرلن وپس ازآن در تهران به طبع رسیده است .

عارفی هراتی (ت) محمود . وفات ۸۵۳ ـ از شاعران دورهٔ تیموری که نزد دوستان به «سلمان دوم» مشهور بوده است . زیرا که ازطرفی به روش خواجه سلمان ساوجی شعر می گفته وازطرفی چنانکه درمجالس

النفایس آمده مانند او به‌چشم درد سختی مبتلا بوده است . ازآثارعارفی مثنوی «گوی وچوگان» یا «حالنامه» است که آن را درسال ۸۴۲ به‌نام سلطان محمد ظاهراً سلطان محمد بن بایسنقر شروع کرده و در دو هفته به پایان رسانده است .

عازر (نن) نام مرده‌ای که به‌دعای حضرت عیسی زنده شد

عیسی عهدی که از نوقالب ملکت

چون تن عازر به یک قیام برآمد

"خاقانی"

عاشق اصفهانی (ت) آقا محمد . وفات ۱۲۸۱ - از شاعران معروف قرن سیزدهم . وی از نخستین کسانی است که پس از سبک هندی به پیروی از شیوهٔ قدیم برخاست و در غزل از شاعران قرن هفتم وهشتم مانند سعدی و حافظ پیروی کرد .

عالم‌آرای‌عباسی (ك) کتابی درشرح حال وسلطنت شاه‌عباس اول و اجداد او تاجلوس شاه صفی . مؤلف این کتاب اسکندر بیک منشی است که آن را درسال ۱۰۳۸ تألیف کرده است .

عاملی (ت) رجوع شود به شیخ بهائی

عباس‌مروزی (ت) از نخستین سخن سرایان ایران درقرن دوم وسوم . معروفترین شعری که به او نسبت داده‌اند قصیده‌ای است که در ورود مأمون به مرو یعنی درسال ۱۹۳ هجری درمدح اوسروده است .

عبدالرزاق سمرقندی (ت) کمال الدین عبد الرزاق بن اسحق سمرقندی . وفات ۸۸۷ - از مورخان مشهور قرن نهم و معاصر شاهرخ . مولدش هرات است ولی چون سمرقند موطن پدرش بود به سمرقندی معروف شده است . عبدالرزاق رساله‌ای درصرف ونحو به‌نام شاهرخ تألیف کرد

که مورد توجه وی قرار گرفت سپس از طرف آن شاه به سفارت به هندوستان رفت وسه سال درآنجا ماند وشرحی دربارهٔ این سفرنگاشت.

عبدالرزاق بعد ازوفات شاهرخ درخدمت میرزا عبداللطیف‌ومیرزا ابوالقاسم بابر وسلطان ابوسعید می‌زیست وپس‌ازآن عزلت اختیار کرد ودرخانقاه شاهرخیه در هرات به منصب شیخی خانقاه منصوب گردید و به سال ۸۸۷ همانجا وفات یافت. از آثار معروف او «مطلع السعدین» می‌باشد.

عبدالقاهرجرجانی (ت) رجوع شود به جرجانی

عبدالله‌انصاری (ب) ابواسمعیل عبد الله بن محمد الانصاری الهروی. وفات ۴۸۱-از صوفیان مشهور قرن پنجم ومعاصر الب‌ارسلان سلجوقی وخواجه نظام‌الملک که نسبش به ابوایوب انصاری می‌رسد. تولد خواجه عبدالله‌درهرات بوده است ودرجوانی درعلوم ادبی ودینی وحفظ اشعار عرب شهرت یافت ودرعلم حدیث وفقه توانا گشت وعرفان وتصوف را نزدشیخ ابوالحسن خرقانی‌آموخت وازشیخ ابوسعید ابوالخیر نیز بسیار استفاده کرد. خواجه عبدالله انصاری به زبان فارسی وعربی شعر سروده وصاحب تألیفات‌بسیاری‌است، ازجمله ترجمه واملاء طبقات الصوفیهٔ سلمی است به لهجهٔ هروی. دیگر تفسیری ازقرآن که اساس کارمیبدی درتألیف «کشف‌الاسرار ووعدة‌الابرار» قرار گرفته است.

رساله های‌متعددی‌به‌فارسی‌دارد مانند مناجات‌نامه، زادالعارفین، الهی‌نامه، کنزالسالکین، رسالهٔ دل و جان،قلندرنامه. خواجه عبدالله انصاری را می‌توان از پیشقدمان نثر موزون ومسجع دانست.

عبدالنبی (ت) فخرالزمانی‌قزوینی. وفات ۱۰۰۱—ملاعبدالنبی درقزوین متولد شد و چون بسن رشد رسید به شعر و ادب تمایل بسیار

یافت ، در ۹ ، سالگی به مشهد وازآنجا به هندوستان رفت وبه‌شهرهای مختلف آن مانند لاهور و کشمیر سفر کرد و درسال ۱۰۲۸ در بتنه به دربار سردارخان خواجه یادگار تقرب یافت و«تذکرهٔ میخانه» رابه‌نام او ساخت . ملاعبدالنبی درقصه‌دانی ماهربود وحافظه‌ای قوی داشت .شعر می گفت‌ودرشعر «نبی» تخلص می کرد .ازآثار دیگر او«نوادرالحکایات» یا «بحرالنوادر»است که شامل حکایتها وداستانهای‌شیرین است وظاهرا آن را در ۱۰٤۱ تکمیل کرده است .

عبدالواسع جبلی (ت) رجوع شود به جبلی

عبیدزاکانی (ت) نظام‌الدین عبیدالله زاکانی .وفات در حدود ۷۷۲-- از شاعران هجو سرا و نویسندگان قرن هشتم . از قریهٔ زاکان قزوین بود ولی مدت زیادی درآنجا بسرنبرد وبه شیراز رفت وبدآن‌شهر علاقمند گردید . عبید درشیرازبه‌تحصیل علوم‌وفنون پرداخت‌وازفاضلان و ادیبان عصر خود گردید سپس به بغداد سفر کرد و باسلمان ساوجی ملاقات کرد . وی معاصر حافظ است وابواسحق اینجو ووزیرش خواجه رکن‌الدین عمید را مدح گفته است . دیگر از ممدوحان اوشاه شجاع مظفری‌وسلطان‌اویس جلایراست .مجموعهٔ‌آثارعبید کلیات‌اوست که‌شامل قصاید، غزلیات، رباعیات ، قطعات، اشعار هزلیه ، عشاقنامه ، اخلاق الاشراف، ریش‌نامه، صدپند، تضمینات، رسالهٔ دلگشا ، رسالهٔ تعریفات موش وگربه ، سنگتراش ، فالنامه است . اشعار جدی عبید درحدود سه هزار بیت است .

عبید از بزرگان ادب است . شاعری است متعهد و بذله گو که فساد زمانه را بازبان طنزآمیز ولحن شیرین انتقاد کرده است ونبایداورا به‌هرزه درایی نسبت داد . (کلیات عبید -- چاپ‌تهران)

عتبی (ت) ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی. وفات ۴۲۷ — از ادیبان وتاریخ نویسان قرن چهارم وپنجم هجری ومعاصر غزنویان. در آغاز جوانی از شهر ری رهسپار خراسان گشته وچندی در دستگاه ناصرالدین سبکتکین وابوعلی سیمجور بسر برده است وکتاب مشهور خود را در تاریخ سلطان محمود یمین الدوله وپدرش سبکتکین به نام «تاریخ یمینی» تألیف کرده است.

عجائب البلدان (ك) کتابی منسوب به ابوالمؤید بلخی که مؤلف درآن از عجایب بلاد و برو بحر سخن گفته است وصاحب تاریخ سیستان بسیاری از مطالب خود را درباب سیستان ازاین کتاب نقل کرده است مرحوم ملک‌الشعراء بهار نسخه‌ای ازاین کتاب دراختیار داشته ولی این نسخهٔ اصلی نبوده بلکه از روی کتاب ابو المؤید تحریر شده است.

عجز (زحاف) (ع) اگر در فاعلاتن نون بیفتد به معاقبت الف آن را عجز خوانند.

عدول (ب) آن است که شاعر خطای لفظی یا معنوی را جایز دارد.
خطای لفظی برچند قسم است.

زیادات:

مانند واو «سخون» در شعر رودکی:

بودنی بود می بیار اکنون		رطل پر کن مگوی وبیش سخون

حذوف:

آدمی چون بداشت دست از صیت
هرچه خواهی بکن که فاصنع شیت

که کلمهٔ گوییس از هرچه خواهی کن حذف شده است.

تغییرالفاظ : مثل :

آب انگور وآب نیلوفل سرسراازعبیروشک بدل

دراین شعر نیلوفل بجای نیلوفر استعمال شده است .

خطای معنوی .

ای اختر سخا که زسیرنوال خویش

هرروز در سپهر تفاخر کنی قران

شاعر اگر می گفت که بانجوم تفاخر کنی درست بود ، زیرا که قران ستاره با ستاره است .

گاهی شاعر ترکیبات ناخوش وتقدیم وتأخیرهای زشت ومعانی واهی به کار می‌برد .

خرمن ز مرغ گرسنه خالی کجا بود

ما مرغکان گرسنه‌ایم و تو خرمنی

لفظ تو خرمنی استفادهٔ زشت است .

دیگرازعیوب شعر، غلود راوصاف مدح وهجاست که بحد محال برسد

کفرست وگرنه دست جود تو لا از سر لااله بر ندرد

عراقی (ت) فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی . وفات ۶۸۰- از عارفان وغزلسرایان قرن هفتم که درهمدان متولد شده و در جوانی به هندوستان سفر کرده است . عراقی درمولتان به شاگردی شیخ بهاءالدین زکریا ازبزرگان صوفیه درآمد وپس از وفات او به جانشینی‌اش برگزیده شد ولی براثر حسادت درویشان از هندوستان مهاجرت کرد وبه مکه رفت . در بغداد باشیخ شهاب‌الدین سهروردی ملاقات کرد و از آنجا به آسیای صغیر عزیمت کرد ودر قونیه به مجلس درس شیخ صدرالدین قونوی حاضر شد و کتاب «لمعات» را نوشت و به شیخ صدرالدین تقدیم

کرد . عراقی دربلاد روم مرید بسیار یافت وپس ازچندی از قونیه به مصر وازمصر به دمشق رفت وهمانجا درسال ۶۸۰ وفات یافت .

عراقی از غزلسرایان وعارفان پرشور بوده‌است ومجموع اشعارش به ۵۰۸۰ بیت می‌رسد که‌شامل غزلهای عاشقانه وعارفانه و ترجیع بند ومثنوی است . مثنوی «عشاقنامه» را به شیوهٔ حدیقهٔ سنائی ساخته‌است .

عرض (ط) از کلمات خمس . امری که به خودی خود وجود نداشته بلکه به تبع دیگری موجود باشد . مانند سفیدی،سیاهی

عرض بردوقسم است : عرض‌عام ، عرض‌خاص

عرض عام آن است که برچندین نوع صادق‌باشد ، مانندجنبنده که شامل همهٔ انواع مختلف انسان وجانوران است .

عرض‌خاص آن است که تنها به‌یک نوع تعلق داشته باشد .مانند خندان که تنها به نوع انسان اختصاص دارد .

عرضی (ط) صفتی است که در ذات موجودات نیست و خارج از ماهیت‌موضوع است وبرآن عارض می‌شود مانند خندان؛ که باآنکه این صفت دروجود مردم هست ، امادرمرتبهٔ نخستین ذات نیست .

عرفان یا تصوف مسلکی است که از قرون اولیه اسلام در ایران ظاهر گشت . پیروان این طریق خدا را اصل عالم وجودمی‌دانند که تنها هستی واقعی است ودرهمهٔ موجودات تجلی می کند و هرکه بخواهد به مقام او پی ببرد و ذات او را بشناسد باید به ریاضت نفس ووارستگی وترک علایق وشهوات واعتقاد به‌ذات احدیت وعشق شدید برای پیوستن به مبدأ خوگیرد ودست ازطلب برندارد تابه مقام کشف وشهود برسد وچون آئینهٔ دل را از ناپاکیها بزداید خدا درآن تجلی می کند . آنچه‌حکیمان می‌خواهند ازراه تعقل واستدلال به آن برسند،

عارفان از راه عشق وریاضت نفس به آن نائل می‌آیند .

عارف نسبت به همهٔ مذاهب به دیدهٔ احترام ومحبت می‌نگرد ومعتقد است که همه درراه وصول به یک مقصود پیش می‌روند . حافظ گفته است :

همه کس طالب یاراست چه هشیاروچه مست

همه جا خانهٔ عشق است چه مسجد چه کنشت

عرفی شیرازی (ن) جمال الدین محمد عرفی . وفات ۹۹۹ - از شاعران معروف قرن دهم که بیشتر شهرتش درهند وعثمانی بوده است . مولدش شیراز بوده وپدرش درداراالایاله شغل سرشته داشته است . عرفی پس ازتحصیلات مقدماتی سفری به هند کرد ومدتی درمصاحبت فیضی وابوالفتح گیلانی بود وپس ازآن به دربار خانخانان واکبرشاه راه یافت وآنان را مدح گفت . دیوان عرفی دارای قصاید وغزلیات وترجیع بند و قطعات است ، خاصه غزلهای او درهند و ترکیه مورد توجه وتقلید قرار گرفته است . قصیدهٔ معروفی درمنقبت حضرت علی در ۱۸۱ بیت سروده است . عرفی به تقلید نظامی به تألیف خمسه پرداخته و مثنویهائی به سبک مخزن الاسرار وخسرووشیرین ساخته است . رسالهٔ منثوری به نام «نفسیه» درتصوف دارد .

عروض (ع) علم شناختن وسنجیدن اوزان شعر درعربی وفارسی . این علم را خلیل بن احمدنحوی متوفی بین سالهای ۱۷۰-۱۷۶ ه وضع کرده است .

عزیزمصر (نن) وزیر اول مصر وشوهر زلیخا که یوسف راخرید ودرکاخ خود جاداد ولی براثر تهمتی که براو واردآمد، اورا به زندان افکند ویوسف پس ازرهائی اززندان به عزیری مصر رسید . درادبیات فارسی گاهی مراد از عزیز مصر یوسف است .

عزیزمصر به رغم برادران غیور

زقعر چاه برآمد به‌اوج ماه رسید

«حافظ»

عسجدی (ت) ابونظرعبدالعزیزبن منصورالمروزی. وفات درحدود ۴۳۲- ازشاعران دربار محمود غزنوی ومداح او . دیوانی به عسجدی نسبت داده‌اند که دردست نیست،فقط اشعاری از قصاید وقطعه‌ومثنوی درتذکره‌ها به نام او ثبت است . قصیدهٔ او درفتح سومنات که به‌سال ۴۱۶ صورت گرفته است ، معروف می‌باشد .

عشاقنامه (ک) ازآثار فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به‌عراقی . این مثنوی دربیان مراتب عشق وحالهای عاشق می‌باشد وشامل یک مقدمه وده فصل است درصفت عاشقان ، عاشق ومعشوق ، بیان عشق وامثال آن . مثنوی‌عشاقنامه‌شامل نزدیک یکهزاروشصت بیت است وبه‌نام خواجه سعدالدین صاحب‌دیوان می‌باشد . پروفسور آرتور . ج . آربری آن را به نظم انگلیسی ترجمه و چاپ کرده است .

عشقی (ت) میرمحمد رضا معروف به میرزاده .مقتول ۱۳۴۲ هـ- میرزاده عشقی پسرحاج سیدابوالقاسم کردستانی ازشاعران معاصر. وی در همدان متولد شد و هنگام جنگ بین‌الملل اول به اسلامبول مهاجرت کرد ودر۱۳۳۹ قمری روزنامهٔ «قرن بیستم» را منتشر ساخت .

عشقی درسن سی‌سالگی کشته شد .

(دیوان عشقی - چاپ تهران)

عصای‌موسی (تن) عصائی که چون موسای پیغمبر در محضر فرعون بر زمین انداخت اژدها شد و این از معجزات بزرگ موسی به شمار می‌آمد .

صوفیان رکوه پرآب زندگانی چون خضر
همچو موسی درعصاشان جان ثعبان آمده

«خاقانی»

همچنین وقتی که موسی در بیابان عصای خود را برسنگ زد، چشمه های آب از آن جاری شد.

خارا چوسار بر کشم وپس به نکت عصا
ده چشمه چون کلیم ز خارا برآورم

«خاقانی»

عضد الدین ایجی (ت) رجوع شود به ایجی

عطاءبن یعقوب (ت) ابوالعلاء عطاء بن یعقوب کاتب معروف به ناکوك. وفات ۴۹۱ - از شاعران وفاضلان دورۀ دوم غزنوی که به دو زبان عربی وپارسی شعر می گفته است. وی در دربار سلطان ابراهیم غزنوی تقرب داشته است ولی پس از مدتی مورد رنجش سلطان واقع شده وبه هندوستان تبعید گشته است. مسعود سعد درمدح ومرثیۀ او اشعاری سروده است. منظومۀ «برزونامه» «وبیژن نامه» را به او نسبت داده اند واشانی به پارسی وعربی درتذکرۀ لباب الالباب ازین شاعر نقل شده است.

عطار (ت) شیخ فرید الدین ابوحامد محمدبن ابوبکر ابراهیم بن مصطفی، وفات ۶۲۷ - از عارفان بزرگ ایران واز پیشوایان شاعران متصوف که درعالم تصوف به مقام ارشاد رسیده است. پدرش درشادیاخ دکان عطاری داشت وی نیز پیشۀ پدر را دنبال کرد و به همین مناسبت لقب عطار یافت. به گفتۀ خود او در داروخانه طبابت هم می کرده است. عطار پس از چندی از کسب ومشغلۀ دنیوی دست کشید و به عالم عرفان رو آورد و افکار لطیف خود را در اشعار دل انگیز بیان کرد

عطارقسمتی از عمر را به سفر پرداخت وبه مکه رفت وبسیاری ازمشایخ صوفیه را ملاقات کرد و از مریدان شیخ مجدالدین بغدادی معروف به خوارزمی گردید . عطار آثار فراوانی دارد که اغلب آنها دردست است ومشهور است که به عدد سور قرآن کتاب ورساله تألیف کرده است . از آثار او دیوان شعر شامل قصاید و غزلیات و مثنویهای اسرارنامه ، الهی‌نامه ،مصیبت‌نامه ، منطق‌الطیر ،مختارنامه ، وصیت‌نامه ، بلبل‌نامه جیدرنامه ، خسرونامه ، شرفنامه‌است .ازآثار مهم‌منثوراو«تذکرة‌الاولیاء» می‌باشد .

عطارمعانی عالی عرفانی را درزبانی ساده و روان آورده و الحق دراین کار استادی‌نشان‌داده‌است . وی‌همه‌جا حقایق عرفان را با تمثیل های گوناگون وحکایتهای مختلف شیرین ساخته است .

عطارد (نج) با تیر از همهٔ سیارات به آفتاب نزدیکتر است‌وبعد از کرهٔ ماه نزدیکترین سیارات است به زمین ، به موجب افسانهٔ یونانی قاصد خدایان بوده است . عطارد ستارهٔ دبیران وسخنوران است و«دبیرفلک» خوانده می‌شود .

دردانشی که آن خردم رازیان شدست

بر آسمان جان چو عطارد سخنورم

«انوری»

عطاردی (ت) امام ابو عبدالله عبدالرحمن بن‌محمد العطاردی ازشاعران عصر محمود که ابیاتی از اوباقی است .

عطاملک‌جوینی (ت) رجوع شود به جوینی

عقدالعلی للموقف‌الاعلی (ك) رجوع شود به تاریخ کرمان

عقرب (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقة البروج وبه

شکل کژدم . برج عقرب برابر ماه آبان است .

دم عقرب بتابید از سر کوه جنان‌جون‌چشم‌شاهین‌ازنشیمن

«منوچهری»

عقل (ط) جوهری است مجرد ازماده ؛ هم از حیث ذات وهم از حیث فعل . مجرد از ماده ازحیث ذات ، آن‌است که نمی‌شود به‌آن‌اشارهٔ حسی کرد . مجرد از ماده‌ازحیث فعل ، آن است که درصدور فعل محتاج به‌آلت نباشد .

عمرخیام (ت) رجوع شود به خیام

علاءالدوله‌سمنانی (ت) ابوالمکارم رکن‌الدین احمدبن محمد بیابانکی‌سمنانی . وفات ۷۳٦ - ازعارفان بزرك نیمهٔ دوم قرن هفتم‌ونیمه اول قرن هشتم که درسال ٦۵۹ هجری درقریهٔ بیابانك از قراء سمنان متولد شده است . پدرش محمد ملقب به ملك شرف‌الدین در دستگاه غازان‌خان سمت وزارت داشت. علاءالدوله‌دردوران جوانی به‌آموختن علوم عقلی و نقلی پرداخت ودرپانزده سالگی به ملازمت عم خود در دستگاه ارغون به‌خدمت دیوانی مشغول گشت ومورد توجه ارغون‌خان شد ولی پس از ده سال از کاردیوانی دست کشید وبه عبادت وتکمیل علوم دینی پرداخت وصرف ونحو وحدیث وتفسیر و فقه را نزد استادان فن آموخت واجازهٔ روایت‌حدیث گرفت ودر٦۸۷ به بغداد سفر کردوبه خدمت شیخ عبدالرحمن اسفراینی رسید وجزء مریدان او گشت وازآنجا سفری به‌مکه کرد و باز به بغداد برگشت و از شیخ عبدالرحمن مرتبهٔ ارشاد یافت وبه سمنان بازگشت وبه عبادت وارشاد پرداخت .

علاءالدوله‌دارای آثار بسیار به‌زبان فارسی‌وعربی‌است . درحدود سیصد کتاب و رساله به او نسبت می‌دهند . از آن‌جمله «مطلع‌النقط

و مجمع اللقط» در تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن به‌زبان‌عربی «سرالبال فی‌اطوار سلوك اهل‌الحال» به‌فارسی «وسلوة العاشقین» به‌فارسی‌و«العروة الاهل الخلوة والجلوة» درحکمت الهی.

علاءالدوله شعر نیزمی‌سروده وجند غزل ورباعی از اوباقی‌است.

علیشیر نوائی (ت) امیرنظام‌الدین علیشیر نوائی. وفات ۹۰۶ — وزیردانشمندسلطان‌حسین بایقرا که‌اجدادش درخدمت تیموریان مقامات عالی داشتند واو طفولیت را به مصاحبت‌حسین میرزا بایقرا گذراندوبااو به‌مرو رفت ودرآنجا به کسب کمالات پرداخت ودرزمان سلطنت‌سلطان حسین به‌شغل مهرداری وامارت دیوان خاص او مشغول گشت. پس ازآن به حکومت استراباد رفت، اما پس از چندی ازحکومت استراباد استعفاداد وعزلت اختیار کرد. امیرعلیشیرمردی متدین بود وبه‌راهنمائی مولانا عبدالرحمن جامی به طریق درویشان نقشبندیه گروید. معروف است که امیر علیشیر ۳۷۰ باب مسجد و مدرسه واماکن خیربنا کرد وبراثرتشویق اوصنایع‌ظریفه‌وموسیقی‌پیشرفت کرد. وی‌ادیبان وشاعران را تشویق می‌کرد وصله می‌بخشید، چنانکه دربارسلطان حسین بایقرا ازوجود ادیبان وهنرمندانی که تحت توجه آن وزیر دانشمندقرارگرفته بودرونق بسیاری‌یافت. امیر علیشیربه‌زبان جغتائی (ترکی شرقی) وزبان فارسی تسلط کامل داشت وبه‌هردو زبان شعر می‌سرود ودرشعر «فانی» تخلص می‌کرد. درزبان ترکی‌پنج‌مثنوی به‌تقلید خمسه ومثنوی‌دیگر بنام «لسان‌الطیر» به سبک منطق‌الطیر عطار ساخت. ازآثار او تذکرهٔ «مجالس‌النفایس» به زبان‌ترکی و«خمسةالمتحیرین»و «رسالهٔ محاکمة اللغتین» و «رسالهٔ میزان الاوزان» است.

عماد فقیه کرمانی (ت) وفات ۷۷۳- ازفقیهان و شاعران قرن

هشتم و معاصر شاه شجاع . حافظ در اشعار خود او را به ریاکاری وصف کرده است . چنانکه منقول است عماد گربه‌ای را آموخته بود که هنگام اداء نماز و انجام رکوع و سجود به او اقتدا کند . شاه شجاع این عمل گربه را دلیل بر کرامت عماد می‌دانست ، ولی حافظ آن‌را به حیله و مکر نسبت داده است . عماد فقیه اهل کرمان بوده ودرآنجا مدرسه‌ای بنا کرده است . از آثار منظوم او یکی دیوان غزلیات اوست . دیگرمثنوی «محبت‌نامهٔ صاحبدلان» ومثنوی «مونس الابرار» .

عمادی (ت) امیرعمادالدین عمادی شهریاری . وفات ۵۸۳ - از شاعران اواخرقرن ششم . معاصر ومداح سیف‌الدین عمادالدوله فرامرز شهریار مازندران و از امیران خاندان باوندی . عمادی پیش از آنکه به عمادالدوله به پیوندد ، شهرتی نداشته است ، لیکن شاعر نوازی این امیر موجب شهرت فکر و قریحهٔ او شده است . وی پس از وفات عمادالدوله به‌عراق‌آمدوبه‌دربارطغرل بن محمد پیوسته‌واورامدح گفته‌است . دیگر از ممدوحان او اتابک‌جهان پهلوان می‌باشد . اشعار عمادی‌روان است ولی گاه به‌سبب تشبیهات وتعبیرات دشوار مشکل می‌شود .

عمارهٔمروزی (ت) وفات‌اوائل قرن پنجم -- ازشاعران معروف اواخر عصر سامانی واوائل غزنوی که‌افامتش درمرو بوده است . عماره درقتل ابوابراهیم آخرین شاهزادهٔ سامانی مرثیه‌ای ساخته وپس ازآن سلطان محمود سبکتکین را نیز مدح کرده است .

قطعاتی از اشعاراودرلغت‌فرس اسدی ولباب‌الالباب نقل‌شده‌است .

عمعق بخارائی (ت) امیرالشعرا ابوالنجیب شهاب‌الدین عمعق بخارائی . وفات۵۴۳ -- از شاعران‌معروف ماوراءالنهردراوایل قرن‌ششم .

مولدش بخاراست و پس از کسب فضائل به سمرقند رفت وبه دربار آل خاقان راه یافت ودر دربارخضرخان ابراهیم به لقب ملک‌الشعرائی مفتخر گشت . از ممدوحان و معاصران عمعق ابوالحسن شمس‌الملک نصربن طمغاج خان ابراهیم بن نصرواحمد خان بن خضرخان ومحمود خان بن شمس‌الملک نصرورکن‌الدین ابوالمظفر طمغاج خان مسعود و چند تن دیگر از ملوک خانیه است . عمعق باسلطان سنجر رابطه داشت ومرثیه‌ای درمرگ دخترش سروده‌است وازشاعران ماوراءالنهر بارشیدی سمرقندی وانوری معاصر بوده است .

عمعق برعلوم زمان خوداحاطهٔ کامل داشت واین امر دراشعارش نمودار است. وی در صنایع بدیع خاصه درآوردن تشبیهات لطیف‌وکلمات موزون استادی داشته است . دیوانش شامل قصیده و رباعی است .

یوسف وزلیخائی را که بر دو بحر خوانده می‌شود به او نسبت داده‌اند که اکنون دردست نیست .

عنصرالمعالی (ت) امیرعنصر المعالی کیکاوس بن اسکندربن قابوس‌وشمگیر. وفات درحدود ۴۹۲ ـ از امیران‌دانشمندخاندان زیاری که درقرن‌چهارم‌وپنجم‌درگرگان وگیلان‌وطبرستان ورویان وری‌وجبال امارت داشتند . عنصرالمعالی مدتی طولانی از سرزمین امارت خاندان خود دور بوده است وبنابرگفتهٔ او هشت سال درغزنین ندیم مودودبن مسعودغزنوی بوده‌وچندی در هندوستان بسر برده ومدتی‌نیز درسفرحج گذرانیده است .

عنصرالمعالی مردی دانشمند بود که علاوه‌برنویسندگی به زبان فارسی دری وطبری شعر می‌سروده است . درانشاء و عروض و موسیقی ونجوم دست داشته وازآثار معروف او «قابوسنامه» است .

عنصری (ن) ابوالقاسم حسن بن احمد. وفات ۴۳۱ — از شاعران بزرگ قصیده سرای دورهٔ غزنوی. عنصری بوسیلهٔ امیرنصربن ناصرالدین به خدمت سلطان محمود معرفی شد ونزد او تقرب یافت و ملک‌الشعرای دربار گشت ومال وثروت فراوان بدست آورد. اشعارش بیشتر درمدح سلطان محمود وامیرنصر وسلطان مسعود وفتوحات ولشکرکشی‌ها وجنگهای ایشان است. دیوان قصاید عنصری اکنون متجاوز از دوهزار بیت دارد وگویا دراصل سی‌هزار بیت بوده است. عنصری جز دیوان شعر، منظومه‌های دیگر نیز داشته‌است مانند مثنوی «وامق وعذرا» و «سرخ بت وخنگ بت» «شادبهروعین‌الحیاة» که بعضی ازابیات آنها درفرهنگها موجود است. عنصری به‌زبان وادب عرب نیز احاطهٔ کامل داشته ودر اشعارش فکر منطقی واحاطهٔ او برعلوم عقلی آشکاراست. سبک قصیده سرائی عنصری بعدها مورد تقلید بیشتر شاعران قصیده سرا قرار گرفته است.

عوا (نج) منزلی از منازل قمر، که شامل چهارستاره است به‌صورت سگ فریاد کننده

خصم سگدل زحسد نالد چون جبهت ماه

نور بی صرفه دهد وعوع عوا شنوند

«خاقانی»

عوفی (ت) سدیدالدین یا نورالدین محمدبن محمدعوفی بخاری. وفات ۶۳۵ از نویسندگان ودانشمندان بزرگ ایران دراواخر قرن ششم واوایل قرن هفتم. وی ازفرزندان عبدالرحمن بن عوف ازصحابهٔ حضرت رسول اکرم می‌باشد وبه همین جهت به‌عوفی شهرت یافته است. ولادتش دربخارا درنیمهٔ دوم قرن ششم اتفاق افتاد و مقدمات علوم را همانجا

انجام داد . پس ازآن به بلاد ماوراءالنهر وخراسان وسیستان سفر کرد وبا بزرگان ودانشمندان ملاقات کرد . عوفی دراوائل حملهٔ مغول به بلاد سندرفت وبه خدمت ناصرالدین قباجه رسید وتاسال ۶۲۵ درخدمت او بود و هنگامی که ناصرالدین قباجه مغلوب سلطان شمس الدین التتمش شد وخود را درسند غرق کرد، عوفی به خدمت التتمش درآمد ودردهلی اقامت کرد .

عوفی علاوه برنویسندگی شعرنیز می گفته وقصاید وقطعات مختلف ازاو باقی است ودرجوامع الحکایات قطعه‌ای از اشعاری که درستایش نظام الملک جنیدی سروده است ذکر کرده است .

ازآثار مشهور عوفی «لباب الالباب» و «جوامع الحکایات» است .

عیسی (تن) عیسی بن مریم ازپیغمبران اولوالعزم و کتاب آسمانیش انجیل است . عیسی قوم اسرائیل را به دین خود دعوت کرد ، ایشان نپذیرفتند وازاو معجزه خواستند او مرده ای را به التماس ایشان زنده کرد تا به پیغمبری او گواهی داد . سرانجام جهودان قصد کشتن اورا کردند عیسی گریخت ولی یکی از حواریون ، یهودانام ، دربرابر سی درم رشوه عیسی را به ایشان نشان داد . جهودان خواستند عیسی را بگیرند، حق تعالی اورا ازچشم ایشان پنهان داشت وایشوع ،بزرگ یهود را به صورت عیسی درآورد . اورا گرفتند ، هرچه فریاد کرد «من ایشوعم» فایده نکرد ایشوع را به دارزدند وعیسی به آسمان رفت . ایشوع هفت شبانه روز بردرخت ماند . مریم هرشب پای درخت می رفت ومی گریست . شب هفتم عیسی ازآسمان به زمین آمد تا مریم را آرامش بخشد ، هفت نفر از حواریون آن شب عیسی را دیدند وتاصبح با او بودند ، سحرگاه عیسی به آسمان رفت .

به عیرت از نفسس روح عیسی مریم

به حجلت ار قلمس چوب موسی عمران

«انوری»

عین القضاة (ت) ابوالمعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی. وفات ۵۲۵--ار مشایخ صوفیه وازشاگردان عمر خیام وامام احمد غزالی که درآثار خود ازاستادش غزالی نکته های بسیار نقل کرده است. عین القضاة درجوانی به کسب کمالات پرداخت وازراه مطالعه در معارف عصر خود تبحر یافت. وی ازرجال مشهور زمان خود بگانه داشته است وبه علت بی پروایی در افشای اسرار صوفیان و حملهٔ به متعصبان مورد کینهٔ علمای متعصب قرار گرفت وسرانجام هم درسال ۵۲۵ به تهمت الحاد وزندقه درهمدان بردار کشیده شد. وی بعلت حسن بیان ونفوذ کلام مریدان بسیار داشت که به او عشق و ارادت می ورزیدند. عین القضاة درمدت عمر کوتاه خود یعنی درسی وسه سال، آثار بسیاری بفارسی وعربی از خود باقی گذاشت از جمله «یزدان شناخت»، «تمهیدات یازده الحقایق» و«مکاتیب».

عیوب قافیه (ق) عیوب قافیه هشت است. اقواء، اکفاء سناد، ایطا، مناقضه، تضمین، تخلیع، عدول. (به هریک از این کلمات رجوع شود)

عیوق (نج) ازستارگان ثابت که دربازوی ممسک العنان(گیرندهٔ عنان) است

بسوده دست جلال تو دامن عیوق

سپرده پای کمال تو ذروهٔ اعلی

عیوقی (ب) از شاعران قرن ششم ودورهٔ سلجوقیان. مثنوی «ورقه

و گلشاه » از او باقی است .

عیون‌الاخبار (ك) تألیف ابوعبدالله محمدالدینوری معروف به ابن قتیبه . این کتاب به‌زبان‌عربی‌ودارای مقدمه وده باب است وعلاوه برحکایتهای تاریخی ، شامل مطالبی اجتماعی است مانند شرح صفات وسیرتهای طبقات مختلف کشورهاوخطبه های‌تاریخی‌وحدیثهای‌معروف . ابن قتیبه آداب لشکر کشی‌وسلاح پوشی اعراب وایرانیها را نشان‌می‌دهد آداب تیراندازی ، اسب سواری رااز کتاب‌آئین‌نامک که‌از بین رفته‌است نقل می‌کند . ازاین کتاب بخوبی می‌توان به عادات و روحیات ملل وسیاستها وطرز حکومتها ورفتارامراو پادشاهان پی برد . علاوه براین نکات جغرافیائی هم دارد که قابل استفاده است .

غ

غالب (ب) میرزا اسدالله‌خان غالب . وفات ۱۲۸۵ – از شاعران پارسی زبان هند است که در شهر آگرا متولد شده و در دهلی اقامت کرده و همانجا وفات یافته است . غالب به زبان اردو و فارسی شعر می گفت اشعاری در مدح بهادرشاه ثانی آخرین پادشاه بابریان دارد . از غالب قصاید و غزلهای بسیار باقی مانده است .

(دیوان غالب — چاپ هند)

غرر اخبار ملوك الفرس وسیرهم (ك) تاریخ مهمی به زبان عربی تألیف ابو منصور عبدالملک بن محمد ثعالبی نیشابوری که آن را به امر ابوالمظفر نصر بن ناصرالدین سبکتکین تدوین کرده است .

موضوع کتاب تاریخ شاهان ایران است از ابتدای شاهی کیومرث تا یزدجرد بن شهریار ، آخرین شاه ساسانی .

ثعالبی داستانهای ملی ایران را مانند داستان زال و رودابه و رستم و اسفندیار در این تاریخ ذکر کرده است . منابع ثعالبی کتب مختلف فارسی و عربی مانند تاریخ حمزه اصفهانی ، تاریخ طبری ، شاهنامهٔ ابومنصوری است . از مسعودی مروزی و مزدوج او نیز نام می برد . بسیاری از داستانهای کتاب ثعالبی عیناً داستان شاهنامهٔ فردوسی است و حتی طرز بیان حکایتها شبیه به هم است .

غریب (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی . مفاعلاتن مفاعلاتن مستفعلن

۲ بار» . اما این بحر درفارسی نیز رواج بسیار ندارد .

بحر غریب مسدس مخبون (فعلاتن مفاعلن مفاعلن)

ملکا تیغ تو مربد سگال را بخورد همچو غضنفر شگال را

غزالی (ت) حجة‌الاسلام امام زین‌العابدین ابوحامد محمد بن محمد غزالی طوسی . وفات ۵۰۵ — ازمشهورترین متکلمان وعالمان دین اسلام درقرن پنجم . علوم دینی وادبی را درمدارس طوس ونزدیکی از دوستان پدرش موسوم به ابوحامد احمد رادکانی آموخت ، سپس به نیشابور رفت ودرآنجا نزد امام الحرمین ابوالمعالی جوینی ، فقیه بزرگ شافعی ، به تحصیل علم پرداخت ودربیست وهشت سالگی درعلوم متداول دینی زمان خود استاد گردید وپس از وفات امام الحرمین به خدمت خواجه نظام الملک رسید ودر سال ٤٨٤ بنا به دعوت او برای تدریس در مدرسه نظامیه ، به بغداد رفت وچهارسال درآنجا به تدریس مشغول بود .

شهرت غزالی در همان اوایل جوانی به حدی رسید که چند بار ازطرف ملکشاه به رسالت نزد خلیفه رفت . امام غزالی باوجود شهرت ومقام عالی که بدست آورده بود ، درسی ونه سالگی میل به اعتزال کرد وامام احمد غزالی برادر خود را درنظامیه جانشین کرد وخود به حج رفت و مدت ده سال درشهرهای بیت‌المقدس و شام و مصر وحجاز گذراند وبعضی ازکتابهای خود را درآن مدت تألیف کرد . پس از این سفر طولانی به طوس بازگشت ومدتی درنظامیهٔ نیشابور تدریس کرد و بعد ازآن عزلت گزید تا درسال ۵۰۵ درطوس درگذشت .

غزالی درحدود هفتاد کتاب ورساله درعلوم دین واصول وکلام وحدیث واخلاق وفلسفه ومنطق وتصوف تألیف کرده است . ازآنها معروف او به زبان عربی «احیاء العلوم» ، «مقاصد الفلاسفه» «تهافت الفلاسفه» ، درفلسفه

وحکمت، «معیارالعلم» در منطق ، از رساله های مهم او رسالهٔ «المنقذ من الضلال» است که درحقیقت سرگذشت روحانی اوست. «الوسیط» در فقه و «البسیط» درفروع مذهب شافعی .

ازآثار مهم او به فارسی مجموعهٔ مکاتیب فارسی، کیمیای سعادت، نصیحة الملوک است .

غزالی از دانشمندان بزرگی است که مدتها دچار حملهٔ سخت متعصبان واقع شده و به تهمت زندقه و الحاد گرفتار شده است . وی گذشته از مقام بزرگش درعلوم مختلف ، در نثر فارسی هم مقام خاصی دارد ودرآوردن لغات واصطلاحات تازه بطریق ساده ودرخور فهم عوام قدم تازه‌ای درنثر فارسی برداشته است .

غزالی (ت) شیخ المشایخ مجدالدین ابوالفتوح احمدبن محمد غزالی طوسی . وفات ۵۲۰ - برادر حجةالاسلام ابوحامد محمدبن محمد غزالی وازجملهٔ فقیهان مذهب شافعی . وی مدتی بجای برادر درمدرسهٔ نظامیه بغداد تدریس کرد . غزالی به وعظ علاقهٔ بسیاری داشته ومربی چند تن از مشایخ بزرگ صوفیه بوده است .

ازآثار او کتاب «بحرالحقیقة» است وموضوع آن مراحل وصول به حق است یعنی برای رسیدن به حق باید از بحرهای ، معرفت ، جلال ، وحدانیت، ربوبیت، الوهیت، عزت، گذشت . دیگر کتاب «الذخیره فی علم البصیره» . دیگر «سوانح العشاق» که غزالی آن را در اسرار عشق نوشته است ودرضمن فصول، حکایتها ومثلها واشعاری ذکر کرده است . نوشتهٔ این کتاب بسیار ساده وپرازلطف است . دیگر از آثار او مکاتیبی است به فارسی که همهٔ آنها به اشاراتی ازآیات واحادیث آمیخته وبسیاری از عقاید درآنها مورد بحث قرار گرفته است .

غزل (ب) ابیاتی است در وزن وقافیهٔ واحد، ومصراع اول بیت نخستین یعنی مطلع شعر نیزدارای قافیه است . غزل از حیث ظاهر مانند قصیده است جز آنکه عدد ابیات غزل از هفت تا چهارده است و بیشتر مضمون عاشقانه دارد و زبان احساسات یا گفتگوی با معشوق و خطاب به اوست . غزل یا عرفانی است یعنی مضمون آن مربوط به عالم فوق الطبیعه وحقیقت مطلق ومطالب اخلاقی می باشد یا غزل عادی که خطاب به معشوق ودوست است .غزلهای حافظ وسعدی ومولوی نمونهٔ عالی غزل فارسی است .

غضائری رازی (ت) ابوزید محمد الغضایری الرازی . وفات ۴۲۶—از شاعران دورهٔ غزنوی وشیعی مذهب . غضائری اهل ری بوده وامیران دیلمی آل بویه را درری مدح گفته است . اشعاری نیز درمدح سلطان محمود غزنوی دارد .خاصه درقصیدهٔ لامیه از عطاهای این شاه سخن گفته است . دیوان غضائری دردست نیست .

غضائری باعنصری بحث ادبی داشته است وقصایدی انتقادی برای یکدیگر می فرستادند .

ازاشعارش قصائد وقطعه هائی در کتابهای لغت وتذکره باقی است .

غلمان (نن) جمع غلام . پسران بهشتی . این کلمه در قرآن کریم آمده است .

فردا اگرنه روضهٔ رضوان به ما دهند غلمان زروضه حور زجنت بدر کنیم

«حافظ»

غنی (ت) ملامحمدطاهرغنی کشمیری . وفات ۱۰۷۷—ازشاعران معروف هندوستان ومعاصر صائب . دیوانش شامل غزلهائی است که نمونه‌ای از رقت خیال است . (دیوان غنی — چاپ هند)

غیاث اللغات (ك) فرهنگی تألیف محمد غیاث الدین بن جلال الدین

بن شرف‌الدین رامپوری از فارسی شناسان هند که آن را در سال ۱۲۴۲ پس از چهارده‌سال صرف وقت تألیف کرده است . این کتاب جامع لغات کثیرالاستعمال فارسی وعربی وترکی است که مؤلف آن از کتابهای لغت وادب و شعر ونجوم وطب استفاده کرده و برای هرلغت مأخذ ومنبعی ذکر می‌کند کتاب از این حیث دارای ارزش است ولی فاقد شواهد شعری و نثری می‌باشد .

(غیاث‌اللغات -- چاپ هند و تهران)

ف

فارابی (ت) ابونصر محمدبن محمد الفارابی . وفات ۳۳۹-از بزرگترین فیلسوفان ایرانی . درشهرفاراب ماوراءالنهر متولد شده است . بعضی نژاداو را از ترکان وبیشتر از ایران می دانند . فارابی ازماوراءالنهر به بغداد رفت ودرآنجا به تحصیل زبان عربی پرداخت وعلوم فلسفی را نیز همانجا فرا گرفت وکتابهای ارسطو را مطالعه کرد . پس از آن به حلب ودمشق رفت وبه خدمت سیف‌الدوله ابوالحسن علی‌بن عبدالله بن‌حمدان رسید وهمچنان دردمشق ماند و به تألیف پرداخت . فارابی به سبب شرحهائی که بر آثار ارسطو نوشته است به «المعلم الثانی» مشهور شده است و مقام او را بعد از ارسطو قرار داده‌اند . فارابی در همهٔ علوم عهد خود استاد وصاحب تألیف است . درریاضیات وموسیقی وطب اطلاعات بسیار داشته است وازآثار اوشرحهائی است که برانالوطیقای اول وثانی وسوفسطیقا وبوطیقای ارسطونوشته است . درعلم‌النفس کتاب النفس اسکندرالافرودیسی ودرعلوم، السماع الطبیعی والاثارالعلویه والسماء والعالم وکتاب الحروف ارسطو والمجسطی بطلمیوس راتفسیر کرده‌است . از کتابهای دیگراو «رسالة فی مبادی آراء اهل المدینة الفاضله» و«فصوص الحکم» و«الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو طالیس» . فارابی کوشیده‌است که دراین کتاب بین عقاید افلاطون و ارسطوالتیام دهد . عقاید فارابی درفیلسوفان بعد از او اثر فراوان داشته است .

فارسنامه (ك) تألیف ابن البلخی که دراوائل قرن ششم وبنا به دستور سلطان محمدبن ملکشاه سلجوقی تألیف یافته است واز کتابهای معتبر فارسی واز منابع تاریخ پیش از اسلام وجغرافیای فارس است. مؤلف دراین کتاب ازتاریخ حمزة بن الحسن وتاریخ محمدبن جریرطبری وکتابهای دیگرعربی وفارسی استفاده کرده است. دراین کتاب پادشاهان ایران پیش از حملهٔ عرب برچهار دسته تقسیم شده‌اند: پیشدادیان - کیانیان - اشکانیان - ساسانیان. مؤلف ازاسکندروجانشینانی نیز ذکر کرده است. نثر کتاب بسیار روان ومحکم است.

(چاپ تهران -- ۱۳۱۲ شمسی)

فاصله (ع) از ارکان اوزان عروض.

فاصله بردوقسم است: فاصلهٔ صغری. فاصلهٔ کبری.

فاصلهٔ صغری عبارت است از سه متحرك و یک ساکن. مثال: بدهم و علامت آن سه صفر است و یک الف ٥٥٥١

فاصلهٔ کبری چهار متحرك است و یک ساکن مثال: بدهمش. ومثال آن چهار صفر و یک الف است دراین صورت: ٥٥٥٥١

فتحعلی خان صبا (ت) رجوع شود به صبا

فتوحی (ت) اثیرالدین شرف الحکماء فتوحی مروزی از شاعران بزرك مرو درنیمهٔ آخرقرن ششم. فتوحی معاصر انوری است وبنابرقول رضاقلیخان هدایت قطعهٔ مربوط به «هجوبلخ» که به انوری نسبت داده‌اند از فتوحی است. وی باادیب صابرترمذی ومکاتبه داشته است وعوفی اورا درنظم ونثر استاد دانسته است. اشعاری از فتوحی در تذکره‌ها باقی است.

فخرالدین عراقی (ت) رجوع شود به عراقی

فخر رازی (ت) ابوعبدالله فخرالدین محمدبن عمربن الحسین

طبری رازی . وفات ۶۰۶ — معروف به ابن الخطیب از فیلسوفان و متکلمان وفقیهان شافعی واز عالمان بزرگ ایران در قرن ششم که درعلوم اسلامی از نوادر زمان خود به شمار می‌رفت . امام فخر رازی در فنون مختلف تألیفات مهم دارد وبه مناسبت آنکه در جدل وایراد برفلاسفه و شک درمسائل فلسفی استادی داشت اورا «امام المشککین» خوانده‌اند . فخررازی از مخالفان ابن‌سینا بود و از راه استدلال عقلی و فلسفی به رد عقاید او پرداخت .

از آثار مشهور او به زبان‌عربی در کلام «نهایةالعقول» و «کتاب الاربعین» و «محصل افکار المتقدمین والمتأخرین من الحکماء والمتکلمین .» و رساله ای درمعراج است .

درفلسفه وحکمت : الملخص، شرح الاشارات، شرح عیون الحکمة، مباحث المشرقیه، النهایة است . در تفسیر : مفاتیح الغیب ، که معروف به تفسیر کبیر است و درحقیقت دائرة المعارفی است از علوم دینی که ناتمام گذارده‌است . دیگر «نهایةالاعجاز» دربیان موارد فصاحت وبلاغت قرآن .

مهمترین آثار او به زبان فارسی «جامع العلوم» یا حدائق الانوار فی حقایق الاسرار است که آن را به نام علاءالدین تکش خوارزمشاه درسال ۵۷۴ تألیف کرد . دیگررسالهٔ روحیه است درحقیقت روح وفنای جسم وحکمت مرگ وپندونصیحت . دیگر«اصول عقاید» در هشت باب . دیگر رسالهٔ «الاختیارات العلائیه» درنجوم که آن‌را به نام علاءالدین خوارزمشاه دردومقاله نوشته‌است واین کتاب به عربی ترجمه‌نشده است .

فخر گرگانی (ت) فخرالدین اسعدالجرجانی . وفات در حدود ۴۶۶ — ازشاعران‌داستانسرای ایران درقرن‌پنجم . وی معاصرابوطالب

طغرل بیک محمدبن میکائیل بوده ونزد اوتقرب داشته است . از احوال فخرالدین اسعد اطلاع بسیاری دردست نیست ولی از اشعار اوپیداست که با اکثر علوم متداول زمان خود آشنا بوده وکتب فلسفه وحکمت خوانده واز ادبیات فارسی وعربی اطلاع کامل داشته وبه زبان پهلوی نیز آشنا بوده است . فخرالدین اسعد هنگامی که طغرل سلجوقی درسال ٤٤٣ هجری اصفهان را فتح کرد، با او بود وبعد ازاو درآنجا نزدحاکم اصفهان ابوالفتح المظفربن محمد ماند وبه درخواست او داستان ویس ورامین را به نظم آورد . فخر گرگانی سلطان ابوطالب طغرل بیک وخواجه عمیدالملک کندری وزیر معروف طغرل وخواجه عمیدابوالفتح را مدح گفته است .

فرالاوی (ب) ابوعبدالله محمدبن موسی الفرالاوی از شاعران معروف سامانیان ومعاصر شهید بلخی که رودکی اورا باشهید در یک ردیف آورده است. ابیات کمی ازاین شاعر درمجمع الفصحاء ولباب الالباب عوفی ذکر شده است .

فرخی (ب) ابوالحسن علی بن جولوغ . وفات ۴۲۹ ه. ازشاعران بزرگ دربار سلطان محمود غزنوی . پدرش غلام امیر خلف بانو یعنی خلف بن احمدبن محمد خلف بن اللیث صفاری بوده است . فرخی ابتدا به دربار چغانیان رفت و ابوالمظفر احمدبن محمد امیر چغانی را مدح کرد و مورد نوازش او قرار گرفت . پس از آن به دربار غزنوی روی نهاد ومورد اکرام محمودغزنوی واقع شد. قسمت عمدهٔ قصاید فرخی درمدح سلطان محمود وپسران وبرادرش ووزیران وندیمان آنان می باشد .

دیوان فرخی بیش از نه هزاربیت دارد وشامل قصاید وغزلیات وقطعات و ترجیع بند و رباعیات می باشد . اشعار فرخی بسیار ساده

وطبیعی است واز پیچیدگی وتکلف خالی‌است. درتغزل با دنیای واقعی بیشتر سروکار دارد ودرقصایدنیز جنبهٔ واقعیت تاریخی را بیشتر درنظر گرفته‌است، خاصه جنگهائی راکه خود ناظر آن بوده است بسیار زنده و حقیقی وصف می‌کند. فرخی با موسیقی نیز آشنائی داشته و چنگ می‌نواخته است. همچنین در عروض و نقدالشعر دست داشته کتاب «ترجمان‌البلاغه» را به او نسبت داده‌اند، ولی این نسبت درست‌نیست زیراکه تألیف این کتاب دراواخر قرن پنجم واوائل قرن ششم بوسیلهٔ یکی از ادیبان به‌نام محمدبن عمرالرادویانی صورت گرفته است.

فرخی را می‌توان از قصیده سرایان درجهٔ اول ایران دانست.

(دیوان فرخی- چاپ تهران)

فرد (ب) عبارت است از بیتی مستقل که دارای معنی خاص ومستقل باشد، خواه دومصراع آن یک قافیه داشته باشد یانه. مثال:

زان تلخی نرد سلمان بردن

عیب است ولیکن هنراست ازسوری

فردوسی (ت) ابوالقاسم‌حسن. وفات ۴۱۱ تا ۴۱۶—شاعربزرگ حماسه سرای ایران درقرن چهارم وپنجم. وی ازخانوادهٔ دهقانان‌بود وثروت وضیاع موروث‌داشت. فردوسی‌درحدود سال ۳۷۰ درسن‌چهل سالگی به نظم‌شاهنامه شروع کرد وآن را درحدود سال ۴۰۰ به‌پایان رساند و در حدود سال ۳۹۳ بادربارسلطان محمود رابطه یافت، یعنی هنگامی‌که ثروت‌خود را صرف شاهنامه کرد واز تهیدستی به جان‌آمد، به فکر تقدیم شاهنامه به محمودبن ناصرالدین سبکتکین افتاد وبوسیلهٔ ابوالعباس فضل‌بن‌احمد اسفراینی، نخستین وزیر سلطان محمود، به دربار او معرفی شد. اما پس از عزل و مصادره ابوالعباس با بعال

دیگر که ازآن جمله تشیع فردوسی و تعصب محمود در مذهب سنت بود و به علت مدح فراوان از شاهان ایران مورد بیمهری سلطان قرار گرفت، چنانکه محمود برخلاف عهد خود به جای یک دینار دربرابر هربیت یک درم به او داد و این امر موجب رنجش فراوان فردوسی گشت وازغزنین به خراسان عزیمت کرد و شش ماه در خانهٔ اسمعیل وراق ، پدر ازرقی شاعر ، ماند وازآنجا به طبرستان رفت وبه خدمت سپهبد شهریار از آل باوند رسید ومحمود راهجا کرد . ولی شهریار آن هجا را خرید ودستور داد تا به‌آب شستند . فردوسی از مازندران به خراسان باز گشت ودر مولد خود بسربرد تا به سال ۴۱۱ تا ۴۱۶ بدرود زندگی گفت . گویند وقتی سلطان محمود انعام وصلهٔ شاعر را فرستاد که جنازهٔ او را به گورستان می‌بردند . اثر معروف او شاهنامه است که گرانبهاترین وبزرگترین اثر ادبی ایران است . قصهٔ یوسف وزلیخای منظوم را به او نسبت می دادند ولی اکنون مسلم شده است که از او نیست .

فرقدان یا فرقدین (نج) از کواکب ثابت ودوستارهٔ روشن است برسینهٔ دب اصغر

ای رسانده به دولت فرق خود برفرقدین
گسترانیده به جود و فضل درعالم یدین

«ابوالعباس مروزی»

فرقدی (ت) محمدبن عمر فرقدی ازشاعران خراسان در اواخرقرن ششم . معاصرومداح محمدبن سام پادشاه غوری است . اشعار کمی از او باقی است که قدرت او را درشعر می‌رساند .

فرنگیس (س — د) از زنان داستانی شاهنامه ودختر افراسیاب که سیاوش اورا به زنی گرفت وهنگامی که سیاوش نزد افراسیاب متهم

شد ، فرنگیس به زاری نزد بدر رفت واورا از کشتن سیاوش منع کرد ، اما افراسیاب گذشته از کشتن سیاوش فرمان داد که فرنگیس را آنقدر برنند تا طفلی که ازسیاوش درشکم اوست، بیفتد . سرانجام پیران ویسه خود را به درگاه رساند وفرنگیس را از افراسیاب گرفت و به خانه برد وجانش را نجات داد . فرنگیس کیخسرو را به جهان آورد وچندسال پس ازآن به یاری گیو باپسرخود به ایران گریخت .

فرنود سار (ك) رجوع شود به فرهنگ نفیسی

فروغی (پ) محمد علی ملقب به ذکاء الملك . وفات ۱۳۲۱ — از رجال و دانشمندان معاصر . فروغی در سال ۱۲۹۰ قمری متولد شد و تحصیلات خود را درمدرسهٔ دارالفنون به پایان رسانید وبه مطالعهٔ درفلسفه پرداخت . مدتی به تدریس درمدرسهٔ علوم سیاسی اشتغال داشت وپس ازآن به ریاست مدرسه منصوب گشت . فروغی به زبان وادب فرانسه تسلط کامل داشت . وی علاوه بر کسب دانش به امورسیاسی واجتماعی نیز می پرداخت و سالها نمایندگی مجلس شوری ، وزارت ، سفارت ، نخست وزیری ، نمایندگی ایران درجامعهٔ ملل ، ریاست جامعهٔ ملل ، ریاست دیوان عالی تمیز را به عهده داشت .

از آثار فروغی کتابهائی است درتاریخ ، فیزیك ، علوم ، وتصحیح آثار بزرگان ادب مانند ، کلیات سعدی، دیوان حافظ ، رباعیات خیام واز آثار معروف او کتاب «سیر حکمت دراروپا»ست درسه جلد . «حکمت سقراط به قلم افلاطون» در دو جلد . «آئین سخنوری»

اغلب آثار فروغی به چاپ رسیده است .

فروغی بسطامی (ت) میرزا عباس بسطامی . وفات ۱۲۷۴ — از بزرگزادگان بسطام . دوران کودکی را در بسطام بسربرده و دراوایل

سلطنت فتحعلیشاه قاجار به تهران عزیمت کرد و به تحصیل علوم ادبی پرداخت . فروغی در ابتدا «مسکین» تخلص می کرد و بعدها به مناسبت انتساب به دربار فروغ الدوله، فرزند حسنعلی میرزا شجاع السلطنه والی خراسان و کرمان ، به فروغی تخلص یافت . ابتدا به مدح شاهان وشاهزادگان قاجار پرداخت وپس ازآن به تصوف متمایل شد و عزلت برگزید و به سرودن غزلهای عرفانی پرداخت . فروغی را می توان از بزرگترین غزلسرایان متصوف عهد اخیر به شمار آورد . دیوان فروغی چند بار به چاپ رسیده است .

فرهاد (ش — د) از اشخاص داستان عاشقانهٔ خسرو وشیرین . داستان خسرو وشیرین وفرهاد وشیرین را چند تن از شاعران ایرانی به نظم درآورده‌اند ولی مهمترین و معروفترین آنها داستان خسرو وشیرین نظامی داستانسرای بزرگ ایران درقرن ششم هجری است .

فرهاد در عشق رقیب خسرو است و در راه معشوق به کارهای دشوار تن درمی دهد . فداکاری وپایداری او در عشق شیرین ، خسرو را برمی انگیزد که اورا به کندن کوه بیستون بگمارد . فرهاد از دل وجان این شغل را می پذیرد وسر نهاد درآرزوی وصل شیرین به کوه کندن می پردازد، سرانجام به تدبیرخسرو خبر مرگ شیرین را به دروغ به او می رسانند واو با تیشه فرق خود را می شکافد ودرمی گذرد .

دل به امید صدائی که مگر درتو رسد
ناله ها کرد دربن کوه که فرهاد نکرد
«حافظ»

فرهاد وشیرین (ك) منظومه‌ای ازوحشی بافقی که آن را به تقلید خسرووشیرین نظامی ساخته ولی نتوانسته است به پایان برساند . این

مثنوی ناتمام دارای هزار و هفتاد بیت است و وصال شیرازی در سال ۱۲۶۵ آن را به پایان رسانده است . این منظومه از بهترین آثار وحشی است و گویا در زمان حیات خود شاعر نیز معروف بوده و دهان به دهان می گشته است . (چاپ تهران)

فرهنگ آنندراج (ك) لغت‌نامه‌ای به زبان فارسی تألیف محمد پادشاه متخلص به شاد که آن‌را درسال ۱۳۰۵ هجری قمری به کمک دوبرادرش درسرزمین هندوستان تدوین کرده است . این کتاب جامع لغات فارسی و تازی است و بر حسب حروف الفباء تنظیم شده . مؤلف در این کتاب ازفرهنگهائی مانندمنتهی الارب، برهان قاطع، فرهنگ جهانگیری ، انجمن آراء ، غیاث اللغات و امثال آن استفاده کرده است . وی بیشتر لغات فارسی‌را باشواهد شعری آورده و گاهی به اصطلاحات متداول عامه اشاره کرده است . فرهنگ آنندراج فرهنگ جامعی است که به‌سبب اشتمال بر لغات فارسی وعربی ممتاز است . (چاپ تهران)

فرهنگ انجمن آراء (ك) فرهنگ انجمن آرای ناصری تازه‌ترین کتاب لغت فارسی وآخرین تألیف معروف رضاقلیخان هدایت، که آن را در سال ۱۲۸۶ و به نام ناصرالدین شاه تألیف کرده است . این فرهنگ منحصر به لغات فارسی است و مشتمل برمقدمه‌ای است حاوی چند بن آرایش، درتوضیح لغات وبیان بعضی از اشتباهات درلغات فرهنگها وتحقیق زبان فارسی وبیان حروف تهجی وآئین شناختن مصدر واصطلاحات علم صرف ونحو وبیان وامثال آنها

متن کتاب شامل بیست وچهار انجمن است ودرخاتمهٔ کتاب بعضی از استعارات وکنایات فارسی و عربی باشواهد شعر از فصحا وبلغا ذکر شده است . (فرهنگ انجمن آراء — چاپ تهران)

فرهنگ جهانگیری (ك) کتاب لغتی تألیف میرجمال الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجوی شیرازی از رجال معروف هندوستان. مؤلف کتاب را درزمان شاهی اکبرشاه یعنی سال ۱۰۰۵ شروع کرد ودرزمان سلطنت پسرش جهانگیرشاه یعنی درسال ۱۰۱۷ به نام او به پایان رساند. این کتاب شامل لغتهای فارسی الاصل است ومؤلف برای هرلغت شعری برسبیل شاهد آورده است وچنانکه خود درمقدمهٔ کتاب می گوید چهل وچهار کتاب لغت دراختیار داشته وازآنها استفاده کرده است. فرهنگ جهانگیری بسیار جامع وسودمند است ومورد تقلید و پیروی فرهنگ نویسان بعد مانند صاحب برهان قاطع قرار گرفته است.

فرهنگ رشیدی (ك) از لغت نامه های نفیس فارسی تألیف عبدالرشیدبن عبدالغفور الحسینی المدنی التتوی که آن را درسال ۱۰٦٤ درهندوستان تألیف کرده است. فرهنگ رشیدی از لحاظ صحت و دقت درمندرجات، از معتبرترین لغت نامه های فارسی است و همیشه مورد توجه خاص لغویون بوده است. مؤلف فرهنگ رشیدی درمقدمهٔ کتاب از فرهنگ جهانگیری وسروری انتقاداتی کرده واجتناب از سهل انگاری واشتباهات ایشان را درکتاب خود لازم دانسته است. فرهنگ رشیدی چنانکه مؤلف خود گوید مشتمل بریک مقدمه وچند باب وخاتمه است.

(فرهنگ رشیدی ـ چاپ تهران)

فرهنگ سروری (ك) یا مجمع الفرس، فرهنگی به زبان فارسی تألیف محمد قاسم بن حاجی محمد کاشانی متخلص به سروری. مؤلف این فرهنگ را درچند نوبت نوشته است یعنی که هربار منابع ومآخذ تازه ای به دست آورده وبرشرح لغتهای سابق افزوده است. نسخهٔ کامل

آن تاریخ ۱۰۵٤ هجری را دارد. مؤلف مجمع الفرس فرهنگهای مختلفی مانند فرهنگ جهانگیری وتحفة السعادة وامثال آن را در دست داشته است. مجمع الفرس دارای شواهد بسیار از اشعار استادان فارسی زبان است باذکر مأخذ نقل هرلغت ونقد بعضی ازلغات. (چاپ تهران)

فرهنگ لغات فرس (ك) قدیمترین کتاب لغت فارسی، تألیف ابونصرعلی بن احمد اسدی طوسی. این کتاب شامل لغاتی است که اسدی همهٔ آنها را باشواهدی از اشعار شاعران توضیح داده وبرحسب حروف آخر کلمات وحروف الفبا تنظیم کرده است وچنانکه خود اسدی گفته است این کتاب را به تشویق اردشیر دیلمسپار النجمی ساخته است. فرهنگ اسدی اساس کار فرهنگ نویسان بعد قرار گرفته و گنجینه‌ای از اشعار باارزش فارسی به شمار میرود (چاپ تهران)

فرهنگ نفیسی یافرنود سار (ك) کتاب لغتی تألیف علی اکبر نفیسی ناظم الاطبا (متوفی ۱۳۰۳ شمسی). مؤلف دراین کتاب مقید به آوردن لغات فارسی خالص نشده، بلکه لغات تازی را نیزدرآن وارد کرده است. همچنین به مفردات اکتفانکرده بلکه مرکبات واصطلاحات واستعمالات مختلف الفاظرا نیزذکر کرده است ودرذیل بسیاری از کلمات، خلاصه‌ای ازعلوم را به شکل دائرة المعارف آورده. این فرهنگ شامل بسیاری از نامهای تاریخی و جغرافیائی ایران و کشورهای اسلامی است.

فریدون (ش — د) ازنژاد تهمورث وپسر آبتین که درخردسالی ضحاك پدرش را کشته بود ومادرش «فرانك» او را به مرغزاری برده و با شیر گاو بزرگ کرده بود. چون کاوهٔ آهنگر برضحاك شوریدفریدون را به شاهی خواند. فریدون برضحاك چیره شد واورا درکوه دماوند به زندان کرد وخود به شاهی نشست.

فصل (ط) (از کلیات خمس) کلی ذاتی است که در جواب ای شیء (کدامیک) واقع می‌شود یعنی آنچه جزء حقیقت مختصه باشد مانند ناطق که جزء یک حقیقت از حیوان است؛ یا جزء حقیقت مشترک که مانند مثل حساس که شامل همهٔ نوع حیوان است .

فصیحی خوافی (ب) از نویسندگان دورهٔ تیموری و معاصر شاهرخ . درسال ۸۱۸ که شاهرخ برای سرکوبی برادرزاده‌اش بایقرا به شیراز می‌رفت ، فصیحی همراه او بوده و پس ازآن مأمور کرمان شده و به بادغیس بازگشته است . وی درسال ۸۴۳ به امر گوهرشاد به حبس می‌افتد وپس از رهائی از زندان درسال ۸۴۹ کتاب مجمل فصیحی را نوشته به شاهرخ تقدیم می‌کند .

فضایل الانام من رسائل حجة الاسلام (ك) شامل مکاتبات و مراسلات ومحاورات ونصایح فارسی امام غزالی که بعد از وفاتش بوسیلهٔ یکی ازنزدیکانش گرد آمده است . این مکاتبات عبارتست ازنامه‌هائی که به امام غزالی نوشته شده وغزالی بدآنها جواب داده است . دراین مجموعه نمونه‌هائی ازرسائل دوستانه ودیوانی فارسی درنیمهٔ قرن پنجم نشان داده شده است . خطبه‌ای درآن ذکر شده که ازطرف امام غزالی درمجلس سنجر ایراد شده است . این مجموعه دارای پنج باب است . باب اول درنامه‌هائی که به‌شاهان نوشته‌شده است . باب دوم نامه‌هائی که به وزیران نوشته شده . باب سوم درآنچه به امراء وارکان دولت نوشته شده است . باب چهارم درآنچه به علماء وفقها نوشته شده . باب پنجم درفصول ومواعظ .

کتاب فضایل الانام علاوه برآنکه شامل مطالب عرفانی وحکمی است از حیث فصاحت وروانی نیز ازشاهکارهای نثر فارسی است ودرضمن

آن می‌توان به بسیاری از خصوصیات و تاریخ زندگی امام غزالی پی برد.
(چاپ تهران)

فضولی بغدادی (ت) وفات ۹۷۰- فضولی در بغداد متولد شده و بیشتر عمر را در آنجا گذرانده است. بعد به عثمانی رفت و تبعهٔ آن دولت گشت. وی به زبان ترکی و فارسی وعربی شعر می‌گفت و کتابی به تقلید «روضة‌الشهداء» حسین واعظ ساخته‌است به‌نام «حدیقة‌السعداء»

فعل (ط) (از مقولات‌عشر) مفهوم فعل تأثیر جسم است در جسم دیگر مثل گرم کردن آتش آب را.

فلك (نج) برحسب اعتقاد منجمان قدیم جسمی‌است گرد چون گوی که پیوسته در گردش‌است وغیرنورانی‌است وزمین درمرکز آن قرار گرفته وافلاك دیگر مانند پیازبه دور او بمحیط است، طبقات فلک هشت است: قمر، عطارد، زهره، آفتاب، مریخ، مشتری، زحل، نجوم متحیره (ستارگان بیابانی) که به ثوابت معروف اند زیرا که بیحرکت اند.

فلکی شیروانی (ت) نجم‌الدین ابوالنظام محمد فلکی شیروانی. وفات ۵۸۷-ازگویندگان آذربایجان درقرن‌ششم هجری که چون درعلم نجوم مهارت داشته به «فلکی» تخلص یافته است. فلکی از درباریان شروانشاهان است، بخصوص خاقان اکبرمنوچهربن فریدون وپسرش اخستان را مدح گفته است. فلکی نزد ابوالعلاء گنجوی به تحصیل شعر وادب پرداخت. دیوانش شامل قصائد وغزلیات ومسمطاست. وی مدتی درزندان شروانشاه بسر برده واشعاری درزندان سروده است که از لطیفترین اشعار اوست.

(دیوان فلکی - چاپ عکسی.)

فم‌الحوت (نج) ازستارگان قدراول که درآخربرج دلوو بردهن

حوت (ماهی) قرار گرفته است .

وزفم الحوت نهادی دندان   بر سر تر کش ترکان اسد

«خاقانی»

فندرسکی (ت) ابوالقاسم فندرسکی . وفات ۱۰۵۰ - منسوب به فندرسک از اعمال استرآباد . فندرسکی در ریاضی وحکمت استاد بوده ودراین علوم تألیفاتی دارد . فندرسکی در دربارشاه عباس اول تقرب داشت و مورد احترام وی بود . سفری به هند کرد ودرآنجا تحت نفوذ افکار بودائی واقع شد و حالت درویشی بیش گرفت . فندرسکی درشعر فارسی نیز دست داشت . قصیده‌ای به استقبال شعر ناصر خسرو ساخته است که درتذکره‌ها ضبط است .

الفهرست (ك) کتابی به زبان عربی ، تألیف ابوالفرج محمد بن اسحق الندیم که آن را به سال ۳۷۷ به اتمام رسانده است . کتاب «الفهرست» چنانکه از نامش پیداست ،فهرست کتابهای عرب وعجم است که به زبان عربی موجود بوده است وشامل انواع علوم و اخبار مؤلفان آن باذ در نسب وتاریخ تولد ومدت عمر وتاریخ وفات آنهاست ازابتدای پیدایش هر علم تا عصر مؤلف . این کتاب شامل ده مقاله وهر مقاله شامل چند فن می‌باشد که همه برحسب علوم و فنون مختلف تقسیم شده است . اسامی کتابها گاهی درضمن شرح حال مؤلف می‌آید ، وگاهی ازنظر موضوع طبقه بندی می‌شود . الفهرست کتابی است که ازنقطهٔ نظر تاریخی بسیار سودمند است زیرا ، باآنکه در کمال ایجاز واختصار نوشته شده است ، مرجع ومأخذ مورخان قرار گرفته است وسرچشمه‌ٔ بزرگی از علوم و فنون مختلف است مانند شعر ، حدیث ،نحو ، کلام ،علم قرائت خطوط ، کیمیا ، فلسفه ، طب ، مذاهب مختلف ، اعتقادات ملل . همچنین بسیاری از کتابها و مؤلفان

ناشناس در این کتاب معرفی می‌شوند .

کتاب الفهرست یکی از جامعترین وبهترین کتابهای دورهٔ تمدن اسلامی است . سبک کتاب بسیار ساده‌است و کمتر کسی توانسته از آن تقلید کند .

فیروزآبادی (ت) ابوطاهر مجدالدین محمدبن یعقوب‌الشیرازی فیروزآبادی . وفات ۸۱۷ - از بزرگان ادب ولغت عرب درقرن هشتم . مولدش فیروزآباد فارس است . ابتدا درشیراز وپس از آن درعراق عرب وبغداد به تحصیل علوم دینی مانندفقه وتفسیر وحدیث پرداخت . بعد به دمشق و اورشلیم رفت و درآنجا به تدریس اشتغال یافت پس از دوسال تدریس به‌آسیای صغیر و قاهره وبعدبه‌مکه‌معظمه رفت‌وپانزده‌سال درآنجا اقامت کرد . پس از آن به هندوستان عزیمت کرد و پنج سال در دهلی بسربرد و دوباره به مکهٔ معظمه بازگشت‌ودرسال ۷۹٤ به دربارسلطان احمدبن اویس جلایری به بغداد رفت . مدتی نیزقاضی القضاة یمن بود ودرسال ۸۱۷ دریمن وفات کرد . ازآثاراو تألیف بسیاربزرگی‌است درعلم لغت‌عرب موسوم به « قاموس المحیط »

فیروزمشرقی (ت) وفات ۲۸۳ - ازشاعران‌معروف صفاریان‌ومعاصر عمروبن‌لیث . ابیاتی از او درتذکره‌ها باقی است .

فیضی دکنی (پ) ابوالفیض فیضی فیاضی . وفات ۱۰۰٤ - پسر شیخ مبارك هندی و برادر ابوالفضل دکنی صاحب تاریخ اکبری . فیضی در سال ۹٥٤ هجری در شهر اگره هندوستان متولد شد وعلوم مقدماتی را از پدر فراگرفت و درجوانی به علوم متداول زمان آشنائی یافت و در فقه وتاریخ وفنون شعری دست یافت . فیضی اگر چه در هندوستان زندگی کرده است ولی از حیث استحکام شعر فارسی مانند شاعران خوب فارسی‌زبان است واورا از رواج دهندگان زبان‌فارسی

درهند می‌شمارند. شعر فیضی درعثمانی وهند بسیار نفوذ یافت. وی ازاغلب قصه های هندی اطلاع داشته‌وبعضی ازآنها رابه‌فارسی ترجمه کرده است. فیضی درسال ۹۹۶ دردربار اکبرشاه‌به رتبهٔ‌ملک الشعرائی رسید.

فیضی اشعار بسیاردارد وابوالفضل برادر اودریکی ازنوشته‌ها پس اسعار اورادرحدود پنجاه‌هزار بیت دانسته‌است. غزلیاتش به‌نام «سباشیر الصبح» است‌وتفسیری به‌نام«سواطع الالهام»دارد که‌درسراسرآن یک‌حرف نقطه‌دار بکارنبرده است.

فیضی مثنویهائی به تقلید نظامی ساخته است که بعضی ازآنها نیمه تمام مانده‌است. خمسهٔ اوعبارت‌است از: مرکز ادوار، سلیمان وبلقیس، نل‌ودمن، هفت کشور، اکبرنامه.

فیض کاشانی (ت) محمدبن مرتضی‌الکاشانی. وفات ۱۰۹۱ – ملا محسن متخلص به‌فیض ازفقیهان‌وحکیمان‌معروف‌عصرصفوی. اهل کاشان بود و درهمان شهر به تحصیلات‌ابتدائی وعلوم شرع پرداخت. پس ازآن تحصیلات‌خودرادرشیرازنزد ملاصدرا تکمیل کرد. تألیفات‌فراوانی به ملامحسن نسبت می‌دهند.

از جملهٔ آثار او اصول المعارف، کلمات مکنونه، در حکمت وتفسیر والصافی والوافی درحدیث وتفسیرقرآن.

ازآثارفارسی‌او«ابواب الجنان» است که درسال ۱۰۵۵ تألیف‌یافته وموضوعش نمازجمعه‌وآداب‌آن‌است. ملامحسن‌شعر نیزمی‌سرود ودیوانش درحدود شش‌هفت هزاربیت دارد. (دیوان‌فیض کاشانی‌چاپ‌تهران)

فیه‌مافیه (ك) کتابی‌به نثر مشتمل برشمه‌ای ازمقالات‌ومجالس مولانا جلال‌الدین محمد مولوی بلخی معروف به رومی.

این کتاب‌متضمن بحثهای‌عرفانی‌ودینی‌واخلاقی‌است. (چاپ تهران)



قاآنی (ت) میرزا حبیب. وفات ۱۲۷۰ - ازشاعران بزرگ ایران در دورهٔ قاجار ومعاصر فتحعلیشاه ، پدرش نیز شاعربود «وگلشن» تخلص داشت . قاآنی به سال ۱۲۲۲ درشیراز متولد شد وبه خراسان سفر کرد و درآنجا به تحصیل علوم و ادبیات پرداخت . وی نزد حسنعلی میرزا شجاع السلطنه تقرب یافت وبه فرمان و به مناسبت اسم پسرشجاع السطنه یعنی او کنای قاآن ، قاآنی تخلص کرد و بوسیلهٔ همین شاهزاده به خدمت فتحعلیشاه رسید وپس ازآن در دربار محمدشاه و ناصرالدین نیز تقرب یافت و آنان را مدح گفت . قاآنی از معروفترین شاعران قصیده سرای دورهٔقاجاراست . درقصیده از شاعران خراسان خاصه عنصری وفرخی ومنوچهری پیروی کرده ودر ترجیع بند ومسمط نیزدست داشته است . قاآنی گذشته از دیوان اشعار، کتابی به‌نام «پریشان» به نشردارد که آن‌را به سبک گلستان سعدی نگاشته است. وی اولین شاعر ایرانی است که زبان فرانسه را آموخته است . اما آشنائی بازبانهای اروپائی در شعرش تأثیری نکرده است. (دیوان‌قاآنی — چاپ‌تهران)

قائم‌مقام (ت) میرزا ابوالقاسم فراهانی .وفات ۱۲۵۱ - پسر میرزا عیسی معروف به میرزا بزرگ قائم‌مقام وزیر عباس‌میرزا نایب السلطنه که درسال ۱۱۹۳ متولد شد وبه وسیلهٔ پدر به دربار عباس میرزا راه یافت ودرسفرها باشاهزاده همراه بود وکم کم پیشکاری او را برعهده

گرفت ودر امور صلح ومعاهدات با روس کوشش بسیار کرد واساس سلطنت عباس میرزا را محکم ساخت و بعد از او محمد میرزا را به تخت نشاند وخود به صدارت او منصوب گشت وپس از آنکه تخت و تاج رابی منازع کرد ، درسال ۱۲۵۱ به دست دژخیمان به قتل رسید .

قائم مقام درعلوم حکمت وادب ونظم ونثرفارسی وعربی استاد بود . منشآت ومکتوبهای اونمونهٔ نثر فصیح آن عصر وبه سبک گلستان است . قائم‌مقام درشعر از سبک خراسانی پیروی می کند و خود نیز صاحب ابتکار وتجدد است . ازآثار معروف او مثنوی «جلایرنامه» است که از زبان جلایر یکی ازنوکران اوست که بعدها مورد تقلید ایرج درعارفنامه واقع گشته است . درمثنوی جلایرنامه اوضاع ونقائص لشکری وکشوری را بازبانی هزل‌آمیز نشان می‌دهد . قائم مقام اشعار شکوائی و حزن آوری دارد که اثری از وقایع خونین زمان او یعنی اواسط قرن‌سیزدهم درآن نمایان است .

قابوسنامه (ک) تألیف امیرعنصر المعالی کیکاووس بن اسکندربن قابوس بن و شمگیر از امیران زیاری که آن را در سال ۴۷۵ در نصیحت به‌فرزندخود گیلانشاه نوشته‌است . این کتاب‌شامل چهل‌وچهار باب است درمباحث‌مختلف‌وفنون ورسوم‌اعم از کشورداری ولشکر کشی وبازرگانی وعلوم متداول زمان . مؤلف همهٔ ابواب کتاب را باحکایتها و تمثیل ها آمیخته و از اشعار خود نیز نمونه‌هائی ذکر کرده است . قابوسنامه را می‌توان از مهمترین کتابهای نثر فارسی شمرد که شامل اطلاعات گرانبها از تمدن قدیم و اوضاع اجتماعی است که با مطالب سودمند اخلاقی وحکمتهای‌عملی‌آمیخته است. انشای قابوسنامه ساده است واز بهترین وروانترین نثرهای فارسی است .

قارون (تن) پسرعم موسی که از موسی کیمیا گری آموخت و بسیاری از فلزات را به زر تبدیل کرد و خواستهٔ بیشمار جمع کرد. آنگاه غرور سال اورا برموسی نافرمان کرد، موسی زمین را فرمود تا دهان باز کند و قارون را با خواسته‌اش در خود فرو برد.

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت
نوشیروان نمرد که نام نکو گذاشت

«سعدی»

قاضی ابو بکر حمیدالدین عمر بن محمود البلخی (ت) وفات ۵۵۹-
از عالمان وفاضلان خراسان که چندی در بلخ مسند قاضی‌القضاتی داشته است، وی معاصر سلطان سنجر سلجوقی بوده و باشاعران و دانشمندان زمان خود ارتباط علمی وادبی داشته است، خاصه از انوری شاعر معروف پشتیبانی فراوان کرده است، ودر هنگامی که حکم نجومی انوری برحسب پیش بینی او درمورد انقلاب جوی صحت نیافت ومردم بلخ براو شوریدند قاضی حمیدالدین اورا از مهلکه نجات بخشید. انوری دربارهٔ او ومقام فضل او مدایح فراوان گفته است. قاضی حمیدالدین علاوه براحاطهٔ برعلوم شرعی وفضل درعلوم ادبی خاصه نثرنویسی معروف است. تسلط او در نثر مسجع است و کتاب «مقامات» را به‌ابن شیوه نوشته است.

ازآثار دیگر او رساله‌هائی است به‌نام «وسیلة العفاة الی اکفی الکفاة» و «حنین المستجیر الی حضرة المجیر» و «روضة الرضا فی مدح ابی الرضا» و «سنیته الراجی فی جوهر التاجی».

ازآثار منظوم او مثنوی «سفرنامهٔ مرو» است که یک قطعه از آن در مجمع الفصحاء وتذکرهٔ هفت اقلیم مندرج است.

قاضی بیضاوی (ت) ابوالخیر ناصرالدین عبدالله ابوسعید بیضاوی

وفات ۶۸۵ــ اهل بیضای فارس که درشیراز شغل قاضی القضاتی داشت. پدرش نیز درعهد اتابک ابوبکر بن سعد زنگی همین مقام را داشت. قاضی بیضاوی از فقیهان ومفسران بزرگ اسلام است. از تألیفات معروف او یکی کتاب تفسیر است موسوم به «اسرارالتنزیل» به زبان عربی. دیگر طوالع الانوار است در توحید و«منهاج الوصول» در علم اصول. دیگر کتابی است به زبان فارسی به نام «نظام التواریخ».

قاف (د) نام کوه افسانه‌ای که گرداگرد جهان را گرفته است وبه روایت «منطق الطیر» عطار جایگاه سیمرغ بوده است.

ملک جهان بگیری از قاف تا به قاف
مال جهان ببخشی از عود تا به قار

«منوچهری»

قافیه (ق) قافیه یکسان بودن آخرین جزء کلمات آخر بیت است بشرط آنکه کلمات عیناً وبه یک معنی درآخر ابیات تکرار نشده باشد. این جزء شامل یک حرف ساکن اصلی است که آن را روی می‌خوانند وحرکت ماقبل آن مانند قمر وشکر، که حروف آخر وحرکت میم وشین یکسان است؛ یاحرف ساکن ماقبل وحرکت پیش ازآن مانند بدر وقدر، کاشت وداشت.

قاموس المحیط (ک) کتاب بزرگی در علم لغت عرب تألیف ابوطاهر مجدالدین محمد معروف به فیروزآبادی که آن را درقرن هشتم هجری تألیف کرده است.

قانعی (ب) امیر بهاءالدین احمد قانعی شاعری ازاهل طوس که درحملهٔ مغول به هندوستان گریخت وازآنجا به مکه ومدینه وبغداد سفر کرد وسرانجام به آسیای صغیر رفت ودردربار شاهان سلجوقی روم درقونیه

اقامت کرد ومثنوی به‌سبک شاهنامه درتاریخ آن سلسله به نظم‌آورد ودرسال ۶۰۰ کتاب کلیله‌ودمنه‌را به فارسی‌منظوم کرد وبه‌نام‌عزالدین کیکاووس از شاهان سلجوقی آسیای‌صغیر ساخت .

قانون (ك) یکی ازمهمترین کتابهای‌طبی اسلامی تألیف‌دانشمند وپزشک بزرگ ایرانی ابوعلی سینابه‌زبان‌عربی . این کتاب شامل پنج قسمت است .

۱— در امور کلی طب
۲— درادویهٔ مفرده
۳— امراض جزئیه اعضاء انسان
٤— امراض جزئیه ای که اختصاص به اعضاء معین ندارد ،
٥— درادویهٔ مرکبه

کتاب قانون چند بار به طبع رسیده است و ترجمه‌های متعددی ازآن شده وشروح متعددی برآن‌نوشته‌اند .

القباوی (ت) ابونصراحمدبن‌محمد بن نصر القباوی اهل بخارا ودیه قبا که درسال ۵۲۲ تاریخ بخارای نرشخی را ازعربی به فارسی ترجمه‌کرده ومطالبی نیز برآن افزوده است .

قبس (تن) به معنی پارهٔ آتش و درشعر فارسی اشاره به پارهٔ آتشی‌که در وادی ایمن از درختی برموسی‌ظاهر شد .

زآتش وادی ایمن نه منم خرم وبس
موسی اینجا به امید قبسی می‌آید
«حافظ»

قبض (زحاف) (ع) درمفاعیلن اسقاط حرف‌پنجم یعنی یاءاست که در این صورت مفاعیلن می‌شود مفاعلن ؛ و آن را مقبوض گویند .

درفعولن حذف نون است که می‌ماند فعول ؛ وآن را مقبوض خوانند .

قدر (نج) جایگاه‌ستارگان‌ونسبت آنها به‌منطقة‌البروج که «شرف» نیز خوانده می‌شود . آنچه راکه ازهمه بزرگتر است ، قدراول یاشرف اول می‌خوانند . قدر اول پانزده است .

۱- سماك اعزل ۲- سماك رامح ۳- نسرواقع ٤- نسرطایر
٥- شعرای یمانی ٦- شعرای شامی ۷- عیوق ۸- دبران
۹-قلب‌الاسد ۱۰-فم‌الحوت ۱۱-منکب‌الجبار ۱۲-قدم‌الجبار
۱۳- سهیل ۱٤-آخرالنهر ۱٥- رجل‌قنطورس

قدم الجبار (نج) ازستارگان قدراول که درشکل «جبار»است وآن را جوزا خوانند .

قران (نج) به‌معنی گردآمدن ونزدیک شدن است ، دراصطلاح نجوم وقتی است که دوستاره به یکجا گرد شوند . قران مطلق گردآمدن زحل ومشتری است وآن به هربیست سال یک بار باشد .

قران بعضی از ستارگان نحس است وبعضی سعد . ازآن جمله قران ماه ومشتری که هرماه یکبار واقع می‌شود سعداست :

گفتم که خواجه کی به سر حجله می‌رود
گفت آن زمان که مشتری ومه‌قران کنند

«حافظ»

قریب (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی،اصل آن « مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن» ۲بار است . این وزن ازآن بحردرفارسی گاهی به کار رفته است: بحرقریب مکفوف مقصور (مفاعیل مفاعیل فاع‌لان ۲بار)

می‌آرد شرف مرد می‌پدید وازاده نزاد از درم خرید

قزوینی (ت) محمدبن عبدالوهاب‌بن عبدالعلی قزوینی . وفات

۱۳۲۸ شمسی — از محققان ودانشمندان معاصر که درسال ۱۲۹٤ قمری درتهران متولد شد. تحصیلات متداول را مانندصرف ونحووفقه‌و کلام وحکمت درنزد علماء زمان مانند حاج شیخ فضل الله نوری وحاج‌شیخ علی‌نوری وملامحمدآملی‌وادیب پیشاوری آموخت وبخصوص درادبیات عرب شوق فراوان یافت . قزوینی درسال ۱۳۲۲ قمری سفری به‌لندن کرد ودرآنجا باجمعی از مستشرقان ازجمله ادوارد برون مؤلف تاریخ ادبیات ایران آشنا گشت . درسال ۱۳۲٤ برای مطالعهٔ نسخه‌های فارسی وخاصه نسخه‌های کتاب «جهانگشای جوینی» که به تصحیح آن‌مصمم گشته‌بود به‌پاریس رفت . درپاریس باعلی‌اکبر دهخدا ملاقات کرد ودرمدت‌اقامت‌اغلب در مصاحبت‌یکدیگر بودند . درسال۱۳۳۳ هجری هنگام جنگ جهانگیر اول باحسینقلی خان نواب به برلن رفت وتاپایان‌جنگ آنجا ماند ودوباره به‌پاریس باز گشت . قزوینی کتابهائی مانند لباب‌الالباب عوفی ، المعجم فی معائیر اشعارالعجم ، چهارمقالهٔ عروضی ، جلد اول و دوم تاریخ جهانگشای‌جوینی را تصحیح کرده و دیوان حافظ را باهمکاری دکتر غنی تصحیح وچاپ کرده است .

دیگر از آثار قزوینی بیست مقاله است که شامل مقالات ادبی وتاریخی اوست که درجراید مختلف فارسی درایران واروپا منتشر شده وبا کوشش ومقدمه پورداوود درسال ۱۳۰۷ به‌چاپ‌رسیده است . دیگر یادداشتهای قزوینی است که شامل نکته‌هائی دربارهٔ مطالب مختلف می‌باشد .

قصر (زحاف) (ع) در مفاعیلن حذف نون واسکان لام است که می‌شود مفاعیل وآن را مقصور خوانند . درفاعلاتن حذف‌نون و اسکان تاءاست که‌می‌شودفاعلات‌بجای‌آن‌فاعلان‌می‌گذارندوآن‌رامقصورخوانند

درفاع لاتن مانند قصراست درفاعلاتن

درمس تفع لن حذف نون واسکان لام است که می ماند مستفعل وبجای آن مفعولن می گذارند ، و آن را مقصور خوانند .

درفعولن حذف نون واسکان لام است که می ماند فعول ؛ وآن را مقصور خوانند .

قصص الانبیاء (ک) تألیف ابواسحق ابراهیم بن منصوربن خلف نیشابوری که درآن از روایات کلبی در ذکر «قصص قرآن» نقل کرده است مؤلف میان روایت خود و کلبی هفت واسطه ذکر کرده است این کتاب در قرن پنجم هجری تألیف یافته وعبارات ودر کیبات کهنه است . (چاپ تهران)

قصیده (ب) اشعاری است که مصراع اول و تمام بیتهای آن دارای قافیهٔ واحد باشد ، عدد بیتهای قصیده تاشصت می رسد . ابتدای هرقصیده بتغزل است یا وصف طبیعت ، پس از آن شاعر تغزل را بمدح یا ذم می کشاند مانند قصاید فرخی ، عنصری ، خاقانی ، انوری .

قطان مروزی (ت) عین الزمان امام ابوعلی حسن بن علی . مقتول ۵٤۸ ــ از حکیمان وپزشکان ودانشمندان اواخر قرن پنجم واوایل قرن ششم . وی به سال ٤٦٥ درمرو متولد شد ودرجوانی به تحصیل فقه وحدیث پرداخت ودرطب وهندسه وحکمت مهارت یافت واز انواع علوم ادبی اطلاع کافی تحصیل کرد . امام حسن قطان معاصر رشید وطواط بوده وبااو مکاتبه داشته است ودرسال ۵٤۸ درحادثهٔ غز اسیر شد وبه قتل رسید .

ازآثار او ، بحثی درعروض است به فارسی که صاحب المعجم بدان اشاره کرده است ودوشجرهٔ اخرب واخرم برای استخراج اوزان مختلف رباعی از ابداعات اوست . دیگر کتاب «الدوحه» درانساب و رسالتی درطب است ازهمه مهمتر کتاب «کیهان شناخت» است به زبان فارسی که آن را در ...

سال ۵۰۰ هجری برای نوآموزان علم هیئت تنظیم کرده است .

قطب الدین رازی (ت) قطب الدین محمدبن محمد رازی . وفات ۷۶۶ — از شاگردان عضدالدین ایجی . اهل ری بوده ولی قسمت آخر عمر خودرا درشام گذرانده است . در حکمت و منطق تألیفاتی دارد ، ازآنجمله‌است «شرح الرساله الشمسیه» معروف به «شرح شمسیه» درمنطق که آن را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد نوشته ودرشرح کتاب کاتبی قزوینی است . دیگر کتاب «لوامع الاسرارفی شرح مطالع الانوار» و کتاب «محاکمات» که درآن امام فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی را ، به‌مناسبت اختلاف آن دو استاد در شرح اشارات ابوعلی سینا، محاکمه کرده است .

قطب الدین شیرازی (ت) قطب الدین محمود بن ضیاء الدین مسعود شیرازی معروف به علامهٔ شیرازی . وفات ۷۱۰ — پدر قطب الدین اهل کازرون بود ولی او درشیراز متولد شد و نزد پدرش که ازاطباء معروف ومشایخ صوفیه بود به آموختن علم طب پرداخت و درده سالگی خرقهٔ تصوف پوشید وپس از پدر بجای او به پزشکی بیمارستان منصوب شد . اما هرگز از تحصیل بازننشست وقانون ابن‌سینا را نزدعموی خودآموخت . پس از چندی عزم سفر کرد وراه مراغه راپیش گرفت وبه خدمت خواجه نصیرالدین طوسی رسید وعلم هیئت و کتاب اشارات ابن‌سینا را نزداوخواند .

پس ازچندی به‌خراسان وعراق‌عجم وازآنجا به بغداد و روم رفت وبامولانا جلال‌الدین رومی ملاقات کرد . پس قطب‌الدین درقونیه اقامت کرد واز صدرالدین قونیوی طریقهٔ ارشاد را فرا گرفت و باحاکم روم «معین‌الدین سلیمان پروانه» آشنا شد . و به فرمان او به قضاء سیواس وملاطیه منصوب گردید ودرسال ۶۸۱ ازطرف احمد تکودار به سفارت

مصر رهسپار شد. از مصر به شام رفت و در آنجا کتاب قانون وشفاء ابن‌سینا را تدریس کرد وبه تبریز رفت و قریب چهارده سال عزلت اختیار کرد وبه تصنیف پرداخت. قطب‌الدین دردربار اباقاخان وغازان‌خان مقام بلندی داشت ومورد احترام شاگردان خود بود. وی رباب می‌نواخت وشطرنج می‌باخت و در انواع علوم خاصه درریاضی استاد بود.

ازآثاراوبه عربی «نهایةالادراک فی درایةالافلاک» و «التحفةالشاهیة» و «شرح حکمةالاشراق» سهروردی «فتح المنان فی تفسیرالقرآن» وحاشیه بر کتاب «الکشاف عن حقایق التنزیل» زمخشری وغیره است. کتاب معروف اوبه زبان فارسی کتاب «درةالتاج» است.

قطران (ت) حکیم ابومنصور قطران عضدی تبریزی. وفات ۴۶۵- ازشاعران قرن پنجم ودورهٔ سلجوقی وازنخستین کسانی است که درآذربایجان به فارسی شعر سروده است. قطران از طبقهٔ دهقانان بود که به شاعری پرداخت. از ممدوحان وی امیر ابوالحسن علی لشکری فرمانروای گنجه وامیرابومنصور وهسودان بن محمد فرمانروای تبریز وابونصر محمدبن وهسودان معروف به مملان است.

ازآثار قطران دیوان شعر اوست شامل قصاید وغزلیات ورباعیات ومقطعات. سبک قطران پیشنهاد سبک فرخی وعنصری مقابل بوده است. ازقصاید معروف او قصیده‌ای است دروصف زلزلهٔ تبریز که به سال ۴۳۴ رخ داده است. اغلب اشعار قطران با رودکی آمیخته است و علت آن شباهت نام ممدوح رودکی ابونصر سامانی با کنیهٔ ممدوح قطران ابونصر مملان می‌باشد. جز دیوان کتاب لغتی به نام «تفاسیر فی لغةالفرس» به او منسوب است.

(دیوان قطران چاپ تهران)

قطع (زحاف) (ع) در مستفعلن حذف نون واسکان لام است که می‌شود مستفعل بجای آن مفعولن می گذارند وآن را مقطوع گویند.

قطعه(ب) شعری است که ازچند بیت درست شده وازحیث ظاهر مانندقصیده‌است جزآنکه دومصراع اول آن مستلزم داشتن قافیهٔ واحد نیست. ازحیث معنی، مجموع چندشعر است دربیان یک‌معنی ومقصود که معمولاً پند وحکمت و با تقاضائی است. قطعه غالباً ازسه بیت تا دوازده بیت است.

قلب (ب) آن است که مطلب یا مضمون بطور مطبوعی وازگون شود وبرچند قسم است.

قلب کل:

درپای کوی تو سرما می‌توان بردن

نتوان بردن از سرکوی تو پای‌ما

قلب مستوی: آن است که اگر هر یک از دو مصراع وارونه شود، خواندنش فرق نمی کند.

شو همره بلبل به لب هرمهوش		شکر به ترازوی وزارت بر کش

قلب مجنح: آن است که کلمه های قلب شده درابتدا وانتهای مصراع قرارگیرد.

گنج دولت دهد گزارش جنگ		رای نصرت کند حمایت دار

قلب‌الاسد (نج) ازستارگان قدر اول که در برج «اسد» قرار گرفته است.

گرسگاهی کافتاب استاده درقلب اسد

سنگ‌وریگ‌ثعلبیه بادوریحان دیده‌اند

«خاقانی»

قمر (نج) ماه است که درفلک اول قرار دارد ونزدیکترین سیارات به زمین می‌باشد .

قمربسان چشم درد گین شود سپیده دم شود چونوتیای او

«منوچهری»

قمری جرجانی (ب) ابوالقاسم زیاد بن محمدالقمری الجرجانی از شاعران نیمهٔ دوم قرن چهارم ومعاصر قابوس وشمکیر که اشعاری درمدح آن پادشاه سروده است . اشعاری از او درلباب الالباب ضبط است .

قمی (ت) ابونصرحسن بن علی منجم القمی وفات نیمه آخر قرن چهارم — ازمنجمان قرن چهارم ومعاصرفخرالدوله دیلمی . ازآثاراو «کتاب البارع» درمدخل احکام نجوم است که آن را درحدود سال ۳۶۷ تألیف کرده است .

قمی (ب) حسن بن محمدبن حسن قمی از عالمان و مورخان قرن چهارم هجری که درسال ۳۷۸ به تشویق صاحب بن عباد و فخرالدوله دیلمی کتاب تاریخ قم را به زبان عربی تألیف کرد .

قمی (ت) حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی ازنویسندگان قرن نهم که کتاب تاریخ قم را درسال ۸۰۵ از عربی به فارسی ترجمه کرده است .

قوامی رازی (ت) شرف الشعرا بدرالدین قوامی خباز رازی از شاعران نیمهٔ اول قرن ششم ومداح قوام الدین طغرائی که تخلص خود را از نام او گرفته است . قوامی شیعی مذهب بودواشعار فراوانی درمدح خاندان پیغمبر ومرثیهٔ آنان و همچنین اشعار با مضامین دینی برافکاردینی دارد . غزلهای عاشقانهٔ قوامی بسیار لطیف است .

(دیوان قوامی — چاپ تهران ۱۳۳۴ شمسی)

قوس (نج، ازصورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقة البروج و به شکل کمان . برج قوس برابرماه آذر است .

کمان‌ور را کمان در چنگ مانده
دوپای آزرده دست از جنگ مانده

«ازویس‌اورمین»

قید (ق) ازحروف قافیه. حرف ساکنی‌است که پیش ازروی‌قرار می گیردوحروف قید درفارسی‌ده‌است. س ، ش ، ه ،ب، ف ، ر،خ ، ن ، غ ، ز ، مانند: دست ، دست ، سپهر ،ابر، صفر، سرو، بخت، رنج، مغز، رزم .

مراعات حرف قید درقوافی واجب است .

ك

کاتبی نیشابوری (ب) محمدبن عبدالله ترشیزی . وفات ۸۳۸
کاتبی در دهی میان ترشیز و نیشابور متولد شده است، ازاینرو گاهی او را ترشیزی و گاهی نیشابوری می‌خوانند . کاتبی از نیشابور به هرات و از آنجا به استرآباد وشروان سفر کرد ومدتی در خدمت شیخ ابراهیم سلطان شروان ماند و از آنجا به آذربایجان رفت و قصیده‌ای در مدح سلطان اسکندربن قرایوسف ترکمان ساخت . سپس به اصفهان عزیمت کرد ودرآنجا به مولانا خواجه صائن‌الدین علی ترکه از بزرگان عرفا برخورد و پیرو طریقهٔ او شد و بقیهٔ عمر را به عزلت وقناعت گذراند و دوباره به استرآباد برگشت و همانجا وفات یافت .

دیوان کاتبی مشتمل است بر سه هزار بیت از قصیده وغزل وقطعه ورباعی . سه مثنوی بنام تجنیسات، دوبحرین ، ذوقافیتین و منظومه‌هائی بنام «حسن وعشق» ، «ناظر ومنظور» ، «بهرام و گل‌اندام» دارد .

کارنامهٔ بلخ (ك) منظومه‌ای از آثار حکیم سنائی شاعر بزرگ قرن ششم در پانصد بیت که آن را در شهربلخ و در عهد سلطنت مسعودبن ابراهیم ساخته است . موضوع آن مدح شاه و بزرگان غزنین و دارای هجو ومطایبه است وبه این جهت آن را «مطایبه‌نامه» نیز گویند .

این منظومه باتصحیح مدرس رضوی درجلد سوم از دفتر چهارم فرهنگ ایران زمین چاپ شده است .

کاشفی (ت) مولانا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی وفات ۹۱۰ — از فاضلان نامی دورهٔ آخر تیموری و معاصر سلطان حسین بایقرا. کاشفی اهل سبزوار است که در هرات به وعظ می‌پرداخته ودر علم کلام وحدیث وتفسیر وسایر فنون ادب استادی داشته ودر نثر فارسی هنرمند بوده است. از آثار معروف او کتاب «انوار سهیلی» و«صحیفهٔ شاهی» یا «مخزن الانشاء» و«لب لباب مثنوی مولوی» و«روضة الشهداء» و«تفسیر مواهب علیه» و«اخلاق محسنی» و«اسرار قاسمی» در سحر وطلسم است.

کاشفی (ن) فخرالدین علی بن حسین کاشفی. پسر حسین واعظ کاشفی که کتاب «رشحات عین الحیاة» را در سال ۹۰۹ تألیف کرده است. دیگر از آثار او کتاب «لطائف الطوائف» است.

الکافی (ك) تألیف فقیه ومحدث معروف اسلامی محمدبن یعقوب کلینی. کتاب کافی یکی از چهار کتاب شیعه است که کلینی بیست سال درتألیف آن وقت صرف کرده است وشامل شانزده هزار حدیث است که مرجع علمای شیعه وفقیهان ومحدثان می‌باشد.

(الکافی با ترجمه فارسی — چاپ تهران)

کافی ظفر همدانی (ك) از شاعران اواخر قرن پنجم و معاصر ملکشاه‌بن الب ارسلان سلجوقی (۴۶۵—۴۸۵). در لباب الالباب چند قصیده وغزل از او نقل شده است.

کامل (ع) از بحور شعر عربی و در آن زبان مسدس است و درفارسی به‌ندرت بکار می‌رود. وزنی که گاهی از آن به کار رفته این است:

بحر کامل مثمن (هر مصراع متفاعلن ۴ بار):

به حریم خلوت خود شبی چه‌شود نهفته بخوانیم

به کنار من بنشینی و به کنار خود بنشانیم

کامل التواریخ (ك) تاریخی به زبان عربی تألیف ابوالحسن عزالدین علی بن محمد معروف به ابن اثیر. این کتاب کامل ده جزءاست مشتمل برتاریخ عالم از ابتدای خلقت تا سال ۵۲۰ هجری. ابن اثیر در کتاب «الکامل» تاریخ پیغمبران وشاهان را به هم آمیخته است. ودرنقل، از کتاب تاریخ طبری نقلها کرده وحذف واضافاتی درآن بکار برده که خود نیز به آنها اشاره کرده است. الکامل اولین تاریخی است که حاوی وقایع استیلای مغول است و از منابع گرانبهای آن دوره به شمار می رود.

کاووس (نس — د) از شاهان سلسلهٔ کیان وپسر کیقباد که یك باری رستم مازندران را فتح کرد و برای سرکوبی شاه ها ماوران رفت وبه زندان افتادوبه دست رستم نجات یافت وسودابه دخترشاه هاماوران را گرفت وبه ایران بازگشت. کاووس یک بار به فریب اهریمن بهآسمان پروازکرد وعقابهائی که تخت او را می کشیدند. اورا درسرزمین آمل فرود آوردند. کاووس به خود کامکی وتندی معروف بود وبارستم که بارها اورا ازرنجها رهانیده بود، به تندی رفتارمی کرد، چنانکهازدادن نوشدارو درمرگ سهراب خودداری کرد. همچنین باسیاووش پسر خود رفتاری ناجوانمردانه پیش گرفت، براوخشمگین شد واورا بهسرزمین توران فرستاد ودیگر روی او را ندید. سرانجام کاووس از شاهی کناره گیری کرد وتخت وتاج را به کیخسرو پسر سیاووش واگذاشت.

کاوهٔ آهنگر (نس - د) آهنگری که مطابق داستان شاهنامه برضحاك که پسرانش را کشته بود، شورید وچرم پارهای برسر چوب کرد ومردم را به پیکار باضحاك برانگیخت. ضحاك را در کوه دماوند بزندان کرد وفریدون را برتخت نشاند.

کسائی مروزی (ت) ابوالحسن مجدالدین اسحق کسائی مروزی. وفات ۳۹۱ــ از شاعران اواخر قرن چهارم که ناصرخسرو شاعر معروف دراشعار خود بسیار از او نام برده و به پیری وفرسودگی او اشاره کرده است. کسائی قصایدی درمدح وزیر سامانیان وهمچنین سلطان محمود غزنوی دارد و گذشته ازتوصیفات ومدایح، قصایدی هم درپند واندرز وحکمت دارد که اغلب دارای معانی فلسفی است وناصرخسرو بعضی از آنها را استقبال کرده است. کسائی در توصیف و ایراد تشبیهات استادی داشته است. قطعاتی از اشعار او در تذکره‌ها و فرهنگها نقل شده است.

کسوف (نج) گرفتن خورشید است. ماه اگر میان زمین وآفتاب واقع شود، آفتاب را ازچشم می‌پوشاند وسیاهی که برآفتاب دیده می‌شود سایهٔ ماه است. کسوف یا تمام وکلی است یا ناقص وجزئی

تا حشر منکسف نشود آفتاب اگر
آید به زیر سایهٔ عدلت به زینهار

«انوری»

الکشاف (ک) از مهمترین تفسیرهای معتزله تألیف ابوالقاسم محمودبن عمر زمخشری خوارزمی (متوفی ۵۳۸). زمخشری دراین تفسیر دربارهٔ خصوصیات صرف ونحو ومعانی وبیان وشأن نزول آیات ومسائل اعتقادی معتزله بحث کرده‌است. کشاف ازتفسیرهای پرارزش است و شروح بسیار برآن نوشته اند.

کشف (زحاف) (ع) درمفعولات حذف تاء است که می‌ماند مفعولا بجای آن مفعولن می‌گذارند وآن‌را مکشوف خوانند.

کشف‌الاسرار وعدة‌الابرار (ک) ازمهمترین تفسیرهای پارسی

قرآن، تألیف ابوالفضل رشیدالدین المیبدی . این تفسیر در سال ۵۲۰ هجری انجام گرفته است و همچنانکه مؤلف خود می گوید در حقیقت شرحی است بر کتاب خواجه عبدالله انصاری در تفسیر قرآن ، و بعقیدهٔ مؤلف خواجه عبدالله انصاری در کلام ایجاز بسیار به کاربرده ولی اوبه شرح و بسط بیشتری پرداخته است ودربسیاری از موارد نام خواجه عبدالله انصاری را به «پیرطریقت» یا «عالم‌طریقت» یاد کرده است .

(چاپ دانشگاه تهران)

کشف‌المحجوب (ک) تألیف ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی علی الجلابی الغزنوی الهجویری که آن را به در خواست شیخ ابوسعید هجویری دراواسط قرن پنجم درلاهور تألیف کرده است . این کتاب ازجمله قدیمترین کتابهای صوفیه می‌باشد که عطار درتذکرة الاولیاء وجامی در نفحات الانس ازآن استفاده کرده‌اند . کشف‌المحجوب تذکره‌ای است از احوال اصفیاء واولیاء وتاریخ مشایخ صوفیه واحوال آنان . سبک نثر کتاب ساده وروان است ولی هجویری گاه نیز نثر موزون به کار می‌برد .

(چاپ تهران)

کشف‌المحجوب (ک) تألیف ابویعقوب اسحق بن احمد سجزی که دراوائل قرن پنجم تألیف یافته واز مهمترین آثاراسمعیلیه محسوب می‌شود وشامل هفت مقاله است درتوحید ، خلق اول (خرد) ، خلق ثانی (نفس)، خلق ثالث (طبیعت) ، خلق رابع (موجودات روی‌زمین) ، خلق خامس (نبوت)، خلق سادس (برانگیختن یعنی بعث وستوره عاد) . سبک نگارش کتاب بسیار کهنه است .

کشکول (ک) کتابی تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان وفقیهان مشهور دورهٔ صفویه . این کتاب شامل

مطالب گوناگون اخلاقی وادبی به‌نظم ونثر عربی وفارسی است وبارها درایران به چاپ رسیده است .

کف (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف حرف هفتم یعنی نون‌است که می‌ماند مفاعیل؛ و آن را مکفوف خوانند

درفاعلاتن حذف نون است که می‌ماند فاعلات، وآن را مکفوف گویند .

درفاع لاتن مانند کف درفاعلاتن است .

درمس تفع لن حذف نون است که می‌ماند مستفعل ؛ و آن را مکفوف خوانند .

الکفایة(فی فروع الشافعیة) (لـ) منسوب به‌امام البغوی الشافعی (متوفی ٥١٦) محدث‌ومفسر معروف که‌آن‌را دراوایل‌قرن ششم دربارهٔ فقه شافعی تألیف کرده است . ازمشخصات این کتاب آنکه مؤلف کوشیده است تمام اصطلاحات فقه به فارسی ذکر شود . ازاین کتاب یک نسخه به‌نام «کفایة فی الفقه الفارسیه» جزو نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه تهران موجود است .

کلب اکبر (نج) یا کلب الجبار ازصورتهای فلکی در جنوب منطقة‌البروج به شکل سگ بزرگ .

کلب‌مقدم (نج) ازصورتهای فلکی در جنوب منطقة البروج به شکل سگ .

کلبهٔ‌احزان (تن) خانه‌ای که یعقوب‌درآن مقیم‌شده بودوبرفراق یوسف می گریست .

یوسف گمگشته بازآیدبه کنعان غم‌مخور

کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم‌مخور

«حافظ»

کلی (ط) لفظی که شامل افراد و جزئیات متعدد گردد. مانند مردم، که بر عمر و زید و بکر دلالت کند؛ و حیوان، که شامل اسب و سگ و شیر و گربه و موش و انسان و انواع دیگر جانداران است.

کلیات خمس (ط) عبارت است از: نوع، جنس، فصل، عرض عام، عرض خاص.

از اینها سه ذاتی است: نوع، جنس، فصل
و دو عرضی است: عرض عام، عرض خاص.

کلیله و دمنه (ك) کتابی هندی که در زمان انوشیروان ساسانی به وسیلهٔ برزویهٔ طبیب از هندوستان به ایران آوردند و از زبان سانسکریت به پهلوی نقل گردید و سپس از پهلوی به وسیلهٔ عبدالله بن المقفع به عربی در آمده است. رودکی کلیله و دمنه را به فارسی منظوم ساخت که از آن جز ابیات پراکنده چیزی در دست نیست. پس از آن در اوایل قرن ششم ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی ترجمه‌ای از عربی به عبارت منشیانهٔ فارسی ترتیب داد و آن را به نام ابوالمظفر بهرامشاه بن مسعود بن ابراهیم ساخت. این ترجمه معروفترین ترجمهٔ کلیله و دمنه است و از آثار نثر مصنوع زبان فارسی است که نویسنده در آن به آوردن مترادفات و استشهاد به اشعار و آیات و امثال عربی و فارسی مقید بوده است. این کتاب برای مترسلان نمونه‌ای از فصاحت و بلاغت شمرده شده و قوت در کیب و حسن اسلوب آن مورد توجه قرار گرفته، چنانکه پس از آن چندین کتاب به تقلید آن تألیف یافته است. مانند انوار سهیلی حسین واعظ کاشفی و عیار دانش.

کتاب کلیله و دمنه در چندین باب است که یکی از آنها در شرح حال برزویهٔ طبیب می‌باشد و بقیه در حکمت و موعظت و پند و امثال که با داستانها

وقصه ها برزبان وحوس وحیوانات آمیخته است .

کتاب کلیله ودمنه مطابق گفتهٔ نصرالله منشی شامل شانزده باب بوده که ده باب آن متعلق به هندیان بوده است وشش باب راایرانیان برآن افزوده‌اند .

کلیم یا کلیم‌الله (تن) رجوع شود به موسی

خارا جوشار برکشم و پس به یک عصا
ده چشمه چون کلیم ز خارا برآورم
«خاقانی»

کلیم همدانی (ت)ابوطالب کلیم کاشانی. وفات ۱۰۶۱ — کلیم درهمدان تولد یافت ومدتی درشیراز بسر برد وپس ازآن به هندوستان سفر کرد وپس ازچندی به وطن برگشت ولی باز به هندوستان رفت وبه دربارشاهجهان راه یافت ونزد او تقرب پیدا کرد و به‌لقب ملک‌الشعرائی ملقب گشت. کلیم با شاهجهان به کشمیر رفت وچون شیفتهٔ هواومناظر طبیعی آنجا شد ، بااجازهٔ شاهجهان همانجا ماند تا درگذشت .

کلیم در تمام فنون شعر وارد است ، قصایدش دارای مضامین تازه است ولی استادی کلیم درغزل سرائی است. غزلهای وی دارای نیروی تخیلی می‌باشد که حتی درمضامین معمولی نیز درشعرش دیده می‌شود. کلیم علاوه برنازک خیالی لفظ را نیز فراموش نکرده و کلامش یکدست و متجانس است .

(دیوان کلیم - چاپ تهران)

کلینی (ت) ابوجعفر محمدبن یعقوب بن اسحق کلینی رازی. وفات ۳۲۹- از محدثان وفقیهان معروف شیعه‌وازفتوی دهندگان معروف اسلامی. اولین محدث امامی است که به جمع ونقل اخبار دینیه پرداخته است

ودرقرن چهارم اغلب مشایخ محدثان از او روایت کرده‌اند .

ازآثاراو رد قرامطه، تعبیرالرویا، رسائل الائمه، کتاب الرجال است وازهمه معروفتر کتاب «الکافی» درعلم دین است .

کم (ط) (ازمقولات‌عشر) از جملهٔ عرضهاست که در مفهوم آن تقسیم کردن معتبراست وعبارت از قدرواندازهٔ اشیاء است .

کمال‌خجندی (ت) کمال‌الدین خجندی. وفات ۸۰۳ ازشاعران عارف قرن هشتم. درخجنداز بلاد ماوراءالنهر متولد شد وپس‌ازچندی به تبریز مهاجرت کردودرخدمت سلطان حسین جلایر تقرب یافت چنانکه سلطان برایش خانقاهی ساخت . درسال ۷۸۷ که امیر قبچاق به‌تبریز تاخت ، بسیاری از دانشمندان‌را به پایتخت خود برد ، ازآنجمله کمال بود . وی چهارسال درآن شهر ماند، دوباره به‌تبریز بر گشت وهمانجا ماند تا درخانقاه خود وفات یافت .

کمال درغزل عارفانه استادی داشته و اشعارش مورد نظرحافظ بوده است . دیوانش شامل غزلیات وقطعات وچندین رباعی است .

(دیوان کمال خجندی چاپ تبریز)

کمال‌خوارزمی (ت) کمال‌الدین حسین بن خوارزمی. وفات درحدود ۸۴۰ ازنویسندگان قرن نهم که بین سالهای ۸۳۰ و ۸۴۰ به دست اوزبکان ماوراءالنهر کشته شد . کمال صاحب تألیفات‌بسیار است ، از جمله دوشرحی است که بر کتاب مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی نوشته . یکی بنام « کنزالحقائق» است که بشعر می‌باشد و دیگری که مفصل‌تراست «جواهرالاسرار وزواهرالانوار» نام‌داده‌شده‌است

کمال‌الدین اسمعیل (ت) خلاق‌المعانی کمال‌الدین اسماعیل بن جمال‌الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی . وفات ۶۳۵ ازشاعران وقصیده

سرایان معروف عراق در قرن هفتم . وی نیز مانند پدر (جمال‌الدین عبدالرزاق) مداح خاندان آل صاعد وآل خجند بوده است . کمال‌الدین خوارزمشاهیان واتابکان فارس وسپهبدان طبرستان رانیزمدح کرده‌است ، دورهٔ وحشتناک مغول‌را به‌چشم دیده‌ودرواقعهٔ قتل‌عام اصفهان به‌دست مغول،سواری گشته وسرانجام درسال ۶۳۵ به دست آنان کشته شده است . کمال‌الدین درقصیده استاد است ومعمولا قصایدش بدون تغزل شروع می‌شود واغلب دارای ردیفهای دشوار است . کمال‌الدین در توصیف اصفهان و روزگارآبادی وخرابی آن قصاید بسیار دارد .

(دیوان کمال‌الدین - چاپ تهران)

کمال‌نامه (ك) مثنوی عرفانی اثر خواجوی کرمانی شاعر قرن هشتم که آن‌را درسال ۷۴۴ بروزن هفت پیکر نظامی و به‌نام شیخ ابواسحق اینجو ساخته است .

کمان رستم (نج) کنایه از قوس‌قزح

جون تیغ زندآفتاب رایت برابر بکرید کمان رستم

"ابوالفرج رونی"

کنایه (ب) هرگاه بجای آنکه کسی یاچیزی را نام ببرند یاعملی را صریحاً بیان کنند ، یکی از لوازم آن شخص یا حیوان یاامری که‌از صفتی حاصل می‌شود یا نتیجهٔ عملی را بیان کنند ، معنی مقصود به کنایه‌ادا شده است . فی‌المثل اگربجای خراورا «درازگوش» بخوانند، شنونده معنی خررادرمی‌یابد زیرا که داشتن گوش درازازلوازم ومختصات خراست . پس‌نام خر به کنایه بیان شده‌است .

کنعان (تن) شهری که یعقوب پیغمبر به آنجا نزد خال خود پناهنده شد ودختر اورا گرفت وهمانجا ماند .

یوسف گمگشته بازآید به کنعان غم مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور
«حافظ»

کوثر (نن) چشمه‌ای دربهشت که همهٔ چشمه‌های بهشت ازآن جاری می‌گردد .

زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست
تا در میانه خواستهٔ کردگار چیست
« حافظ »

کوشیار (ت) رجوع شود به گیلی :

یکی درنجوم اندکی دست داشت ولی ازتکبر سری مست داشت
بر کوشیار آمد از راه دور دلی پرارادت سری پرغرور
(سعدی)

کوکب (نج) از اجسام فلکی که نورانی است ، برعکس فلک که غیر نورانی است .

شنیدستم که هر کوکب جهانی است
جداگانه زمین و آسمانی است

کوهکن (د) رجوع شود به فرهاد .

چونشه بشنید قول انجمن را طلب فرمود گردن کوهکن را
«نظامی»

کهکشان (نج) رجوع شود به مجره

چشم درعالم درآن گوشه که گردون کرده ست
داس کز دیدن راه کهکشان انگنده
«... »

کیخسرو (ش — د) ازشاهان سلسلهٔ کیان، پسر سیاوش وفرنگیس، که پس ازمرگ سیاوش در سرزمین توران به دنیا آمد . پیران ویسه او را به شبانان سپرد تا بزرگ شد . گیو پهلوان ایران مأمور آوردن کیخسرو به ایران شد وپس از هفت‌سال جستجو اورا درمرغزاری یافت وازخالی که بر بازو داشت ونشان کیانیان بود ، اورا شناخت وباخود به ایران آورد . سران ایران درپادشاهی کیخسرو همداستان نبودندو گروهی فریبرز پسر کاووس را سزاوارتر می‌دانستند . کاووس برای آزمایش ، هردورا به گشودن دژ بهمن فرستاد . کیخسرو پیروز شد و به شاهی رسید . کیخسروبه کین پدر با افراسیاب جنگ کرد و سرانجام افراسیاب کشته‌شد . کیخسرو شصت‌سال شاهی کردوپس ازآن به عبادت پرداخت وسران کشور را جمع کرد و کناره گیری خودرا اعلام کرد ولهراسب را به تخت نشاندوبه بزرگان گنج بخشید وایشان را بدرود گفت وخودروی به کوهی نهاد وناپدید گشت .

کیف (ط) (ازمقولات عشر) عرضی است که نه می‌توان آن را قسمت کرد ونه نسبت داد . مثل سبکی، سنگینی . کیف اگرمختص به نفس حیوان و انسان باشد نفسانیه است . مثل : قدرت ، اراده و اگر باحواس پنجگانه بتوان ادراک کرد محسوسه‌است مثل : طعم ، رنگ .

کیقباد (ش — د) نخستین شاه کیانی و از نژاد فریدون . چون تخت ایران پس از مرگ گرشاسب بی‌شاه ماند زال ، به اشارهٔ مؤبد ، رستم را به جستجوی کیقباد به کوه البرز فرستاد . رستم کیقباد را ازکوه البرز آورد وبرتخت نشاند .

کیمیای سعادت (ك) تألیف حجة‌الاسلام امام محمد غزالی که آن را پس از سفرده‌سالهٔ خودمیان سالهای ۴۹۰ و ۵۰۰ به زبان فارسی

نگاشته است. کیمیای سعادت خلاصه‌ای است از احیاءالعلوم که به زبان عربی نوشته شده بود و در چهار موضوع با چهار عنوان است. شناختن نفس، شناختن حق تعالی، شناختن دنیا، شناختن آخرت. این کتاب هم جنبهٔ اخلاقی و دینی دارد و هم حکمتی و علمی.

نثر کیمیای سعادت روان و در عین حال بسیار پخته و پرمغز است و نثری است عارفانه و ادبی. (چاپ تهران)

کیومرث (ش — د) نخستین شاه پیشدادی که آئین تخت و تاج را آورد و شاه شد و سی سال سلطنت کرد. به روایت شاهنامه غذا پختن و جامه دوختن از پوست جانوران را او به مردمان آموخت.

گ

گرد آفرید (ش — د) دختر نیرومند و پهلوانی که روی بسته به جنگ سهراب رفت و رشادتها کرد وباحیله اورا تادژسپید کشیدوخود را به داخل دژ افکند ودررا به روی سهراب بست وخود وهمه ایرانیان دژنشین را نجات داد .

گردیزی (ب)ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود گرد یزی غزنوی .ازنویسندگان دورۀغزنوی ومعاصر سلطان عبدالرشید بن مسعود بن محمود سبکتکین .وی درزمان این پادشاه تاریخ بزرگی تألیف کرده است که به «زین الاخبار» معروف است .

گرشاسب (ش — د) نام یکی از نیاکان زال که از زابلستان بود وحکیم اسدی طوسی درقرن پنجم داستان دلاوریهای او را به نظم آورده وبه «گرشاسب نامه» موسوم ساخته است .

گرشاسب نامه (ك) داستان منظومی تألیف ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی که درسال ٤٥٨ نظم آن را به پایان رسانده است . این منظومه در حدود ده هزار بیت دارد و درشرح حال گرشاسب پهلوان سیستان و جد رستم است . شاعر سفرهای گرشاسب را به کشورهای هند و افریقیه وهنرنمائیها وپهلوانیهای او وجنگهائی را که با اژدها و دیو و ببر کرده است ، به تفصیل وصف می کند و داستان را با بحث هائی

مانند نکوهش جهان وستایش خداوند و انسان و وصف شب و روز وامثال آن می‌آمیزد .

اسدی گرشاسب نامه را از متن منثوری گرفته که شاید همان گرشاسب نامهٔ منثور ابوالمؤید بلخی بوده و جزو شاهنامهٔ او محسوب می‌شده است . اسدی درنقل داستان ووصف میدانهای جنگ ومناظر طبیعی استادی نشان داده است .

داستان گرشاسب نامه نخستین داستان حماسی است که پس از شاهنامهٔ فردوسی وبه تقلید آن به نظم آمده است . (چاپ تهران)

گرگ (ن) درشعر فارسی اشاره به گرگی است که برحسب گفتار دروغ برادران یوسف ، یوسف را دریده است .

درکوی تو معروفم واز روی تومحروم
گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده

"سعدی"

گشایش ورهایش (ك) از رساله‌های فارسی تألیف ناصرخسرو قبادیانی شاعر ونویسندهٔ بزرگ قرن پنجم . این کتاب شامل جوابهائی است که ناصرخسرو به سؤالهای یکی از برادران دینی داده است . کتاب حاوی سی سؤال وجواب است که ناصرخسرو با زبانی ساده وروشن دربارهٔ امور دین وحل مشکلها آورده است .

گشتاسب (ش - د) پسر لهراسب که چون از پدر تاج و تخت خواست و پدر روی موافقت نشان نداد ، به روم رفت و کتایون دختر قیصر را گرفت . سپس گشتاسب برادرخود زریر را که از جانب پدر به روم آمده بود ، شناخت وباا وبه ایران بازگشت وبه تخت نشست . گشتاسب از کتایون دخترقیصر دوپسر داشت : اسفندیار و پشوتن . از وقایع

زمان گشتاسب ، ظهور زرتشت است که گشتاسب وپسرانش و بزرگان ایران به‌دین او گرویدند . دیگر جنگ با ارجاسب است که برای ترویج دین زردشت بادلیریهای اسفندیار به‌پیروزی انجامید .

گلستان (ك) از معروفترین کتابهای نثر فارسی که سعدی شاعرو ادیب بزرگ ایران آن‌رادرسال ۶۵۶ به‌نام شاهزاده‌سعدبن ابوبکربن‌سعد زنگی تألیف کرده است . گلستان کتابی است تربیتی و اخلاقی ، شامل یک‌مقدمه درسبب تألیف کتاب و هشت باب.درسیرت پادشاهان،دراخلاق درویشان ، درفضیلت قناعت ، در فواید خاموشی ، درعشق وجوانی ، درضعف وپیری ، درتأثیر تربیت ، درآداب صحبت .

سعدی درکتاب گلستان انواع مواعظ‌وحکم‌را درنثر آمیخته‌بانظم گنجانده است . نثر گلستان نثر مسجع وموزون است ودرواقع بایدسعدی رادراین‌شیوه‌استاد مسلم‌دانست . سبک‌نثر گلستان‌مورد تقلیدنویسندگان قرون بعد قرارگرفته است . گلستان چندین بار به چاپ رسیده وازقرنها پیش کتاب درسی ایرانیان شده است .

گلشن راز (ك) مثنوی تألیف سعدالدین محمود شبستری که آن را در سال ۷۱۰ به رشتهٔ نظم کشیده است . این مثنوی از جامعترین مثنویهائی است دراصول تصوف؛ وموضوع آن پاسخ پانزده سؤال است در بارهٔ تصوف که شخصی به نام « امیر حسینی حسین بن عالم ابی‌الحسین هروی» از عارفان بزرگ خراسان آنها را مطرح کرده است . سؤالها دربارهٔ تفکر وسر وحدت، خودشناسی ، اناالحق ، ممکن وواجب، قدیم ومحدث ، جزء و کل واز این قبیل مسائل است .

شبستری درضمن جواب به این سؤالها امثال و شواهدی هم آورده است .

مثنوی گلشن راز بوسیلهٔ شیخ شمس الدین محمد لاهیجی درسال ۸۷۷ شرح شده وبه نام «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز» خوانده شده است .

گلشن صبا (ك) کتاب منظومی که فتحعلی خان صبا ملک الشعرای دربار فتحعلیشاه آن را به تقلید بوستان ساخته است .

گلگون (ش - د) نام اسب شیرین

نبود آن روز گلگون در وثاقش بر اسبی دیگر افتاد اتفاقش

"نظامی"

گل و نوروز (ك) گل و نوروز مثنوی عشقی از شاعر بزرگ ایران خواجوی کرمانی که آن را به سال ۷٤۲ بروزن خسرو وشیرین نظامی وبه‌نام تاج الدین احمد عراقی ساخته است . عدد ابیات آن در حدود ۲۶۰۰ می‌باشد .

گنج دانش (ك) کتاب سودمندی به زبان فارسی تألیف محمد تقی‌خان حکیم که آن را درسال ۱۳۰۵ هجری تألیف کرده است . این کتاب فرهنگ کاملی است ازاسامی اماکن وبلاد ایران ورجال مشهور وبادداشتهای مفید شامل ۵۷٤ صفحه . امتیاز این فرهنگ برفرهنگهای دیگر آن است که مؤلف درابتدای کتاب بطور تفصیل مآخذ ومنابعی را که مورد استفاده‌اش قرار گرفته ذکر کرده است .

گنج قارون (ن) گنجی که قارون پسر عم موسی به وسیلهٔ کیمیاگری اندوخته کرد وبه غرور آن برموسی عصیان کرد ، موسی دعا کرد تاقارون وگنجش درخاك فرو رفتند .

قارون هلاك شد که چهل خانه گنج داشت
نوشیروان نمرد که نام نکو گذاشت

"سعدی"

گندم (تن) دانه‌ای که خوردنش دربهشت برای آدم‌وحوانهی شده بود ، ولی ایشان به اغوای ابلیس ازآن خوردند واز بهشت رانده شدند .

بدرم روضهٔ رضوان به دوگندم بفروخت
ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم

«حافظ»

گودرز (تن— د) ازپهلوانان شاهنامه پسر کشواد . گودرزهفتاد پسرداشت همه ار پهلوانان نامی که ازآن میان گیو وبهرام درشاهنامه نامدارترند . خانوادهٔاو درشاهنامه گودرزیان خوانده‌شده‌اند . گودرز در دربار کاووس بسیار آبرو واحترام داشت وهمیشه‌موردشورقرارمی گرفت .

گوسالهٔ سامری (تن) گوساله‌ای ازطلا که مردی به نام سامری درزمان موسی ساخت ومطابق روایات خاك زمینی را که اسب جبرئیل درآن‌پانهاده بود ، برآن‌افشاند . گوساله به صداآمدوحرکت کرد .

چون سامری مباش که زر داد و ازخری
موسی بهشت و از پی گوساله می‌رود

«حافظ»

گوهرمراد (ك) کتابی درحکمت‌والهیات به زبان‌فارسی تألیف عبدالرزاق لاهیجی که آن را درزمان شاه‌عباس ثانی وبه نام او تألیف کرده است . این کتاب شامل مقدمه وسه‌مقاله است که هرمقاله‌دارای چندین فصل درمنطق وخودشناسی وخداشناسی ورسالت وامامت‌است . گوهر مراد ازکتابهای سودمندی است که در منطق والهیات به زبان فارسی نوشته شده است .

گوهرنامه (ك) مثنوی بروزن خسروو‌شیرین نظامی که خواجوی

کرمانی آن را به‌نام امیرمبارزالدین محمد مظفر و وزیر او بهاءالدین محمود ساخته است. موضوع آن تصوف و اخلاق است.

گوی‌وچوگان (ك) یا حالنامه منظومهٔ عارفانهٔ کوچکی در یانصد بیت تألیف محمود عارفی هراتی که آن را درسال ۸۴۲ ساخته است. شاعر دراین منظومه بازی گوی وچوگان را وصف کرده ومناظره‌ای بین آنها ترتیب داده وآن را «حالنامه» خوانده است.

موضوع اصلی این مثنوی داستان عشق درویشی است نسبت به شاهزاده‌ای. درویش پیوسته ازعشق خون دل می‌خورد تا سرانجام دراین راه جان را به باد می‌دهد.

عارفی این منظومه را به تقلید نظامی ساخته ودرسراسر آن شور ومستی عشق را آشکار کرده است و درضمن نقل حکایت قطعه‌های زیبا وبدیعی مانند «مناظرهٔ زمین وآسمان» و«راز گفتن درویش با گوی وچوگان» آورده است. (چاپ لندن)

گیتی‌گشا (ك) کتابی درتاریخ زندیه، تألیف میرزا محمدصادق موسوی. این کتاب دردورهٔ انحطاط ادبی یعنی اواخرقرن دوازدهم نوشته شده و نثر آن بسیار سست و متکلفانه است.

(چاپ تهران)

گیلی (پ) ابوالحسن کوشیار ازمنجمان وریاضی‌دانان قرن چهارم و آغاز قرن پنجم. از آثار او کتاب الاصطرلاب و عیون الحقایق است درعلم نجوم.

گیو (ش — د) از پهلوانان شاهنامه وپسر گودرز که دلاوریها کرده‌است واز کارهای معروف‌اوآوردن کیخسروبه‌ایران‌است. دیگر نامی

دختری در شکارگاه و آوردن او نزد کاووس است که کاووس او را به همسری برمی گزیند و سیاوش از او به وجود می‌آید . گیو پدر بیژن پهلوان نامی است که داستان او با منیژه دختر افراسیاب از قسمتهای دلکش شاهنامهٔ فردوسی است .

ل

لازم (ط) چیزی که از شیء منفک نشود . مثل قدرت کتابت از انسان

لامعی گرگانی (ب) ابوالحسن محمدبن اسمعیل لامعی از شاعران قرن پنجم ومعاصر طغرل سلجوقی و الب ارسلان است . اشعاری درمدح عمیدالملک کندری وزیرطغرل ونظام الملک وزیر الب ارسلان سروده است. لامعی دروصف وتنوع مضامین بسیار مهارت داشته است وچون به زبان عربی آشنائی داشته ، کلمات وحتی عبارتهای عربی در کلام خود بسیار استعمال کرده است .

(مجموعه اشعارلامعی — چاپ تهران)

لاهیجی (ب) ملاعبدالرزاق لاهیجی . وفات ۱۰۵۱ ازمعروفترین حکیمان وعالمان عصرصفوی ومعاصر شاه عباس ثانی . لاهیجی شاگرد ملاصدراست وتألیفات مهمی درحکمت ومنطق دارد . معروفترین کتابهای فارسی او « گوهر مراد» و «سرمایهٔ ایمان» است . از جملهٔ تألیفاتش به زبان عربی «شوارق الالهام» درشرح تجرید خواجه نصیر طوسی است . لاهیجی شعر نیز می گفته و«فیاض» تخلص می کرده است .

لباب الالباب (ک) تذکرهٔ مهمی به زبان فارسی ، تألیف محمد عوفی از نویسندگان اوایل قرن هفتم که آن را درسال ۶۱۷ به نام عین الملک فخرالدین وزیر ناصرالدین قباچه تألیف کرده است . این کتاب

درشرح حال شاعران ایران است ، ازابتدا تازمان مؤلف و مشتمل بردوجلد است. جلداول حاوی شرح حال ونقل اقوال سخنگویان ازشاهان وامیران ووزیران ودانشمندان . جلد دوم خاص شاعران وادیبان است شامل شرح حال ۱۶۹ تن ازشاعران ایران .

لباب الالباب قدیمترین تذکره‌ای است از احوال شاعران فارسی زبان و درآن از شاعرانی یاد شده است که احوال و آثارشان بر اثر حملهٔ مغول یا وقایع دیگر از بین رفته است و اگرچه مؤلف در ذکر حال شاعران و بزرگان اطلاعات سودمندی به‌دست نمی دهد و اغلب به استعمال استعاره و تشبیه و جناس می پردازد و عبارت پردازی را به‌آوردن معانی مفیدتر جیح می‌دهد ، باز از نظر تاریخی و ادبی بسیار مهم است .

لبیبی (ت) ازشاعران اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم .وی معاصر فرخی بود ومانند او ابتدا به دربار چغانیان وپس ازآن به دربار غزنوی رفت . قصیده‌ای از او درمدح ابوالمظفر چغانی باقی است . لبیبی پس از خود شهرت یافته و مسعودسعد قصیده‌ای دراستقبال یکی از شعرهای او ساخته است .

ابیاتی از او درفرهنگها وتذکره‌ها ضبط است .

لطف‌الله نیشابوری سالکی (ب) وفات ۸۱۶ — ازقاضیان دانشمند وشاعران نیشابور که معاصر امیرتیمور بوده‌وازمریدان‌شاه نعمة‌الله‌ولی است . مولانالطف‌الله درشعر به ایرادصنایع لفظی توجه خاص داشته است وقصایدی درمدح ائمهٔ اطهار دارد . کلیات لطف‌الله به خط سیمی نیشابوری در کتابخانهٔ ملی ایران موجود است .

لغز (ب) ازصنایع بدیع که گوینده‌بادادن نشانیهای مختلف چیزی

را وصف کند مانند قصیدهٔ منوچهری دروصف شمع که مطلع آن این است:

ای نهاده در میان فرق جان خویشتن
جسم ما زنده به جان وجان تو زنده به تن

هنگامی که لغز به صورت سؤال باشد آن را «چیستان» گویند

لقمان (تن) بعضی ازمورخان اورا عم‌زادهٔ ابراهیم پیغمبر می‌دانند ونام اوصریحاً درقرآن آمده است وبه حکمت منسوب است. قوله تعالی آتیناالقمن الحکمة .

لمعات (ك) رساله‌ای در تصوف، شامل تعلیمات استاد بزرگ محی‌الدین بن العربی. این کتاب را فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی درقونیه پس ازآن که به‌خدمت شیخ صدرالدین قونیوی رسید ودرمجلس او به بحث در بارهٔ فصوص پرداخت، تألیف کرد و برشیخ عرضه داشت .

لمعات مشتمل بر ۲۸ لمعه است حاوی نظم ونثرعربی وفارسی که جامی درزمان سلطان حسین بایقرا به دستور امیر علیشیر نوائی شرحی برآن نوشته وآن را «اشعةاللمعات» نامیده است .

لن ترانی (دن) اشاره است به قصهٔ موسی که گفت (ای‌پروردگار خودرا به من نما) جواب آمد (لن ترانی) یعنی که هرگزمرانخواهی دید .

چوقلم زدست بنهی بدهمش بی‌قلم تو
صفتی که نور گیرد ز خطاب لن ترانی
(ازدیوان شمس تبریزی)

لوامع فی‌شرح‌الخمریه (ك) شرحی که‌قصیدهٔ خمریهٔ ابن‌فارض المصری(۵۷۶—۶۳۲) تألیف‌مولانا عبدالرحمن جامی که‌آن رادرسال ۸۷۰ تألیف کرده‌است. هریک‌ازفصول کتاب به‌نام «لامعه» است که‌مجموع

آن لواسع خوانده سی‌شود .

لوایح (کك) رساله‌ای به‌زبان فارسی درتصوف ، از آثار معروف مولانا جامی که آن را درحدود سال ۸۷۰ به‌نام جهانشاه قره‌قوینلوتألیف کرده است. این کتاب مشتمل برسی لایحه است بامقدمه‌ای درخطبه ومناجات، ونثر آن مسجع آمیخته به شعر است واز نظر تحقیق درعرفان بسیار سودمند می‌باشد		(چاپ لندن)

لوط (تن) ازپیغمبران که هرچه قوم خودرا به راه خدا دعوت می کرد نمی‌پذیرفتند . عاقبت به‌فرمان خدا لوطو کسانی که به‌اوایمان آورده‌بودند ازشهربیرون رفتند . وشهرسنگسار شدوزن لوط که‌ازنافرمانان بود بادیگران سنگسارشد .

لوکری (ت) ابوالحسن‌علی‌بن‌محمدغزوانی لوکری اهل لوکر ازشهرهای نزدیك مرو وازشاعران‌نیمهٔ دوم قرن‌جهارم . لوکری‌نوح بن منصور سامانی وابوالحسن عبداله‌بن احمد عتبی‌را مدح گفته‌است . اشعار پراکنده‌ای از غزل وقصیده از او باقی است .

لهراسب (س‌-د) ازشاهان کیان که به‌دستور کیخسرو وبرخلاف میل بزرگان‌شاه گشت وآتشکدهٔ آذربرزین را بنا کرد . سرانجام سلطنت را به پسرش گشتاسب سپرد وخود در آتشکدهٔ نوبهار که در شهر بلخ بود به عبادت پرداخت .

لیلة‌القدر(تن) رجوع شود به سب قدر

لیلی (د) ازاشخاص‌داستانهای عرب، لیلی دختری است ازقبیلهٔ بنی‌عامر که ازکودکی مورد علاقه‌وعشق مجنون (قیس) ازقبیلهٔ‌خود، واقع می‌شود وخود نیز به اودل می‌بندد، اما به فرمان پدرقیس‌ازاوجدا می‌شود وپس ازمدتی به‌ازدواج «ابن‌السلام» درمی‌آید . لیلی هیچگاه

تن خود را به شوهر نمی‌سپارد وسرانجام به ناکامی جان می‌دهد .

داستان عشق لیلی ومجنون بوسیلهٔ بسیاری از شاعران ایرانی به نظم آمده است که نخستین و معروفترین آنها مثنوی «لیلی ومجنون» نظامی گنجوی است .

شبی مجنون به‌لیلی گفت کای محبوب بیهمتا

ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

«حافظ»

لیلی ومجنون (ک) یکی ازمثنویهای نظامی داستانسرای بزرگ قرن ششم که آن را درسال ۵۸۰ به‌نام شروانشاه ابوالمظفر اخستان بن منوچهر ساخته است . این مثنوی دارای‌چهارهزار وهفتصد بیت است . اصل داستان لیلی ومجنون عربی است وموضوع آن عشق مجنون(قیس) از قبیلهٔ بنی‌عامر ولیلی‌بنت سعد از همان قبیله می‌باشد .

داستان لیلی و مجنون پس از نظامی بوسیلهٔ شاعران دیگر مانند جامی ومکتبی نیزبه نظم آمده است .

لیلی ومجنون (ک) یکی ازمثنویهای هفت اورنگ عبدالرحمن جامی که آن را به تقلید لیلی ومجنون نظامی درسال ۸۸۹ ساخته است . جامی درنظم این داستان به منابع عرب نیز توجه داشته وغالباً اشعار منسوب به قیس عامری را ترجمه کرده است .

(هفت اورنگ — چاپ تهران)

م

ماچین کشوری درجنوب چین وشرق هندوستان

دو چشم شوخ تو برهم زده ختا وختن

به چین زلف توماچین وهند داده خراج

«حافظ»

ماده (ط) مایه واصل چیزی را گویند . مانند فولاد که مادهٔ شمشیر است .

ماده تاریخ آن است که درتاریخ واقعه‌ای کلمه یاعبارتی بجویند که از جمع اعداد حروف آن به حساب ابجد سال تاریخ آن واقعه به دست بیاید. این کلمه یا عبارت را «ماده تاریخ» می‌نامندومعمولا آن را در ضمن قطعه‌ای درج می‌کنند تا آسان به خاطر سپرده شود . گاهی ماده تاریخ تنها حروف ابجد است واز آنها کلمه یاعبارت بامعنی حاصل نمی‌شود مانند ماده تاریخ حیات ابوعلی سینا که این است:

حجة الحق ابو علی سینا

در «شجع» آمد ازعدم به وجود

در«شها» کرد کسب کل علوم

در«تکز» کرد این جهان بدرود

که ازحروف «شجع» ۳۷۳ واز حروف «شها» ۳۹۱ و از حروف «تکز» ۴۲۷ حاصل می‌شود . اما ماده تاریخ فصیح و شیوا آن است که عبارت بامعنی ومتناسب باواقعه باشد مانند ماده‌تاریخ وفات حافظ:

چراغ اهل معنی خواجه حافظ

که شمعی بود از نور تجلی

چو در خاک مصلی یافت منزل

بجو تاریخش از «خاک مصلی»

که «خاک مصلی» می‌شود ۷۹۱ .

مار (تن) جانوری که ابلیس را در دهان خود جای داد و پنهانی اورا به بهشت برد ، تا آدم وحوا را فریفت .

گاهی نیز در شعر فارسی به ماری که بر دو کتف ضحاک بوده اشاره شده است .

دست آهنگر مرا در مار ضحاکی کشید

گنج افریدون چه سود اندر دل دانای من

«خاقانی»

مانی (ش — ت) نام نقاش ایرانی که مادرش منسوب به خاندان شاهی اشکانی بود وادعای پیغمبری داشت . مانی به فرمان بهرام اول کشته شد . کتاب معروف مانی «شاپورگان» نام داشت و کتاب ارژنگ (یا ارتنگ) که مشتمل بر نقشها وتصویرهای دلکش بود به او منسوب است .

آئین مانی تا چندین قرن در آسیا و اروپا رواج داشت . اما مانی در ادبیات فارسی بیشتر به هنر نقاشی شهرت دارد و در این هنر به او مثل زده می‌شود

سپهر گفتی نقاش نقش مانی گشت

که هر زمان بنگارد هزار گونه صور

«انوری»

ماه کنعان (تن) اشاره به یوسف ، رجوع نمود به یوسف .

ماه کنعانی من مسند مصر آن تو شد
جای آن است که بدرود کنی زندان را
«حافظ»

ماه مصر (تن) اشاره به یوسف . رجوع شود به یوسف .

ز صد هزار پسر همچو ماه مصر یکی
چنان شود که چراغ پدر کند روشن
«صائب»

ماه مقنع (د) ماهی که مقنع به سحر و جادو در شهر نخشب ساخته بود و هرشب از چاهی برمی‌آمد و تا چهار فرسنگ را روشن می کرد

کی بود ماه مقنع همچو ماه آسمان
گرچه کوته دیدگان را در خیال افتد سپر
«انوری»

ماه نخشب (د) رجوع شود به ماه مقنع .

صبح برآمد ز کوه چون مه نخشب زچاه
ماه برآمد به صبح چون دم ماهی ز آب
«خاقانی»

متدارك (ع) از بحور شعر عربی و فارسی که اخفش اوسط نحوی آن را یافته است و اصل آن «هشت بار فاعلن» است . درفارسی مشتقات این بحر رواج بسیار ندارد . وزن زیر در زمانهای اخیر متداول شده است . (فاعلن فاعلن فاعلن فع) مثال :

ای فسانه فسانه فسانه		ای خدنگ ترا من نشانه

متقارب (ع) از بحور شعر فارسی و عربی . درفارسی از این بحر وزنهای زیر رایج است: متقارب مثمن (فعولن ۸ بار) مثال :

جهانا چه بدمهر وبدخوجهانی چو آشفته بازار بازارگانی

متقارب مثمن مقصور یا محذوف (فعولن فعولن فعولن فعول- یا فعل) مثال:

به نام خداوند جان وخرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

المتوکلی (ت) ابواسحق ابراهیم بن ممشاد اصفهانی. اهل اصفهان که ابتدا سمت کتابت متوکل را داشته پس ازآن به خدمت یعقوب لیث رسیده است. المتوکلی در فصاحت و کتابت عربی بی‌نظیر بوده وبعضی گویند قطعهٔ معروف «انا ابن الاکارم من نسل جم . .» را او از قول یعقوب ساخته وبرای خلیفه فرستاده است.

متی (ط) ازمقولات عشر. مفهوم متی نسبت جسم است به زمان یعنی «کی بودن»

مثنوی (ب) یکی از قالبهای خاص شعرفارسی که درزبان عربی نیز به تقلید فارسی ساخته شده است. وآن را «مزدوجه» خوانده‌اند. مثنوی شعری است که هردو مصراع آن دارای قافیهٔ واحد و مستقلی باشد. در زبان فارسی برای سرودن منظومه های مفصل رزمی وبزمی وعرفانی قالب مثنوی به کار می‌رود. مانند مثنوی معروف مولوی و شاهنامهٔ فردوسی و خمسهٔ نظامی. مثال:

درختی که تلخ است وی راسرشت
گرش بر نشانی به باغ بهشت
ور ازجوی خلدش به هنگام آب
به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
سر انجام گوهر به کار آورد
همان میوهٔ تلخ بار آورد

«فردوسی»

مثنوی (ك) نام منظومهٔ مفصل ومعروف جلال الدین محمد مولوی بلخی معروف به رومی . این منظومه که به بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور سروده شده شامل شش دفتراست ومجموع ابیات آن به بیست وشش هزار می‌رسد .

مثنوی مهمترین ومعروفترین اثر منظوم عرفانی است که از زمان سروده شدن تاکنون همواره مورد مطالعه و توجه خاص علاقمندان به تصوف وعرفان واندیشه های لطیف عرفانی وحکمی بوده است و برآن شرحهای متعدد مبسوط نگاشته‌اند .

کتاب مثنوی شامل حکایتهای مسلسل منظومی است که عارف بزرگ از نقل آنها نتایج عرفانی واخلاقی ودینی منظور داشته است . غالباً، چنانکه یکی ازشیوه های متداول درادبیات فارسی است ، داستانهای کوتاه‌وبلند درضمن داستان دیگربه‌مناسبت می‌آید ودرهرمورد احادیث واخبار، وآیات قرآن مجید برای تأیید واثبات مطلب ذکر می‌شود .

کتاب مثنوی مکرر به چاپ رسیده است .

مجاز (ب) آن‌است که‌چیزی را ذکر کنندوازآن غیر معنی‌اصلی خواهند . یانسبت دهند به چیزی آنچه راکه ازوی نیست .

اول را مجاز لغوی‌وثانی را مجاز عقلی خوانند . مثال :

تاسلسلهٔ ایوان بگسست مداین را

درسلسله‌شد دجله‌چون‌سلسله‌شد پیچان

سلسله به معنی زنجیر است واز عبارت «دجله درسلسله‌شد» مراد شاعر آن است که‌رود دجله موج زنشد . پس ازکلمهٔ «سلسله» چیزی غیر از معنی اصلی آن اراده شده است . دراین مورد کلمهٔ «سلسله» به معنی مجازی به کار رفته است .

مجالس العشاق (ك) تألیف سلطان ابوالغازی حسین بایقرا که آن را درسال ۹۰۸ تألیف کرده است. این کتاب دارای یک مقدمه دربیان عشق حقیقی و هفتاد و شش مقاله است موسوم به مجالس که سر گذشت عارفان با شاهان به‌طرز داستانی در آن نقل‌شده است. آخرین مجلس این کتاب درشرح حال مؤلف یعنی سلطان حسین بایقرا است. ولی انتساب این کتاب به سلطان حسین بایقرا قطعی نیست بلکه بابر در کتاب «بابرنامه» مؤلف آن را کمال‌الدین حسین گازرگاهی می‌داند.

این کتاب از حیث ترجمهٔ حال بزرگان قابل اعتماد نیست و نویسنده درشرح مطالب ازسادگی خارج شده و به‌عبارت‌پردازی پرداخته است.

مجالس المؤمنین (ك) کتابی درشرح حال وآثار واحوال عالمان وفقیهان وشاهان ومتصوفان. تألیف قاضی نورالله ششتری که آن را درسال ۹۹۳ شروع کرده ودر ۱۰۱۰ به‌پایان رسانیده‌است. این کتاب در دوازده مجلس است درشرح حال بزرگان و فقیهان و مبناش برنشر دعوت شیعه است. نوشتهٔ کتاب ساده است. (چاپ تهران)

مجالس النفایس (ك) اصل این کتاب به زبان ترکی شرقی (جغتائی) است تألیف میرنظام‌الدین امیرعلیشیرنوائی وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا و درسال ۸۹۶ تألیف یافته است.

مجالس النفایس شامل یک مقدمه و هشت مجلس است درذکر حال شاعران ونویسندگان معاصر نویسنده، وشرح حال فاضلان خراسان وشاهان وشاهزادگانی که یا خود شعرمی گفته‌اند یا به شعر وشاعری علاقهٔ خاص داشته‌اند. همچنین درذکراوصاف ابوالغازی سلطان‌حسین بن بایقرا و حوادث سیاسی‌سلطنت او. مؤلف روی‌هم‌رفته در حدود سیصدو هشتادوپنج تن ازشاعران‌قرن نهم را نام برده‌است. این کتاب با آنکه

بسیار مختصر است و مؤلف درشرح حال شاعران و فاضلان بسیار بهاایجاز پرداخته است، باز نمودار وضع ادبیات فارسی درقرن نهم است ودر ضمن ازفواید تاریخی و اجتماعی خالی نیست .

ازمجالس النفایس سه ترجمه به فارسی صورت گرفته است . یکی به نام «لطائف نامه» است که مترجم آن فخری هراتی است و کتاب خود را به نام شاه اسمعیل اول برداخته است . ترجمهٔ دوم از حکیم شاه محمدبن مبارک القزوینی که آن را به نام سلطان سلیم خان بن سلطان بایزید ساخته است . ترجمهٔ سوم به دست شاه علی بن عبدالعلی انجام گرفته وبه نام دین محمد ازشاهان اوزبک ماوراءالنهر برداخته شده است .

مجتث (ع) ازبحور شعرفارسی وعربی . اصل آن «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن» است . درفارسی ازاین بحر وزنهای زیر متداول است :

بحر مجتث مثمن مخبون (مفاعلن فعلاتن ۴ بار) مثال :

درآن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم
بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم

مجتث مثمن مخبون محذوف (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن) مثال :

سحرزهاتف غیبم رسید مژده به گوش
که دورشاه شجاع است می دلیر بنوش

مجدهمگر (ت) وفات ۶۸۶ ازشاعران قصیده سرای قرن هفتم هجری . اهل یزد بود ولی درشیراز اقامت داشته و در تحت حمایت بهاءالدین جوینی حکمران فارس می زیسته است و اشعاری در مدح شمس الدین صاحبدیوان واتابک سعدبن ابوبکر بن سعد زنگی دارد . علاوه برمدح قطعات هجویه‌ای نیزدرحق اشخاص سروده است . غزلهای عاشقانه نیز دارد و گاه مضمونهای اجتماعی و حکمی در اشعارش دیده

می‌شود.

مجره (نج) یا راه کهکشان. مجموع ستارگانی است از جنس ستارگان ابری، مانندداire‌ای بزرگ که بردوبرج جوزا وقوس می‌گذرد.

یکی پله است این منبر مجره   زده گردش نقط از آب روبن

«منوچهری»

مجری (ق) ازحرکات قافیه. حرکت روی‌پیش ازحرف وصل. مانند حرکت نون درکلمهٔ دشمنی

دوستا گردوستی گردشمنی

مجلسی (ت) محمدباقر. وفات ۱۱۱۱ ــ ازبزرگان وعلماء شیعه درزمان صفویه. وی پسر ملامحمد تقی مجلسی واز متعصبان مذهب بوده که تشیع را درمیان عامه ترویج کرده وباصوفیه درکمال خشونت رفتار می‌کرده‌است. مجلسی به‌فارسی‌ساده وقابل فهم‌عوام‌چیزمی‌نوشت وعقاید شیعه وتاریخ واحادیث را به این طریق ترویج می‌کرد. ازآثار معروف او به عربی «بحارالانوار» است درحدیث وازآثارفارسی او «عین الحیاة» شامل پند واندرز، مشکوة‌الانوار، حلیة‌المتقین، حیوة‌القلوب، جلاءالعیون، حق‌الیقین است.

مجمر اصفهانی (ت) سیدحسین طباطبائی. وفات ۱۲۲۵ هجری. از ساداتاصفهان بوده که‌درجوانی به‌تهران‌آمده‌بوسیلهٔ میرزاعبدالوهاب نشاط به دربارفتحعلیشاه راه یافته است. پس از مدتی ازطرف شاه به لقب مجتهد الشعرائی مفتخر گشت. مجمر سالها ندیم حسنعلی میرزا پسرفتحعلی شاه بوده و از شاعران غزلسرای‌دورهٔ بازگشت ادبی‌است. غزلیات لطیف دارد ودرقصیده پیروانوری و خاقانی و امیرمعزی است. اشعار هزل وهجو دارد ومثنوی به سبک تحفة العراقین خاقانی سروده

و قطعات منثوری هم به سبک گلستان سعدی ساخته است .

مجمع الانساب (ك) تاریخی به زبان فارسی تألیف محمد بن علی بن محمد شبانکاره که مؤلف آن را دوبار نوشته است . یکبار به سال ۷۳۳ وبار دیگر به سال ۷٤۳ زیرا در هنگامی که خانهٔ غیاث الدین محمد وزیر پسر خواجه رشیدالدین فضل الله درتبریز غارت شد ، نسخهٔ اولی کتاب از بین رفت ومؤلف بار دیگر آن را از حافظهٔ خود نوشت .

مجمع الانساب شامل تاریخ عمومی عالم است از بدو خلقت تا زمان تحریر . مؤلف درشرح حال طبقات شاهان و طوایف، تقسیمات مختلفی بکاربرده است . شاهان را به چند طبقه وهرطبقه را به چند گروه وهر گروه را به چند طایفه تقسیم کرده است . وقایع را گاهی به اختصار ذکر می کند و گاهی به تفصیل .

سبک کتاب درقسمت اول ساده تر است ولی در اواخر متکلفانه می شود وبا اشعاری درمدح شاهان آمیخته می گردد .

مجمع الفرس (ك) رجوع شود به فرهنگ سروری .

مجمع الفصحاء (ك) کتابی درشرح حال شاعران، تألیف رضاقلیخان هدایت که آن را بقول خود پس از سی سال کار به پایان رسانده است . این کتاب شامل شرح حال شاعران پارسی است از آغاز ظهور شعر تا زمان مؤلف یعنی ۱۲۸٤ وچنانکه هدایت خود درمقدمهٔ کتاب گوید کتاب را برچهار رکن یا باب تقسیم کرده است . باب اول در ذکر اشعار وحال شاهان قدیم و جدید . باب دوم شعرای متقدمین . باب سوم شعرای متوسطین . باب چهارم شعرای متأخرین ومعاصرین . درپایان کتاب چندین صفحه به شرح حال واشعار خود اختصاص داده است .

هدایت درمقدمهٔ مجمع الفصحاء از کتابها وتذکره هائی که استفاده

کرده نام برده است . مجمع الفصحاء اگرچه به‌علت وسعت کاردارای لغزشها وخطاهای بسیار است ، باوجود این آخرین وجامعترین تذکرهٔ شاعران فارسی است وهمواره مورد استفادهٔ محققان ونویسندگان تاریخ قرار گرفته است.

(مجمع الفصحاء — چاپ تهران)

مجمل التواریخ والقصص (لئ) کتابی که مؤلف آن معلوم نیست ولی چنانکه از گفتهٔ او برمی‌آید جدش مهلب بن محمدبن شادی نام داشته است . مؤلف مجمل التواریخ اهل همدان و قریهٔ اسدآباد بوده است وچون ازاصفهان بسیار بحث کرده، معلوم می‌شود که مدتی دراصفهان اقامت داشته است . تاریخ تألیف کتاب سال ۵۲۰ و زمان سلطنت سلطان سنجر سلجوقی است .

موضوع کتاب ، تاریخ اجمالی عالم است عموماً و تاریخ کشور ایران خصوصاً از مبدأ خلقت تاسال ۵۲۰ هجری. این کتاب دربیست وپنج باب است وشیوهٔ تنظیم مطالب آن تقلیدی‌است ازتاریخ سنی ملوك الارض تألیف حمزهٔ اصفهانی ، به این معنی که هرفصلی به موضوع معینی وبه روایت مورخ معینی‌اختصاص داده شده است . مثلا سنوات سلطنت دریکجا، نام‌ونسب درجای دیگر ، همچنین آثار وبنا ، معاصران سلاطین ، القاب ، قبور ، سیرو صفات، هرکدام درفصل جداگانه‌ذکر شده است .

صاحب‌مجمع التواریخ منابع وکتابهای معتبری راکه ازآنهااستفاده کرده است، درکتاب خود نام می‌برد . مانند تاریخ طبری، سیرالملوك ابن‌مقفع ، حمزهٔ اصفهانی .

صاحب مجمل التواریخ کتاب خود را باقصه آمیخته ولی درعین

حال اسنادومدارکی درتاریخ ذکر می کند که بسیار مورد استفاده‌است انشاء کتاب بسیارساده ودور از تکلف و کمی کهنه‌تر ازسبک زمان مؤلف است ولغات عربی بسیارکم دارد .

(مجمل التواریخ —چاپ تهران)

مجمل فصیحی (ك) از تواریخ مهم دورهٔ تیموری به‌زبان فارسی تألیف فصیحی خوافی که آن‌را در سال ۸۴۹ به‌نام شاهرخ تألیف کرده است . این کتاب تاریخ عمومی مختصری است از ابتدای خلقت تا اواسط قرن نهم ومشتمل بریک مقدمه ودومقاله ویک خاتمه است . درمقدمه تاریخ عالم ازبدو خلقت تا ولادت پیغمبر اسلام نوشته شده است . مقالهٔ‌اول ازولادت پیغمبر تاهجرت اوبه‌مدینه است . مقالهٔ‌دوم مفصل‌ترین قسمتهای کتاب است یعنی شامل وقایع ازسال اول هجرت تا ۸۴۵ می‌باشد .

مجمل فصیحی به طرز سالنامه نگاری نوشته شده و وقایع سنوات به ترتیب پی‌درپی آمده است . این کتاب به‌نثری بسیار ساده‌نوشته‌شده وشامل مطالب بسیار پرارزش وسودمند می‌باشد . (چاپ تهران)

مجنون (د) از اشخاص داستانهای عاشقانهٔ عرب . نام اصلی او «قیس» واز قبیلهٔ «بنی‌عامر» است . قیس از کودکی به لیلی بنت‌سعد ازقبیلهٔ خود، دل می‌بندد وبه مناسبت‌مخالفت پدر لیلی‌ازاوجدامی گردد. کارقیس ازعشق به‌جنون می کشد چنانکه اوراه بیابان پیش می گیرد وباوحش وطیر مأنوس می گردد وسرانجام در ناکامی جان می‌سپرد .

شبی مجنون به لیلی گفت کای محبوب بیهمتا
ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد
«حافظ»

مجنون و لیلی (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که شاعرآن را درسال ۶۹۸ به تقلید لیلی ومجنون نظامی ساخته است .

مجیر بیلقانی (ت) ابوالمکارم مجیرالدین بیلقانی . وفات ۵۸۶- از قصیده سرایان آذربایجان واهل بیلقان . وی شاگرد خاقانی می‌باشد وارسلان بن طغرل بن محمدبن ملکشاه از سلجوقیان واتابک شمس الدین ایلدگزو پسرانش جهان پهلوان وقزل ارسلان را مدح کرده است . مجیر ازطرف ایلدگز مأموریتی به اصفهان یافت ولی اهالی اصفهان چنانکه باید اورا ننواختند وبه این سبب مجیراشعاری درهجواصفهانیان سرود . دیوان مجیرشامل قصاید و غزلیات وقطعات ورباعیات است ودر اشعار اوسبک خاقانی نمودار است . وی با اغلب شاعران زمان خود مانند خاقانی و نظامی وجمال الدین عبدالرزاق مناظره ومعارضه داشته‌است . مجیر به روایتی به تعصب اهل اصفهان به قتل رسیده است .

محاق (نج) حالتی از ماه که نیمی از آن که به جانب خورشید است ازنظر ناپیداست ونیمی که کاملا تاریک است به سوی زمین است این حال درآخرماه است وآن‌را «اجتماع» و«اتصال» نیز گویند . زیرا که آفتاب وماه باهم گرد می‌آیند .

ماه ارنخواهد آنکه بود نعل مرکبت
از ناخن محاق اید چهره خسته باد

«انوری»

محبوب القلوب (ك) یا شمسه و قهقهه کتابی شامل قصص و حکایات تألیف میرزا برخوردار بن محمود ترکمان فراهی از منشیان ومترسلان عهد صفویه . این کتاب دارای مقدمه وپنج باب ویک خاتمه است درآداب معاشرت و نیکوکاری ومساعدت اقبال و صعوبت ادبار

وفوائد قناعت

مؤلف درضمن حکایتها وقصه های شیرین همه‌جا پندواندرزهای سودمند داده است . نثرآن نثرمسجع ودارای عبارت بردازی وتعبیرات مشکل است .

(محبوب‌القلوب — چاپ تهران)

محتشم کاشانی (ت) شمس‌الشعرا محتشم کاشانی‌وفات ۹۹۶- ازشاعران معروف دورهٔصفویه وشاعردربارشاه طهماسب . محتشم کاشانی ابتدا غزلسرائی ومدیحه گوئی کرده اما بعد به سرودن اشعار مذهبی پرداخته است ومی‌توان گفت معروفترین شاعر مرثیه گوی ایران است . محتشم ترکیب بند معروفی‌دررثاء شهیدان کربلا دارد، علاوه برسرانی معروف غزلیاتی نیز از اوباقی است به‌نام «نقل‌عشاق» . شاعران زمان به‌تقلید اوترکیب‌بند های مختلف ساختند . (دیوان‌محتشم‌چاپ‌تهران)

محتمل الضدین (ب) یا ذو وجهین آن است که گوینده عبارت را طوری به کاربرد که درآن مدح وذم باشد . مانند

ای خواجه ضیا شود زروی‌توظلم

با طلعت تو سور نماید ماتم

محمدبن غاز الملطوی (ت) منسوب به شهر ملطیه از بلاد آسیای‌صغیر . ازفاضلان دربار سلاجقهٔ روم و دبیر ابوالفتح رکن‌الدین سلیمانشاه‌بن قلج ارسلان که بعد دردرباراوسمت‌وزارت‌یافت وبه‌تشویق اوکتاب مرزبان‌نامه را اززبان طبری به پارسی درآورد وآن را «روضة العقول» نامید .

محمدبن‌مخلد (ت) ازنخستین شاعران ایران و معاصر یعقوب لیث صفاری . به روایت تاریخ سیستان‌مردی سکزی وفاضل وشاعربود .

شعری درمدح یعقوب از اونقل شده است .

محمد بن منور (ت) نورالدین محمد بن منوربن ابی‌سعد. ازنویسندگان قرن ششم هجری ونوادهٔ شیخ ابوسعیدابی‌الخیر. وی مؤلف کتاب «اسرار التوحید» است که آن را برحسب اطلاعات خود و روایات درشرح حال وسخنان جد خویش تألیف کرده است .

محمد بن ناصرعلوی (ب) شرف‌الدین محمدبن ناصر علوی . از شاعران وسادات غزنین . سنائی درکارنامهٔ بلخ او را به‌مرتبت بلند وشاعری ستوده‌است. عوفی اورابرادر سیدحسن غزنوی‌می‌داندومی‌گوید سید محمدبن ناصر در خدمت بهرامشاه غزنوی بود ومقام عالی داشت وعلاءالدوله‌را مدح کرده است . ابیات معدودی از محمدبن‌ناصرعلوی درلباب‌الالباب آمده که بیشتر درمدح است و شاعر در آنها به آوردن ردیفهای دشوار مقید شده است .

محمدطاهر (ت) صاحب تذکرهٔ نصرآبادی. ازنویسندگان قرن یازدهم. اجداد او مشاغل دیوانی‌داشته‌اند ولی شخص‌اوپس‌ازکسب ادب وهنرگوشهٔ انزوا اختیارکرده و به خدمت ادبی برداخته است . محمد طاهر شعر نیز می‌سروده و از پیروان صائب وکلیم بوده است . بعضی از اشعار او درتذکره‌ها ضبط است .

محمدعبده (ت) محمدبن‌عبده الکاتب. ازنویسندگان وشاعران مشهور قرن چهارم ودبیر بغراخان ازشاهان خانیهٔ ماوراءالنهر. نظامی اورا درنظم ونثر وبلاغت متبحر دانسته است . ابیاتی ازاودر حدائق السحر وترجمان البلاغة آمده است .

محمدعوفی (ت) رجوع شود به عوفی .

محمدقزوینی (ت)رجوع شود به قزوینی .

محمدوصیف (ت) دبیر رسایل یعقوب لیث صفاری که زمان عمروبن‌لیث وطاهر را هم درک کرده است . صاحب تاریخ سیستان اورا اولین شاعر زبان فارسی می‌داند وچند قطعه از اونقل می کند که یکی درمدح یعقوب ومربوط به فتح هری و کشتن عمار خارجی درسال ۲۵۱ است ودیگر به مناسبت شکست رافع بن هرثمه وقتل او درسال ۲۸۳ می‌باشد . قطعهٔ دیگری نیز از اوباقی است‌مربوط به گرفتاری عمرولیث به دست اسمعیل سامانی درسال ۲۸۷ .

محمود (ب) مقصود سلطان محمود غزنوی است که درادبیات فارسی‌هم‌به عنوان‌حامی ومشوق شعر وادبیات‌وهم‌به سمت‌دلدادهٔ‌غلام ترک خود اباز ذکر می‌شود .مثنوی «محمودوایاز» زلالی‌خوانساری دربارهٔ عشق اوست .

غرض کرشمهٔ‌حسن‌است ورنه‌حاجت نیست

جمال دولت محمود را به زلف ایاز

«حافظ»

مختاری‌غزنوی (ب) ابوالمفاخرخواجهٔ حکیم‌سراج‌الدین‌ابوعمر عثمان‌بن‌عمر. وفات۵۴۹ه‍ــازشاعران معروف‌دربارغزنوی‌درقرن ششم . مختاری با مسعود سعد وسنائی وابوالفرج رونی معاصر بوده و سلطان ابراهیم مسعودومسعودبن‌ابراهیم وابوالملوک ارسلان مسعودبن‌ابراهیم را مدح گفته است . همچنین اشعاری در مدح قاوردبان دارد .

مختاری دراقسام‌شعرمانند قصیده وترجیع‌بنددست داشته ومثنوی معروفی به‌نام «شهریارنامه» دارد درذکر داستان شهریار پسر برزوپسر سهراب پسر رستم که آن را به خواهش سلطان مسعود بن ابراهیم ساخته است .

دیوان اورا شامل هشت هزار بیت دانسته‌اند .

مختصر فی اخبار البشر (کتاب ال...) (ك) رجوع شود به‌تاریخ ابی‌الفداء

مخزن الاسرار (ک) یکی از مثنویهای خمسهٔ معروف نظامی داستانسرای بزرگ قرن ششم ایران ، که‌آن را درسال ۵۷۰ به نام فخرالدین بهرامشاه بنی داوود پادشاه ارزنگان‌ساخته است. این‌مثنوی شامل دوهزارودویست‌وشصت بیت‌است،وموضوع آن ، حکمت وموعظه وپنداست‌دربیست‌مقاله که، همه‌جا باداستان‌وتمثیل وحکایات‌آمیخته‌است . نظامی‌درساختن مخزن‌الاسرارازسنائی‌پیروی کرده‌است . (چاپ تهران)

مخلدی گرگانی (ت)ابوسریف احمدبن علی مخلدی گرگانی . ازشاعران اواخر قرن چهارم واوایل قرن‌پنجم،اشعاری‌ازاو درتذکره‌ها موجود است .

مدح شبیه به‌ذم (ب) آن است که شاعر مدح کسی را بکند اما به صورت ذم ، یعنی پس ازذکر چند صفت نیک ممدوح با کلمات استثنا مانند لکن واما خواننده را به گمان ذم می‌اندازد ، در حالی‌که یکی دیگر از اوصاف ممدوح را ذکر می‌کند.

به زلف کژ ولیکن به قد وقامت راست
به تن‌درست ولیکن به چشمکان بیمار

مدح موجه (ب) آن است که گوینده ممدوح‌را طوری‌بستاید که دومدح درآن‌باشد

قارون کند اندر دو نفس تیغ جهادت
یک‌طایفه‌میراث خور وسرثیه‌خوان را

مدید (ع) ازبحور شعر عربی که‌درفارسی معمول نیست . مثال

آن ادن است .

بحرمدید مسدس سالم (فاعلاتن فاعلن فاعلاتن)

غالیه زلفی سمن عارضینی		سرو بالائی و زنجیر موئی

مرآت البلدان (ك) تألیف میرزا محمد حسنخان اعتمادالسلطنه که شامل فرهنگ جغرافیائی است به سبک معجم البلدان یاقوت حموی . این کتاب درچهارجلداست .

جلد اول آن شامل فرهنگ جغرافیائی ایران است از حرف الف تا تاء که مؤلف پس ازمباحث جغرافیائی به مباحث تاریخی زمان ناصرالدین شاه پرداخته است . جلد دوم شامل وقایع پانزده سال ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه است . جلد سوم ، اوضاع سلطنت ناصرالدین شاه از سال شانزدهم تا سی ودوم است . جلدچهارم بازفرهنگ جغرافیائی ادامه می یابد وبه حرف جیم می رسد .		(چاپ تهران)

مراعات نظیر (ب) آن است که نویسنده درآن چیزهائی را که با هم متناسب اند جمع کند ، مانند کلمه های کمان وتیر دراین شعر :

ازآن به خاك نشستم كه آن كمان ابرو

سراچوتیرسوی خود کشیدودورانداخت

و کلمات شبگرد و عیاروتاج و کمر درشعرذیل :

فکیه براختر شبگرد مکن کاین عیار

تاج کاووس ربود و کمر کیخسرو

مراقبت (زحاف) (ع) آن است که اسقاط یکی ازدوحرف بااثبات حرف دیگر ملازم باشد یعنی دوحرف نه باهم ساقط می شود ونه باهم ثابت می ماند . مراقبت در مفاعیلن بین باء و نون است که اگر یکی حذف شد دیگری می ماند .

مربع (ب) آن است که چهار مصراع طوری گفته شود که هم بتوان آن‌را از درازا خواند وهم ازپهنا

به جانت نگارا که‌داری وفا
نگارا وفا کن به دل بی‌جفا
که‌داری به دل دوستی سرسرا
وفا بی‌جفا سرسرا خوشترا

مرزبان‌بن‌رستم‌بن‌شروین (ت) اصفهبد مرزبان رستم‌بن شروین. از شاهان طبرستان وازخاندان آل باوند. وی مردی دانشمند و ادب دوست بود وشعرنیزمی‌سرود. از آثاراو کتاب «مرزبان‌نامه» است به‌لغت قدیم طبرستانی. ابن‌اسفندیار دیوانی به نظم طبری به‌نام «نیکی نامه» به او نسبت داده است.

مرزبان‌نامه (ك) کتابی شامل داستانها و حکایتهائی به زبان وحوش‌وطیور وحاوی‌حکمت وپند بسیار تألیف‌مرزبان‌بن رستم‌بن شروین از شاهان طبرستان که آن را در اواخر قرن چهارم هجری به‌زبان‌قدیم طبرستان تألیف کرده‌است. این کتاب دوبار به زبان فارسی دری‌ترجمه شده است. نخست درقرن ششم به وسیلهٔ محمدبن غازی ملطوی که آن‌را «روضة‌العقول» نامیده است؛ وبار دیگر در اوایل‌قرن هفتم به‌وسیلهٔ سعدالدین وراوینی که آن را به نام ربیب‌الدین هرون وزیر اتابک ازبک‌بن محمد از اتابکان‌آذربایجان ترجمه کرده است. «روضة‌العقول» باشواهد و اشعار عربی آمیخته و مرزبان نامهٔ سعد وراوینی نیزدارای انشاء مصنوع وتشبیهات واستعارات فراوان است.

(مرزبان‌نامه — چاپ تهران)

مرصادالعباد‌من‌المبدأ الی‌المعاد (ك) کتابی به زبان فارسی

تألیف نجم‌الدین رازی معروف به نجم دایه که آن را در سال ۶۲۰ به‌نام علاءالدین کیقباد پادشاه سلجوقی آسیای صغیر تألیف کرد . این کتاب ازآثار ذیقیمت ادبی‌است درعلم تصوف واخلاق وآداب معاش ومعاد . نثر کتاب گاهی نثرساده ومرسل است وگاه دارای سجع وموازنه است . مؤلف در خلال موضوع ، احادیث و آیات و همچنین اشعاری به‌فارسی وعربی از خود وشاعران دیگر نقل می کند . (چاپ‌تهران)

مرغ‌سلیمان (تن) رجوع شود به هدهد .

قافلهٔ شب چه‌شنیدی زصبح		مرغ سلیمان چه خبر ازسبا

(حافظ)

مروج الذهب (ك) ازمعتبرترین کتابهای تاریخ قرن‌چهارم هجری به‌زبان‌عربی تألیف‌ابوالحسن بن حسین المسعودی. این کتاب دارای ۱۳۲ باب است که از تاریخ آدم ابوالبشرشروع می‌شود وبه وقایع سال ۳۳۲ هجری پایان می‌پذیرد و به گفتهٔ خود مسعودی خلاصه‌ای از کتاب «اخبارالزمان» و «کتاب‌الاوسط» اوست .

مسعودی بیش ازذکر تاریخ پیغمبران وشاهان ازاوضاع طبیعی و جغرافیایی کشورها گفتگو می کند . پس ازآن از مذاهب وادیان وتاریخ شاهان مختلف از قبیل فراعنه واکاسره وملوك یونان وعربان سخن می گوید. درتاریخ شاهان به اختصار می کوشدو گاهی به ذکر نام ومدت سلطنت اکتفا می کند ولی دربارهٔ اوضاع اجتماعی و نژاد ومشخصات ومذاهب گوناگون حتی‌عقاید‌خرافی بیشتروارد‌بحث‌می‌شود . مسعودی مآخذ کتاب‌خود را ذکر می کندودرحدود سی‌تن ازمورخان‌را نام می‌برد که پیش‌ازاو به‌تدوین تاریخ پرداخته‌اند. ازقرآن هم‌روایاتی دارد. جزاینها مسعودی‌مدارکی‌را که درسفرهای‌طولانی بدست آورده

ویا عاداتی را که به چشم دیده در کتاب نقل می کند. بنابراین مطالب کتاب مروج الذهب بسیار متنوع وجالب است ومسعودی درفصل جداگانه‌ای اشعاری از شاعران عرب عهد جاهلیت وبعد از اسلام نیز ذکر می کند.

مریخ (نج) یا بهرام، بعد از آفتاب قرار گرفته وپنجمین کره است نسبت به زمین ودر آسمان با نور سرخ می درخشد. مریخ ستارهٔ جنگجویان است

خنجر مریخ سست گردد وهر شب

از شفقش خون برآسمان بنماند

مریم (نن) دختر عمران و مادر عیسای پیغمبر. عمران مقیم مسجد بیت‌المقدس بود و پسران بسیار داشت وبه شکرانهٔ آن نذر کرد که فرزند دیگرش را مقدم مسجد کند. مریم متولد شد. چون دختر نمی‌توانست درمسجد مقیم شود، عمران متحیر شد. وحی رسید واجازه داده شد که مریم در مسجد مجاور شود. زکریا پسرعم عمران از مریم درمسجد محافظت می کرد. چون مریم هیجده ساله شد، جبرئیل خود را به صورت یوسف نجار درصومعه به مریم نمود و او را به تولد عیسی مژده داد، به فرمان خدای تعالی روح القدس در او دمیده شده، به قولی پس از نه ساعت وبه قولی پس از نه ماه عیسی متولد شد.

آبستنی مریم عمران به پسر بود

آبستنی دختر انگور به جان است

«منوچهری»

مزید (ق) ازحروف قافیه. آن است که خروج به آن پیوندد مثال:

این دل که به زلف دلبری بستیمش

هر چند گسست باز بپیوستیمش

شین در کلمه های بستیمش وبپیوستیمش مزید است.

مساوات (ب) آن است که لفظ ومعنی باهم برابر باشد .

سؤال رفتی بیش عطا همیشه کنون
همی عطای توآید بذره پیش سئوال

مستزاد (ب) آن است که شاعر بعد از نظم هرمصراع قسمتی از کلام موزون بیاورد که شعر بی آن دارای وزن درست باشد ولی از حیث معنی به آن بستگی داشته باشد . مثال :

دوشینه پی گلاب می گردیدم		درصحن چمن
پژمرده گلی میان گلها دیدم		افسرده چومن
گفتم توچه کردی که چنین می‌سوزی		ای یار عزیز
گفتا که دمی دربن چمن خندیدم		پس وای به‌من

مسرورطالقانی (ت) ابوالفضل مسروربن محمدطالقانی ازشاعران عصر محمود غزنوی که قطعه‌ای ازاودرمدح ابوالقاسم احمدبن حسن میمندی درلباب الالباب ضبط است .

مسعودسعد (ت) مسعودبن سعدبن‌سلمان لاهوری .وفات ۵۱۵- از قصیده‌سرایان بزرگ‌قرن پنجم ومعاصر دورهٔ‌غزنوی وسلجوقی . اصلش ازهمدان وتولدش درلاهور است . مسعودسعد به ملازمت سیف‌الدوله مسعودبن ابراهیم غزنوی به هندوستان‌عزیمت کرد ودرجنگها درالتزام رکاب بود ولی‌سیف‌الدوله که موردسوءظن پدرواقع گشته بود باندیمانش زندانی گشت و ازآنجمله مسعود نیز هفت‌سال درقلعه های سو و دهک وسه سال درقلعهٔ نای‌محبوس شد وبه‌وساطت عمیدالملک ابوالقاسم‌خاص آزادشد وبه حکومت یکی از نواحی لاهور رسید ولی باردیگر گرفتارشد و هشت سال درقلعهٔ مرنج درحبس ماند تا درسال ۵۰۰ به شفاعت ثقةالملک‌طاهربن‌علی‌مشکان‌آزادشدو تاپایان‌عمر کتابداری‌شاهان‌غزنوی

را داشت. مسعود سعد امیران غزنوی ووزیران را مانند ثقةالملک طاهر وابونصر پارسی وابوالقاسم خاص مدح کرده است . مسعودسعد درزبان تازی وهندی تبزدست داشته واشعاری به‌عربی سروده است . مهمترین موضوع اشعار مسعود سعد شرح رنجهای بی‌پایان وسختیهائی است که دردوران زندان تحمل کرده‌است . این اشعار به حبسیات معروف‌است وبسیار موثر می‌باشد .

(دیوان مسعودسعد — چاپ تهران)

مسعودی (ت) ابوالحسن علی‌بن حسن المسعودی . وفات ۳٤٦ـ مورخ بزرگ‌قرن چهارم . از فرزندان عبدالله‌بن‌مسعود بود که درعصر حضرت محمد می‌زیست و به همین مناسبت به مسعودی اشتهار یافته است . مسعودی دراواخر قرن سوم دربغداد متولد شد و درسال ۳۰۰ هجری ازآنجا خارج شدوبه‌مولتان وفارس‌وکرمان وهندوستان تانزدیک چین سفرکرد ومدتی درشهرهای مختلف اقامت کرد وپس از این سفر طولانی دوباره به بغداد برگشت و نتیجهٔ مطالعات چندین ساله‌اش را به صورت کتاب درآورد .

از آثار معروف او کتاب «اخبارالزمان» و«کتاب الاوسط» است دیگر کتاب«التنبیه والاشراف» درعلم هیئت‌ومهمتر ازهمه «مروج الذهب» می‌باشد .

مسعودی غزنوی (ت) بارازی شاعر قرن پنجم و معاصرسلطان مسعود غزنوی که درسال ٤۳۰ مغضوب‌واقع شدوبه هندوستان تبعید گشت . ابیاتی ازاودرتذکره‌ها باقی است .

مسعودی مروزی (ب) ازشاعران اواخر قرن سوم واوایل قرن چهارم . وی نخستین کسی‌است که شاهنامهٔ منظوم ساخته است . از

شاهنامهٔ او اطلاع فراوانی در دست نیست. ثعالبی در «غرر اخبار ملوك الفرس» والمقدسی در کتاب «البدء والتاریخ» ازاین منظومه یاد کرده‌اند.

مسمط (ب) شعری است که شاعر بنای آن را بر چند مصراع متفق القوافی یابیشتر و کمتر نهد ومصراع آخر را برقافیه‌ای گذارد که قافیهٔ اصلی شعر باشد مانند مسمط‌های منوچهری. مسمط را برحسب شمارهٔ مصراعهای هربندی مربع، مخمس، مسدس می‌خوانند

خیزید وخزآرید که هنگام خزان است
باد خنک ازجانب خوارزم وزان است
آن برگ رزان است که برشاخ رزان است
گوئی به مثل پیرهن رنگرزان است
دهقان به تعجب سرانگشت گزان است
کاندرچمن وباغ نه گل ماند ونه گلنار

مسیحا (تن) لقب عیسای پیغمبر

فیض روح القدس ار باز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

«حافظ»

مشاکل (ع) از بحور مخصوص شعرفارسی. به این وزن شعرهای فهلوی (یعنی اشعار محلی به لهجه‌های مرکزی وغربی ایران) بیش از شعرفارسی دری است. اصل آن «فاع لاتن مفاعیلن مفاعیلن» است وازاین اصل گاهی ابیاتی به وزن زیر دیده می‌شود.

مشاکل مکفوف مقصور (فاع لات مفاعیل مفاعیل):

ای نگاربه چشم سیه موی سرو قد نکو روی نکو گوی

مشتاق (ن) میرسیدعلی مشتاق اصفهانی. وفات ۱۱۷۱ - ازسادات

حسینی اصفهانی و ازشاعران قرن دوازدهم . مشتاق درعلوم معقول ومنقول مهارت داشت و ازعلوم متداول زمان خود بهره‌مند بود . انجمن ادبی دراصفهان تأسیس کرد به نام «انجمن ادبی مشتاق» که سخن سرایانی مانند هاتف وعاشق وآذر بیکدلی درادن انجمن حاضر شده کسب ادب می‌کردند . مشتاق ازاحیاکنندگان سبک عراقی است ودیوانش شامل قصیده وغزل ورباعی است. قصاید مشتاق بیشتر درمناقب حضرت رسول اکرم است .

(دیوان مشتاق — چاپ تهران)

مشتری (نج) یا برجیس درفلک ششم نسبت به زمین قرار گرفته است ودرنظر منجمان ستارهٔ سعد است .

بر آسمان مکرمت از روشنان علم

چون مشتری به نور خرد سعد اکبرم

«انوری»

المصادر (ك) از قدیمترین کتابهای لغت تألیف قاضی ابوعبدالله حسین بن احمد زوزنی. این کتاب درزمان مؤلف نیز معروف ومورد اعتماد بوده است . مؤلف دراین کتاب مصادرعربی را به فارسی شرح کرده ودربرابرهریک معادلی به فارسی آورده است . مصادر عربی دراین کتاب برحسب افعال صحیح ومعتل ومهموز ومانند آن وبه ترتیب حروف تهجی اواخرآنها تنظیم شده است . مؤلف ابتدا از ثلاثی مجرد شروع کرده وپس ازآن ثلاثی مزید ورباعی مجرد ومزید را آورده است .

(چاپ تهران)

مصحف (ب) آن است که چون نقطهٔ کلمه‌ای را تغییر دهند معنایش تغییر کند .مانند دو کلمهٔ بوسه وتوشه دراین شعر:

مرا بوسه جانا به تصحیف ده که درویش را توشه از بوسه به

مصراع (ب) درزبان عرب مصراع لنگهٔ دراست ودرشعرنیمه‌ای از بیت باشد . پس هربیت شامل دومصراع است .

مضارع (ع) از بحور شعر عربی وفارسی . مرکب است ازدوبار «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن» ودرفارسی ازاین بحر وزنهای زیرمتداول است .

بحرمضارع مثمن اخرب مکفوف مقصور یامحذوف «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان — فاعلن»

گیتی که اولش عدم و آخرش فناست

در حق او گمان ثبات و بقا خطاست

بحر مضارع مثمن اخرب صدر وعروض : «مفعول فاعلاتن ۲ بار»

بگذار تابگریم چون ابر دربهاران

کز کوه ناله خیزد روز وداع یاران

«سعدی»

بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف : «مفعول فاعلات مفاعیلن»

ای مطرب خوش آوا آواده ای‌ساقی آن‌قدح را باما ده

«اورمزدی»

المضاف الی بدایع الازمان (ك) تألیف افضل‌الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی درتاریخ کرمان . تاریخ تألیف کتاب اوایل سال ۶۱۳ است که تسلط‌ملوك‌شبانکاره واتابکان فارس وامرای‌غزازکرمان قطع شده‌است . انشاء این کتاب‌مانند «عقدالعلی» مصنوع ومتکلف‌است .

مطلع الانوار (ك) یکی از مثنویهای امیر خسرودهلوی که‌آن را درسال ۶۹۸ به‌نام علاءالدین محمدشاه درتقلید مخزن‌الاسرار نظامی ساخته است .

مطلع السعدین (ک) تاریخی به زبان فارسی تألیف کمال الدین عبدالرزاق بن اسحاق السمرقندی از مورخان قرن نهم هجری . این تاریخ دردوجلد است وشامل تاریخ صدوهفتاد سال ، از زمان سلطان ابوسعید آخرین پادشاه ایلخانان تاپایان پادشاهی سلطان ابو سعید تیموری است وبهمین مناسبت مؤلف نام آن را «مطلع السعدین» گذاشته است . نویسنده در این کتاب از مطالب زبدة التواریخ تألیف حافظ ابرو استفاده کرده ووقایعی را نیزشرح داده است که خودشخصاً ناظر وشاهد آن بوده‌است .

مطلع السعدین تاریخ نفیسی است که دارای اطلاعات بسیار سودمند می‌باشد و مورد استفادهٔ تاریخ نویسان بعد قرارگرفته است . سبک آن ساده وروان است .

مطلع الشمس (ك) تألیف اعتمادالسلطنه .دربارهٔ اوضاع ایالت خراسان ، درجلد اول که درسال ۱۳۰۱ ه ف تألیف یافته وضع جادهٔ تهران را به مشهد ازدماوند وفیروزکوه وبسطام وبجنورد وقوچان وصف می‌کند واوضاع هریک ازاین بلاد را شرح می‌دهد . جلد دوم وصف شهر مشهد وابنیهٔ تاریخی وبزرگان واعاظم آن است وشامل شرح حال امام علی بن موسی الرضا است، همچنین فهرستی از کتابهای کتابخانهٔ آستانه قدس دارد . جلدسوم - درشرح مراجعت ناصرالدین‌شاه از نیشابوروسبزوار ودامغان وسمنان است باشرح احوال رجال وبزرگان هریک ازشهرها .

(چاپ تهران)

المعارف (ك) از مهمترین آثار صوفیان به زبان فارسی. تألیف بهاءالدین محمدبن حسین خطیبی معروف به بهاءالدین ولد . این کتاب مجموعه‌ای است ازمجالس ومواعظ بهاءالدین که درآن ازحقایق عرفان وتفسیرآیات قرآن سخن گفته است وشامل ترکیبات ولغات پارسی است

وبسیار دلپذیر می‌باشد .		(چاپ تهران)

معاقبت (زحاف) (ع) آن است که حذف حرفی از یکی ازافاعیل عروضی بالزوم ابقاء حرف دیگر آن ملازمه داشته باشد . درمفاعیلن آن است که یاء ونون باهم ساقط نمی‌شود، اگر نون بیفتد یاء می‌ماندواگر یاء بیفتد نون می‌ماند . معاقبت در فاعلاتن بین نون والف است یعنی یا نون می‌افتد باالف .

المعجم فی آثار ملوك العجم (ك) رجوع شود به تاریخ معجم .

المعجم فی معائیر اشعار العجم (ك) تألیف شمس الدین محمد بن قیس رازی که آن را درحدودسال . ۶۳ به زبان فارسی تألیف کرده است. ظاهراً اصل کتاب به عربی نوشته شده ودربارهٔ عروض وقوافی فارسی وعربی بوده است . اما بعدبنا به سفارش دوستان آن را دوقسمت کرده است . آنچه را مربوط به زبان فارسی بوده است درکتابی تلخیص کرده ونام «المعجم فی معائیر اشعارالعجم» برآن گذاشته استوآنچه متعلق به زبان عربی بوده به نام «المعرب فی معائیر اشعارالعرب» موسوم کرده است . کتاب المعجم درفن عروض وعلم قوافی و نقدالشعراست و یکی از مهمترین و سودمندترین کتابها است دربارهٔ علوم ادبی به زبان فارسی ؛ وعلاوه برآنکه ازحیث مطالب مربوط به عروض وقافیه ونقدالشعر جامعترین کتاب فارسی است از لحاظ آوردن سواهد شعری وذکرنام بسیاری از شاعران قبل ازمغول بسیار پرارزش ومورد استفاده است .

(المعجم — چاپ تهران)

معراج (تن) درلغت به معنی جای بالا رفتن و در اشعار فارسی اشاره به عروج حضرت محمد ص بسوی خداست تا آنجا که فراتر رفتن ازآن برای کسی میسر نبوده است :

براق همتش معراج پیمای عقاب دولتش نهمت شکار است

«ابوالفرج رونی»

معراج السعادة (ك) کتابی در اخلاق، تألیف احمد بن مهدی نراقی ازعالمان و فقیهان و شاعران معاصر فتحعلیشاه قاجار. این کتاب درواقع ترجمه‌ای است از کتاب جامع السعادات تألیف میرزا مهدی، نراقی پدر مؤلف .

معروفی بلخی (ت) ابوعبدالله محمدبن حسن معروفی بلخی از شاعران عهد سامانی ونیمهٔ اول قرن چهارم که امیر رشید عبدالملک بن نوح (۳۴۳ — ۳۵۰) را مدح گفته است . اشعار پراکنده‌ای از او باقی است .

معزی (ت) امیرالشعرا ابوعبدالله محمدبن عبدالملک . وفات در حدود ۵۲۰ - ازشاعران بزرگ دورهٔ سلجوقی ، پدرش عبدالملک برهانی شاعر دربارالب ارسلان بود که در ابتدای دولت ملکشاه وفات یافت ومعزی جای او را گرفت . تخلص او به معزی به مناسبت انتساب به دربار معزالدین والدنیا ملکشاه بن الب ارسلان می باشد، لقب امیررا هم ملکشاه به او اعطا کرد . معزی تافوت ملکشاه در دربار او می زیست وپس ازآن مدتی درهرات ونیشابور واصفهان گذراند و بعد به خدمت سنجربن ملکشاه رسید وتا آخر عمر در دربار او ماند . سبب فوت او را تیری می دانند که ازکمان شاه جدا شد وبی قصد به معزی اصابت کرد و چنانکه خود اشاره کرده است از زخم آن تیر مدتی بیمار بود و گویا سرانجام براثر همان زخم فوت کرد . ممدوحان معزی علاوه برسلطان ملکشاه وسلطان سنجر شاهان دیگر سلجوقی و وزیران ایشان می باشند مانند برکیارق و محمدبن ملکشاه ، ارسلان ارغو پسر الب ارسلان ،

بهرامشاه‌بن‌مسعود غزنوی ، اتسزبن محمد خوارزمشاه .

اشعار امیر معزی‌شامل‌قصاید وغزلیات‌است که درنهایت‌سادگی است وخالی ازتکلف‌می‌باشد . غزلهای نغزی‌دارد ودرقصایدش‌اشارات تاریخی وجود دارد و به‌بسیاری از وقایع عصرسلجوقی مانند جنگها وصلح های‌سلطان ملکشاه وسنجر اشاره کرده است .

معما (ب) : آن است که‌شاعر اسم یامعنی را نوعی به‌رمز گوید که خواننده جز به اندیشه وفکر نتواند به حقیقت آن پی ببرد .

درمعنی قپان .

چیست نه شلوار و نه پیراهنش
هرچه می‌خواهی نهی در دامنش
راست گوید هرچه گوید بی زبان
اژدهائی عقربی در گردنش

معمری (ت) ابوزراعه معمری جرجانی از شاعران دورهٔ سامانی که خودرا درشاعری بارودکی مقابسه کرده‌است . ابیاتی‌ازاودرتذکره‌ها باقی است .

معیارالاشعار (ك) کتابی به‌زبان فارسی درعلم عروض وقوافی تألیف‌خواجه نصیرالدین‌طوسی دانشمند بزرگ ایرانی . این کتاب‌شامل یک مقدمه ودوفن است . مقدمه در بیان ماهیت سعر و ذکر صناعات آن‌درسه فصل . فن اول‌درعلم عروض که شامل‌ده فصل‌است . فن دوم درعلم قافیه که شامل ده فصل می‌باشد . نویسنده دراین کتاب اسعار فراوانی به فارسی وعربی به عنوان شاهد ذکر کرده است .

(چاپ تهران)

معین‌الدین‌اسفزاری (ت) رجوع شود به اسفزاری

معین‌الدین‌یزدی (ت) وفات ۷۸۹ـ از دانشمندان‌وتاریخ نویسان قرن هشتم ومعاصر ومداح شاه شجاع .معین‌الدین برحسب تشویق‌شاه شجاع وپدرش امیر مبارزالدین محمد ، کتابی درتاریخ خاندان مظفری تألیف کرده که آن را درسال ۷۶۷ شروع کرده ودرسال ۷۶۷ پایان‌داده است . عنوان‌این کتاب «مواهب‌الهی» است .

مغربی (ت) وفات ۸۰۹ — ازشاعران متصوف‌ایران درقرن‌نهم . در نائین نزدیک اصفهان تولدیافته و دراصطهبانات فارس مدفون است ولی به مغربی تبریزی معروف است. مغربی‌از پیروان شیخ محی‌الدین العربی است. دیوان مغربی مشتمل‌است برغزلیات وترجیعات‌ورباعیات، اشعارش بیشتر صوفیانهٔ وعارفانه است . دیوان مغربی چندباردرایران به چاپ رسیده است .

مقابله (نج) آن است که میان دوبرج یک‌دوم دورهٔ فلک یعنی شش برج فاصله باشد ودراصطلاح نجوم برجی به‌برج هفتمش‌نظ کند واین حال سعد است .

زاخترم نظرسعد دررهست که‌دوش
میان ماه و رخ یار من مقابله بود
«حافظ»

مقابله‌یامتضاد (ب) آن است که شاعر اشیاء متضاد را در برابر هم قرار دهد .

چه جای‌شکروشکایت زنقش‌نیک‌وبداست
که برصحیفهٔ هستی رقم نخواهد ماند
«حافظ»

مقامات‌حمیدی (ك) از کتابهای‌معروف نثر فارسی درقرن‌ششم،

تألیف قاضی حمیدالدین عمربن محمود البلخی که آن را به تقلید مقامات حریری نگاشته است. کتاب دارای یک مقدمه وبیست وچهار مقاله ویک خاتمه است وشامل نکته های اخلاقی واجتماعی وافکار عارفانه ومطالب تاریخی وفلسفی است. مقامات حمیدی به نثر مسجع وموزون است ونویسنده همه جا به آوردن صنایع لفظی وایراد مترادفات وذکر اشعار فارسی وعربی پرداخته است. باوجود این نثرش سلیس وروان است ودرزمان حیات مؤلف شهرت فراوان یافته است، چنانکه نظامی عروضی صاحب چهار مقاله که معاصر مؤلف بوده است، خواندن این کتاب را برای کسانی که بخواهند درترسل وفن انشاء مهارت یابند، لازم وضروری دانسته است.

(چاپ تهران)

مقتضب (ع) از بحور شعر فارسی و عربی. اصل آن «مفعولات مستفعلن مستفعلن» ۲ بار است. وزنهای این بحر درفارسی رواجی ندارد، متداولترین آنها این است:

بحر مقتضب مثمن مطوی مقطوع «فاعلات مفعولن ۲ بار» در هر مصراع:

وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی

حاصل از حیات ای جان یک دم است تادانی

المقدسی (ت) شمس الدین ابوعبدالله محمدبن احمد المقدسی معروف به بشاری از دانشمندان و جغرافی نویسان معروف قرن چهارم ومعاصر سامانیان. المقدسی ممالک اسلامی وهمهٔ ایران را سیاحت کرده ودربارهٔ آداب و عادات و مذاهب و السنهٔ ملل مطالعه کرده و نتیجهٔ مطالعات را درکتاب معروف خود به نام احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم آورده است.

مقطع (ب) شعری را گویند که چنان ساخته شده باشد که همهٔ کلمات آن ازحروف منفصل باشد و هیچ حرفی را به حرف دیگر نتوان چسباند :

زارو زردم زدرد دوری او درد دلدار زرد دارد و زار

مقلوب (ب) ازصنایع بدیع که شاعر کلمه را وارونه کندومعنی تازه‌ای یابد .

مقلوب برچهارقسم است :

مقلوب کل ، مقلوب بعض ، مقلوب مجنح ، مقلوب مستوی .

مقلوب کل آن است که تقدیم وتأخیر در همهٔ حروف کلمه باشد مثل تاریخ وخیرات ، شیروریش ؛ یا گنج وجنگ دراین شعر :

به گنج اندرون ساخته خواسته به جنگ اندرون لشکرآراسته

مقلوب بعض آن است که تقدیم وتأخیر دربعضی از حروف کلمه باشد . مانند رقیب وقریب ؛ یاجادوانه وجاودانه دراین شعر :

از آن جادوانه دو چشم سیاه دلم جاودانه عدیل عناست

مقلوب مجنح همان مقلوب کل است ولی کلمه های مقلوب درابتدا وانتهای کلام واقع شود . مانند کلمهٔ زان وناز دراین شعر

زان دوجادونرگس مخموربا کشی وناز

زاروگردان و غریوانم همه روز دراز

مقلوب مستوی آن است که اگر یک عبارت یا یک مصرع را وارونه بخوانند تفاوت نکند .

شکر به ترازوی وزارت برکش

شو همره بلبل به‌لب هر مهوش

مقنع کندی (ن) لقب حکیم بن عطا که دعوی پیغمبری می کرد

و گویند به‌عنوان معجزه ، ماهی ساخته بود که شبانگاه از چاه بیرون می‌آمد ونورش تا چهار فرسنگ را روشن می‌کرد . ماه مقنع در شعر فارسی از اوصاف معشوق است به‌معنی «ماه‌پوشیده‌روی» وایهامی دارد به ماهی که مقنع کندی ساخته بود .

مقولات‌عشر (ط) عبارت است ازنه‌مقوله عرض ویک‌مقوله‌جوهر وجمیع موجودات عالم به حسب ذات منتهی به این اجناس می‌شود .

مقولات عشر عبارت است از: جوهر ، ابن ، متی ، ملک ، وضع ، کم ، اضافه ، فعل ، کیف ، انفعال . مثال :

گل به بستان دوش درخوشترلباسی خفته بود
یک‌نسیم از کوی جانان خاست خرم درگذشت

گل	جوهر
بستان	ابن
دوش	متی
درخوشترلباس	ملک
خفته بود	وضع
یک‌نسیم	کم
از کوی جانان	اضافه
خاست	فعل
خرم	کیف
درگذشت	انفعال

مکاتیب (ك) مجموعه‌ای از مکتوبهای فارسی عین‌القضاة از بزرگان ومشایخ صوفیه به دوستان وبزرگان زمان خود . این مکتوبها شامل حقایقی است درحکمت وعرفان که با نثر روان وساده‌نوشته شده

است و کمتر جنبهٔ نامه دوستانه دارد. عین‌القضاه دراین مکتوبها بسیاری از اشعار شاعران را به عنوان شاهد نقل کرده ودرضمن رباعیهائی نیزاز خود ذکر کرده است که همه اندیشهٔ عرفانی دارد.

مکتبی شیرازی (ت) از شاعران قرن نهم هجری که به مناسبت شغل مکتب داری «مکتبی» تخلص کرده است. وی از شاعرانی است که به تقلید نظامی شعر گفته ومثنوی لیلی‌ومجنون را به پیروی ازاو به سال ۸۹۵ دردوهزارویکصدوشصت بیت سروده است. مکتبی درعلم موسیقی استادی داشته وسازی شبیه به قانون ساخته است.

ملاصدرا (ت) رجوع شود به صدرالدین شیرازی

ملاعبدالرزاق لاهیجی (ت) رجوع شود به لاهیجی

ملك (ط) از مقولات عشر. مفهوم ملک شکلی است که به‌سبب احاطهٔ چیز دیگر برجسم عارض شود مثل شکل لباس پوشیدن ودسته‌ای احاطه راشرط ندانند بلکه مالک بودن وصاحب بودن را معتبر دانند.

ملك سلیمان (ن) کشور سلیمان که قلمروش بسیار وسیع بود زیرا که حق تعالی علاوه برپیغمبری به سلیمان پادشاهی داد تابرآدمی وپری ودیو حکومت کند. باد مأمور بود که هرچه در ملک سلیمان می‌گذشت، به گوش او برساند.

پیش صاحبنظران ملک سلیمان باد است
بلکه آن است سلیمان که ز ملک آزاد است

«خواجو»

ملك قمی (ت) وفات ۱۰۲۵ از شاعران قرن دهم ویازدهم هجری که به هندوستان مهاجرت کرده و دردکن به دربار نظام‌الدین شاه راه یافته ونزد او وابراهیم عادلشاه با تقرب تمام می‌زیسته است. ملک

قمی درهندوستان درعرفان مقام ارشاد یافته است وفیضی دکنی اوراستوده وسی گوید که وی کمتر معاشرت می کرده است .

دیوان ملک قمی شامل غزلیات ومثنوی است .

ملکه سبا (تن) رجوع شود به بلقیس .

الملل والنحل (ك) از مهمترین کتابهادربارهٔ مذاهب وادیان وعقاید فیلسوفان وحکیمان . تألیف ابوالفتح محمدبن ابی القاسم عبدالکریم شهرستانی که آن را به نام مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب السادات به زبان عربی تألیف کرده است . شهرستانی دراین کتاب عقاید فیلسوفان و حکیمان و اهل مذاهب را مورد بحث قرار داده است . کتاب «الملل والنحل» یکبار بوسیله صدرالدین ترکهٔ اصفهانی به نام «تنقیح الادلة والعلل فی ترجمة کتاب الملل والنحل» وباردیگر بوسیله مصطفی بن خالقداد درسال ۱۰۲۰ به فارسی ترجمه شده است .

ملمع (ب) آن است که شاعر درشعر دو زبان به کار برد مانند این شعرسعدی که به دوزبان عربی وفارسی است :

سل المصانع رکبا تهیم فی الفلوات   توقدر آب چه دانی که درکنار فراتی

ممسك العنان (نج) از صورتهای فلکی ، درشمال منطقة البروج که شامل چهارده ستاره است به شکل مردی ایستاده که به دستی تازیانه وبه دست دیگر عنان دارد .

منازل قمر (نج) بیست وهشت منزل است ازمنطقة البروج که ماه هرروزی یکی ازآن منازل را طی می کند وعبارت است از :

شرطین ، بطین ، ثریا (پروین) ، دبران ، هقعه ، هنعه ، ذراع ، نثره ، طرف ، جبهه ، خراتین ، صرفه ، عوا ، سماك اعزل ، غفر ، زبانی ،

اکلیل، قلب، شوله، نعایم، بلده، سعدذابح، سعدبلع، سعدالسعود، سعدالاخبیه، فرغ نخستین، فرغ دوم، بطن الحوت.

مناقضه (ب) آن است که معنی مصراع دوم مناقض و منافی معنی مصراع اول باشد

درستی بخشم بوسه ندهد جور کند

بدرم جامه که بوسه نفروشد به درم

منتجب الدین بدیع (ت) منشی سلطان سنجر سلجوقی و صاحب دیوان رسالت او بود. دراوایل جوانی به مرو رفت وبعد ازاتمام تحصیل به دستگاه دیوانی وارد شد. منتجب الدین مجموعهٔ منشآت خود را به نام «عتبه الکتبه» نامید که پس از او سرمشق مترسلان قرار گرفت. عوفی دو کتاب به منتجب الدین نسبت داده است، یکی «رقیة القلم» در فن دبیری ودیگر «عتبات الکتبه». انشاء منتجب الدین نمونهٔ نثر مصنوع ودارای سجع واطناب است. اشعاری نیز از او نقل شده است.

منتظم ناصری (ك) تألیف اعتمادالسلطنه. شامل سه جلد است

جلد اول شامل خلاصهٔ تاریخ اسلام ازسال اول هجرت تاسال ٦٥٦ هـ شامل تاریخ خلفا به ضمیمهٔ وقایع مهم ایران، باسالنامه وتقویم

جلد دوم شامل وقایع وحوادث عالم ازانقراض خلافت بنی عباس ٦٥٦ تا ابتدای سلطنت قاجاریه

جلد سوم حاوی تاریخ قاجاریه ازسال ١١٩٤ به بعد باسالنامه (چاپ تهران)

منجیک ترمذی (ت) ابوالحسن علی بن محمد منجیک ترمذی از شاعران قرن چهارم هجری که مداح امیران چغانی بوده است. دیوان منجیک در قرن پنجم مشهور بوده و ناصرخسرو درسفرنامهٔ خود از

آن اسم برده‌است . منجیک شاعری‌است قصیده سرا وعلاوه برقصیده های بزرگ درمدح شاهان ، اشعاری نیز درهجو وهزل‌دارد .

اشعار منجیک درتذکره‌ها وکتابهای لغت موجود است .

منسرح (ع) از بحور شعرفارسی‌وعربی . اصل آن ۲بار «مستفعلن مفعولات مستفعلن» است . در فارسی ازاین بحر وزنهای زیر به کار می‌رود . بحر منسرح مثمن مطوی موقوف (مفتعلن‌فاعلن ۲ بار) مثال :

تاجر عشقم به کف مایه و سودم وفا

تا که خرد دوستی تا چه دهد دربها

منسرح مثمن مطوی مجدوع (مفتعلن فاعلات مفعلن‌فع) مثال :

بخت جوان دارد آنکه باتوقرین است

پیر نگردد که دربهشت برین است

منشوری (ت) ابوسعید‌احمدبن‌محمدمنشوری سمرقندی،ازشاعران عصر غزنوی . از اشعار او قطعه هائی درترجمان‌البلاغةو سایر فرهنگها موجود است .

منصورحلاج (ت) حسین بن‌منصور . مقتول ۳۰۹ - ازبزرگان‌عرفا ومتصوفه . عده‌ای پاره‌ای‌ازخوارق عادات‌اوراحمل بر کرامت‌اومی کردند واورا‌ازاولیاءمی‌دانستندودسته‌ای‌آن‌راا‌ثرسحر وجادومی‌شمردندوسرانجام هم به استناد این گفتهٔ او «اناالحق ولیس فی‌جبتی الاالله ...» او را به زندان‌افکندند وبه‌فرمان‌حامدبن‌عباس‌وزیر مقتدرعباسی به‌دارآویختند

منصوربرسردار این‌نکته خوش سراید

از شافعی مپرسید امثال این مسائل

« حافظ »

کلمهٔ یاردراین شعر نیز اشاره به اوست :

گفت آن یار کز و گشت سردار بلند
جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد

«حافظ»

منطقة البروج (نج) دایرهٔ بزرگی که محل عبور زمین در گردش به دور خورشید است وآن را فلک البروج و نطاق البروج نیز خوانده‌اند و به دوازده بخش می‌شود که هر یک را برج می‌خوانند و این برجها به نام صورتهائی است که زمین از برابر آنها می گذرد .

منطق الطیر (ك)منظومه‌ای عرفانی ازآثار معروف شیخ فریدالدین عطار نیشابوری؛ شامل ۴۶۰۰ بیت. دراین منظومه افکار عرفانی وشیوهٔ سالکان طریقت از زبان پرندگان نشان داده شده است. مرغان درطلب سیمرغ که کنایه از حضرت‌حق است به‌راه‌می‌افتند وهدهد را به‌عنوان راهنما انتخاب می کنند . عده‌ای از مرغان از دشواری راه می گریزند ودسته‌ای تسلیم می‌شوند. پس از طی هفت منزل دشوار بازعده‌ای از پا درمی‌آیند و سرانجام سی‌تن رنجوروخسته باقی می‌مانند که به کوه‌قاف می‌رسند ومی‌بینندسیمرغی که درطلب او هستند خودایشان (سی‌مرغ) هستند. مقصود از این‌منظومهٔ رمزی نمودن‌راه عرفان و رسیدن به‌حق است که بعضی‌ازسالکان طریقت به سبب علایق دنیوی یا کوتاهی همت از دشواری راه می گریزند وکسانی که‌با کوشش موفق می‌شوند هفت مرحلهٔ سلوك را بپیمایند سرانجام حقیقت را در می‌یابند و فانی می‌شوند تاجامهٔ بقا بپوشند . کتاب منطق‌الطیر از منظومه‌های عالی زبان فارسی است که عطار درآن قدرت تخیل وبیان خود راآشکار کرده ودرضمن گفتگوی پرندگان‌حکایتها وتمثیل های‌شیرین‌آورده است.

منطقی (ت)ابوسلیمان‌محمدبن‌طاهربن بهرام‌سجستانی. وفات ۳۹۱-

فیلسوف بزرگ قرن چهارم ومعاصر عضدالدولهٔ دیلمی. منطقی بسیار مورد توجه عضدالدوله بوده ورسائلی به‌نام او در شرح فنون حکمت وتفسیر کتابهای ارسطو نوشته است. ازآثار او «رسالة فی المحرك الاول» ومقاله «طبیعت اجرام علوی» و«مقالة فی الکمال الخاص بنوع الانسان».

منطقی رازی (ت) ابومحمد منصوربن علی منطقی رازی. وفات نیمه دوم قرن چهارم ـ ازشاعران معاصر صاحب بن عباد که بقول عوفی صاحب بن عباد پیوسته اشعار او را مطالعه می‌کرد. اشعاری از منطقی در تذکره‌ها ضبط است.

منکب الجبار یا منکب الجوزا (نج) ازستارگان قدر اول که در شکل «جبار» است وآن را جوزا خوانند

من لایحضره الفقیه (ك) کتابی در فقه تألیف ابن بابویه فقیه مشهور قرن چهارم هجری درآئین تشیع که مرجع علمای شیعه است. مجموع آن درچهارجزو تنظیم شده که دارای ۶۶۶ باب و۵۹۶۳ خبراست. این کتاب ازاصول چهارگانه درفقه‌است وروایات آن مورد اعتماد علماست وچندین بار برآن شرح نوشته شده است. (چاپ تهران)

منوچهر (ش ـ د) نوادهٔ ایرج است که به سرپرستی فریدون، جد خود، پرورش یافت وهنرآموخت، در زمان او سلم وتور لشکراز جیحون گذراندند و منوچهر با لشکر برایشان تاخت وسلم وتور را کشت ودژالانان را گشود وبافیروزی بازگشت. فریدون تاج شاهی را برسروی نهاد وخود گوشه گیری کرد. منوچهر به راهنمائی وتدبیر سام، شاهی کرد.

منوچهری (ت) ابوالنجم احمدبن قوص بن احمدمنوچهری دامغانی. وفات ۴۳۲ـ ازشاعران بزرگ قرن پنجم وعصرمسعود غزنوی، تولدش دردامغان است وپیش ازآنکه به خدمت مسعود برسد، در ری اقامت

داشته‌است وهنگامی که مسعود به‌قصد لشکرکشی به گرگان‌ازنیشابور حرکت کرد ، منوچهری را نزد خود خواند . پس از آن منوچهری در دربار مسعود تقرب حاصل کرد وصاحب شکوه وجلال گردید .

منوچهری تخلص خود را ازنام فلک‌المعالی منوچهربن قابوس وشمگیر حکمران زیاری گرفت که درابتدای کاردردربار او بسرمی‌برده است . از ممدوحان منوچهری سلطان مسعودبن محمود غزنوی ، علی دایه سپهسالار مسعود ، خواجه احمد عبدالصمد وزیر سلطان مسعود ، ابوسهل زوزنی وعدهٔ دیگر از رجال زمان مسعود بوده‌اند . منوچهری باوجود جوانی ، صاحب اطلاع وسیع درشعر و ادب فارسی و تازی بوده است ، چنانکه دراشعارش ازمضمونها واسلوب شاعران‌تازی بسیار استفاده کرده و اغلب لغتهای نادر و غریب عربی در شعر خود به کار برده است . منوچهری‌علاوه برزبان‌وادب عرب درعلم طب‌ونجوم نیزدست‌داشته واصطلاحات نجوم دراشعارش دیده می‌شود . منوچهری در تشبیه واستعاره خاصه وصف طبیعت ورز وشراب استاد بوده و او را مبتکر مسمط می شمارند که ظاهراً این نوع شعر پیش از او در اشعار دیگران دیده نشده است .

دیوان منوچهری چندین بار به‌چاپ رسیده است .

من وسلوی (نن) من به معنی انگبین وسلوی به معنی‌بلدرچین است . من وسلوی غذائی بوده است که خداوند دربیابان برای موسی وقوم بنی‌اسرائیل فرستاد .

گربه‌عهد موسی است‌را که قحط از هوا
بازمن وسلوی سلوت رسان افشانده‌اند . . .

«خاقانی»

منهاج‌سراج (ت) منهاج‌الدین عثمان بن محمدسراج‌الدین جوزجانی. وفات ۶۹۸- از عالمان خراسان بود که هنگام حملهٔ مغول به هندوستان مهاجرت کرد و در دربار ناصرالدین قباجه اقامت کرد و به فرمان او به ریاست مدرسهٔ فیروزی منصوب گشت. وقتی که ناصرالدین قباجه خود را درسند غرق کرد و کشورش به دست التتمش افتاد، منهاج‌سراج به خدمت او درآمد و در دربار او به مناصب عالی ارتقاء یافت و کتاب «طبقات ناصری» را به‌نام ناصرالدین محمود شاه پسرالتتمش نوشت.

منیژه (ش — د) از زنان داستانی شاهنامه ودختر افراسیاب که عاشق بیژن پهلوان‌ایران گشت واورا به کاخ خود برد وچون افراسیاب به‌عشق دختر پی‌برد، اورا ازقصر خود راند وبیژن را درچاهی زندانی کرد. منیژه سروپابرهنه به گدائی پرداخت ونانی‌را که از این راه به دست می‌آورد، درجاه برای بیژن می‌انداخت. منیژه درعشق خود فداکاریها کرد تارستم به یاری ایشان رسیدوبیژن را ازجاه بیرون‌آورد ومنیژه بااو به ایران گریخت.

المواقف (ك) «کتاب المواقف فی‌علم الکلام و تحقیق‌المقاصد وتبیین المرام» از متون علم کلام که قاضی عبدالرحمن بن احمد معروف به عضدالدین ایجی آن‌رابه‌نام خواجه غیاث‌الدین‌محمدبن رشیدالدین تألیف کرده ومیرسید شریف جرجانی برآن شرح نوشته است.

(جاپ مصر — ۱۸۴۸م)

مواهب‌الهی (ك) کتابی درتاریخ خاندان مظفری ازآغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع وشاه محمود که معین‌الدین یزدی‌آن را برااثر تشویق‌شاه شجاع وپدرش امیر مبارزالدین درسال ۷۶۷ به‌پایان‌رسانده است.

این کتاب مانند تاریخ وصاف دارای انشاء متکلفانه و مصنوع است و استعارات غریب فراوان دارد ولی از جنبهٔ تاریخی سودمند است.
(چاپ تهران)

مواهب علیه (کث) تفسیری از قرآن به زبان فارسی، تألیف ملاحسین واعظ کاشفی که آن را در سال ۸۹۹ به نام امیرعلیشیر نوائی تألیف کرده است.

موسی (دن) موسی کلیم‌الله از پیغمبران اولوالعزم. وی در زمان شاهی ولیدبن مصعب فرعون مصر متولد شد. چون منجمان به فرعون گفته بودند که پسری از بنی‌اسرائیل مبطل احکام او خواهد بود، از اینرو دستور داد تا هر پسری که از بنی‌اسرائیل به‌وجود آید بکشند. وقتی که موسی متولد شد مادرش از ترس فرعون او را در صندوقی گذاشت و به رود نیل انداخت. آب صندوق را زیر قصر فرعون برد، کنیز آسیه زن فرعون آن را گرفت و نزد بانوی خود برد. آسیه او را به‌فرزندی پذیرفت. کودک از پستان هیچکس شیر ننوشید جز مادرش. مادر را به دایگی انتخاب کردند و موسی درخانهٔ فرعون بزرگ شد. روزی یکی از قبطیان را کشت و به این سبب گریخت و نزد شعیب رفت و درازای ده‌سال شبانی دختر او را گرفت و به مصر عزیمت کرد. شعیب عصائی به او بخشید. درراه درشبی تاریک زنش درد زاییدن گرفت، درآن بیابان که وادی‌ایمن نام دارد، موسی به جستجوی آب رفت، برسر درخت روشنی دید و خطاب آمد «انی انا الله» و معجزه براو کرامت شد. موسی معجزات را برفرعون عرضه داشت. فرعون او را به سحر و جادو متهم کرد و ایمان نیاورد و چون قبطیان با بنی‌اسرائیل جورمی کردند، موسی و بنی‌اسرائیل از مصر هجرت کردند و از آب نیل گذشتند و قبطیان که به دنبال ایشان رفتند، درآب غرق شدند. موسی برای مناجات به کوه طور می‌رفت وخدای تعالی تورات

را که برالواح نبشته بود، براونازل کرد . وقتی موسی باخدا سخن گفت ودیدارخواست . جواب آمد «لن ترانی» .

موش و گربه (ك) منظومهٔ انتقادی شامل ۱۷۴ بیت ازآثار عبید زاکانی که درآن تزویر وریاکاری گربه‌ای از گربه های کرمان را شرح می‌دهد که موجب‌فریب موشان گشت وپس از آن کار به شکستن عهد گربه وبروزجنگ بین موشان و گربه ها و غلبهٔ لشکر موشان و گرفتاری گربه وفرار او منجر شده است .

این منظومهٔ شیرین بسیار معروف‌است وبعضی از بیتهای آن‌مثل سایر شده است . منظور عبید از ساختن این منظومه نظر انتقاد بوده است از بعضی ازآداب و رسوم واوضاع زمان .

موَصّل (ب) شعری‌را گویند که همهٔ حروف کلمات آن به یکدیگر قابل انصال باشد وبتوان همه را سرهم نوشت :

تن به عشقم نحیف گشت به غم

گل به چشمم نهفته گشت به خار

که می‌توان چنین نوشت :

تنبعشقمنحیفگشتبغـم　　گلبچشممنهفتهگشتبخار

مولوی (ت) مولانا جلال‌الدین محمدبن بهاءالدین محمدبن حسین الخطیبی .وفات ۶۷۲-جلال‌الدین محمد معروف به مولوی یاملای روم از بزرگترین‌شاعران عارف ایران درقرن هفتم .جلال‌الدین دربلخ متولد شد ولی به مناسبت طول اقامتش درقونیه به رومی یامولانای‌روم مشهور شد . جلال‌الدین فرزند محمدبن حسین ملقب به‌بهاءالدین ولد می‌باشد که ازطرف مادر از خاندان خوارزمشاه است . بهاءالدین‌ولد از مقربان دربار محمدخوارزمشاه بود ولی به علت رنجش خاطری که‌ازشاه

یافت ، درسال ۶۱۰ از راه بغداد قصد سفرحج کرد و درنیشابور باشیخ عطار ملاقات کرد و شیخ عطار کتاب اسرارنامه را به جلال‌الدین که کودکی بیش نبود اهداء کرد ، بهاءالدین ولد پس از زیارت حج به‌شام وازآنجا به‌لارنده از مراکز حکومت سلجوقیان آسیای صغیر رفت ومدت هفت‌سال درآن شهر اقامت کرد وپس ازآن به دعوت سلطان علاءالدین کیقباد که از شاهان بزرگ دانش پرور بود به قونیه رفت وتا آخرعمر درآنجا به ارشاد خلق پرداخت ودرسال ۶۲۸ فوت کرد . جلال‌الدین محمد که هنگام فوت پدر بیست و چهار سال داشت بنا به وصیت او وخواهش علاءالدین بجای پدرنشست وبه ارشاد مردم‌وتربیت مریدان پرداخت و در مجالس درس سید برهان‌الدین محقق ترمذی که از تربیت یافتگان‌بهاء ولدبود، کسب‌فیض کردوبه رموزمعرفت‌حق آشنایی یافت واز اواجازهٔ ارشاد گرفت وپس از فوت برهان محقق‌مجالس وعظ برپا کرد وبه تربیت شاگردان پرداخت تا برحسب اتفاق درسال ۶۴۲ باعارف بزرگ شمس‌الدین محمدتبریزی برخورد کرد .

پس از این ملاقات مولانا چنان شیفتهٔ شمس شد که ترك منبر ومحراب کرد واز همه گریزان شد وپیوند خودرا با گذشته قطع کرد ودر سلك مریدان شمس درآمد . شمس تبریز درسال ۶۴۵ از قونیه‌خارج شد ودیگر به‌آنجا بازنگشت . مولانا براثر هجران‌شمس تبریزی آشفته خاطرشد و یکباره از مردمان کناره گرفت و مدتی به حسام‌الدین‌چلبی و همچنان به سرودن غزل و مثنوی مشغول بود تا در سال ۶۷۲ فوت کرد . از آثار مولانا جلال‌الدین مثنوی بزرگ او در شش جلد ومجموعهٔ رباعیات ودیوان غزلیات اوست که به دیوان شمس مشهور

است . ازآثار منثور او کتاب «فیه مافیه» و «مجالس سبعه» و «مکاتیب» است .

مولوی شعرعرفانی را به حد اعلی رسانده ونفوذ معنوی وادبش نه تنها درایران وهند وآسیای صغر به حد کمال رسیده بلکه به مغرب زمین نیز سرایت کرده وآثارش به زبانهای مختلف ترجمه شده است .

مؤید بغدادی (ت) بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی . منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه و ازمنشیان معروف که آثارش سرمشق مترسلان زمان محسوب میشد . تاریخ تولد ووفاتش معلوم نیست ولی مسلم است که درتاریخ ۵۸۸ زنده بوده است .

بهاءالدین محمد مجموع منشآت خود را به‌نام بهاءالدین وزیر تنظیم کرده است . وی‌علاوه برنثر استادانه اشعاری نیزداشته که عوفی بعضی ازآنها را نقل کرده است .

مهرگان (نج) مهر روز یعنی‌روز شانزدهم ازماه مهر است که فریدون برضحاك پیروز شد و اورا درکوه دماوند حبس کرد ، پارسیان هرسال دراین روز جشن می گرفتند .

مهرگان آمد گرفته فالش از نیکی مثال
نیک‌روز ونیک جشن ونیک‌وقت‌ونیک‌حال
(عنصری)

مهستی (ت)از زنان شاعر ایرانی درقرن ششم ومعاصر باسلطان سنجرسلجوقی . مهستی‌اهل گنجه است وابتدا دردستگاه سلطان محمود برادر زادهٔ سلطان سنجرکه حکومت آذربایجان را داشت رفت و آمد پیدا کرد وپس ازآن به دربار سلطان سنجر راه یافت . مهستی دردربار سلطان سنجر مقامی یافت ودرردیف شاعران نامی آن‌زمان مانند انوری‌و

رشید وطواط وادیب صابر قرار گرفت. وی خاصه در سرودن رباعی طبع روانی داشت .

میدانی (ت) ابوالفضل احمدبن محمد میدانی النیشابوری. وفات ۵۱۸- ادیب بزرگ ایران در قرن پنجم . در قواعد ولغت عرب و نحو استاد بوده است. معروفتربن اثر او کتاب «مجمع الامثال» است که شامل امثال مشهور عرب است . دیگر « کتاب السامی فی الاسامی » که کتاب لغت عربی به فارسی است ودرآن لغات را برحسب معنی وموضوع مرتب کرده است .

میرخواند (ت) محمدبن سیدبرهان الدین خاوند شاه بن کمال الدین محمود. وفات ۹۰۳- ازمورخان معروف قرن نهم ومعاصروطرف توجه سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علیشیر نوائی . میرخواند درسال ۸۳۸ متولد شد وکودکی را دربخارا گذراند وپس ازفوت پدراز بخارا به بلخ رفت ودرآنجا به تحصیل علوم متداول زمان مشغول گشت واز محضر علما استفادهٔ بسیار کرد ، سپس به هرات رفت ودرآنجا نیز درخدمت بزرگان علم و ادب به کسب علم پرداخت وپس از چندی به بلخ بر گشت و تازمان وفات آنجا ماند . میرخواند درفضل و هنر وعلوم معقول ومنقول و درفن تاریخ نویسی مقامی بزرگ داشت . اثر معروف وعظیم او کتاب «روضة الصفا» درشش جلداست که به علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آن را به پایان رساند .

میرداماد (ب) میرمحمد باقربن محمد استرابادی. وفات ۱۰۴۱- میرمحمد باقر معروف به داماد از فیلسوفان ودانشمندان عصرصفوی لقب داماد از پدرش مانده که داماد محقق ثانی بوده است . منشأش استراباد و محل تحصیلش مشهد و اقامتگاهش اصفهان بوده است .

میرداماد مورد توجه شاه عباس بزرگ بود و تألیفات متعدد فلسفی و دینی دارد که همهٔ آنها به زبان عربی است مانندصراط مستقیم وقبسات درمسائل حکمت ، کشف الحقایق که حکمی ودینی است .

میرداماد شعر نیز می‌سرود «واشراق» تخلص می کرد ومثنوی دارد به نام « مشرق‌الانوار » .

میرزامهدیخان منشی استرابادی (ن) رجوع شود به‌استرابادی .

میزان (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقةالبروج وبه شکل ترازو .برج میزان برابرماه مهر است .

اثرهای کین تو چون نحس عقرب

نظرهای لطف تو چون سعد میزان

«انوری»

ن

ناسخ التواریخ (ك) تاریخ عمومی تألیف میرزامحمدتقی سپهر که آن را به دستور محمدشاه قاجار شروع کرد و درزمان ناصرالدین‌شاه به پایان‌رساند. این تاریخ باملحقاتش درحدود پانزده‌جلد بزرگ‌می‌شود. قسمت اسلام وتاریخ بعد ازاسلام درآن بطور مشروح نوشته‌شده ، ولی سپهر نتوانسته است آن را تمام کند وبعد از او عباسقلی‌خان سپهر که از مقربان دربارناصرالدین‌شاه بود، چند جلد درشرح حال ائمه وتفصیل سلطنت ناصرالدین شاه وغیره برآن افزوده است . سبک نثر کتاب‌ساده وپخته است .

ناصرخسرو (ت) حکیم‌ابومعین ناصربن‌حارث‌القبادیانی البلخی المروزی. وفات ۴۸۱- ازشاعران‌ونویسندگان بزرگ‌ایران درقرن‌پنجم. ناصرخسرو در سال ۳۹۴ درقبادیان بلخ متولد شدو در بلخ به کسب علوم پرداخت . وی درجوانی به دربار شاهان غزنوی راه یافت ومقامات عالی به دست آورد وعنوان «دبیر» و«ادیب» یافت وپس از تصرف بلخ به‌دست سلجوقیان درسال ۴۳۲ به‌مرو مقرحکومت‌ابوسلیمان جغری بیک‌داوودبن میکائیل رفت وبه کاردیوانی‌مشغول‌شد. ناصرخسرو درچهل سالگی ازکاردیوانی واشتغال به امورد‌نیوی دست کشیدوراه سفر حجاز پیش گرفت. دراین سفر که هفت‌سال‌طول کشید، چهاربارحج کردوحجاز وآسیای‌صغیروسوریه‌وفلسطین ومصرونوبه وسودان‌را سیاحت

کرد ودرمصر به خدمت خلیفهٔ فاطمی المستنصربالله رسید و به مذهب اسمعیلی گروید وپس از طی مراحل به درجهٔ حجت رسید و مأمورتبلیغ و نشر مذهب اسمعیلی گشت وبه وطن خود بلخ بازگشت. ناصرخسرو در بلخ با علما مباحثات کرد ولی اغلب به مخالفت وی پرداختند و کم کم متعصبان درصدد آزارش برآمدند. وی ناچار به فرارشد ومدتی درمازندران بسر برد ؛ پس ازآن به یمگان ازاعمال بدخشان رفت و در آنجا مقیم شد وبه دعوت پرداخت ودرهمانجا وفات یافت. اقامت ممتد ناصرخسرو دریمکان باعث تقویت ونشر مذهب اسمعیلی درآن نواحی گردید؛ هنوز هم درآنجا طرفداران این مذهب دیده می‌شوند.

ناصرخسرو درعلوم و فنون متداول زمان خود استاد بود، قرآن را ازحفظ داشت ودرعلم کلام وحکمت وعلم ادیان مطالعات عمیق داشت و اطلاعات وسیع او در اشعارش نمایان است. ناصرخسرو آثار منظوم ومنثور دارد. از آثار منظوم او دیوان شعر است که مجموعاً ۱۱۰٤۷ بیت دارد. دیگر دومنظومه به‌نام «روشنائی‌نامه» و«سعادت‌نامه» است که درآخر دیوان ناصرخسرو به تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی درتهران چاپ شده است.

اغلب اشعار ناصرخسرو در بیان افکار مذهبی و مسائل حکمی ودارای اصطلاحات فلسفی است. ناصرخسرو به حقایق علمی ومبانی دین توجه خاص دارد وهمچنین اشعاری در انتقاد شدید کسانی دارد که بااومخالفت کرده و در صددآزار او برآمده‌اند. اشعارش ازمدیحه سرائی خالی است واز توجه به دنیا دوراست.

ازآثار منثورناصرخسرو چند کتاب ورسالهٔ مهم به‌زبان فارسی است مانند: سفرنامه، زادالمسافرین، وجه دین، خوان‌اخوان، جامع‌الحکمتین،

گشایش ورهایش ، بستان‌العقول .

ناظر ومنظور (ك) داستان عاشقانه‌ای از وحشی بافقی که‌آن‌را درسال ۹۶۶ سروده است این مثنوی دارای ۱۰۶۹ بیت است .

ناقهٔ‌صالح (تن) شترصالح پیغمبر که قوم‌عاد وثمودآن‌را کشتند .

شخصی زعرب ناقهٔ‌صالح پی کرد   پیغمبر ما حرام می بروی کرد

«ازرباعیات‌منسوب به‌خیام»

نامهٔ‌دانشوران (ك) ازکتابهای‌مشروح ومهم درترجمهٔ‌حال‌عالمان وادیبان به‌زبان فارسی که درزمان ناصرالدین شاه به اهتمام عده‌ای از فاضلان‌تألیف یافته وشش جلد آن تاحرف‌شین منتشر شده است . مؤلفان نامهٔ دانشوران میرزا ابوالفضل ساوه‌ای ومیرزا حسن طالقانی وشیخ عبدالوهاب قزوینی ومخصوصاً شمس العلماء عبدالرب‌آبادی می‌باشند .

نثراین کتاب نثر فنی است ولی متأسفانه ناتمام مانده است .

نان‌وحلوا (ك) مثنوی تألیف‌شیخ محمدبن‌حسین عاملی‌مشهور به شیخ بهائی ازعالمان وفقیهان مشهور دورهٔ صفویه . نام دیگر این کتاب«سوانح الحجاز «یا» سفرالحجاز» است و اشعار آن مخلوطی است ازفارسی وعربی.

بارها درایران وهند به چاپ رسیده است .

ناهید (نج) ستارهٔ زهره که ستارهٔ مطربان وخنیاگران است

غزلسرائی ناهید صرفه‌ای نبرد
درآن‌مقام که حافظ برآورد آواز «حافظ»

نایره (ف) (از حروف قافیه)آن‌است که به مزید می‌پیوندد مانند الف ونون دراین‌شعر:

تا کی بخون‌دیده‌ودل پروریمشان   تا کی‌زره‌روندوبراه‌آوریمشان

نثر (ب) درلغت به معنی پراکندن و در اصطلاح کلامی است که مفید به وزن وقافیه نباشد .

نثر مرسل (ب) نثری است که نویسنده درآن مقید به آوردن سجع باصنایع لفظی دیگر نباشد .

نثر مسجع (ب) نثری است که نویسنده درآن مقید به آوردن سجع باشد . مثال از گلستان سعدی :

منت خدای راعزوجل که طاعتش موجب قربت است وبه شکر اندرش مزید نعمت .

نجات (ك) تألیف دانشمند بزرگ ابوعلی سینا . کتاب نجات خلاصه ای است ازکتاب شفا وشامل مختصر عقاید شیخ است درحکمت . نسخ متعدد این کتاب در کتابخانهٔ مشهد و کتابهای استامبول موجود است

نجم الدین رازی (ت) شیخ نجم الدین ابوبکرعبدالله بن محمد رازی . وفات ٦٤٥ ﻫ معروف به نجم دایه، از مشایخ معروف دورهٔ مغول . شیخ نجم الدین درحملهٔ مغول ازری به عراق گریخت ودرسال ٦١٨ به اردبیل وازآنجا به آسیای صغیر رفت . درشهر ملاطیه به دیدار شیخ شهاب الدین سهروردی نایل آمد و بعد به خدمت علاءالدین کیقباد پادشاه سلجوقی رفت و کتاب «مرصادالعباد» را درسیواس تألیف کرد . شیخ نجم الدین درقونیه با مولانا جلال الدین رومی ملاقات کرد . سپس از آسیای صغیر به بغداد رفت ودرهمانجا وفات یافت .

نجم الدین علاوه برنویسندگی شعرهم می سروده، خاصه به سبک سنائی متمایل بوده است .

نجوم السماء (ك) کتابی درشرح حال فقیهان شیعه درعصرصفوی تا اواسط قاجاریه . تألیف میرزا محمدصادق ابن مهدی که آن رادرسال ١٢٨٦-

یعنی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه تألیف کرده است وشامل شرح احوال علمای شیعه درقرون یازده ودوازده وسیزده می باشد .

نحر (زحاف)(ع) در مفعولات مجموع جدع و کشف است؛ یعنی حذف سف وعوت که می ماند لاو بجای آن فع می گذارند وآن را منحور می خوانند .

نخشب نام شهری درماوراء النهر که از چاهی درحوالی آن ماه مقنع برمی آمد

نرشخی (ت) ابوبکرمحمدبن جعفرالنرشخی . وفات ۳٤۷ — اهل بخاراست که کتاب « تاریخ بخارا » را به نام امیرحمید ابومحمد نوح بن نصرسامانی (۳۳۱—۳٤۳) به زبان عربی تألیف کرده است .

نریمان (س — د) پدرسام وبه روایت گرشاسب نامه، برادرزادهٔ گرشاسب وبه روایت دیگر نبیرهٔ او .

نزاری قهستانی (ت) وفات ۷۲۰—از شاعران منتسب به طایفهٔ اسمعیلیه که تخلصش را ازنام نزار پسر دوم المستنصر بالله ، هشتمین خلیفهٔ فاطمی مصر گرفته است . دیوان اومشتمل برغزلیاتی است که به شیوهٔ سعدی نزدیک است . مثنوی «دستورنامه» از او باقی است .

نزهت نامهٔ علائی (ك) تألیف شهمردان بن ابی الخیر که آن را به نام علاءالدوله ابوکالیجار گرشاسف بن علی بن فرامرزبن علاءالدوله کاکویه، دراواخر قرن پنجم تألیف کرده است . نویسنده درمقدمهٔ کتاب نوشته است که قبلا کتابی تصنیف کرده به نام «کتاب البدایع» درخواص و منافع طبایع و چند علم دیگر و چون این کتاب به عربی بود زیاده ونقصانی برآن وارد ساخته وبه زبان فارسی دردوازده مقاله ساخته است . وبه مناسبت نام علاءالدوله ابوکالیجار نامش را نزهت نامهٔ علائی گذارده است . نثراین کتاب روان ودارای اصطلاحات متداول ومأنوس می باشدونویسنده

ازآوردن لغتهای فارسی ویژه که بنظرش از تازی دشوارتر است برهیز کرده است .

نسر طایر (نج) ازکواکب ثابت ومانند کرکسی است که هردو بال آن گشاده باشد .

برسرآن خوان عزت نسرطایر دان مگس
بلکه پر جبرئیل آنجا مگس ران آمده

«خاقانی»

نسر واقع (نج) ازکواکب ثابت که عوام آن را سه پایه گویند وبه شکل کرکسی است که دوبالش را در خود جمع کرده است .

عمر ضایع شده را سلوت جان باز آرید
نسر واقع شده را قوت پر باز دهید

«خاقانی»

نسرواقع با نسر طایر به صورت نسرین نیزدرشعرآمده است .

پروانهٔ چرخ اخضرش پرواز نسرین ازفرش
پروازسعدین برسرش چندانکه پروا داشته

«خاقانی»

نسوی (ت) نورالدین محمدبن احمدبن علی بن محمدالمنشی النسوی کاتب ووزیر سلطان جلال الدین مینکبرنی که در سال ۶۲۱ از شهر نسابه ری رفته و به خدمت جلال‌الدین خوارزمشاه در آمده و تا سال ۶۲۸ منصب کتابت اورا داشته است . وقتی جلال‌الدین ازحملهٔ مغول گریخت ، محمد نسوی در ۶۲۹ به میافارقین رفت و درخدمت الملک المظفر صاحب آنجارسید ودرآنجا خبر هلاک سلطان جلال‌الدین راشنید ورسالهٔ «نفثة‌المصدور» را درشرح آن وقایع بامرثیهٔ سوزناک درفوت سلطان

تألیف کرد. اثر معروف دیگر او «سیرة جلال الدین منکبرنی» است که در سال ۶۳۹ به زبان عربی تألیف کرده است.

نشاط (ت) میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی ملقب به معتمد الدوله. وفات ۱۲۴۴ — از شاعران و ادیبان و رجال سیاست دورهٔ قاجاریه وصاحب دیوان رسالت فتحعلیشاه قاجار. در حکمت و ریاضی و علوم ادبی وزبان فارسی وعربی وترکی تسلط داشته ودراقسام خط مخصوصاً خط شکسته استاد بوده است. نشاط باهمت خاصی اصفهان را کانون شعر وادب قرارداد وسخنگویان را تشویق کرد ودرحلقهٔ مؤسسین نهضت ادبی ایران درآمد. نشاط درقصیده ازاستادان قدیم پیروی کرده و در غزل سعدی وحافظ را درنظر داشته است. مجموعهٔ اشعار و آثار نشاط به عنوان «گنجینه» عبارت ازپنج درج است شامل قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و قطعات منثور حاوی مراسلات و منشآت و مقالات که در آن انشاء رسمی درباری وطرز مرسل زمان مؤلف وسبک نثر دورهٔ قاجاریه را نشان می‌دهد.

(کلیات نشاط — چاپ تهران)

نصیحة الملوك (ك) یکی از آثار فارسی امام محمد غزالی که آن را درحدودسال ۵۰۳ برای سلطان سنجر ساخته است. موضوع کتاب حکمت عملی است برمبنای دین که غزالی آن را درراهنمایی شاه ودرباریان نوشته است.

کتاب نصیحة الملوك دارای یک مقدمه و هفت باب ویک خاتمه است درسیرت پادشاهان ووزیران ودرباریان و حکمت دانایان وصفت خردمندان.

این کتاب به عربی وچند بارنیز به ترکی ترجمه شده است.

(نصیحه‌الملوك . چاپ تهران)

نصیرالدین‌طوسی (ن) ابوجعفر نصیرالدین محمدبن محمدبن حسن ابی‌بکر. وفات ۶۷۲— از بزرگترین دانشمندان وسیاستمداران ایران درقرن هفتم. اصلش از قم‌است ولی درطوس تولد یافته است. پس‌از اتمام تحصیلات مقدماتی به نیشابور رفت و درمحضر فریدالدین داماد نیشابوری کتاب اشارات ابن‌سینا را خواند، ودربیست‌وچهارسالگی از تحصیل منظم فراغت یافت . پیش از هجوم مغول خواجه نصیرالدین ملازمت ناصرالدین محتشم حاکم قلاع قهستان وملازمت علاءالدین پیشوای اسمعیلیان را داشت . هنگامی‌که هلاگوخان قلعهٔ الموت را تسخیر کرد، خواجه‌نصیرالدین را به ملازمت‌خود برگماشت . خواجه نصیرالدین هلاگو را به تسخیربغداد وبرانداختن خلافت عباسی‌تشویق کرد . پس از انقراض خلافت عباسیان و قتل مستعصم، تمام توجه خواجه نصیر به تأسیس رصدخانه معطوف شد تا درسال ۶۵۷ به‌فرمان و حمایت هلاگو به تأسیس رصدخانهٔ بزرگی در مراغه موفق شد . خواجه تاهنگام درگذشت هلاگو دردربار او مقرب بود و پس از او دردربار اباقاخان به تقرب می‌زیست ودرسال ۶۷۲ که با اباقاخان به بغداد رفته بود، درهمانجا درگذشت .

خواجه نصیرالدین علاوه برجامع بودن در فنون مختلف علمی وادبی از رجال بزرگ عالم سیاست بود وهلاگو از قدرت ونفوذمعنوی او استفادهٔ بسیارکرد . این شخص بزرگ درتشویق فضلا و درتوسعهٔ علوم وپیشرفت ادب وراه تحقیق، اثر بزرگی داشت .

خواجه نصیرالدین درعلوم ریاضی ومنطق ونجوم وطب واخلاق دارای تألیفات بسیاراست وآثارگرانبهای‌اوبه‌زبانهای مختلف ترجمه‌شده

ومورد استفادهٔ دانشمندان اروپا قرار گرفته است. درحدود صدوسه کتاب ورساله ومقاله درفنون مختلف به خواجه نصیر نسبت می‌دهند.

ازآثار او تحریر اقلیدس (درهندسه) تحریر مجسطی (درهیئت) تذکرهٔ نصیریه (درهیئت) شرح اشارات بوعلی، تجریدالعقاید (درکلام) قوانین الطب، حل مشکلات قانون بوعلی، سی‌فصل در نجوم، معیار الاشعار (درعروض).

غیر از کتابهای عربی خواجه نصیرالدین چند کتاب به فارسی تألیف کرده است. ازجمله اخلاق ناصری و اساس الاقتباس و اوصاف الاشراف می‌باشد.

کتابهائی را که خواجه نصیر ازحکیمان یونان اقتباس کرده است تحریر می‌نامد، در این کتابها افکار و آراء مؤلفان یونانی را بیان کرده است. گرچه مقام علمی خواجه نصیر برجنبهٔ نویسندگیش برتری دارد، ولی نمیتوان ارزش آثار فارسی او وسبک نویسندگی اش را نادیده گرفت. خواجه نصیر دربیان موضوعهای علمی به ایجاز پرداخته و روانی و سادگی را به کار برده است. رویهمرفته بر اثر زحمتهائی که خواجه نصیر در اصلاح و تحریر آثار ریاضی دانان پیش از خود کشید، علوم ریاضی را برای علمای عهد خود و بعد از خود آسان کرد.

خواجه نصیر به زبان فارسی وعربی شعر گفته وبعضی از مطالب علمی را به نظم آورده است.

نظام التواریخ (ك) تاریخ کوچکی تألیف قاضی ناصرالدین بیضاوی که درسال ٦٧٤ تألیف یافته است. این کتاب مشتمل است برخلاصهٔ تاریخ عمومی عالم از زمان آدم ابوالبشر تا اواخر قرن هفتم

حاوی تاریخ اسلام وشاهان قدیم ایران وپیغمبران بنی‌اسرائیل . عبارت کتاب بسیار موجز وساده است .

نظام‌الدین شامی (ت) شنب غازانی معاصر تیمور . هنگامی که اسر تیمور بغداد را گشود نظام‌الدین درآن شهر می‌زیست ودرسال ۸۰٤ تیمور وی را نزد خود خواند واورا به نوشتن تاریخ سلطنت خود وا داشت . درسال ۸۰٦ نظام‌الدن در اردوی تمور نزدیک اردبیل به مناسبت عید رمضان خطبهٔ عید خواند وپس ازآن هنگامی که تیمور به سمرقند رفت به او اجازه داد که به وطن خود «تبریز» برگردد . از آثار معروف نظام‌الدین شامی «ظفرنامه» است که به امرتیمور آن را در سال ۸۰٤ تألیف کرد .

نظام‌الدین محمود قاری یزدی (ت) از شاعران قرن نهم که ذکر البسه را موضوع اصلی شعر قرار داده و اشعارش بیشتر مربوط به فن خیاطی است . این شاعر از ابواسحق اطعمه تقلید کرده وبه اسلوب او شعر گفته است .

قصیده‌ای دارد به‌نام آفاق وانفس که مناظره‌ای است بین جامهٔ کتان وصوفین و منظومه‌ای موسوم به « اسرار ابریشم » . نظام الدین یزدی چند رساله و مقاله به نثر دارد مانند « نامهٔ پشم به‌ابریشم » رسالهٔ آرایش نامه ورساله تعریفات و رسالهٔ «صدوعظ» ومثنوی فکاهی «جنگ‌نامه» به اسلوب شاهنامه شامل وصف جنگ مابین صوف و کمخا موسوم به « مخیط نامه » و فرهنگی دارد شامل اصطلاحات خیاطی . (دیوان البسه — چاپ اسلامبول) .

نظام‌الملك (ت) ابوعلی حسن بن‌علی‌بن اسحاق طوسی ملقب به نظام‌الملک . وفات ٤۸٥ — خواجه‌نظام‌الملک ازدهقان زادگان طوس

که درسال ۴۰۸ یا ۴۱۰ در نوغان طوس ولادت یافت ، دوران کودکی را در طوس گذارند و تعلیم و تربیت کافی پذیرفت و به زبان و ادبیات و تاریخ ایران و حکمت وزبان عرب احاطه یافت . در دربار جغری بیک به دبیری حکمران بلخ منصوب گشت و لیاقت بسیار از خود نشان داد و جغری بیک او را به پسر خود الب ارسلان سپرد و هنگامیکه الب‌ارسلان در ۴۵۱ به حکومت خراسان رسید ، وزارت خود را به او داد و او همچنان در زمان سلطنت این پادشاه وپسرش سلطان جلال‌الدین ملکشاه در این سمت باقی ماند وسی‌سال امور کشور را دردست داشت تا سرانجام درسال ۴۸۵ هنگامی که از اصفهان به بغداد می‌رفت نزدیک نهاوند بدست یکی ازفدائیان اسمعیلی به‌قتل رسید . نظام الملک غیر از صدارت و مملکتداری همهٔ عمر به ترویج علم ودانش همت گماست . بزرگترین اقدام خواجه نظام الملک دراین باب تأسیس مدارس است دربسیاری از شهرها مانند نیسابور وبلخ و هرات وخواف ومرو واصفهان وبصره وموصل وبغداد که از همه بزرگتروسهمتر مدرسهٔ بغداد بود که ساختمان آن‌درسال ۴۵۷ آغاز شد . این مدارس به نظامیه معروف گشت ونظام الملک اوقافی ترتیب داد که درآمدشان صرف مدارس می‌شد . نظام‌الملک علاوه برتشویق ادیبان و حکیمان خود نیز آثاری دارد که از همه معروفتر « سیاست‌نامه » است . دیگر مکتوبی است درذکر شرایط وزارت که به پسرش فخرالملک نوشته به اسم «وصایای نظام‌الملک» یا «دستورالوزارة» .

نظامی (ت) حکیم جمال‌الدین ابومحمدالیاس بن یوسف‌بن زکی بنی موید . وفات درحدود ۶۰۴—ازشاعران بزرگ داستانسرای‌ایران . وی درحدود سال ۵۳۰ درگنجه متولد شد وبیشتر عمرخود را درموطن

خود صرف کرد . فقط یک بار به اصرار اتابک قزل ارسلان به تبریز سفر کرد . نظامی از ابتدای جوانی به آموزش و تحصیل علوم مختلف پرداخت وچنانکه خود گوید در تمام رشته های علوم متداول مانند علوم طبیعی والهی و طب و نجوم مهارت داشت . همچنین در علوم ادب و شعر مقام بزرگی به‌دست آورد . نظامی با اتابکان آذربایجان وشاهان محلی شروان و مراغه ارتباط یافته و کتابهای خود را به نام این شاهان ساخته است . ازجملهٔ ممدوحان او منوچهر خاقان کبیر پادشاه اخستان و پسرش ابوالمظفر اتابک نصرةالدین ابوبکر از اتابکان آذربایجان ، و اتابک شمس الدین محمد جهان پهلوان و اتابک قزل ارسلان است . نظامی چون عمر را بیشتر به عزلت و انزوا گذرانده است طرز سلوک و رفتارش باشاهان بسیار ساده بوده و سلاطین برای او احترام فراوانی قایل بوده‌اند .

ازآثار نظامی دیوان اوست که دولتشاه آن را شامل بیست هزار بیت دانسته واکنون قسمتی ازآنها دردست است ولی بزرگترین اثرش خمسه می‌باشد که به طرزمثنوی سروده و در حدود بیست و هشت هزار بیت دارد .

خمسه شامل پنج کتاب است : مخزن‌الاسرار ، لیلی ومجنون ، خسروشیرین، هفت پیکر یا بهرام‌نامه ، اسکندرنامه .

نظامی درشیوهٔ داستانسرائی استاد و پیشرو دیگران است . وی درضمن داستانسرائی از مطالب اخلاقی وحکمی وپند غفلت نکرده‌است وپاکی اخلاق وعفت در اشعارش آشکار است ، حتی هنگام ذکر عشق و گفتگوهای عاشقانه عفت قلم وشرم را از دست نمی‌دهد . نظامی همه جا ازوقایع وحالات نتیجه گرفته وبی اساسی زمان وسستی دنیا راگوشزد

می کند . نظامی توانسته است نوع شعر تمثیلی را به حد کمال برساند . نیروی تخیل او در وصف بسیار قوی است وحالات مختلف روحی انسان را از قبیل انتظار ، شوق دیدار ، وصل ، هجر همه را با قدرت بسیار بیان می کند . معانی تازه وتشبیهات نو به کار می برد . نظامی چون از علوم مختلف اطلاع داشته است اصطلاحات علمی وفلسفی در اشعارش بسیار دیده می‌شود . آثار نظامی مورد تقلید بسیاری از گویندگان پس از او واقع گشته است . امیرخسرو دهلوی خواجو ، جامی ، وحشی ، مکتبی ودیگران به تقلید از مثنویهای او مثنویهائی ساخته اند .

خمسهٔ نظامی چندین بار درتهران به چاپ رسیده است .

نظامی عروضی (ت) ابوالحسن نظام الدین احمدبن عمربن علی النظامی العروضی السمرقندی ، وفات درحدود ۵۶۰ ازشاعران ونویسندگان قرن ششم هجری ، درسمرقند متولد شده وپس از کسب علوم به خراسان رفته است و در سال ۵۰۶ در بلخ به خدمت حکیم عمر خیام رسیده ودرسال ۵۱۰ درطوس معزی را ملاقات کرده است . نظامی عروضی به خدمت ملوك آل شنسب در آمد و به مدح آنها پرداخت و کتاب «چهارمقاله» را به نام شاهزاده ابوالحسن حسام الدین علی بن فخرالدین مسعود شاهزادهٔ غوری تألیف کرد .

نظر (نج) یا نگریستن آن است که وضع هر برج را نسبت به برجهای دیگر نشان دهد و اقسام آن چهاراست: تسدیس ، تثلیث ، مقابله ، تربیع (به این کلمات رجوع شود)

درنظر منجمان بعضی ازاین حالها سعد وبعضی نحس است

زحارم همی بنگرد آفتاب   به جنگ بزرگانش آمد شتاب

«فردوسی»

نظیری نیشابوری (ت) محمد حسین نظیری نیشابوری. وفات ۱۰۲۱ — از شاعران معروف ایران درقرن یازدهم. اصلش ازنیشابور بوده و از ابتدای جوانی به‌شعروشاعری شوق فراوان داشته است‌وپس ازکسب شهرت درخراسان به کاشان رفت وچندی درمجالس مشاعره ومناظرهٔ شاعران شرکت کرد وازآنجا به‌هندوستان رفت‌ودردربار اکبرشاه راه یافت وپس از او دردربار جهانگیر تقرب حاصل کرد و قصایدی در مدح اکبرشاه و خان اعظم برادر او و جهانگیر سرود . نظیری باعرفی وظهوری‌معارضه ومناظره داشته‌است · نظیری درمذهب بسیار متعصب بود وسالهای آخر عمررا به گوشه گیری وزهد پرداخت .

غزلی در وصف تنباکودارد که استعمال‌آن بوسیلهٔ جهانگیروشاه عباس صفوی منع شده بود .

دیوان نظیری شامل قصاید وغزلیات و ترجیعات ورباعیات‌است ودرهندوستان به‌چاپ رسیده است .

نعایم (نج) منزل بیستم از منازل قمر که شامل‌چهار ستارهٔ‌روشن است به شکل شتر مرغ

نعایم پیش او جون چار خاطب

به پیش جار خاطب جار مؤذن

«منوچهری»

نعمةالله کرمانی (ت) امیرنورالدین نعمةالله‌بن میرعبدالله. وفات ۸۳٤ — از مشایخ بزرگ صوفیه که درسال ۷۳۰ درحلب متولد شد ودربیست‌وچهارسالگی به زیارت مکه معظمه نائل آمد و هفت سال در آنجااقامت کرد وقسمت‌آخرعمررا درسمرقندوهرات‌ویزدبسربردوسرانجام درماهان مقیم گشت و همانجا وفات یافت . شاه نعمةالله مورد توجه

شاهرخ بوده‌است ولی شهرتش بیشتر ازجنبهٔ تصوف اوست . اشعارش اغلب دربارهٔ وحدت وجود می‌باشد . دیوان شاه نعمة‌الله ولی شامل تقریبا چهارده‌هزاربیت مثنوی و رباعی است. مثنوی شاه‌نعمة‌الله تقلیدی است از مثنوی‌مولانا جلال‌الدین رومی و مضامین آن عارفانه است.

درجوارمقبرهٔ شاه نعمة‌الله درماهان خانقاهی است که درویشان نعمة‌اللهی‌ازپیروان او درآنجا اقامت می‌کنند .

نغمهٔ داوود(تن) اشاره به آواز نیکوی داوود که مرغان را نیز مجذوب می‌کرد و ازطیران باز می‌داشت .

چو گل سوار شود بر هوا سلیمان وار

سحر که مرغ در آید به‌نغمهٔ‌داوود . . .

«حافظ»

نفاذ (ق) (ازحرکات‌قافیه) حرکت‌وصل چون به خروج پیوندد مانند حرکت میم درکلمه های می‌سپارمت ودوست دارمت دراین شعر

ای غایب از نظر به خدا می‌سپارمت

جانم بسوختی وبه دل دوست دارمت

حرکت خروج ومزید ونایره را هم نفاذ گویند .

نفایس الفنون فی‌عرایس‌العیون (ك) تألیف‌علامه‌شمس الدین محمدبن محمود آملی ازعالمان قرن هشتم هجری که آن را به نام‌شیخ ابواسحق اینجوساخته‌است. نفایس الفنون دربیان‌شرف‌علم‌وتقسیم‌علوم‌است به علوم‌اوائل‌واواخر وشامل علوم‌ادبی است درپانزده فن‌مانند علم‌لغت وعلم‌بیان‌ومعانی‌وعلم‌صرف ونحووعلم‌عروض وقوانی وعلم دواوین‌وعلم انشاء واستیفا .وعلوم‌شرعی‌شامل نه‌فن‌مانندعلم کلام‌وتفسیروعلم‌حدیث وحکم و اخلاق و علم اصول وفقه . (چاپ‌تهران)

نفثةالمصدور (ك) تألیف محمد منشی النسوی که آن را بین سالهای ۶۳۲—۶۳۷ نوشته‌است. موضوع کتاب شرح حوادث زندگی مؤلف وبلا ها ومصیبتهائی است که در دربار سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه و حملهٔ مغول تحمل کرده است. مؤلف وقایع زمان و تیرگی اوضاع دربار خوارزمشاه وحمله های تاتار را به آذربایجان وانقراض خوارزمشاهیان وجنگها ودفاعها وعاقبت کار همه را به تفصیل شرح می‌دهد. محمد نسوی خود دراغلب وقایع شاهد بوده بلکه قسمتی ازامور را نیز به‌عهده داشته وشخصاً درکارها دخالت می‌کرده و محرم اسرار و مورداعتماد سلطان بوده است و با صداقت تمام علل وقایع را شرح داده است. سبك نوشتهٔ نفثةالمصدور مانند کلیله ودمنه نثر مصنوع ودرعین حال فصیح است. مؤلف از آوردن صنایع بدیع و تجنیسات خودداری نکرده واشعار فارسی و عربی وامثال سایر وآیات قرآن و شواهد فراوان بکار برده‌است. (چاپ تهران)

نفحات الانس (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را درسال ۸۸۳ به خواهش امیرعلیشیرنوائی تألیف کرده است. نفحات الانس درشرح احوال ۵۸۲ تن ازرجال وبزرگان واولیاء متصوف است ودارای مقدمه‌ای می‌باشد درشرح اصطلاحات صوفیه وبیان معرفت عارف وکرامات ومعجزات او. مؤلف پس ازمقدمه به‌شرح حال صوفیه می‌پردازد وآن را به ذکر حال ابوهاشم صوفی شروع وبه خواجه‌شمس الدین حافظ‌شیرازی ختم می‌کند. انشاء کتاب روان و ساده است و در ردیف بهترین آثار نثرفارسی است.

نفخ صور (تن) دمیدن درپوق ومراد ازآن بوقی است که درروز قیامت اسرافیل درآن می‌دمد تا مردگان برخیزند. و در شعر فارسی نفخ صور کنایه از روز قیامت است.

از مدحتش که زنده کن دوستان اوست

تا نفخ صور صور دوم در دهان ماست

«خاقانی»

نفس (ط) جوهری مجرد به حسب ذات ، نه برحسب فعل ؛ یعنی قابل اشارهٔ حسی نیست ، اما درصدور فعل محتاج به آلت است. مانند روح انسانی.

نفس مسیحا (تن) اشاره به معجزهٔ عیسای پیغمبر که می توانست مرده را زنده کند .

مژده‌ای دل که مسیحا نفسی می‌آید

که زانفاس خوشش بوی کسی می‌آید

«حافظ»

نقد النصوص فی شرح الفصوص (ك) شرحی بر فصوص الحکم تألیف صوفی بزرگ شیخ محی‌الدین محمدبن علی العربی . این کتاب را مولانا عبدالرحمن جامی درسال ۸۶۳ تألیف کرده ومشتمل است برمقدمهٔ مفصل دربیان اصطلاحات ومقدمات که پس ازآن به شرح کتاب فصوص الحکم پرداخته و از مطالب کتب سایر شارحین آن مانند صدرالدین قونیوی وشیخ مؤیدالدین جندی به‌آن افزوده است. کتاب نقدالنصوص به نثر فارسی است ومؤلف در آن اشعاری از بزرگان وشاعران به‌عنوان شاهد آورده است .

نقش ارژنگی (ش ـ ت) اشاره‌به نقش های دلکش کتاب ارژنگ منسوب به مانی نقاش .

گر التفات خداوندیش بیاراید

نگارخانه چینی ونقش ارژنگی است

(سعدی)

نکیسا (ش-د) رامشگر دربار خسرو پرویز

نگین سلیمان (تن) انگشتر سلیمان که اسم اعظم برآن نوشته بود وسلیمان به وسیلهٔ آن بر آدمی و وحش وطیر حکومت می کرد. تقدیر حق تعالی اقتضا کرد که سلیمان را به مناسبت خطائی که مرتکب شده بود، مکافات کند. دیوی خود را بشکل معتمد سلیمان براو نمود وانگشتری را گرفت وخود را به صورت سلیمان به مردم نشان داد و ساه شد. پس از چهل روز انگشتری از دست دیو در دریا افتاد، ماهیی آن را فرو برد، صیادی ماهی را گرفت. سلیمان آن را از او خرید و به تخت بر گشت.

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم

که گاهگاه در انگشت اهرمن باشد

«حافظ»

نل و دمن (ك) داستانی که اصل هندی دارد و شیخ ابوالفضل فیضی دکنی آن را از سانسکریت ترجمه کرده و در سال ۱۰۰۳ به خواهش اکبرشاه درچهارهزار بیت منظوم کرده است. چاپ تهران

نمرود (تن) شاهی بت پرست در زمان ابراهیم علیه‌السلام. ابراهیم چون نمرود را به خدا پرستی دعوت کرد و بتها را شکست، نمرود دستور داد تا اورا به آتش افکندند. اما آتش براو گلستان شد نمرود خواست با خدا جنگ کند، فرمود تا صندوقی ساختند و چهار پاره گوشت برچهار نیزه از آن آویختند و برچهار پایهٔ صندوق چهار کرکس گرسنه بستند واو خود درصندوق نشست. کرکسان صندوق را به هوا بردند، نمرود تیری بربالا انداخت. حق تعالی تیر اورا خون آلود به پیشش فرستاد. نمرود به گمان آنکه خدا را مجروح کرده است گمراه شد ودعوی خدائی کرد. باردیگر خواست با خدا بجنگد. خدا لشکری

از پشه که ضعیفترین خلایق است ، به جنگ او فرستاد ، لشکرنمرود ازنیش پشه هلاك شدند و پشه‌ای دربینی نمرود رفت ومغز سراورا خورد واو را هلاك کرد .

دست‌نمرودبین که‌ناوك کفر در سپهر مدور اندازد

«خاقانی»

صدهزاران پشه درلشکر فتاد تا براهیم از میان باسر فتاد

(منطق الطیر)

نوح (تن) ازپیغمبران که مطابق روایات مذهبی هشتادتن اززن ومرد به اوایمان آوردند. حق تعالی به اوفرمان‌دادتادرخت ساج بنشاند وچون بزرگ شد ، ازچوب آن کشتی ساخت ، به طول سیصد گزوعرض پنجاه گزوارتفاع سی گز. می گویند این کشتی‌سه‌طبقه داشت ، یکی‌برای حیوانات،یکی‌برای آدمیان ، یکی برای پرندگان. خدا طوفان فرستاد ، نوح باخانوادهٔ خود درکشتی نشست وپس از فرونشستن طوفان کشتی او بر کوه جودی در حدود موصل قرار گرفت و همهٔ موجودات دیگر غرق گشتند.

چه‌غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه‌باك ازموج بحر آن‌را که باشدنوح کشتیبان .

نوذر (ش— د) از شاهان سلسلهٔ پیشدادی وپسر منوچهر ؛ که پس از پدر به‌شاهی رسید وستم بسیار کرد ، چنانکه مردم ازاو به‌جان آمدند وازسام خواستند که به تخت شاهی نشیند ولی او نپذیرفت . سر انجام نوذر به دست افراسیاب کشته شد .

نورالعلوم (ك) تألیف شیخ ابوالحسن خرقانی ازمشایخ بزرگ قرن چهارم‌وپنجم .موضوع کتاب مبانی عرفان است به‌زبان فارسی‌وانشاء

آن ساده وروان وبه‌شیوهٔ کتابهای قرن پنجم است .

نوروز نخستین روزاز فروردین‌ماه . پارسیان دراین روز جشن می گرفتند که روزنو از سال نو بوده است . این جشن تا کنون مرسوم است وبزرگترین جشن ایرانیان به شمار می‌آید .

بر لشکر زمستان نوروز نامدار
کرده‌است رای تاختن وقصد کارزار
(منوچهری)

نوروزنامه (ك) رساله‌ای به‌فارسی منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوری . مؤلف درآن علت پیدایش جشن نوروز وواضع آن وآداب شاهان ساسانی رادراین جشن شرح می‌دهد وهمچنین ازشاهان داستانی وتاریخی ایران تازمان یزدگرد شهریارساسانی‌وآئین‌جهانداری ورسوم شاهی‌ابشان مطالبی آورده‌است . سبك کتاب روان وبی تکلف‌است . لغات‌عربی کم دارد وعبارتهایش کوتاه است . (چاپ تهران)

نوشدارو (ش–د) داروی جان‌بخش «ضدمرگ» . درشاهنامه نوشدارو آن است که رستم پس از دریدن جگرگاه سهراب، پسر خود ، بوسیلهٔ گودرز ازکاووس خواست ، ولی کاووس به سبب کینه‌ای که از سهراب داشت وبیم ازآنکه رستم باداشتن چنین پسر پهلوان ووت گیرد واورا حقیر شمارد ، ازدادن نوشداروخودداری کرد وسهراب جان‌داد . نوشدارو پس ازمرگ سهراب ، در زبان فارسی مثلی است که در مورد علاج کاری که ازدست رفته است گفته می‌شود .

بعد ازاین لطف‌تو باما به چه ماند دانی
نوشداروکه پس‌ازمرگ به سهراب رسد

نوع (ط) (ازکلیات خمس) کلی‌ذاتی‌است که درجواب ای‌شیئی

(کدام) قرار گیرد . وقتی که می گوئیم انسان کدام یک از حیوانات است ؟ درجواب گفته می‌شود : انسان حیوانی است ناطق . پس نوع شامل حقیقت مختصهٔ افراد است . مثل مردم که از حیوان جدا می‌شود بوسیلهٔ نطق .

هرچه کلی عامتر باشد، جنس خاصتر می‌شود وهرچه خاصتر باشد نوع عامتر است . مثل حیوان، که عامتر است از مردم، وخاصتر است از جسم .

نه‌فلك (نج) عبارت است از هفت فلك با فلك الافلاك وعرش .

نه کرسی فلک نهد اندیشه زیر پای
تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان دهد

«ظهیر فاریابی»

و

وادی ایمن (تن) بیابانی که موسی در آن برسر درختی روشنی آتش دید و خطاب آمد که «انی اناالله»

شب تار است وره وادی ایمن درپیش
آتش طور کجا وعدهٔ دیدار کجاست

«حافظ»

موسیم کانی انالله یافتم   نورپاك وطورسینادیده‌ام

«خاقانی»

واعظ کاشفی (ت) رجوع شود به کاشفی.

وافر (ع) ازبحور شعرعربی که درفارسی بسیار کم‌متداول است. درعربی مسدس آن معمول است یعنی ۶ بار «مفاعلتن». وزنی که ازاین بحر گاهی درفارسی به کاررفته این است :

بحر وافرمثمن (مفاعلتن ٤ بار) مثال :

چه سدصنما که‌سوی کسی به‌چشم رضا نمی‌نگری
ز رسم جفا نمی‌گذری طریق وفا نمی‌سپری

وامق‌وعذرا (لك) یکی از داستانهای عاشقانهٔ کهن که بوسیلهٔ چندتن ازشاعران‌پارسی زبان به نظم درآمده است . معروفترین منظومهٔ «وامق وعذرا» ازعنصری شاعر بزرگ عهد غزنوی است که دردست نیست وابیاتی ازآن درفرهنگ اسدی ضبط شده است .

وتد (ع) درلغت به معنی میخ و ازارکان عروضی است و بر دو قسم است وتدمقرون ، وتد مفروق .

وتد مقرون دو متحرک است ویک ساکن ، مانند اگرومگر ، و علامت آن دو صفراست و یک الف ه ه ا

وتد مفروق دو متحرك است که میان آنها ساکنی فاصله نشده باشد مثل ناله وعلامت آن الف درمیان دوصفراست مانند ه ا ه

وجه دین (ك) از آثار منثور حکیم ناصر خسرو قبادیانی شاعر ونویسندهٔ بزرگ قرن پنجم شامل تأویل احکام شرعیه وباطن عبادات به طریق اسمعیلیان . این کتاب دارای اصطلاحات مذهبی است و به گفتهٔ خود مؤلف «خردمندی که این کتاب را بخواند دین را بشناسد وبرشناخته کار کند» . (وجه دین—چاپ برلن)

وحشی (ت) کمال الدین وحشی بافقی کرمانی . وفات ۹۹۱—از شاعران عهدصفوی . وحشی در قصبهٔ بافق کرمان متولدشد ودرجوانی به یزد وسپس به کاشان رفت وبه تدریس مشغول گشت وپس ازچندی به یزد باز گشت و تا پایان عمر آنجا ماند . وحشی در یزد به درگاه غیاث الدین میرمیران حاکم یزد راه یافت و درمدح او قصایدی سرود . دیگراز ممدوحان اوشاه طهماسب وولی سلطان افشار فرمانروای کرمان اند . از آثار مهم وحشی غزلیات اوست که دارای سوزوگداز ولطافت خاصی است . دیوان او شامل قصیده ، قطعه ، ترکیب بند ، ترجیع بند ، رباعی است .

وحشی به تقلید نظامی چند مثنوی ساخته است ، به نام خلدبرین ، ناظر ومنظور ، فرهاد وشیرین .

دیوان وحشی چندین بار درتهران به چاپ رسیده است .

وحیدقزوینی (ت) میرزا طاهر . وفات ۱۱۲۰ - منشی وشاعر و خوشنویس ووزیرشاه سلیمان صفوی . ابتدا منشی دو تن از وزیران یعنی میرزاتقی‌خان اعتمادالدوله وخلیفه سلطان بود، پس ازآن‌مورخ رسمی دربارشاه عباس دوم شد ودرسال ۱۱۰۱ به وزارت شاه سلیمان رسید وپس از هیجده سال انزوا اختیارکرد . وحید آثاری به نظم ونثر فارسی ونرکی داردکه از همه معروفتر تاریخ شاه عباس دوم است که آن را برای خلیفه سلطان وزیر دانشمند شاه عباس نوشته‌است . نثراین تاریخ نمونهٔ نثر فنی عهدصفوی است ودارای مترادفات و دیگر صنایع لفظی است .

وراق‌مروی (ت) محمود . وفات ۲۲۱- ازشاعران‌معاصرطاهری وصفاری که چند بیت ازاو باقی مانده است .

وراوینی (ت) سعدوراوینی‌ازنویسندگان‌اواخر قرن‌ششم‌واوایل قرن هفتم . وی‌ازملازمان‌خواجه‌ابوالقاسم‌ربیب‌الدین‌وزیراتابک‌ازبک‌بن محمد(۶۰۷-۶۲۲) اتابک‌آذربایجان می‌باشد. وراوینی سرزبان‌نامه را به‌نام این وزیر از زبان طبری به پارسی ترجمه کرده است . مرزبان‌نامه درنه باب ویک مقدمه‌ویک ذیل است ودرمقایسهٔ باروضةالعقول‌معلوم می‌شود که بعضی‌از حکایتها وبابهای اصلی کتاب دراین ترجمه حذف شده است .

مرزبان‌نامهٔ وراوینی ازکتابهای مهم نثرمصنوع است ونویسنده درآن به سبک کلیله‌ودمنهٔ نصرالله منشی نظرداشته است .

ورقه‌وگلشاه (ك) یکی از داستانهای قدیم ایرانی که عیوقی شاعردورهٔ سلجوقی‌آن‌را به‌نظم‌آورده‌است . دردوره‌های بعدشاعران دیگری

نیز این داستان را درقالب مثنوی سروده‌اند که بارها چاپ شده ومیان عامهٔ فارسی زبانان رواج یافته است .

(ورقه‌وگلشاه ـچاپ تهران ـ انتشاراتسخن)

وزن (ع) عبارت‌است ازتناسب ونظمی‌دراصوات، ودرشعربجای اصوات کلمات است واین تناسب میان‌اصوات ملفوظ یا برحسب کمیت یعنی امتدادزمانی‌آنهاست مانند وزن شعر درعربی وفارسی ، یابه‌حسب کیفیت ، یعنی شدت وضعف اصوات نسبت به یکدیگر ، مانند وزن شعر درزبانهای انگلیسی وآلمانی وروسی ؛ یا تنها به‌حسب عددآنها مانند وزن شعر فرانسوی .

وصاف‌الحضرة (ب) ادیب شرف‌الدین عبدالله کاتب‌شیرازی . وفات ۷۳۰ متخلص به‌شرف . ازادیبان‌ومورخان قرن هشتم . وی درشیراز متولد شد ودرهمانجا به تحصیل علم و ادب پرداخت و توسط خواجه رشیدالدین فضل الله به‌دربار غازان‌خان والجایتورسیدوتقرب حاصل کرد . وصاف‌الحضره مؤلف تاریخ معروفی است به‌نام «تجزیةالامصاروتزجیة الاعصار» که درسال ۷۱۲ درسلطانیه بوسیلهٔ خواجه رشیدالدین فضل الله به حضور الجایتومعرفی شد .

وصال‌شیرازی (ن) میرزا محمد شفیع شیرازی معروف به میرزا کوچک . وفات ۱۲۶۲ ـ ازشاعران غزلسرای قرن سیزدهم و معاصر فتحعلی‌شاه ومحمدشاه قاجار. وصال درسال ۱۱۹۷ تولد یافت و درجوانی به تحصیل ادب وهنر پرداخت . به علم موسیقی آشنائی یافت واز خوشنویسان معروف عصر خود گشت . ازآثار او دیوان اشعارش‌است که شامل قصیده وغزل ومثنوی است . وصال درغزل پیروسعدی‌وحافظ است ویک‌مثنوی به‌نام «بزم‌وصال» دارد که درآن از شیوهٔ فردوسی‌پیروی

کرده است. وصال مثنوی فرهاد وشیرین وحشی را تمام کرده و«اطواق الذهب» زمخشری را به فارسی شرح و ترجمه کرده است.

وصل (ف) ازحروف قافیه. حرف وصل آن است که بعد از حرف روی قرارگیرد و روی ساکن متحرك شود مانند حروف ضمیر، رابطه، جمع، مصدر، تصغیر، مثال: رودت، گیسودت و دلبندا، خداوندا وآسایشی، آلادش ودشمنی، وروشنی.

یارب آن نوگل خندان که سپردی به منش
می‌سپارم به تو از چشم حسود چمنش

که حرف ش در کلمه‌های منش وچمنش حرف وصل است

وضع (ط) (از مقولات عشر) مفهوم وضع نسبت اجزاء جسم است به یکدیگر؛ یعنی در بالا یا در زیر یا چپ یا راست جسم دیگر قرار گرفته باشند.

وقف (زحاف) (ع) درمفعولاتُ اسکان تاء مفعولات است وبجای آن مفعولانْ می گذارند وآن را موقوف خوانند.

ولوالجی (ت) ابوعبدالله محمدبن صالح ولوالجی مروزی. ازشاعران عهد سامانی. عوفی درلباب الالباب می گوید: «درعهدسلطان یمین الدوله محمود، جملگی فضلاء خواستند که دوبیت فارسی اورابه تازی ترجمه کنند، کس رامیسرنشدتاآنگاه که خواجه ابوالقاسم پسر وزیرابوالعباس اسفراینی آن را به تازی ترجمه کرد چنانکه همهٔ فضلا بپسندیدند».

ویس ورامین (ك) از داستانهای قدیم فارسی ومنسوب به دورهٔ اشکانیان که میان ایرانیان شهرت فراوانی داشته است ودربعضی ازنواحی ایران متن پهلوی آن وجود داشته و ابونواس از این داستان در اشعار خود نام برده است. فخرالدین اسعد گرگانی شاعر قرن پنجم دراصفهان

باخواجه عمید ابوالفتح مظفر نیشابوری حاکم اصفهان دربارهٔ این داستان گفتگو کرده وبه خواهش اوبه‌نظم آن پرداخته‌است وکتاب رادرحدود سال ٤٤٦ به پایان رسانده و درآن عمیدابوالفتح را مدح کرده است . سبک نظم کتاب درعین آنکه به‌آرایش لفظی وتشبیهات زینت یافته ساده وروان است واز مغلق گوئی خالی است ولغات عربی نامأنوس بسیارکم دارد وصورت کهنهٔ بسیاری از لغتهای فارسی در آن دیده می‌شود .

(ویس ورامین — چاپ تهران)

ه

هاتف (تن) ندا دهندهٔ غیبی ؛ مرادف سروش .

سحر ز هاتف غیبم رسید مژده به گوش   که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش

«حافظ»

هاتف اصفهانی (ت) میراحمد . وفات ۱۱۹۸ - از شاعران معروف قرن دوازدهم ومعاصر افشاریان وزندیان . اصل خاندان او ازآذربایجان بوده است ولی درزمان شاهان صفوی به اصفهان مهاجرت کرده وهمانجا مقیم گشته است . هاتف دراصفهان به تحصیل حکمت وطب وریاضی پرداخت ودرشعروادب ازمحضرمشتاق بسیاراستفاده می کرده واز دوستان نزدیک صباحی وآذر وصهبا بوده است . هاتف در زبان فارسی و عربی استاد بود ودیوانش مرکب است ازقصاید وغزلیات و ترجیعات ورباعیات . هاتف مراثی مؤثری در مرگ بزرگان با ماده تاریخ ساخته ودرقصیده ازاستادان قصیده سرای قدیم ودرغزل ازشیخ سعدی وخواجه حافظ شیرازی پیروی کرده است . هاتف ترجیع بند های عاشقانه وعارفه ای دارد که بسیار معروف است وهمین شعر اوراازجملهٔ شاعران مشهور فارسی ساخته است .

(دیوان هاتف اصفهانی — چاپ تهران)

هاتفی (ت) مولانا عبدالله هاتفی خرجردی خراسانی . وفات ۹۲۷ - خواهر زادهٔ جامی واز شاعران قرن دهم . هاتفی از شاعرانی است که به تقلید نظامی خمسه ساخته است . خمسهٔ اوشامل مثنویهای لیلی ومجنون،

شیرین وخسرو ، هفت منظر ، تیمورنامه‌است . منظومه‌ای هم درفتوحات وجهانگیری شاه اسمعیل به سبک شاهنامه شروع کرده ولی به اتمام نرسانده است . این مثنوی‌موسوم به شاهنامهٔ حضرت‌شاه اسمعیل است .

هاروت وماروت (تن) نام دوساحربابلی که درجادوگری مثل اندو درچاه بابل سرازدرآویخته‌اند .

گر بابدم شدن سوی هاروت بابلی
صد گونه ساحری بکنم تا بیارمت
«حافظ»

هاماوران (نس‌ـد) سرزمینی بوده است درعربستان که برطبق روایت شاهنامه کاووس به قصد فتح آن لشکر کشید وعاشق سودابه دخترشاه هاماوران شد وسرانجام اورابا خود به‌ایران آورد وبه‌زنی گرفت

هتم (ع) (زحاف)درمفاعیلن مجموع حذف وقصر است که چون لام ونون ویا را حذف کنیم مفاع می‌ماند . بجای آن فعول می گذارند وآن را اهتم خوانند .

هجویری (ت) ابوالحسن علی‌بن عثمان الجلابی هجویری غزنوی . وفات ۴۷۰- از بزرگان مشایخ صوفیه واز طرفداران معصب حسین بن منصورحلاج وازاقران‌شیخ ابوسعید ابوالخیرواستاداامام ابوالقاسم قشیری . وی ازخاندان علم بوده ودرزبان پارسی وعربی وتفسیر وحدیث ومنطق وکلام تبحر داشته است . شعر نیز می‌سروده وخوددر کشف‌المحجوب گفته است که دیوان شعرش را انتحال کرده‌اند . جلابی همراه سپاه سلطان مسعود به هندوستان رفت ودرلاهوراقامت گزید و در این شهر کتاب«کشف‌المحجوب»را به درخواست شیخ ابوسعید هجویری غزنوی تألیف کرد . دیگرازآثار او دیوان اشعار ، رسالهٔ‌فنا وبقا ، اسرارالخرق

والملونات ، کتاب البیان لاهل الایقان ، منهاج الدین ، شرح کلام حسین بن منصور حلاج است .

هدایت (ت) رضاقلیخان طبرستانی . وفات ۱۲۸۸ - ملقب به لله باشی پسر محمدهادی خان از خاندانهای اصیل ایرانی که در دربار قاجار به بسر می بردند . رضاقلی خان در سال ۱۲۱۵ قمری در زمان سلطنت فتحعلیشاه در تهران متولدشد ، پس ازمرگ پدر به مازندران وپس ازآنجا به شیراز رفت ودرآنجا به تحصیل پرداخت . هدایت ازکودکی به سرودن شعر شوق وافری داشت و هنگامی که فتحعلیشاه به شیراز رفت به خدمت او رسید ومورد لطف او قرارگرفت ولقب امیرالشعرائی یافت . پس از مرگ فتحعلیشاه به تهران آمد وبه وسیلهٔ حاج میرزاآقاسی صدراعظم به حضور محمدشاه رسید ونزدوی تقرب یافت وتربیت عباس میرزا به عهدهٔ او واگذار شد . پس از درگذشت محمد شاه در سال ۱۲٦٤ به خدمت ناصرالدین شاه درآمد و ازجانب اومأمور خوارزم گشت وپس ازبازگشت از سفر خوارزم به ریاست مدرسهٔ دارالفنون منصوب گشت . هدایت در همهٔ زندگی مورد احترام شاهان وشاهزادگان بوده و مناصب عالی یافته است و باوجود اشتغال به کارهای درباری و کشوری به تصوف وعرفان متمایل بوده وهرگز ازکوشش درراه علم باز ننشسته است . وی در تاریخ ولغت وتذکره تألیفات وتصنیفاتی دارد . ازجملهٔ آثار او ریاض العارفین ، تکمیل تاریخ روضة الصفای میرخواند ، نژادنامه ، سفرنامهٔ خوارزم ، مجمع الفصحاء ، فرهنگ انجمن آرای ناصری . مثنویهائی نیز به نام انیس العاشقین ، بکتاش نامه ، انوار الولایه ، بحرالحقایق دارد . نثر کتابهای هدایت نثرفنی است که متداول زمان بوده است .

هدایت (صادق) . وفات ۱۳۳۰ شمسی - نویسندهٔ معاصر ایرانی که

درنویسندگی راه تازه‌ای پیش گرفته است. هدایت به فرانسه و هندوستان سفر کرده و به زبان پهلوی وفرانسوی آشنائی کامل یافته است. آثار او شامل رمان، داستانهای کوتاه، نمایشنامه، ترجمه ازادبیات فرانسه ومتن های پهلوی است که عبارت است از بوف کور، حاجی‌آقا (رمان) زنده بگور، سگ ولگرد، سه قطره‌خون، سایه‌روشن، ولنگاری، علویه خانم، (داستان کوتاه) پروین دختر ساسان، مازیار (نمایشنامه) افسانهٔ آفرینش (خیمه‌شب‌بازی).

هدایت زندگی مردم عادی را ازطبقه‌های مختلف اجتماع وصف می‌کند. درکتابهای او گفتگوها به زبان طبیعی اشخاص یعنی زبان محاورهٔ ایشان است.

هدهد (تن) مرغی که پیغام سلیمان رانزدبلقیس ملکهٔ سبا می‌برد:

فصاحتم چو هدهد است و هدهدم
کجا رسد به غایت سبای او

«منوچهری»

درشعرفارسی گاهی بادصبا راکه پیغامبر عاشقان است به هدهد تشبیه کرده‌اند.

ای هدهد صبا به‌سبا می‌فرستمت   بنگر که‌از کجا به کجامی‌فرستمت

«حافظ»

هرمز (ش‌ـت) هرمز پسرانوشیروان که از مادر نوادهٔ خاقان چین بود. درزمان او بهرام چوبینه مأمور جنگ با ساوه شاه، خاقان چین، ودائی هرمز شد وبااو جنگید وچیره گشت، هرمز بجای خلعت برای او دوکدان‌وجامهٔ زنان فرستاد. به همین سبب بهرام بر هرمز یاغی شد وبه ری‌آمد ودستور داد به‌نام پرویز پسر هرمز سکه زدند.

چون سکه به هرمز رسید به‌پسر بدگمان شدوقصدجان‌او کرد. پرویز به آذربایجان گریخت. سرانجام بزرگان هرمز را کور کردند و پرویز را به شاهی نشاندند. وهرمز به دست بندوی وگستهم دو دائی پرویز کشته شد.

هروی(ت) ضیاءالدین عبدالرافع‌بن‌ابی‌الفتح هروی. از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم واز فاضلان دورهٔ آخر عهد غزنوی. درعلوم‌عقلیه ودرطب ولغت دست داشت. عبدالرافع دردربار تاج‌الدوله خسروملک غزنوی می‌زیست وپس از انتقال‌سلطنت به ملوك غوربه نزدآنان رفت. اشعاری ازاو درلباب‌الالباب نقل شده است.

هروی (ب) ابوشعیب‌صالح‌بن‌محمد از شاعران دورهٔ سامانی. عوفی گفته است که وی اواخر زمان رودکی را دریافته است. ابیاتی ازاین شاعر به‌عنوان شاهد درتذکره‌ها موجود است.

هزاردستان (ك) ترجمهٔ منظومی ازکتاب «الف لیلة ولیلة». این منظومه بوسیلهٔ ابوالفتح‌خان دهقان سامانی اصفهانی وبه تشویق سلیمان‌خان رکن‌الملك شیرازی که وزیری ادیب‌پرور و شاعردوست بوده سروده شده است. شاعر در این منظومه بیشتر از ترجمهٔ فارسی کتاب یعنی «هزار و یکشب» استفاده کرده ودر سراسر داستانهااسامی روزها وماهها را به‌فارسی نام برده است.

(چاپ تهران)

هزارویك‌شب (ك) ترجمه‌ای به‌فارسی ازکتاب الف‌لیلةولیلة. اصل کتاب الف‌لیلة درست معلوم نیست ولی ظاهراً پیش از اسلام از هندوستان به‌ایران آمده است. متن فارسی آن که «هزارافسان» نامیده می‌شده است درقرن سوم هجری به‌عربی ترجمه شده ودرقرن چهارم از

بغداد به‌مصر رفته است ودرآنجا قصصی به‌آن افزوده گشته و در حدود قرن دهم هجری درمصر به‌صورت«الف‌لیلةولیلة» کنونی درآمده است.

نثرعربی کتاب به‌زبان متعارف ومعمولی است واشعاری که‌درآن نقل‌شده است ازشاعران معاصر عباسیان است.

اما ترجمهٔ فارسی کتاب الف‌لیلة در حدود سال ۱۲۶۰ هجری انجام گرفته است. مترجم‌آن میرزا عبداللطیف طسوجی تبریزی است و چنانکه خود اودرمقدمهٔ کتاب گفته‌است کار ترجمه رادرزمان محمدشاه وبه‌فرمان بهمن‌میرزا فرزند ولیعهد وحاکم تبریز آغاز کرده و در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه به‌پایان‌رسانده‌است. اشعار کتاب‌رامیرزامحمدعلی سروش اصفهانی یا ازدیوان شاعران بزرگ ایران انتخاب کرده یا خود سروده است. (چاپ تهران)

هزج (ع) ازبحور شعرفارسی وعربی. درعربی مسدس‌آن‌معمول است‌یعنی ۶ بار «مفاعیلن». درفارسی ازاین بحر وزنهای‌زیربسیارمتداول است:

هزج مثمن سالم (مفاعیلن ۴ بار) مثال:

به‌مژگان سیه کردی هزاران رخنه دردینم

بیا کز چشم بیمارت هزاران درد برچینم

هزج مسدس محذوف یا مقصور (مفاعیلن مفاعیلن فعولن - یا مفاعیل) مثال:

دل مسکین من گوئی که خان است

به‌خان اندر ز مهرت کاروان است

هشت‌بهشت (نن) بهشت دارای هشت قسمت است: ۱- خلد ۲- دارالسلام ۳- دارالقرار ۴- جنت عدن ۵- جنت‌المأوی ۶- جنت

النعیم ۷- علیین ۸- فردوس .

هشت بهشت (ك) یکی ازپنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که شاعر آن را درسال ۷۰۱ در حکایت بهرام و به تقلید هفت پیکر نظامی ساخته است .

هفت آباء (نج) کنایه ازهفت فلک

به صدقران بنزاید یکی نتیجه چوتو
زامتزاج چهار امهات و هفت آباء

هفت آسمان (نج) طبقات هفتگانهٔ آسمان

گفتم دعای دولت تو ورد حافظ است
گفت این دعا ملایک هفت‌آسمان کنند

«حافظ»

هفت اختر (نج) هفت‌ستاره که به‌عقیدهٔ قدما عبارت بودند از: خورشید ، ماه ، مریخ ، مشتری ، زحل ، عطارد ، زهره .

سپهر مثل تو از اتصال هفت اختر
زمانه مثل تو از امتزاج چارارکان

«انوری»

هفت اقلیم (نج) قدما کشورها را به‌هفت تقسیم کرده‌اند: کشور نخستین ـ هندوان ، کشور دوم ـ عرب وحبشان ، کشور سوم ـ مصر و شام ، کشور چهارم ـ ایران‌شهر ، کشور پنجم ـ صقلاب روم ، کشور ششم ترك ویأجوج ، کشور هفتم ـ چین وماچین

آنکه هفت‌اقلیم عالم را نهاد هرکسی را آنچه لایق بود داد

«سعدی»

هفت اورنك (نج) رجوع شود به بنات‌النعش .

هفت پدر (نج) رجوع شود به آباء علوی

از بند چهار و هفت برخیز زان مادروزن پدرچه خیزد

هفت پیکر (ك) یا هفت گنبد یا بهرام نامه . یکی از مثنویهای خمسهٔ معروف نظامی داستانسرای بزرگ ایران درقرن ششم که آن را درسال ۵۹۳ به نام علاءالدین کرب ارسلان ساخته است . این منظومه دارای پنجهزاروصدوسی وشش بیت است وموضوع آن داستان بهرام گور است که از داستانهای معروف عهد ساسانی است . نظامی ابتدا کودکی وجوانی بهرام را تاسلطنت اوسروده وبعد قصهٔ هفت گنبد را که به دستور بهرام به هفت رنگ وبرای هفت دختر از شاهان هفت اقلیم ساخته شده بود شرح می دهد . نظامی در این داستان قصه های عجیب و تازه ای ساخته است که از زبان دخترها برای بهرام نقل می شود .

هفت خوان (ش-د) هنگامی که رستم پهلوان زورمند ایرانی برای نجات کاووس به جنگ دیوان مازندران رفت، درراه با هفت حادثه وخطر که درشاهنامه هریک ازآنها «خوان» خوانده شده است روبروشد که برهمهٔ آنها پیروز گشت .

همچنین هنگامی که اسفندیار برای گشودن دژ روئین وآزاد کردن خواهران خود به ترکستان رفت از هفت «خوان» گذشت .

اسفندیار این دژروئین منم به شرط
هر هفته هفتخوان به تنها برآورم
«خاقانی»

هفت دریا — یا دریای هفتگانه . قدما برای زمین هفت دریا تصورمی کردند . ۱- دریای اخضر ۲- دریای عمان ۳- دریای قلزم یا بحراحمر ۴- دریای بربر ۵- دریای افیانوس ۶- بحرالروم

۷- دریای اسود.

سگ به دریای هفتگانه مشوی / که چوتر شد پلیدتر باشد

(سعدی)

هفت‌دوزخ (تن) جهنم دارای هفت طبقه است. ۱- سقر ۲- سعیر ۳- لظی ٤- حطمه ٥- جحیم ٦- جهنم ۷- هاویه.

هفت کشور (رجوع شود به هفت اقلیم)

گوئی اندر کشور ما برنمی‌خیزد وفا

یا خود اندر هفت کشور هیچ جائی برنخاست

«خاقانی»

هقعه (نج) منزل پنجم از منازل قمر که سه ستارهٔ کوچک است مانند پایهٔ دیگ وجادشان برسر جوز است.

چون سه سنگ دیگپایه هقعه برجوزا کنار

چون شرار دیگپایه پیش او خیل پرن

«منوچهری»

هلال (نج) حالتی از ماه که فقط قوس باریکی از آن روبه زمین روشن است. این حالت درشب اول هرماه ودرآغاز شب دیده می‌شود.

قرص مه چون هلال و بدر شود

نعل دیگران و قرص خوان تو باد

«ابوالفرج رونی»

هلالی (ت) نورالدین هلالی استرابادی. مقتول ۹۳۰ — معروف به جغتائی. ازشاعران غزلسرای قرن دهم هجری. هلالی از استراباد به خراسان رفت وبه دربار سلطان ابوالغازی حسین بایقرا راه یافت وتحت حمایت امیرعلیشیرنوائی قرارگرفت. دیوان هلالی شامل غزلهای لطیف

است ومثنویهائی به‌نام «شاه‌ودرویش» و «صفات‌العاشقین» دارد .

(دیوان هلالی — چاپ تهران)

هما (ش—د) دختر بهمن و همسر او . مطابق وصیت بهمن ، پس ازاو تاج را برسرهما که باردار بودنهادند وهما چون به‌شاهی رسید به‌تخت‌وتاج دل‌بست و نخواست شاهی را از دست بدهد ، ازینرو درد زائیدن‌را پوشیده‌داشت وپسری را که‌به دنیا آورد ، درصندوقی گذاشت وآن‌را باقیروموم اسوارکرد وبه آب انداخت و وانمود که کودک مرده است . این کودک که نجات یافت و بعد به سلطنت رسید ، داراب بود .

همام‌تبریزی (ت) خواجه همام‌الدین علائی تبریزی . وفات ۷۱٤ - از شاعران مشهور آذربایجان واز مداحان‌شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان . همام باشیخ سعدی صحبت ومزاح داشته ودرغزل پیرو او بوده است . منظومه‌هائی نیزبه‌نام «صحبت‌نامه» به اسم خواجه شرف‌الدین هارون پسر شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان دارد .

(دیوان همام — چاپ تهران)

همای‌وهمایون (ك) مثنوی عاشقانه اثر شاعربزرگ قرن هشتم خواجوی کرمانی . خواجو این مثنوی را درسال ۷۳۲ به پیروی از شیوهٔ نظامی ساخته و در آن سلطان ابوسعید بهادر و وزیر او غیاث‌الدین محمدرا مدح کرده است . از این داستان پیش از خواجو اثری نیست ومعلوم نیست که‌آیاساختهٔ ذهن‌شاعر است یاریشهٔ‌قدیمتری داشته است .

هندوشاه (پ) محمدبن‌فخرالدین هندوشاه نخجوانی ازمورخان قرن هشتم ومؤلف کتاب «تجارب‌السلف» که آن را درسال ۷۲٤ به‌نام

اتابک نصرة الدین تألیف کرده است .

هوشنگ (ش—د) پسر سیامک که به جنگ دیوان رفت و به کینهٔ پدر دیوان را کشت. آهن در زمان او استخراج شد و آتش بدید آمد و جشن سده بنیان گذاشته شد .

هیولی (ط) مادة المواد واصل جسم را هیولی گویند .

ی

یتیمة‌الدهر (ك) تألیف ابومنصور عبدالملک‌بن محمدبن ثعالبی به زبان عربی در شرح حال شاعران بزرگ عهد مؤلف خاصه شاعران عربی‌گوی ایران که اغلب از رجال وبزرگان عهد او بوده‌اند .

مؤلف این کتاب را بوسیلهٔ ذیلی تکمیل کرده نام آن را « تتمه الیتیمه» گذارده است .

یدبیضا (ن) معجزهٔ موسای پیغمبر که چون دست‌را در بغل می‌کردوبیرون می‌آورد ، نورسفیدی از دستش می‌تافت .

تردامنان چوسر به گریبان فرو برند

سحر آورند و من یدبیضا برآورم

«خاقانی»

یزدان‌شناخت (ك) از آثارمعروف صوفی بزرگ قرن پنجم‌وششم عین‌القضات که آن‌را به زبان فارسی وبه‌نام عزیزالدین مستوفی نوشته است . موضوع کتاب بحث‌درمسائل حکمت والهی وعلوم طبیعی‌است .

یزدگردسوم (ش—ت) آخرین شاه ساسانی که در زمان او سعد وقاص به‌فرمان خلیفه عمر به ایران لشکرکشید ودرمحل قادسیه‌میان ایرانیان وتازیان جنگی درگرفت . رستم فرخزاد سپهسالار ایران‌دراین جنگ کشته‌شد وایرانیان گریختندومداین پایتخت‌ساسانی‌به‌چنگ‌تازیان افتادویزدگرد ازآنجا گریخت وسپاهیان‌خودرا گردآورد . باردیگر جنگی

میان او وسپاه تازیان درنهاوند روی داد وباز ایرانیان شکست یافتند. یزدگرد برای گردآوری سپاه بسوی خراسان شتافت وازراه ری و گرگان به طوس رفت. ماهوی سوری به استقبال او آمد اما چون آرزوی تخت وتاج داشت، ترکان را برضد شاه تحریک کرد و جنگ درگرفت ویاران یزدگرد کشته شدند واوبه آسیائی پناه برد. آسیابان به تحریک ماهوی، شاه را کشت. ازآن پس سراسر ایران به دست تازیان افتاد.

یعقوب (تن) از پیغمبران وپسر اسحق و پدر یوسف که پسران دیگرش یوسف رابه چاه انداختند و پدر را به فراق او مبتلا ساختند، یعقوب درفراق یوسف آنقدر گریست که کورشد. پس ازسالها که یوسف عزیزمصر گشت وبا دلیل یرخود برای قحط سال آذوقه جمع کرد. پسران یعقوب برای خرید غله به مصر رفتند. یوسف ایشان را شناخت و پیراهن خود را برای پدرفرستاد. همینکه برادران پیراهن یوسف را ازمصر خارج کردند بادبوی آن را به مشام یعقوب رساند وچون یعقوب پیراهن را برچشم مالید بینا گشت.

یغمای جندقی (ت) میرزاابوالحسن یغمابن ابراهیم وفات ۱۲۷۶ - ازشاعران عهدقاجار ودربارمحمدشاه، یغما دارای اشعار جد وهزل آمیز است وغزلیاتی دارد به نام سردارنه که باتخلص سردار ساخته شده است دیگر قصابیه که باتخلص قصاب سروده شده است. یغما علاوه برشعر مکتوبها ومراسلاتی دارد که آنها را باانشاء ساده وسهل نوشته و کوشیده است که درآنها لغات پارسی سره به کار برد.

از آثار اومثنوی «خلاصةالافتضاح» و مثنوی «شکوك الدلیل» که به وزن شاهنامه سروده وظاهراً مدح ودرباطن هجو روضه خوانی است که یغما او را رستم السادات خوانده است.

(کلیات یغما . چاپ تهران)

یلدا (نج) رجوع شود به شب یلدا

یمینی (ت) عمیدمحمدبن‌عثمان یمینی کاتب غزنوی از شاعران اواخر عهد غزنوی واز معاصران یمین‌الدوله بهرامشاه غزنوی. یمینی از دانشمندان وبلغاء مشهور به شمار می‌رفته واشعاری‌ازاو درلباب‌الالباب ومجمع‌الفصحاء آمده است .

یوسف (تن) از پیغمبران وپسر یعقوب که از برادران دیگر نزد پدر عزیزتر بود وشبی خواب دید که ماه وستارگان دربرابرش به‌سجده افتاده‌اندوآن‌را برای‌پدروبرادران نقل کرد. برادران بر او حسد بردند وبه بهانهٔ گردش‌وتماشا اورا به‌صحرابردند ودرچاهی انداختند وپیراهن اورا به خون کبوتری آلودند وبه‌پدر گفتند که گرگ اورا خورده است. کاروانی یوسف‌را ازچاه بیرون آورد وبه‌مصر برد وچون‌یوسف درجمال بی‌نظیر بود ، درمصر شهرت یافت ورئیس کاروان اورا به عزیز مصر فروخت . زلیخا زن‌عزیز مصرکه عاشق شده بود، هرچه کرد نتوانست دل یوسف را به دست بیاورد واورا از پاکدامنی دورسازد پس او را متهم کرد وبه زندان افکند ، یوسف براثر تعبیر خواب ملک مصر از زندان نجات یافت و خزانه‌دار گشت. وی درسالهای فراخی غله جمع آوری کرد ودرسالهای قحطی فروخت وبااین تدبیر مردم مصررا از قحط نجات داد وخود عزیزمصر گشت. برادران یوسف که درکنعان ازقحطی به‌جان آمده بودندبرای‌خرید غله روبسوی مصر نهادند ، یوسف ایشان راشناخت ولی باراول ودوم خود رامعرفی نکرد و بارسوم که برادران برای خریدغله آمدند خودرا به‌ایشان‌شناساند وپیراهن خودش‌را برای یعقوب فرستاد تابرچشم بمالد و بینا شود ، همینکه برادران یوسف از

مصر بیرون آمدند بادبوی پیراهن یوسف را به یعقوب رساند. هنگامی که یعقوب پیراهن را برچشم مالید بیناشد وباپسران بهمصر نزد یوسف رفت.

یوسف گمگشته بازآید به کنعان غم مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور

«حافظ»

یوسف سپهر چارم (نج) کنایه ازآفتاب.

چون یوسف سپهر چارم ز چاه دی
آمد به دلو درطلب تخت مشتری

«خاقانی»

یوسف عروضی (ت) از شاعران قرن چهارم. اشعاری ازاو در «لغت فرس اسدی» و کتاب «المعجم» شمس قیس رازی ضبط است.

یوسف نجار (تن) وکیل پدرمریم عمران. روزی که مریم درصومعه درحال غسل کردن بود، جبرئیل خود را به صورت یوسف نجار براو نمایاند و او را به تولد عیسی مژده داد. چون عیسی متولد شد، بنی‌اسرائیل مریم را نکوهش کردند. خدای تعالی عیسی را بهسخن آورد تا ایشان رابه پاکی مادر وپیغمبری خود، بشارت دهد.

یوسف نجار کیست، نوح درو گر که بود
تا ز هنر دم زنند بر در امکان او

«خاقانی»

یوسف وزلیخا (ك) یکی از مثنویهای هفت اورنگ اثر مولانا عبدالرحمن جامی که آن را بهسال ۸۸۸ ساخته است. این مثنوی به‌اسلوب خسرووشیرین نظامی است وازروی سورهٔ یوسف وزلیخا که احسن القصص است به‌نظم آمده است.

یوسف وزلیخا معروفترین اثر جامی است که جلب توجه بسیاری از شاعران را کرده وبه زبانهای خارجی نیز ترجمه شده است .

(چاپ تهران)

یونس (تن) از پیغمبران که چون مردم دعوت اورا نپذیرفتند ، ایشان را نفرین کرد ، خدای تعالی ابری پرآتش برسرایشان فرستاد ، یونس از میان آنها رفت تا اورا نیابند . مردم توبه کردند و خدا توبهٔ ایشان را پذیرفت وبر یونس عتاب کرد که چرا ازمیان مردم غایب شده است و کشتی که یونس درآن نشسته بود ، درغرقاب افتاد . قرعه زدند تا کسی را به آب اندازند؛ سه نوبت قرعه به نام یونس افتاد . یونس خود را به آب انداخت ، ماهیی اورا بلعید واوچهل روزدرشکم ماهی ماند ودر تاریکی شب وتاریکی آب وتاریکی شکم ماهی توبه کرد . خدا توبهٔ اورا پذیرفت واورا ازشکم ماهی بیرون آورد . یونس به سبب ضعف مزاج برلب دریا ماند تا چهل روز آهوئی اورا شیر داد و درختی بر او سایه افکند تاقوت گرفت ونزد قوم خود بازگشت .

قرص خورشید درسیاهی شد یونس اندر دهان ماهی شد

«سعدی»

یهودا (تن) از برادران یوسف

چویوسف نیست کزقحطم رهاند

مرا چه ابن یامین چه یهودا

«خاقانی»

یهودا (تن) از حواریون عیسی که به او خیانت کرد .

منابع کلی که مورد استفاده قرار گرفته است

تاریخ ادبیات ایران	تألیف ادوارد براون (۳ جلد)
جلد اول	ترجمه علی‌پاشا صالح از انتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
از سعدی تا جامی	« علی‌اصغر حکمت از انتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر	« رشید یاسمی چاپخانهٔ روشنائی ـ تهران ۱۳۲۱ شمسی
سخن و سخنوران	تألیف بدیع‌الزمان فروزانفر از نشریات کمیسیون معارف ـ شرکت محدود طبع کتاب
تاریخ ادبیات ایران	« دکتر رضازاده شفق چاپخانهٔ دانش ۱۳۲۱ شمسی
تاریخ ادبیات ایران (۲ جلد)	« دکتر ذبیح‌الله صفا از انتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
حماسه‌سرائی در ایران	« دکتر ذبیح الله صفا از انتشارات مؤسسهٔ امیرکبیر ۱۳۳۳ شمسی
سبک‌شناسی (۳ جلد)	« ملک‌الشعراء بهار از انتشارات مؤسسهٔ امیرکبیر
شعرالعجم ترجمهٔ سید محمدتقی فخرداعی گیلانی	« شبلی نعمانی از انتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
جامی	« علی‌اصغر حکمت چاپخانهٔ بانک ملی ایران ۱۳۲۰ شمسی
لباب‌الالباب به کوشش سعید نفیسی	« محمد عوفی از انتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
تذکرة‌الشعراء	« دولتشاه سمرقندی
مجمع‌الفصحاء به کوشش مظاهر مصفا	« رضاقلی‌خان هدایت از انتشارات مؤسسهٔ امیرکبیر

آتشکدهٔ آذر با مقدمه سید جعفر شهیدی	تألیف لطفعلی بیک آذر بیگدلی از انتشارات مؤسسهٔ نشر کتاب
تذکرهٔ میخانه به اهتمام احمد گلچین معانی	« ملا عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی از انتشارات شرکت نسبی اقبال
ریحانة الادب	« محمدعلی تبریزی (مدرسی) از انتشارات شرکت سهامی طبع کتاب
فرهنگ سروری (مجمع الفرس) به کوشش محمد دبیرسیاقی	« محمدقاسم بن حاجی محمد کاشانی از انتشارات کتابفروشی علی اکبر علمی
فرهنگ رشیدی تصحیح محمد عباسی	« عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی التتوی از انتشارات کتابخانه بارانی ـ تهران
برهان قاطع به اهتمام دکتر محمد معین	« محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص ـ به برهان از انتشارات کتابخانه زوار ـ تهران
فرهنگ آنندراج به اهتمام محمد دبیرسیاقی	« محمد پادشاه متخلص به «شاد» از انتشارات کتابخانه خیام ـ تهران
غیاث اللغات به کوشش محمد دبیرسیاقی	« غیاث الدین محمد رامپوری از انتشارات کانون معرفت ـ تهران
فهرست کتابهای چاپی	« خانبابا مشار از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب
المعجم فی معاییر اشعار العجم تصحیح مدرس رضوی	« شمس قیس رازی از انتشارات دانشگاه تهران
نفایس الفنون فی عرایس العیون تصحیح حاج میرزا ابوالحسن شعرانی	« شمس الدین محمد بن محمود آملی از انتشارات کتابفروشی اسلامیه ـ تهران
وزن شعر فارسی	« دکتر پرویز خانلری از انتشارات دانشگاه تهران
درهٔ نجفی	« نجفقلی میرزا ملقب به آقا سردار چاپ شیراز ۱۳۳۳ قمری
ابدع البدایع	« شمس العلما حاج میرزا حسین گرگانی چاپ تهران ۱۳۲۸ قمری
علم بدیع	« محمدحسین فروغی (ذکاء الملک) چاپ تهران

هنجار گفتار	« حاج سید نصر الله تقوی چاپخانه مجلس-تهران ۱۳۱۷ شمسی
اساس الاقتباس تصحیح مدرس رضوی	« خواجه نصیر الدین طوسی از انتشارات دانشگاه تهران
التفهیم لاوایل صناعة التنجیم تصحیح جلال همائی	« ابوریحان بیرونی چاپخانهٔ مجلس-تهران ۱۳۱۷ شمسی
مفاتیح العلوم	« خوارزمی چاپ مصر
مجمل التواریخ والقصص تصحیح ملک الشعراء بهار	« از انتشارات خاور ۱۳۱۸ شمسی
کشف المحجوب	« هجویری از انتشارات مؤسسه امیر کبیر
درة التاج لغرة الدباج تصحیح سید محمد مشکوة	« قطب الدین محمود بن ضیاء الدین مسعود الشیرازی چاپخانه مجلس - تهران

جز اینها اغلب متون کتابهای نظم ونثر فارسی که ذکر آنها در این کتاب آمده مستقیماً مورد مطالعه قرار گرفته است .